

(۲)

# نگین افشیر

درسنامہ دورہ عمومی معارف مہدویت

مرکز تخصصی مہدویت

حوزہ علمیہ قم

مؤلفان:

محمد امین بالادستیان

محمد مہدی حائری پور

مہدی یوسفیان

## نگین آفرینش (۲)

(درسنامه دوره عمومی معارف مہدویت)  
مرکز تخصصی مہدویت، حوزه علمیہ قم

مؤلفان:

محمد امین بالادستیان  
محمد مہدی حائری پور  
مہدی یوسفیان

سرشناسه	:	بالادستیان، محمدامین، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور	:	نگین آفرینش (درسنامه دوره مقدماتی معارف مهدویت) / مؤلفان محمدامین بالادستیان، محمد مهدی حائری پور، مهدی یوسفیان.
وضعیت ویراست	:	[ویراست ؟]
مشخصات نشر	:	قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی امامت و مهدویت، ۱۳۸۷ -
شابک	:	۹-۹۴-۶۲۶۲-۶۰۰-۹۷۸ (ج. ۱)؛ ج. ۲
یادداشت	:	چاپ سیزدهم
یادداشت	:	ج. ۲ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیا).
یادداشت	:	ناشر جلد دوم بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) است.
یادداشت	:	عنوان جلد: آموزش معارف مهدویت: درسنامه دوره مقدماتی.
یادداشت	:	کتابنامه.
عنوان روی جلد	:	آموزش معارف مهدویت: درسنامه دوره مقدماتی.
موضوع	:	محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - غیبت
موضوع	:	محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - سرگذشتنامه
موضوع	:	مهدویت - انتظار
شناسه افزوده	:	حائری پور، محمد مهدی، ۱۳۴۸ -
شناسه افزوده	:	یوسفیان، مهدی، ۱۳۴۹ -
شناسه افزوده	:	بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، مرکز تخصصی امامت و مهدویت
رده بندی کنگره	:	۱۳۸۷، ب/۲۲۴/۴، BP۲۲۴/۴
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۷۱۱۹۱۰۲

## نگین آفرینش (۲)

### (درسنامه دوره عمومی معارف مهدویت)



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود  
انتشارات

- مؤلفان: محمدامین بالادستیان، محمد مهدی حائری پور، مهدی یوسفیان
- ویراستار: محمدرضا مجیری
- صفحه آرا: رضا فریدی
- طراح جلد: عباس فریدی
- ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام
- نوبت چاپ: بیست و هفتم / پاییز ۱۴۰۱ (چاپ اول ۱۳۹۲)
- شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۹۲۶۰۶-۱-۶
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۹۴-۹
- شمارگان: دو هزار و پانصد نسخه (تاکنون هفتاد و یک هزار نسخه)
- قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

- قم: خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / پ: ۲۶ / تلفن: ۰۱ / ۳۷۸۴۱۱۳۰ - ۰۲۵ / شماره: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۴۲۷۳
- تهران: خیابان طالقانی / میدان فلسطین / شماره ۳۸۷ / تلفن: ۰۲۱ - ۸۹۰۰۰۵۹

- [www.mahdaviat.ir](http://www.mahdaviat.ir)
- [info@mahdaviat.ir](mailto:info@mahdaviat.ir)
- [Entesharatbonyad@chmail.ir](mailto:Entesharatbonyad@chmail.ir)

**بنیاد حضرت مهدی موعود علیه السلام در استان‌ها پاسخگوی درخواست‌های متقاضیان کتاب و محصولات فرهنگی بنیاد و مرکز تخصصی مهدویت می‌باشد.**

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست مطالب

مقدمه .....	۱۳
<b>درس اول: ادعیه و زیارات مهدوی (۱)</b> .....	۱۵
سیری در ادعیه و زیارات مهدوی .....	۱۸
سیمای حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> در ادعیه و زیارات .....	۲۰
الف. ویژگی‌های شخصی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> .....	۲۱
ب. ویژگی‌های شخصیتی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> .....	۲۲
۱. القاب امام عصر <small>علیه السلام</small> .....	۲۲
۲. اوصاف امام عصر <small>علیه السلام</small> .....	۲۳
۳. مقامات و شئون امام مهدی <small>علیه السلام</small> .....	۲۵
پرسش‌های درس .....	۲۹
پرسش‌های پژوهشی .....	۲۹
<b>درس دوم: ادعیه و زیارات مهدوی (۲)</b> .....	۳۱
آثار دُعا و زیارت .....	۳۲
۱. مودت اهل بیت و به ویژه محبت امام عصر <small>علیه السلام</small> .....	۳۲
۲. ذکر و شکر .....	۳۳
۳. نیکی به امام و سپاس از او .....	۳۳
۴. عنایت امام برای دعاکننده .....	۳۴
چگونه برای امام <small>علیه السلام</small> دعا کنیم؟ .....	۳۶
برکات ادعیه و زیارات مأثور .....	۳۷
۱. آثار معرفتی .....	۳۷
الف. مروری بر اعتقادات حق که هویت مکتبی و دینی ماست .....	۳۷
ب. مروری بر وظائف و تکالیف شیعیان نسبت به امام .....	۳۸
ج. شناساندن جایگاه الهی امام و اوصاف و مقامات او .....	۳۸
د. ترسیم معیار حق و باطل .....	۳۹
هـ. ترسیمی از جهان پس از ظهور .....	۳۹

۴۰	..... ۲. آثار عملی و رفتاری
۴۱	..... ۳. آثار عاطفی و قلبی
۴۳	..... ۴. آثار اجتماعی
۴۴	..... جمع‌بندی بحث
۴۶	..... پرسش‌های درس
۴۶	..... پرسش‌های پژوهشی
<b>۴۷</b>	<b>..... درس سوم: منجی در یهود</b>
۴۸	..... آشنایی با یهودیت
۵۱	..... منجی در یهود
۵۲	..... خاستگاه منجی باوری در یهود
۵۲	..... سیر تاریخی منجی باوری در یهود
۵۳	..... مدعیان مسیحایی
۵۴	..... انتظار مسیحا در عصر حاضر
۵۵	..... ویژگی‌های منجی یهود
۵۵	..... الف. ویژگی‌های شخصی
۵۵	..... ب. ویژگی‌های شخصیتی
۵۵	..... بشارت مسیحای موعود در کتب یهود
۵۷	..... آخرالزمان و جهان پیش از ظهور
۵۸	..... پیامدهای موعودباوری در یهود
۶۰	..... پرسش‌های درس
۶۰	..... پرسش‌های پژوهشی
<b>۶۱</b>	<b>..... درس چهارم: منجی در مسیحیت و آئین زردشت</b>
۶۲	..... آشنایی با مسیحیت
۶۵	..... عیسی <small>علیه السلام</small> موعود یهود
۶۶	..... بررسی مفهوم نجات و منجی در مسیحیت
۶۷	..... آشنایی با آئین زردشت
۶۸	..... منجی در آئین زردشتی
۶۹	..... وجوه مشترک بین ادیان در حوزه موعودباوری
۶۹	..... یک. دخالت خدا در زمین
۷۰	..... دو. چشم‌انداز روشن برای آینده جهان

۷۰	..... آثار و برکات اجتماعی موعودباوری
۷۰	..... ۱. شکل‌گیری آرمان معنوی
۷۰	..... ۲. امیدبخشی
۷۱	..... ۳. هویت‌بخشی و از بین رفتن بحران معنوی
۷۱	..... ۴. صبر و پایداری برای حق
۷۳	..... پرسش‌های درس
۷۳	..... پرسش‌های پژوهشی
<b>۷۵</b>	<b>..... درس پنجم: تاریخ عصر غیبت</b>
۷۶	..... پیش‌زمینه‌های غیبت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۷۶	..... غیبت صغرا، آغاز و انجام آن
۷۷	..... شهادت امام عسکری <small>علیه السلام</small> و نماز بر آن حضرت
۷۷	..... داستان سرداب مقدس
۷۸	..... اختلافات فرقه‌ای پس از شهادت امام عسکری <small>علیه السلام</small>
۷۹	..... نایبان چهارگانه امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۸۰	..... نایب اول؛ عثمان بن سعید عمری
۸۱	..... نایب دوم؛ ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری
۸۲	..... نایب سوم؛ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی
۸۳	..... نایب چهارم؛ ابوالحسن علی بن محمد سمري
۸۴	..... ملاک‌های گزینش نایبان خاص
۸۴	..... الف. تقیه و پنهان‌کاری
۸۵	..... ب. استواری و مقاومت
۸۵	..... ج. زیرکی و درایت
۸۶	..... شیوه ارتباط شیعیان با نایبان خاص
۸۶	..... وظایف و مسئولیت‌های نایبان در غیبت صغرا
۹۰	..... پرسش‌های درس
۹۰	..... پرسش‌های پژوهشی
<b>۹۱</b>	<b>..... درس ششم: سازمان و کالت</b>
۹۲	..... وکالت چیست و وکیل کیست؟
۹۲	..... عوامل شکل‌گیری سازمان وکالت و استمرار آن
۹۳	..... ۱. ضرورت ارتباط میان رهبری و پیروان

۲. تعیین تکلیف برای شیعیان در زمان حبس و حصر امامان ..... ۹۳
۳. آماده کردن شیعیان برای ورود به عصر غیبت ..... ۹۳
- بررسی محدوده زمانی فعالیت سازمان و کالت ..... ۹۴
- گستره جغرافیایی فعالیت سازمان و کالت ..... ۹۴
- معرفی مهم‌ترین و کلای امامان علیهم‌السلام و منطقه فعالیت آن‌ها ..... ۹۵
- وظایف و مسئولیت‌های سازمان و کالت ..... ۹۷
۱. دریافت وجوه شرعی و تحویل آنها به امام ..... ۹۷
۲. راهنمایی و ارشاد شیعیان و مناظره‌ها مخالفان ..... ۹۷
- ساختار سازمان و کالت ..... ۹۸
۱. رهبری سازمان ..... ۹۹
۲. وکیل ارشد یا سروکیل ..... ۹۹
۳. وکلای ثابت و سیار ..... ۱۰۰
- ویژگی‌ها و شرایط لازم برای وکیلان ..... ۱۰۰
۱. بهره‌مندی از عدالت و پرهیزگاری ..... ۱۰۰
۲. برخورداری از صفت امانتداری ..... ۱۰۱
۳. رازداری و پنهان‌کاری ..... ۱۰۲
- مذعیان دروغین و کالت ..... ۱۰۲
- پرسش‌های درس ..... ۱۰۵
- پرسش‌های پژوهشی ..... ۱۰۵
- درس هفتم: ولایت فقیه ..... ۱۰۷**
- سرپرستی شیعیان در عصر غیبت کبری ..... ۱۰۸
- مفهوم‌شناسی ولایت فقیه ..... ۱۰۸
- پیشینه نظریه ولایت فقیه ..... ۱۰۹
- ادله ولایت فقیه ..... ۱۱۱
- بررسی و تحلیل دلیل عقلی بر ولایت فقیه ..... ۱۱۱
- ولایت فقیه در روایات ..... ۱۱۲
۱. توقیع امام عصر علیه‌السلام ..... ۱۱۲
- راویان حدیث ائمه چه کسانی هستند؟ ..... ۱۱۳
۲. مقبوله عمر بن حنظله ..... ۱۱۵
- وظایف و اختیارات ولی فقیه ..... ۱۱۷



۱۱۸.....	ویژگی‌های فقیه جامع‌الشرایط.....
۱۱۸.....	۱. اجتهاد و آگاهی کافی از اسلام.....
۱۱۸.....	۲. تقوا و عدالت.....
۱۱۹.....	۳. تدبیر و مدیریت.....
۱۲۰.....	ولایت مطلقه فقیه و خطر دیکتاتوری.....
۱۲۳.....	پرسش‌های درس.....
۱۲۳.....	پرسش‌های پژوهشی.....
<b>۱۲۵.....</b>	<b>درس هشتم: جلوه‌های محبت امام مهدی (عج)</b>
۱۲۸.....	جلوه‌های مهربانی امام زمان (عج).....
۱۲۸.....	۱. غم‌خواری.....
۱۳۰.....	۲. دعا کردن.....
۱۳۲.....	۳. نام بردن.....
۱۳۳.....	۴. سلام دادن.....
۱۳۴.....	۵. هدیه دادن.....
۱۳۴.....	۶. حکمت‌ها.....
۱۳۶.....	۷. تعیین نائب.....
۱۳۷.....	۸. فریاد رسی.....
۱۳۹.....	۹. حضور در مراسم حج.....
۱۴۱.....	۱۰. تعلیم.....
۱۴۳.....	پرسش‌های درس.....
۱۴۳.....	پرسش‌های پژوهشی.....
<b>۱۴۵.....</b>	<b>درس نهم: مهدی ستیزان (گونه‌شناسی دشمنان مهدویت)</b>
۱۴۷.....	اهداف مهدی ستیزان.....
۱۴۷.....	گونه‌شناسی مهدی ستیزان.....
۱۴۸.....	۱. صهیونیسم مسیحی.....
۱۴۹.....	۲. فرقه‌های انحرافی.....
۱۵۰.....	۳. دگراندیشان.....
۱۵۰.....	۴. مستشرقان.....
۱۵۱.....	۵. مدعیان دروغین.....
۱۵۲.....	ریشه‌های مهدی ستیزی.....

۱۵۲.....	۱. جهل و نادانی.....
۱۵۳.....	۲. دنیاخواهی و منفعت‌طلبی.....
۱۵۴.....	۳. تعصب باطل.....
۱۵۴.....	۴. خودمحوری و استکبار.....
۱۵۶.....	پرسش‌های درس.....
۱۵۶.....	پرسش‌های پژوهشی.....
<b>۱۵۷.....</b>	<b>درس دهم: مهدی ستیزان (شیوه‌های مقابله با مهدویت)</b>
۱۵۸.....	ابزارهای ستیز.....
۱۶۰.....	شیوه‌های مهدی ستیزی.....
۱۶۰.....	۱. انکار.....
۱۶۱.....	۲. تخریب.....
۱۶۲.....	۳. تحریف.....
۱۶۳.....	۴. جایگزین‌سازی.....
۱۶۵.....	راه‌های مقابله با مهدی ستیزان.....
۱۶۵.....	۱. معرفت‌افزایی و جهل‌زدایی.....
۱۶۶.....	۲. افشاگری درباره مهدی ستیزان.....
۱۶۶.....	۳. تقویت هویت مکتبی و شیعی.....
۱۶۹.....	پرسش‌های درس.....
۱۶۹.....	پرسش‌های پژوهشی.....
<b>۱۷۱.....</b>	<b>درس یازدهم: فرقه‌های انحرافی (۱)</b>
۱۷۳.....	مفهوم‌شناسی فرق انحرافی و ضرورت شناخت آن‌ها.....
۱۷۳.....	علل پیدایش و رشد فرقه‌های انحرافی.....
۱۷۳.....	۱. جهل و نادانی.....
۱۷۴.....	الف. برداشت نادرست از آیات و روایات.....
۱۷۴.....	ب. سوء استفاده از علاقه مردم به امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
۱۷۵.....	ج. نیرنگ‌بازی و عوام‌فریبی.....
۱۷۵.....	۲. بی‌تقوایی و ضعف ایمانی.....
۱۷۶.....	۳. دنیاگرایی و منفعت‌جویی.....
۱۷۶.....	۴. مشکلات اجتماعی.....
۱۷۷.....	۵. دخالت‌های بیگانگان.....

۱۷۷.....	مقابله با فرق انحرافی.....
۱۷۹.....	آشنایی با فرقه‌های انحرافی.....
۱۷۹.....	فرقه شیخیه.....
۱۷۹.....	شیخ احمد احسائی.....
۱۸۰.....	انشعابات شیخیه.....
۱۸۱.....	مبنای فکری عقاید احسائی.....
۱۸۲.....	عقائد شیخیه.....
۱۸۲.....	دیدگاه شیخیه درباره امام غایب.....
۱۸۳.....	اعتقاد به رکن رابع.....
۱۸۶.....	پرسش‌های درس.....
۱۸۶.....	پرسش‌های پژوهشی.....
<b>۱۸۷.....</b>	<b>درس دوازدهم: فرقه‌های انحرافی (۲).....</b>
۱۸۸.....	پیدایش بابیت.....
۱۸۸.....	علی محمد شیرازی.....
۱۸۹.....	ادعای بابیت.....
۱۹۰.....	حروف حی.....
۱۹۰.....	ادعای مهدویت.....
۱۹۱.....	ادعای نبوت.....
۱۹۱.....	واکنش علما و توبه باب.....
۱۹۲.....	أشوب و فتنه بایان.....
۱۹۲.....	واقعه بدشت.....
۱۹۳.....	اعدام باب.....
۱۹۳.....	احکام باب.....
۱۹۴.....	سیر پیدایش و شکل‌گیری بهائیت.....
۱۹۴.....	میرزا حسین علی نوری کیست؟.....
۱۹۶.....	ادعاهای میرزا حسین علی نوری.....
۱۹۷.....	جانشینان بهاء.....
۱۹۸.....	استعمار و فرقه‌های انحرافی.....
۱۹۹.....	استعمار و بهائیت.....
۱۹۹.....	۱. روسیه.....

- 
۲. انگلستان..... ۲۰۰
۳. آمریکا..... ۲۰۰
۴. اسرائیل غاصب و یهود..... ۲۰۱
- انقلاب اسلامی و بهائیت..... ۲۰۴
- چرا بهائیت، دین نیست؟..... ۲۰۵
- پرسش‌های درس..... ۲۰۸
- پرسش‌های پژوهشی..... ۲۰۸
- کتابنامه..... ۲۰۹

## مقدمه

الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله

مهدویت از اصیل ترین عقاید اسلامی و مهم ترین معارف مکتب اهل بیت علیهم السلام است. در آیات قرآن کریم و روایات اسلامی که در کتب فریقین آمده است بشارت ظهور امام مهدی علیه السلام و حکومت عدالت گستر او به مسلمانان داده شده است. یکی از اولویت های حوزه های علمیه و عالمان دینی، بحث و بررسی متون دینی و پاسخ به شبهات موجود در ارتباط با موضوع مهدویت است. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و مرکز تخصصی مهدویت که از رشته های تخصصی حوزه علمیه قم است به این مهم، اقدام نموده و ضمن تربیت نیروی علمی کارآمد، آثار متعددی را به محققان و نیز عموم علاقمندان به مباحث مهدویت، تقدیم کرده است. در این میان، کتاب «نگین آفرینش» به عنوان درسنامه دوره مقدماتی مباحث مهدویت مورد استقبال اقشار مختلف فرهنگی قرار گرفت و بارها تجدید چاپ شد.

از آنجا که بعضی از عناوین مباحث مهدویت در این کتاب مطرح نشده و آگاهی و اطلاع مهدی پژوهان در این موضوعات، لازم و ضروری بود، گروه مولفان نگین آفرینش، مهم ترین مباحث باقی مانده را شناسائی کرده و پس از بحث و بررسی موضوعات در جلسات علمی فراوان و گفت و گو با صاحب نظران، در قالب کتاب حاضر، با نام «نگین آفرینش ۲» به عموم علاقمندان امام عصر علیه السلام تقدیم می کند.

گفتنی است در تدوین «درس های چهارم و پنجم» این مجموعه، از کتاب «تاریخ عصر غیبت» - اثر حجت الاسلام و المسلمین پورسید آقائی و دیگران - و در تدوین بخش هایی از

«درس هشتم» از کتاب مهدی ستیزان - اثر حجت الاسلام و المسلمین محمدصابر جعفری -  
 بهره بردیم.

در پایان لازم است از مدیر محترم مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم حجه الاسلام و  
 المسلمین آقای مجتبی کلباسی و همه عزیزان همکار به ویژه حجج اسلام آقایان محمدرضا  
 نصوری و حجت حیدری چراتی و محمد شهبازیان - که در بحث فرقه‌های انحرافی و  
 مهدی ستیزان - ما را یاری کردند تشکر کنیم. امید است که وجود مقدس حضرت ولی  
 عصر علیه السلام این اثر ناچیز را از ما بپذیرند و ما را در زمره یاوران خاص خود قرار دهند.

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِيضَاعَةَ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ  
 اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ﴾؛ (سوره یوسف / آیه ۸۸).

مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم  
 بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

# دروسی اول

---

## ادعیه و زیارات مهدوی (۱)

---

### اهداف

۱. آشنایی کلی با ادعیه و زیارات مهدوی
۲. شناخت امام مهدی علیه السلام در پرتو ادعیه و زیارات

### فوائد

۱. تبیین بیشتر معارف مهدوی
۲. شناخت جایگاه ادعیه در تبیین مهدویت

### مطالب آموزشی

- سیری در ادعیه و زیارات مهدوی  
سیمای حضرت مهدی در ادعیه و زیارات
- الف. ویژگی‌های شخصی  
ب. ویژگی‌های شخصیتی
۱. القاب
  ۲. اوصاف
  ۳. مقامات و شئون

«دعا» به معنای خواندن و مناجات با خدا، از مهم‌ترین عبادات است که در قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام جایگاه بسیار والایی دارد.

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ﴾<sup>۱</sup>

بگو: اگر دعایتان نباشد، پروردگارم به شما توجهی نمی‌کند.

و پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است:

الدُّعَاءُ مَخُّ الْعِبَادَةِ<sup>۲</sup>

دعا مغز عبادت است.

اهمیت دعا به دلیل ارتباط معنوی و روحانی‌ای است که در قالب راز و نیاز با خالق و پروردگار عالم به دست می‌آید. به عبارت دیگر، آدمی در حال دعا از همه چیز و همه کس منقطع و به عالم غیب و ملکوت متصل می‌شود و رحمت و فیض بی‌کران الهی را برای خود جلب می‌کند و این فرصتی بی‌نظیر و دستاوردی بی‌بدیل است که در بُحران‌ها و طوفان‌ها بهترین پناهگاه بندگان خداست.

دوره غیبت نیز دوره فتنه‌ها و خطرها و انحراف‌هاست. پیروان امام غایب باید در تمام فراز و نشیب عصر غیبت، هم‌نگهبان عقاید خود باشند و هم مراقب رفتارهای خود که مبادا از چارچوب پیروی از امام، بیرون روند و گرفتار دام‌های شیاطین شوند. یکی از مهم‌ترین وسائل

۱. سورة فرقان: ۷۷.

۲. بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۰۰.



و دستاویزها، دُعا و ارتباط با خدا و نیز ارتباط با امام است تا اینکه او را از یاد نبرند و در قالب ذکر و دعا و زیارت با او پیوند داشته باشند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«سَتَصِيبُكُمْ شُبُهَةٌ فَتَبْقُونَ بِمَا عِلْمٌ يُرَىٰ وَ لَا إِمَامٌ هُدَىٰ لَّا يَنْجُوا مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا بِدُعَاءِ الْغَرِيقِ».

قُلْتُ: وَ «كَيْفَ دُعَاءُ الْغَرِيقِ؟» قَالَ: «تَقُولُ: يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَىٰ دِينِكَ»<sup>۱</sup>

«شبهه‌ای به شما خواهد رسید و شما بدون راهنما و امامی هدایت کننده باقی خواهید ماند. از آن شبهه، کسی نجات پیدا نمی‌کند، مگر آن‌کس که با «دعای غریق» خدا را بخواند». راوی گوید: «دعای غریق چگونه است؟» امام می‌فرماید: «می‌خوانی: ای خدا! ای مهربان! ای بخشنده! ای دگرگون کننده قلب‌ها! قلب مرا بر دین خود [و پیروی از آن] ثابت بدار».

در این دعا تأکید شده است که در زمان غیبت آن امامی که پرچم هدایت است باید برای ثبات قدم و استواری بر دین خدا، دعا کنیم و این، نشان‌گر جایگاه مهم دعا است.

امام عسکری علیه السلام فرمود:

وَ اللَّهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَّا يَنْجُوا فِيهَا مِنَ التَّهْلُكَةِ إِلَّا مَنْ يُشَبِّتُهُ اللَّهُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَفَّقَهُ لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ<sup>۲</sup>

او غیبتی طولانی خواهد داشت که در آن [غیبت] هیچ‌کس نجات نمی‌یابد، مگر کسی که خدای تعالی او را در اعتقاد به امامت ثابت بدارد و در دعا به تعجیل فرج، موفق سازد.

البته از زاویه دیگر، دعا کردن برای امام عصر علیه السلام یک وظیفه مهم برای منتظران آن حضرت است که مورد عنایت ویژه امامان علیهم السلام بوده است. در روایات آمده است که حضرت امام رضا علیه السلام به دعا کردن برای صاحب الامر علیه السلام امر می‌کرد و می‌فرمود: این‌گونه برای او دعا کنید:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيَّكَ وَ خَلِيفَتِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ... وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَن يَمِينِهِ وَ عَن شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ... أَيَّدْهُ

۱. همان، ج ۵۲، ص ۱۴۹.

۲. همان.

بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ وَ أَيْدِيهِ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ ..... وَ وَالٍ مِّنْ وَالَاهُ وَ عَادٍ مِّنْ عَادَاهُ...؛<sup>۱</sup>  
 خدایا! [هر بلایی را] دور کن از ولایت و خلیفه‌ات و حجت خود بر  
 بندگان... و او را از پیش‌رو و از پشت‌سر و از راست و چپ و از بالا و  
 پایین، حفظ فرما... و او را به نصرت غالب خود، یاری کن و به لشکر  
 پیروز خود تأیید فرما... و دوست دار هر کس را که دوستش دارد و دشمن  
 دار هر که با او دشمنی ورزد....

بنابراین دعا کردن و ارتباط معنوی و روحانی با امام غایب، یکی از اصول رفتاری شیعه در  
 عصر غیبت است که آثار و فواید فراوانی دارد.

### سیری در ادعیه و زیارات مهدوی

قبل از بحث و بررسی درباره متون ادعیه و زیارات مهدوی، مناسب است نگاهی کلی به  
 این موضوع بیفکنیم:

۱. در این بحث، مقصود، بررسی دعاها و نیز زیارات مهدوی است. دُعا به معنای خواندن  
 خدا و درخواست از اوست و زیارت یعنی سلام دادن به امام و عرض ارادت و اخلاص به  
 محضر او.

برای مثال در دعای سلامتی حضرت، روی سخن و مناجات با خدای مهربان است و از او  
 می‌خواهیم که برای امام عزیز ما نگهبان و دیده‌بان و راهنما و یاور باشد؛<sup>۲</sup> ولی در زیارت آل  
 یاسین که با امام زمان علیه السلام سخن می‌گوییم آن حضرت را با اوصاف و ویژگی‌های فراوانش  
 مورد خطاب قرار داده، در هر فراز به محضر نورانی‌اش سلامی تقدیم می‌کنیم و محبت و  
 ارادات خود را اعلام می‌نماییم.

۲. دعاها و زیارات مهدوی دو بخش است:

الف. ادعیه و زیاراتی که از امام مهدی علیه السلام نقل شده است و در عصر غیبت صغرا به وسیله

۱. همان، ج ۹۲، ص ۳۳۰.

۲. متن دُعا این است: «اللَّهُمَّ كُنْ لِيُؤْتِيكَ الْحَجَّةُ بن الحسن صلواتك عليه و على آبائه في هذه السَّاعَةِ  
 وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيَاً وَ حَافِظاً وَ قَائِداً وَ نَاصِراً وَ دَلِيلاً وَ عَيْناً حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا  
 طَوِيلاً»؛ (مفاتيح الجنان - اعمال شب بیست و سوم ماه رمضان).

نائبان خاص حضرت به دست شیعه رسیده است؛ مانند زیارت آل یاسین و دعای فرج.

ب. ادعیه و زیاراتی که از معصومان علیهم السلام و درباره امام مهدی علیه السلام نقل شده است؛ مثل دعای عهد و زیارت صاحب الامر علیه السلام در سرداب مقدس سامراء.<sup>۱</sup>

۳. دعا کردن برای امام مهدی علیه السلام و توسل به آن حضرت و زیارت آن بزرگوار، زمان و مکان خاصی ندارد. شیعیان و منتظران آن عزیز، در هر زمان و مکانی می‌توانند با او نجوایی داشته و درود و سلام خود را به محضرش تقدیم کنند و عهد و پیمان خود را با او تجدید نمایند؛ گرچه از روزهای هفته، روز جمعه مطابق روایات به امام عصر علیه السلام اختصاص یافته است.<sup>۲</sup> بنابراین برای این روز، زیارتی خاص نقل شده است که با عنوان زیارت امام زمان در روز جمعه خوانده می‌شود.<sup>۳</sup> از میان دعاها، «دعای ندبه» نیز برای روز جمعه وارد شده است و نیز در اوقات شبانه‌روز، زیارتی برای آن حضرت پس از نماز صبح ذکر شده است.<sup>۴</sup>

در میان مکان‌ها نیز باید گفت: زیارت امام مهدی علیه السلام در هر مکانی به ویژه مکان‌های مقدس - مانند مساجد و مشاهد مشرفه معصومان علیهم السلام - مناسب است؛ ولی در سرداب مقدس سامراء به ویژه زیارتی خاص روایت شده است.

گفتنی است که در برخی از روایات، توسل به ساحت قدسی امام عصر علیه السلام در قالب نماز امام زمان علیه السلام با آداب خاصی وارد شده است که در مسجد سهله<sup>۵</sup> و مسجد جمکران<sup>۶</sup> و یا مکان‌های دیگر انجام می‌شود.

- 
۱. این سرداب در منزل امام عسکری علیه السلام در سامراء قرار داشته که محل عبادت آن حضرت نیز بوده است.
  ۲. بحار الانوار، ج ۷، ص ۵۹، ح ۳.
  ۳. این زیارت با این فرازها شروع می‌شود: السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدُونَ بِهِ الْمُهْتَدُونَ وَيُفْرَجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ (مفاتیح الجنان، فصل پنجم، زیارات ائمه علیهم السلام در ایام هفته).
  ۴. این زیارت در مفاتیح الجنان پس از دعای ندبه، نقل شده است.
  ۵. مسجد سهله از مساجد بسیار مهم و مقدس است که مطابق روایات، منزل امام عصر علیه السلام در دوره ظهور خواهد بود و از دیرزمان، مورد توجه امامان علیهم السلام و نیز علمای شیعه بوده است و برای عبادت و نماز و دعا ویژگی و آداب خاصی دارد.
  ۶. مسجد جمکران در نزدیکی شهر قم است که طبق نقل شیخ صدوق در کتاب تاریخ قم به دستور امام عصر علیه السلام بنا شده است و در طول سالیان متمادی مورد توجه علما و صالحان بوده است.

۴. در کتاب‌های ادعیه و زیارات که علمای شیعه مانند سید ابن طاووس و علامه مجلسی و شیخ عباس قمی تألیف کرده‌اند،<sup>۱</sup> دعاها و زیارات بسیاری برای امام زمان علیه السلام نقل شده است<sup>۲</sup> که مواردی از آن‌ها مورد توجه و توصیه خاص آن عالمان بوده و در میان شیعیان شهرت بیشتری یافته است.

مناسب است در اینجا فهرست کوتاهی از ادعیه و زیارات مهدوی را که در کتاب *مفاتیح الجنان* آمده است بیان کنیم تا موجب آشنایی و انس بیشتر علاقه‌مندان، با این مجموعه باشد:

۱. زیارت امام زمان علیه السلام در روز جمعه (باب اول، فصل پنجم)؛
۲. استغاثه به امام زمان علیه السلام (سلام الله الكامل التام) (باب اول، فصل هفتم)؛
۳. دعای فرج حضرت حجت علیه السلام (الهی عظم البلاء)، (باب اول، فصل هفتم)؛
۴. دعای «اللهم ارزقنا توفیق الطاعة» (باب اول، فصل هفتم)؛
۵. دعای سلامتی امام زمان علیه السلام (اللهم کن لولیک) (باب دوم، فصل سوم، بخش اعمال ماه رمضان، در اعمال شب بیست و سوم)؛
۶. زیارت آل یاسین (باب سوم، فصل دهم)؛
۷. زیارت امام زمان علیه السلام در سرداب مقدس سامراء (باب سوم، فصل دهم)؛
۸. صلوات بر ولی الامر المنتظر علیه السلام (باب سوم، فصل دهم)؛
۹. دعای ندبه (باب سوم، فصل دهم)؛
۱۰. دعای عهد (باب سوم، فصل دهم)؛
۱۱. دعای امام رضا علیه السلام برای امام زمان علیه السلام (باب سوم، فصل دهم)؛
۱۲. دعای غیبت امام زمان علیه السلام (ملحقات مفاتیح الجنان).

---

۱. کتاب سید بن طاووس اقبال و کتاب مرحوم مجلسی *زاد المعاد* نام دارد و *مفاتیح الجنان* نیز تألیف شیخ عباس قمی است که معروف‌ترین کتاب ادعیه و زیارات و اعمال است.  
 ۲. بعضی از معاصران، مجموعه ادعیه و زیارات مهدوی را در صحیفه‌ای با عنوان *صحیفه مهدیه* گردآوری کرده‌اند.

سیمای حضرت مهدی علیه السلام در ادعیه و زیارات

بدون شک، دعا‌های رسیده از معصومان علیهم السلام گنجینه بی‌پایان معارف و سرچشمه جوشان حکمت‌های ناب برای همه حق‌جویان و تشنگان معرفت و سعادت است؛ زیرا آن بزرگواران قلّه بلند و دریای بی‌کران علوم و حکمت‌های الهی و باب علم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند. به راستی اگر اندیشه و سخن و مناجات آن‌ها به ما نمی‌رسید، دست ما از بخش عمده‌ای از معارف آسمانی، کوتاه بود.<sup>۱</sup>

ادعیه و زیارات مهدوی نیز در همان حال که مناجات با خدا و عرض ارادت و اخلاص به محضر ولیّ زمان و حجت دوران است، سندی محکم برای شناخت بیشتر و عمیق‌تر از شخصیت امام عصر علیه السلام و مسائل مربوط به آن بزرگوار - نظیر غیبت، انتظار و ظهور - است. در این بخش، سیمای مهدی علیه السلام را در آینه دعا و زیارت بررسی می‌کنیم:

**الف. ویژگی‌های شخصی حضرت مهدی علیه السلام**

در بسیاری از ادعیه و زیارات، امام مهدی علیه السلام به نام و نسب و تبار معرفی شده است؛ یعنی او فردی معین، زنده و شناخته شده است، نه آرمانی که در آینده، متولد شده و قیام خواهد کرد. برخی از آن ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. او، از نسل پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از فرزندان علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام است.

در دعای ندبه می‌خوانیم:

أَيْنَ ابْنِ التَّبِيِّ الْمُصْطَفَى، وَ ابْنِ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، وَ ابْنِ خَدِيجَةَ الْغُرَاءِ، وَ ابْنِ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى؛

کجاست پسر پیامبر برگزیده و پسر علی مرتضی و پسر خدیجه، آن صاحب سیمای نورانی و پسر فاطمه کبری؟

۲. او، همانم رسول خدا صلی الله علیه و آله و از عترت پاک او علیهم السلام است.

در دعای عهد آمده است:

فَاطْهَرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَ لِيكَ وَ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ؛

۱. کتاب گران‌سنگ صحیفه سجادیه نمونه روشن این ادعاست که به اعتراف همگان، مجموعه‌ای بی‌نظیر و تحسین‌برانگیز است.

خدایا! آشکار کن برای ما ولی خود و پسر دختر پیامبرت را؛ همان که به نام پیامبرت نامیده شده.

در دعای ندبه نیز آمده است:

أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ الْهَادِيَّةِ؛

کجاست بقیه الله [= ذخیره خدا] که از عترت هدایت‌گر، بیرون نیست؟

۳. او، فرزند حسن بن علی العسکری علیه السلام است.

رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَ بِعَلِيِّ وَلِيًّا وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ..... وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ أَيْمَّةً؛<sup>۱</sup>

خدای را به پروردگاری پسندیدم و اسلام را به عنوان دین خود پذیرفتم و راضی شدم به اینکه محمد صلی الله علیه و آله، پیامبر و علی علیه السلام امام باشد و حسن و حسین ... و امام حسن بن علی و حجت بن الحسن علیه السلام امامان من باشند.

ب. ویژگی‌های شخصیتی حضرت مهدی علیه السلام

به راستی مهدی علیه السلام چه جایگاهی در عالم دارد؟ مقامات و شئون او کدامند و صاحب چه اوصاف و ویژگی‌هایی است؟ پاسخ به این پرسش‌ها چهره روشن و شفافی از موعود قرآن را آشکار می‌کند و چنین معرفتی سبب انس و علاقه بیشتر و نیز اطاعت و تسلیم در برابر آن حجت الهی است.

در ادعیه و زیارات مهدوی، آن بزرگوار با لقب‌ها و اوصاف و مقامات گوناگونی معرفی شده است که بخشی از آن‌ها را می‌آوریم:

۱. القاب امام عصر علیه السلام

در ادعیه مهدوی، آن بزرگوار با لقب‌هایی مانند مهدی، هادی، قائم، عدل منتظر، صاحب الزمان، منصور، مضطر، حجة الله و بقیة الله<sup>۲</sup> معرفی شده است.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۷؛ مفاتیح الجنان، تعقیبات مشترکه بعد از هر نماز.

۲. القاب «مهدی»، «حجة الله»، «صاحب الزمان» و «هادی» در دعای استغاثه به امام زمان علیه السلام و القاب

«منصور» و «مضطر» در دعای ندبه آمده است.

در دعای افتتاح<sup>۱</sup> می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَىٰ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ...؛  
خدایا! بر ولی امرت درود فرست؛ همان قیام کننده مورد آرزو و عدالت  
مورد انتظار.

و در زیارت آل یاسین آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ؛  
سلام بر تو ای باقی مانده، [حجت‌های] خدا در زمین.

۲. اوصاف امام عصر علیه السلام

در ادعیه مهدوی، آن حضرت با صفاتی معرفی شده است که هر یک از آن‌ها معرف شخصیت  
آن عزیز است و موجب تقویت اعتقاد به او و انس و ارتباط بیشتر با آن بزرگوار می‌شود.  
برخی از اوصاف آن حضرت عبارتند از:

الْعَلْمُ الْمَنْصُوبُ

به معنای پرچم برافراشته؛ زیرا وجود شریفش پرچم هدایتی است که حق‌طلبان را به حقیقت  
راهنمایی می‌کند و بدون هدایت او، انسان‌ها در فتنه‌ها و انحراف‌های دوران غیبت گرفتار می‌شوند.

در زیارت آل یاسین می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا... الْعَلْمُ الْمَنْصُوبُ.

سَفِينَةُ النَّجَاةِ

به معنای کشتی نجات؛ زیرا که هرکس به امامت آن عزیز، اعتقاد داشته و ملتزم به اطاعت  
از او باشد، اهل نجات خواهد بود و راهی جز این راه وجود ندارد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ... سَفِينَةَ النَّجَاةِ وَالْعَلْمَ الْهُدَى؛<sup>۲</sup>

خدایا! بر خلیفه‌ات در همه شهرها، درود فرست... که کشتی نجات و پرچم  
هدایت است.

۱. این دعا در شب‌های ماه رمضان خوانده می‌شود و در بخش اعمال شب‌های ماه رمضان در کتاب  
مفاتیح الجنان آمده است.

۲. دعای بعد از زیارت آل یاسین.

نکته جالب، اینکه این لقب درباره حضرت امام حسین علیه السلام نیز آمده است؛ آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

ان الحسين ... مِصْبَاحُ هُدًى وَ سَفِينَةُ نَجَاةٍ؛<sup>۱</sup>  
به راستی که حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است.

#### وارث علوم النبیین

به معنای میراث بر دانش های پیامبران؛ زیرا امام مهدی علیه السلام آخرین حجت الهی و عصاره تمام انبیا و اولیا است و مطابق روایات آنچه از علوم الهی بر پیامبران خدا نازل شده، همه اش نزد مهدی علیه السلام جمع گردیده است.<sup>۲</sup>

در زیارت سرداب مقدس خطاب به امام عصر علیه السلام آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عُلُومِ النَّبِيِّينَ.

و در زیارت آل یاسین، علم و دانش آن حضرت این چنین توصیف شده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ... الْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ؛

سلام بر تو ای دانش ریزان و فراگیر!

و در جای دیگر آن حضرت به عبارت «عِيَّةَ عِلْمِهِ» معرفی شده است که به معنای مخزن علم خدا است.<sup>۳</sup>

#### معصوم و منزّه از هر عیب

وجود شریف حضرت مهدی علیه السلام از هر گناه و آلودگی، پاک و از هر گونه پلیدی، دور است؛ زیرا او حجت برگزیده خدا و راهبر و راهنمای همه مردمان است.

در دعای امام رضا علیه السلام آمده است:

عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَّاتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ سَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ؛<sup>۴</sup>

[خدایا!] او را از گناهان حفظ کردی و از هر عیبی پیراستی و از هر پلیدی

پاک فرمودی و از هر ناپاکی ایمن ساختی.

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۰۴، ح ۷.

۲. البلد الامین، ص ۲۸۴.

۳. معانی الاخبار، ص ۳۵.

۴. جمال الاسبوع، ص ۵۰۶؛ صحیفه مهدیه، بخش ششم، ص ۳۴۳.



## مفزع و پناهگاه مردمان

امام مهدی علیه السلام ملجأ و پناهگاه همه مردم و به ویژه شیعیان است که در سختی‌ها و بلاها بهترین دستگیر و مهم‌ترین و مطمئن‌ترین تکیه‌گاه است. در دعای عهد آمده است:

وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ وَ نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ؛  
خداوند! او را فریادرس بندگان مظلومت قرار بده و یاور آنان که جز تو یاری ندارند.

و در دعای ندبه می‌گوییم:

اللَّهُمَّ وَ نَحْنُ عَبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَيْكَ وَ لِيكَ الْمَذْكُورِ بِكَ وَ بِنَبِيِّكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَ مَلَاذًا، وَ أَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا وَ مَعَاذًا؛

خدایا ما بندگان توایم که مشتاق ولی تو هستیم که ما را به یاد تو و پیامبرت می‌آورد. تو او را برای عصمت و نگهداری و پناه دین و ایمان ما آفریدی و او را برای ما پشتیبان و پناهگاه قرار دادی.

۳. مقامات و شئون امام مهدی علیه السلام

سیر و مطالعه ادعیه مهدوی، سیمایی از مقامات آن حضرت را بیان می‌کند و باب معرفتی را به روی معتقدان به آن حضرت می‌گشاید که برخی از آنها را می‌آوریم:

الف. خلیفه الله، حجة الله

در فرازهای زیارت آل یاسین آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ  
إِرَادَتِهِ؛

سلام بر تو ای خلیفه خدا و یاری‌گر حق او! سلام بر تو ای حجت الهی و راهنمای اراده او!

روشن است که جایگاه خلیفه الهی و حجت خدا بودن، از عالی‌ترین منازل است که خداوند برای امام مهدی علیه السلام مقرر فرموده است و او در این جایگاه در زمانه خود، بسی نظیر و یگانه است.

ب. باب الله، سبیل الله

در زیارت آل یاسین می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ؛

سلام بر تو ای درگاه خدا.

و در زیارت صاحب الامر می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ؛

سلام بر تو ای راه خدا که هر کس جز آن راه را برود، هلاک شده است.

تعبیر «باب خدا» گویای این حقیقت است که هر کس بخواهد به خدا برسد و امر او را اطاعت کرده، رضایت او را به دست آورد، باید از مسیر اعتقاد به مهدی و امامت او و فرمانبرداری کامل از او به این هدف دست یابد، چنانکه عبارت «سبیل الله» همین امر را می رساند که تنها راه رسیدن به خدا و قرب او، ایمان و اعتقاد و اطاعت از ولی خدا یعنی امام عصر علیه السلام است. این مرتبه بزرگ نیز از منازل و مقامات ویژه‌ی امام عصر علیه السلام است.

ج. میثاق الله، وعد الله

در زیارت آل یاسین آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمَّنَهُ؛

سلام بر تو ای عهد و پیمان الهی که خداوند، آن را از خلق گرفته و محکم گردانیده است! سلام بر تو ای وعده خدا که خود آن را ضمانت فرموده است!

عبارت «میثاق الله» یعنی مهدی علیه السلام مظهر تام و تمام عهد و پیمانی است که خداوند از «بندگان گرفته است و تعهد مردم نسبت به مهدی علیه السلام به منزله پای بندی ایشان به همه دین و شریعت الهی است؛ چنانکه وانهادن او و جدایی از او به منزله زیر پا گذاشتن همه عهد و پیمان های خداست.

عبارت «وعد الله» نیز به این معناست که مهدی علیه السلام مصداق روشن وعده‌ی خدا در قرآن مبنی بر حاکمیت صالحان و فراگیری ارزش ها و خوبی ها بر گستره زمین است. او همان موعود بزرگ الهی است که ظهورش تحقق بخش آرمان تمام انبیا و اولیا و احیاکننده شریعت و

کتاب آسمانی است. آری؛ او وعده تضمین شده خدا و موعود حتمی همه کتب آسمانی است که هیچ چیز مانع از ظهورش نخواهد شد.

د. عین الله الناظره

در دعایی که از امام رضا علیه السلام نقل شده آمده است:

وَ عَيْنِكَ النَّاطِرَةَ عَلَيَّ بِرَيْتِكَ وَ شَاهِدِكَ عَلَيَّ عِبَادِكَ؛<sup>۱</sup>

او که چشم بینای توست بر آفریده هایت و شاهد و گواه توست بر بندگانت.

نیز در صلوات ضرباب اصفهانی آمده است:

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَيَّ وَ لِيكَ ... وَ خَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَ شَاهِدِكَ عَلَيَّ عِبَادِكَ؛

خدایا! درود فرست بر ولایت... و خلیفه‌ات در زمین و شاهد و گواه تو بر

بندگانت.

این عبارات، بیانگر این است که امام مهدی علیه السلام به عنوان حجت و نماینده خدا، دیده بان خدا نیز هست و اعمال مردم در پنهان و آشکار، بر او پوشیده نیست؛ بلکه او شاهد و ناظر بر تمام اعمال است. باور این حقیقت به تربیت نفس و تهذیب و پاکی مردم، بسیار کمک می‌کند.

در سخنی از امام مهدی علیه السلام آمده است که فرمود:

فَأَنَا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ؛<sup>۲</sup>

علم ما احاطه دارد به احوال شما و هیچ چیز از اخبار شما بر ما پوشیده و

پنهان نیست.

۱. صحیفه مهدیه، بخش ۴، ص ۲۶۷.

۲. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۷.

## خلاصه درس

- دعا یکی از مهم‌ترین دستاویزها برای نجات از فتنه‌های عصر غیبت و از روشن‌ترین وظایف منتظران صاحب الامر ع است.
- دعا کردن برای امام مهدی ع و توسل به آن حضرت زمان و مکان خاصی ندارد.
- در بسیاری از ادعیه و زیارات، امام مهدی ع به نام و نسب و تبار معرفی و برای او القاب و اوصافی مانند: پرچم برافراشته، وارث علوم پیامبران و پناهگاه بندگان مظلوم خدا ذکر شده است.
- خلیفه و حجت خدا، میثاق و وعده‌الهی، شاهد و ناظر بر اعمال مردم و تنها راه رسیدن به خدا از جمله مقامات آن حضرت در ادعیه است.

## پرسش‌های درس

۱. ضرورت دعا کردن در عصر غیبت را توضیح دهید.
۲. ویژگی‌های شخصی حضرت مهدی که در ادعیه آمده است را ذکر کنید.
۳. القاب امام عصر علیه السلام را با کمک متون ادعیه و زیارت بیان کنید.
۴. چه مقامات و شؤونی در ادعیه برای امام زمان علیه السلام ذکر شده است؟ توضیح دهید.

## پرسش‌های پژوهشی

۱. دعای امام رضا علیه السلام در قنوت نماز برای امام مهدی علیه السلام را فرازبندی و تحلیل کنید.
۲. عرصه‌های مشترک و متفاوت ذکر شده در ادعیه برای امام مهدی علیه السلام و دیگر معصومان را بررسی کنید.
۳. دعای ندبه را از جهت‌سندی، مصدري و محتوایی بررسی کنید.

## منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

- صحیفه مهدویه، سید مرتضی مجتهدی سیستانی.
- ادب فنای مقربان، عبدالله جوادی آملی.
- شرحی بر دعای ندبه، علوی طالقانی.
- فروغ ولایت، لطف الله صافی گلپایگانی.
- معرفت حجت خدا، لطف الله صافی گلپایگانی.
- میثاق منتظران، سید مهدی حائری قزوینی.

## دورسی دوم

### ادعیه و زیارات مهدوی (۲)

#### اهداف

۱. آشنایی کلی با ادعیه و زیارات مهدوی
۲. شناخت آثار و برکات ادعیه مهدوی

#### فوائد

۱. شناخت آثار و فوائد مناجات با خدا و دعا برای امام زمان علیه السلام
۲. چگونگی بهره‌مندی از برکات ادعیه و زیارات
۳. چگونه برای امام دعا کنیم؟

#### مطالب آموزشی

- آثار دعا و زیارت
- چگونه برای امام دعا کنیم؟
- برکات ادعیه و زیارات مأثور
- آثار معرفتی
- آثار عملی و رفتاری
- آثار عاطفی و قلبی
- آثار اجتماعی
- جمع‌بندی

### آثار دُعا و زیارت

در قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام آثار و برکات بسیاری برای دعا و مناجات با خالق هستی بیان شده است.

اما علاوه بر همه آن آثار و فواید در این بخش می‌خواهیم به ویژه آثار دُعا کردن برای حجت زمان و قلب عالم امکان، حضرت مهدی صاحب زمان علیه السلام را بررسی کنیم؛ تا بدانیم آن شیعه‌منتظری که برای مولایش دعا می‌کند یا هر روز به محضر آن عزیز، عرض سلام و ادب و ارادت و اخلاص دارد از چه فضائل و هدایایی بهره‌مند می‌شود. البته پاداش معنوی و اخروی دُعا و زیارت برای امام مهدی علیه السلام را تنها خدای بزرگ می‌داند و اینجا تنها بعضی از آثار دنیایی را بیان می‌کنیم که در زندگی ما حس می‌شود<sup>۱</sup> و البته با سعادت ابدی، پیوندی روشن و آشکار دارد:

#### ۱. مودت اهل بیت و به ویژه محبت امام عصر علیه السلام

در جریان دُعا و زیارت، بین دعاکننده و کسی که برایش دعا می‌کند، پیوند روحی عمیقی ایجاد می‌شود.

شیعه منتظر با دُعا و زیارت، محبت و دوستی خود را به امام غایب اعلام می‌دارد و در همان حال، این پیوند را محکم‌تر و ریشه‌دارتر می‌کند. بنابراین هم یکی از حقوق خود نسبت به امام

۱. برای استفاده بیشتر ر.ک: مکمال المکارم، اثر مرحوم موسوی اصفهانی.

را ادا کرده است<sup>۱</sup> و هم جرعه جرعه، شراب محبت او را نوشیده است. البته این هر دو، آثار فراوان دنیایی و آخرتی دارد که مجالی برای بیان آن نیست.<sup>۲</sup>

## ۲. ذکر و شکر

بدون شک، نعمت وجود امام و برکات حضور او در عالم، از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند مهربان است و دُعا کردن برای آن حضرت، نوعی قدردانی از نعمت امام و شکرگزاری به درگاه اوست؛ چنان که غفلت از دُعا برای امام مهدی علیه السلام به گونه‌ای ناسپاسی و کفران نعمت الهی است.

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾<sup>۳</sup>

و نعمت‌های پروردگارت را بازگو کن.

یعنی خدا دوست دارد انسان نعمت‌های او را یاد کند، تا نعمت‌بودن آن‌ها را فراموش نکند و فرصت بهره‌مندی از آن‌ها را از دست ندهد.

با این بیان، دُعا برای امام مهدی علیه السلام هم شکر خدا است و هم ذکر حضرت مهدی علیه السلام؛ یعنی با توسل و دُعا، رابطه‌ای پیوسته با امام برقرار می‌کنی و یاد و نام او را همیشه و همه جا در قلب و جانت زنده نگه‌می‌داری.

## ۳. نیکی به امام و سپاس از او

دُعا و زیارت، علاوه بر اینکه تشکر از خداست، تشکر از امام نیز هست؛ امامی که وجودش سراسر خیر و رحمت برای بندگان است و با وجود همه بی‌مهری‌هایی که از مردم می‌بیند به آن‌ها از پدر، مهربان‌تر و از مادر، دلسوزتر است. هر نعمتی به برکت وجود او به بندگان می‌رسد و هر بلایی به عنایت او از مردم دور می‌شود. به راستی چگونه می‌توان قطره‌ای از دریای

۱. اشاره است به آیه شریف « قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ؛ بگو من از شما بر این [رسالت] هیچ مزدی جز مودت نزدیکانم نمی‌خواهم»؛ (سوره شوری: ۲۳).

۲. برای مطالعه آثار محبت اهل بیت علیهم السلام ر.ک: اهل‌البیت فی الکتاب و السنّة، محمدی ری شهری، ص ۵۰۳-۵۲۳.

۳. سوره ضحی: ۱۱.



لطف و کرم او را پاسخ گفت؟

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

اما حق کسی که در باره ات نیکی نماید، آن است که او را سپاس گویی و کار نیکش را بازگو نمایی و جایگاهش را والا شماری و با اخلاص، بین خود و خدایت در حقش دعا کنی.<sup>۱</sup>

چه زیباست که با دُعا برای مهدی علیه السلام در هر صبح و شام، در نیکی و احسان خود را به روی امام خویش باز کنیم و نمی از یم نیکی هایش را سپاس گوئیم.

۴. عنایت امام برای دعاکننده

قرآن کریم می فرماید:

﴿وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا﴾<sup>۲</sup>

پس هرگاه به شما تحیت گویند، پاسخ آن را بهتر از آن بدهید یا [لااقل] به همان گونه پاسخ گوئید.

تحیت به معنای دُعا برای حیات دیگران است؛ ولی معمولاً این کلمه هر نوع اظهار محبتی را که افراد در سخن یا عمل نسبت به دیگری انجام می دهند، شامل می شود که روشن ترین نمونه آن، سلام کردن است.<sup>۳</sup>

بنابراین دُعا کردن برای امام و سلام دادن به حضرتش، تحیتی است که به محضر نورانی اش تقدیم می شود و به یقین، امام طبق دستور قرآن، دعا کننده را بهتر از دُعا و سلام او مشمول عنایت و لطف خداگونه خود قرار می دهد.

روایت شده است که روزی یکی از کنیزان امام حسین علیه السلام شاخه گلی را به محضر آن حضرت تقدیم کرد. امام حسین علیه السلام در برابر این هدیه، آن کنیز را آزاد فرمود. شخصی از روی تعجب به امام گفت: «آیا در مقابل یک شاخه گل کم ارزش، او را آزاد می کنید؟» امام علیه السلام

۱. امالی صدوق، ص ۳۰۴، مجلس ۵۹.

۲. سوره نساء: ۸۶.

۳. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۲.

فرمود: «خداوند این گونه ما را تربیت کرده است» و سپس آیه فوق را تلاوت فرمود.<sup>۱</sup>  
 آری؛ این چنین است. امام در پاسخ گویی به لطف دیگران، نه به هدیه و لطف ناقص افراد، بلکه به کرم و بزرگی خود نگاه می کند؛ بنابراین همیشه آن ها که تحیتی - گرچه اندک - به محضر امام کریمان عالم می فرستند از عطای شاهانه او برخوردار می شوند.<sup>۲</sup>  
 مرحوم موسوی اصفهانی که کتاب ارزشمند *مکیال المکارم* را درباره فوائد دُعا برای امام عصر علیه السلام تالیف کرده می نویسد:

دعا برترین نوع احسان و نیکی است؛ بنابراین هنگامی که بنسده مؤمن، برای مولایش امام عصر علیه السلام خالصانه دعا کند، مولای بزرگوارش نیز در پاداش او دعایش خواهد کرد و دعای امام، کلید تمام خیرات و خوبی هاست. گواه این گفتار، حکایت زیر است:

به مردی به نام عبدالرحمن که از شیعیان اصفهان بود گفتند: «به چه دلیل از بین تمام مردمان، امام هادی علیه السلام را پیشوای خود قرار دادی؟». گفت: از او چیزی دیدم که برایم واجب شده او را امام خود بدانم. من مردی فقیر بودم؛ ولی انسانی پرجرات بودم، روزی به همراه عده ای برای دادخواهی به قصر حکومتی متوکل عباسی (حاکم وقت) رفته بودم که حاکم دستور احضار امام هادی علیه السلام را صادر کرد. پرسیدم: «او کیست؟» گفتند: «از فرزندان علی علیه السلام است که شیعیان، او را پیشوای خود می دانند و به یقین، متوکل قصد جان او را کرده است». با خود گفتم: «از این جا نمی روم، تا ببینم چگونه مردی است».

پس از مدتی آن حضرت سوار بر اسب آمد؛ در حالی که مردم در سمت راست و چپ او صف کشیده بودند و به او نگاه می کردند. با دیدن او، محبت و دوستی اش در قلبم قرار گرفت و در دل خود دعایش کردم تا خداوند، او را از شر متوکل در امان بدارد. آن بزرگوار، نگاهش را به یال اسب دوخته بود و از بین مردم حرکت می کرد و به راست و چپ خود نگاه نمی کرد. من نیز پیوسته برای او دعا می کردم. وقتی خواست از کنار من عبور

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۵.

۲. ما نیز با تقدیم این اثر ناچیز به خاک پای آن عزیز، به لطف و عنایت و شفاعتش امید داریم.

کند، رو به من کرد و فرمود: «خداوند، دعایت را اجابت فرماید، عمرت را طولانی و دارایی و فرزندان را بسیار گرداند».

من از شکوه و هیبت او بر خود لرزیدم و بین دوستانم افتادم. پرسیدند: «چه اتفاقی برایت افتاده است؟» گفتم: «خوبم»، ولی در مورد آن جریان به کسی چیزی نگفتم.

به اصفهان بازگشتم. به واسطه دعای آن بزرگوار، خداوند راه‌های در آمد را به رویم گشود؛ به گونه‌ای که در حال حاضر، هزار هزار درهم ارزش خانه و اموال درون خانه‌ام می‌باشد و بیرون از منزل نیز ثروت بسیار دارم. ده فرزند نیز نصیب شده و بیش از هفتاد سال از عمرم می‌گذرد.

من این مرد بزرگوار را به عنوان پیشوای خود برگزیدم؛ زیرا او چیزی را که در خاطر گذشت، دانست و برایم دعا کرد و خداوند نیز دعایش را در حَقَم مستجاب فرمود.<sup>۱</sup>

مرحوم موسوی اصفهانی پس از نقل این جریان می‌گوید:

ای خردمند! با دقت اندیشه کن و ببین چگونه مولای ما، امام هادی علیه السلام پاداش دعا و احسان این مرد اصفهانی را داد؟ با این که وقتی آن شخص برای امام علیه السلام دعا کرد، هنوز جزء پیروان آن حضرت نبود. آیا با وجود این، می‌توانی در مورد امام عصر گمان کنی که با اینکه تو از شیعیان او هستی، او در برابر دعای تو، دعایت نکند؟ نه به خدا! چنین نیست...<sup>۲</sup>

### چگونه برای امام علیه السلام دعا کنیم؟

اینکه انسان با کدام کلمات و واژگان و با چه ادبیات و محتوایی با خدای خود نجوا کند، بسیار مهم است و در تاثیرپذیری و بهره‌مندی از دُعا نقش فراوانی دارد. بدون شک، آدمی هرچه کامل‌تر و از نظر مقام روحانی، بلندتر باشد، با پروردگار عالم ارتباط بهتری برقرار می‌کند. زیرا شناخت انسان کامل از خدا سبب می‌شود که در دعا خدا را چنان که شایسته اوست توصیف و ستایش کند و معرفت او نسبت به نیازهای انسان، موجب می‌شود که در دُعا

۱. بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۴۱.

۲. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۳۳.

عالی‌ترین و ثمربخش‌ترین خواسته‌ها را از درگاه لطف و کرم او بخواهد؛ به همین دلیل دعاها و مناجات‌های معصومان علیهم‌السلام گنج گرانبها و بی‌پایانی است که در دسترس پیروان ایشان است. دعا کردن برای امام مهدی علیه‌السلام گرچه با هر زبان و بیانی، یک فرصت بزرگ و توفیق ارزشمند است؛ ولی آن‌گاه که از سوز و گداز بیان امام معصوم برای نجوای با مهدی علیه‌السلام بهره‌گیری به یقین، بهره‌های بی‌پایان معنوی می‌بری و نیز از چشمه‌جوشان معرفت ایشان، درهای مهدی‌شناسی در ابعاد گوناگون به رویت باز می‌شود.

### برکات ادعیه و زیارات مأثور

در کتاب‌های ادعیه، دعاها و زیارات فراوانی از معصومان علیهم‌السلام نقل شده است که انس و ارتباط با این متون آسمانی، آثار و فوائد فراوانی خواهد داشت که بعضی از آنها را به اختصار بیان کرده و شواهدی از متون ادعیه در کنار آنها می‌آوریم:

#### ۱. آثار معرفتی

از آنجا که دعاها و معصومان علیهم‌السلام از قلّه‌علم و معرفت الهی ایشان سرچشمه گرفته و بر قلب طاهر و لسان صادق ایشان جاری گشته است در جای جای آن، عقاید و معارف حق بیان شده است که خواننده دعا را از این جاری زلال، سیراب می‌کند. برخی از این معارف بلند عبارتند از:

الف. مروری بر اعتقادات حق که هویت مکتبی و دینی ماست

مانند آنچه در زیارت آل یاسین آمده است؛ اقرار به مبدأ و معاد و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و جانشینان بر حق او:

أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَدُّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ  
وَرَسُولُهُ ... وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَالْحَسَنَ حُجَّتَهُ وَ  
الْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ ... وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ ... وَأَنَّ رَجَعْتَكُمْ حَقًّا ... وَأَشْهَدُ  
أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ ... وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقًّا؛

مولایم! تو را گواه می‌گیرم که من شهادت می‌دهم معبودی جز خداوند نیست؛ یگانه‌ای که شریک ندارد. و اینکه محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بنده و فرستاده اوست... و تو را گواه می‌گیرم ای مولای من! که امیرالمؤمنین علی حجت اوست... و شهادت می‌دهم که حسن علیه‌السلام و حسین حجت اویند... و شهادت

می‌دهم تو حجت خداوند هستی... و رجعت شما [و بازگشتان به دنیا] حق است... و شهادت می‌دهم پراکنده شدن مردم [از قبرها] حق است... و بهشت و جهنم حق است.

ب. مروری بر وظائف و تکالیف شیعیان نسبت به امام  
در ضمن دعاها، معرفتی بیشتر و عمیق‌تر درباره وظایف ما در برابر امام، به دست می‌آید که این معرفت، مقدمه عمل و رفتار مطلوب و حرکت در مسیر رضایت امام خواهد بود. در پایان دعای ندبه می‌گوییم:

وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ، وَ يَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ، وَ أَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ،  
وَ الْاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَ اجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، وَ ائْتِنَّا بِرِضَاهُ؛  
و ما را از کسانی قرار بده که به دامان آنان چنگ زده‌اند و در سایه آنان  
زندگی می‌کنند. و ما را یاری کن در ادا کردن حقوقش به او، و کوشش  
کردن در اطاعت از او، و دوری کردن از نافرمانی او، و با خشنودی او بر ما  
منت بگذار.

این فرازاها به روشنی، گویای این حقیقت است که شیعه امام منتظر، بیش از هر چیز باید در پی  
ادای حقوق امام و جلب رضای او باشد و بکوشد که از مسیر اطاعت او به وادی نافرمانی امام،  
منحرف نشود و بلکه پیوسته به ولایت آن‌ها تمسک داشته باشد و در حزب آن‌ها به سر برد.

ج. شناساندن جایگاه الهی امام و اوصاف و مقامات او  
این بخش در بسیاری از دُعاها و زیارات وجود دارد؛ مانند فرازهای نخست زیارت آل یاسین  
و فرازهایی از دعای افتتاح:<sup>۱</sup>

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ وَ الْقَائِمَ بِدِينِكَ... اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَ سُنَّةَ  
نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ؛<sup>۲</sup>  
خدایا! او را فرا خواننده به سوی کتاب خود و بر پا دارنده دینت قرار ده...  
خدایا! به وسیله او دینت و سنت پیامبرت را آشکار و غالب کن، تا از بیم  
هیچ یک از مردمان، چیزی از حق، پنهان نماند.

۱. در بخش «سیمای حضرت مهدی (عج) در ادعیه» نمونه‌های فراوانی ذکر شد.

۲. دعای افتتاح، بخش اعمال شبهای ماه رمضان در مفاتیح الجنان.

و فرزهایی از دعای امام رضا علیه السلام:

اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ... أَنَّهُ الْإِمَامُ التَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الْوَفِيُّ الرَّضِيُّ  
الزَّكِيُّ؛

خدایا ما گواهی می‌دهیم که او امام پرهیزکار، هدایت کننده و هدایت شده  
خدا، پاکدامن و پاکیزه، وفادار، راضی و بی‌گناه است.

د. ترسیم معیار حق و باطل

در متون ادعیه و زیارات معصومان علیهم السلام برای حق و باطل، معیارهای روشنی بیان شده است،  
تا سالک الی الله و پیرو مخلص اهل بیت علیهم السلام در فتنه‌ها و آشوب‌ها، حق را گم نکرده و به  
وادی باطل سقوط نکند.

در زیارت آل یاسین می‌خوانیم:

فَالْحَقُّ مَا رَضَيْتُمُوهُ وَالْبَاطِلُ مَا اسْخَطْتُمُوهُ وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا  
نَهَيْتُمْ عَنْهُ؛

[ اعتقاد دارم که ] حق و درستی، همان چیزی است که شما از آن راضی  
باشید و باطل و نادرستی، چیزی است که شما از آن ناخشنود باشید، و کار  
نیک، آن است که شما بدان دستور داده‌اید و کار زشت، همان است که شما  
از آن باز داشته‌اید.

ه. ترسیمی از جهان پس از ظهور

بدون تردید، آگاهی از زیبایی‌های دوران ظهور مهدی علیه السلام شور و شوق منتظران را به ظهور،  
دوچندان می‌کند و ترسیم آن دوره در کلام معصومان علیهم السلام در قالب دعا و زیارت اثر عمیقی بر  
دل‌های شیدا می‌گذارد.

در دعای افتتاح می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزِّزُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ  
أَهْلَهُ؛

خدایا! ما به سوی تو مشتاقیم برای یافتن دولت کریمه آن حضرت که اسلام  
و اسلامیان را عزیز و نیرومند کنی و نفاق و منافقان را خوار و ذلیل نمایی.

و در دعای ندبه می‌خوانیم:

أَيْنَ الْمُنتَظِرُ لِإِقَامَةِ الْأَمْتِ وَالْعَوَجِ، أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ، أَيْنَ  
الْمُدَّخِرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَايِضِ وَالسُّنَنِ... أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ، أَيْنَ  
مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ... أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ  
عَلَى التَّقْوَى؛

کجاست آن‌که انتظارش را می‌کشند که کج‌روی‌ها و انحرافات را از بین  
برد؟ کجاست کسی که برای براندازی ظلم و بیدادگری، به او امید است؟  
کجاست آن ذخیره‌الهی برای تازه کردن واجبات و سنت‌های الهی؟ کجاست  
آن‌که آرزو می‌رود بیاید و قرآن و حدودش را زنده کند؟ کجاست زنده کننده  
نشانه‌های دین و اهل آن؟... کجاست آن‌که دوستان [خدا] را عزیز نماید و  
دشمنان را خوار و ذلیل؟ کجاست آن‌که اتحاد کلمه بر اساس تقوا و  
پرهیزکاری فراهم آورد؟

## ۲. آثار عملی و رفتاری

محتوای عالی و معانی بلندی که در ادعیه و زیارات امام مهدی علیه السلام آمده است می‌تواند آثار  
علمی فراوانی برای شیعه منتظر به همراه داشته باشد؛ به شرط اینکه در هنگام دعا و زیارت،  
حالت توجه و انس و ارتباط قلبی در او ایجاد شود و درباره آنچه می‌گوید و زمزمه می‌کند  
بیندیشد و خلاصه اینکه زبان و قلبش هماهنگ باشد.

برخی از آثار ادعیه مهدوی در رفتار مهدی یاوران عبارتند از:

الف. بزرگ‌ترین وظیفه بندگان، اطاعت از خدا و امام است و از نتایج دعا، تقویت  
روحیه‌بندگی و عبودیت در برابر خدا و اطاعت و تسلیم در مقابل امام و حجت خداست.

در زیارت آل یاسین می‌خوانیم:

يَا مَوْلَايَ شَقِيٌّ مَنْ خَالَفَكَمْ وَ سَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ ... وَ أَنَا وَّلِيٌّ لَكَ بَرِيٌّ مِنْ  
عَدُوِّكَ ... فَفَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَحَدُّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ  
بِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَ آخِرِكُمْ وَ نُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَ مَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ؛

ای مولای من! هرکس با شما مخالفت کند، بدبخت و هرکس از شما اطاعت  
نماید، خوشبخت است... و من دوستدار تو هستم و از دشمنانت بیزارم...  
پس جان من به خدای یگانه بی‌شریک ایمان دارد و نیز به فرستاده‌اش پیامبر

اسلام و به امیرمؤمنان و به شما [اهل بیت] - ای مولای من! - به اولین و آخرین شما. [ایمان دارم] و یاری ام برای شما آماده است و دوستی و محبت من تنها برای شما است.

ب. در ادعیه مهدوی، اخلاق نیکو و فضائل به عنوان خواسته‌ها و نیازهای انسان مطرح شده است و انس با این دعاها سبب نزدیک شدن دعاکننده به این خوبی‌ها و تخلّق به اخلاق الهی می‌شود. در دعای امام رضا علیه السلام آمده است:

اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِنَا عَلَيَّ يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْعَالِي وَ يَلْحَقُ بِهَا التَّالِي وَ قَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ ثَبَّتْنَا عَلَى مُسَابِقَتِهِ وَ اٰمَنَّا عَلَيْكَ بِمُتَابَعَتِهِ وَ اجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ الصَّابِرِينَ مَعَهُ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ... وَ اَعِزَّنَا مِنَ السَّامَةِ وَ الْكَسَلِ وَ الْفِتْرَةِ؛<sup>۱</sup>

خدایا! ما را به دست او بر طریق هدایت و بر راه روشن بزرگ و راه میانه و اعتدال، سالک گردان؛ راهی که هر افراط‌گر و پیشی‌گیرنده و هر کوتاه‌نظر عقب‌مانده باید به آن بازگردد. و ما را بر اطاعتش قوی گردان و بر پیروی‌اش ثابت‌قدم بدار و با نعمت دنباله‌روی از او بر ما منت گذار. و ما را در سپاه او قرار ده، آن‌ها که اجرا کننده فرمان اویند و در کنار او اهل استقامتند و در خیرخواهی برای او، رضای تو را می‌جویند... و ما را از خستگی و تنبلی و سستی [در اطاعتش] حفظ کن.

### ۳. آثار عاطفی و قلبی

از مهم‌ترین آثار ادعیه و زیارات مهدوی که به روشنی حس می‌شود و دعاکننده به شرط توجه و حضور قلبی، آن را با همه وجود لمس می‌کند، آثار عاطفی و قلبی است. بعضی از مهم‌ترین این آثار عبارتند از:

الف. از رهگذر یاد محبوب، محبت و علاقه قلبی به امام، قوی‌تر می‌شود.

اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ اَكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظْرَةِ مَنِي إِلَيْهِ؛<sup>۲</sup>

خدایا! آن رخسار زیبای جذاب و روی نورانی دوست داشتنی‌را به من نشان

۱. جمال الاسبوع، ص ۳۰۷؛ صحیفه مهدیه، بخش ۶، دعای امام رضا علیه السلام، ص ۳۴۳.

۲. دعای عهد.



بده و سُرْمه دیده‌ام را نگاهی بر آن عزیز قرار ده.

بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ وَ الْحِمَى... لَيْتَ شِعْرِي، أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ  
الْتَّوَى... عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَ لَا تُرَى؛<sup>۱</sup>

پدر و مادرم فدای تو و جانم بلاگردان و سپر و حامی تو باش! ای کاش  
می دانستم کجا اقامت گزیده‌ای!... بر من بسیار سخت است که همه را  
می بینم و تو دیده نمی شوی.

ب. شوق به ظهور، در دل و جان عاشق منتظر، روز افزون می شود.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ  
أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ؛<sup>۲</sup>

خدایا! ما به سوی تو مشتاقیم برای یافتن دولت کریمه آن حضرت که اسلام  
و اسلامیان را عزیز و نیرومند کنی و نفاق و منافقان را خوار و ذلیل نمایی. و  
در آن حکومت و دولت، ما را از کسانی قرار دهی که مردم را به  
فرمان برداری از تو فرا بخوانیم و همه را به راه تو رهبری کنیم.

مَتَى نَرِدُ مَنَاهِلَكَ الرَّوِّيَّةَ فَنَرَوِي... مَتَى تَرَانَا وَ نَرَاكَ وَ قَدْ نَشَرْتَ لِوَاءَ النَّصْرِ  
تُرَى... أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَ أَنْتَ تُوْمُ الْمَلَأُ، وَ قَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا؛<sup>۳</sup>

کی می شود که بر چشمه های سیراب کننده ات در آییم و سیراب شویم؟...  
کی رسد آن وقت که تو ما را ببینی و ما تو را؛ در حالی که پرچم نصر و  
پیروزی را گسترده باشی؟ آیا خواهی دید ما را که بر گرد تو حلقه زده باشیم  
و تو بر مردم امامت کنی، در حالی که زمین را پر از عدل و داد کرده‌ای؟

ج. با وجود همه فشارها و گرفتاری‌ها، نور امید را تقویت کرده، ناامیدی و یأس را از بین می برد؛  
زیرا دوستدار آن امام به نصرت خدا و ظهور امام و حکومت او بر زمین و نابودی ظالمان دل بسته  
است و تحقق همه این‌ها را حتمی و نزدیک می بیند. در دعای عهد می خوانیم:

اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَ عَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً  
وَ نَرَاهُ قَرِيباً؛

۱. دعای ندبه.

۲. دعای افتتاح.

۳. دعای ندبه.

خدایا! این اندوه و افسردگی را با حضور آن عزیز پنهان شده، از این امت برطرف کن و در ظهورش شتاب کن؛ زیرا آنان [= دشمنان تو] زمان ظهور او را دور می‌پندارند و ما آن را نزدیک می‌بینیم.

#### ۴. آثار اجتماعی

در پرتو دعاها و مناجات‌های مهدوی، می‌توان به روابط اجتماعی بهتر دست یافت. شیعه منتظر با الهام گرفتن از کلمات معصومان علیهم‌السلام و راهی که آن‌ها ترسیم کرده‌اند و جامعه‌ای که مطلوب آن‌هاست خود را در برابر برادرانش متعهد می‌داند.

بعضی از آثار اجتماعی ادعیه از این قرارند:

الف. حُسن همجواری و معاشرت نیکو با شیعیان را تقویت می‌نماید و فضائل انسانی را در ارتباط افراد با یکدیگر ترویج می‌کند.

در دعای ندبه می‌خوانیم و می‌خواهیم:

اللهم... أَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَالْإِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ،  
وَأَمْنِ عَلَيْنَا بِرِضَا، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ، وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ... وَاجْعَلْ  
أَرْزَاقَنَا بِهٖ مَبْسُوطَةً، وَهُمُومَنَا بِهٖ مَكْفِيَةً وَحَوَائِجَنَا بِهٖ مَقْضِيَةً؛

خدایا! ما را بر ادای حقوق امام به او، یاری فرما و در تلاش در راه اطاعتش و دوری از نافرمانی‌اش کمک کن. و بر ما منت‌گذار به رضای او. و رأفت و رحمت و دعا و خیر او را به ما ارزانی دار... به [برکت وجود] او روزی ما را وسعت‌بخش و اندوه‌های ما را برطرف فرما و حاجات ما را برآورده ساز.

این‌گونه دعا نمودن و همه مؤمنین را در دعا شریک کردن، حکایت از پیوند قلبی و ارتباط تنگاتنگ روحی دارد. گویی ما یک خانواده هستیم و در یک مسیر روشن و به سوی یک مقصد عالی در حرکتیم؛ پس باید دست در دست هم و هماهنگ و یکدل و یک‌زبان باشیم. نیاز هر یک از ما نیاز دیگری و اندوه هر کدامان سبب اندوه دیگری است؛ پس باید یار و مددکار و غمخوار هم باشیم.

ب. دعاکننده به سبب حوائجی که در دعاها برای همه‌جامعه اسلامی و برادران شیعی می‌خواهد، از خودخواهی و خودمحوری رهاشده، با هم‌کیشان خود احساس یگانگی می‌کند و این، همان الگوی مطلوب و مدینه‌فاضله مهدوی است.

در فرازهای پایانی دعای افتتاح آمده است:

اللَّهُمَّ اَلْمُمْ بِهٖ شَعْنًا ... وَ كَثْرَ بِهٖ قِلْتَنَا وَ اعِزَّ بِهٖ ذِلَّتَنَا ... وَ يَسِّرْ بِهٖ عُسْرَنَا ... وَ اسْتَجِبْ بِهٖ دَعْوَتَنَا ... وَ بَلِّغْنَا بِهٖ مِنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ اَمَانًا ... وَ اَنْصُرْنَا بِهٖ عَلٰى عَدُوْكَ وَ عَدُوْنَا؛

خدایا! پریشانی ما را به واسطه او جمع کن ... و به واسطه او تعداد کم ما را بسیار گردان و ذلت ما را به سبب او به عزت تبدیل کن ... و مشکلات ما را به [برکت وجود] او آسان گردان ... و به واسطه او دعاهاى ما را مستجاب نما ... و به واسطه او ما را به آرزوهایی که در دنیا و آخرت داریم برسان ... و به واسطه (ظهور) او ما را بر دشمنان خودت و دشمنان ما پیروز گردان.

### جمع‌بندی بحث

با توجه به آنچه بیان شد می‌توانیم دربارهٔ دُعا و زیارت به نتایج زیر برسیم:

یک. دعاها و زیارات مهدوی از مهم‌ترین منابع معرفتی است که می‌تواند سبب افزایش شناخت و تقویت ایمان، در زمینه‌های گوناگون توحیدی و نبوت و امامت و به ویژه دربارهٔ امام مهدی علیه السلام باشد.

دو. برای بهره‌مندی بیشتر از متون ادعیه و زیارات باید ارتباطی پیوسته و انسی مستمر با این مجموعه ارزشمند داشته باشیم و برای فراگیری معارف عمیق آن به آثار عالمان دین مراجعه کنیم.<sup>۱</sup>

سه. در هنگام دعا و زیارت، بکوشیم که ارتباط قلبی پیدا کنیم، یعنی با توجه کامل و حضور قلب با خدای خود راز و نیاز کنیم و با همهٔ وجود به محضر امام خویش سلام و ارادت و تجدید عهد و پیمان را اعلام کنیم که هر چه هست در همین دُعا و زیارت با توجه و حضور قلب است.

۱. دربارهٔ ادعیه و زیارات مهدوی و شرح و توضیح آنها کتابهای خوبی از عالمان دینی منشتر گردیده است؛ مانند: «فروع ولایت در دعای ندبه» و «معرفت حجت خدا» (شرح دعای اللهم عرفنی نفسک...) نوشته آیت الله صافی گلپایگانی و «میثاق منتظران در شرح زیارت آل یاسین» نوشته سید مهدی حائری قزوینی.

## خلاصه درس

- دعا کردن برای حضرت مهدی عج نوعی قدردانی از نعمت امام و نیکی به ایشان است که سبب مودت اهل بیت و عنایت آن حضرت به دعا کننده می شود.
- ادعیه و زیارات، منبع مهمی برای شناخت حق و باطل، عقاید درست، جایگاه امام، سیمای جامعه بعد از ظهور و وظایف منتظران است.
- ادعیه مهدوی آدمی را به حسن همجواری و معاشرت نیکو و دوری از خودخواهی دعوت کرده و نور امید را در آدمی زنده و شوق به ظهور را در او فروزان می کند.
- برای بهره‌مندی بهتر از ادعیه و زیارات، باید ارتباط پیوسته و انس مستمر با آن داشت و از آثار عالمان این عرصه استفاده کرد.

### پرسش‌های درس

۱. آثار دعا کردن برای امام زمان علیه السلام را توضیح دهید.
۲. ادعیه مهدوی چه آثار معرفتی را در بردارد؟ تبیین کنید.
۳. فوائد اجتماعی دعاهای مهدوی را توضیح دهید.

### پرسش‌های پژوهشی

۱. میزان تأثیر ادعیه و زیارات مهدوی، بر زندگی فردی و اجتماعی منتظران را تبیین کنید.
۲. آداب و شرایط لازم برای دعا کردن درباره امام زمان علیه السلام را بیان کنید.
۳. پیام‌های زیارت آل یس را استخراج و تحلیل کنید.

### منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

- صحیفه مهدویه، سید مرتضی مجتهدی سیستانی.
- ادب فنای مقربان، عبدالله جوادی آملی.
- فروغ ولایت در دعای ندبه، لطف الله صافی گلپایگانی.
- معرفت حجت خدا، لطف الله صافی گلپایگانی.
- میثاق منتظران، سید مهدی حائری قزوینی.

---

## منجی در یهود

---

### اهداف

۱. آشنایی با آیین یهود و باورهای اصلی آن
۲. شناخت منجی موعود یهود، ویژگی‌ها و کارکردهای او

### فوائد

۱. آشنایی با سیر پیدایش یهود و کتب مقدس آن
۲. شناخت سیر تاریخی منجی باوری یهود
۳. آگاهی از بازتاب اندیشه منجی موعود در یهود

### مطالب آموزشی

آشنایی با یهودیت

منجی در یهود

- سیر تاریخی منجی باوری در یهود
- مدعیان مسیحایی
- انتظار مسیحا در عصر حاضر
- ویژگی‌های منجی یهود
- الف. ویژگی‌های شخصی
- ب. ویژگی‌های شخصیتی
- بشارت مسیحای موعود در کتب یهود
- آخرالزمان و جهان پیش از ظهور
- پیامدهای موعود باوری در یهود

انتظار ظهور مصلح جهانی، امید به آینده روشن دنیاست. این امید و آرزو همیشه در فطرت الهی همه انسان‌ها وجود داشته است. بررسی ادیان الهی و نیز مکاتب بشری نشان می‌دهد که پیروان مذاهب گوناگون به ظهور موعود آسمانی که در متون دینی به آن وعده داده شده، ایمان داشته‌اند؛ بنابراین اعتقاد به منجی، عقیده‌ای مشترک در میان مذاهب و ملل جهان به شمار می‌رود؛ گرچه درباره شخص موعود و شخصیت او و چگونگی ظهور و حوادث پس از آن، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد.

در این درس، ابتدا مسائل مربوط به منجی از دیدگاه ادیان بزرگ آسمانی، بررسی و پس از آن، وجوه مشترک و نقاط اختلافی این باور بیان خواهد شد. گفتنی است به دلیل اینکه مهدویت از دیدگاه قرآن و روایات اسلامی در جلد اول کتاب به تفصیل مطرح شده است در اینجا بیشتر به بررسی موضوع منجی و موعود در دین یهود و مسیحیت و آئین زرتشت می‌پردازیم.

### آشنایی با یهودیت

یهودیان از نژاد عبرانی هستند. این نژاد با اعراب، آشوریان و چند قوم دیگر خاورمیانه اصالتی مشترک دارند. برخی از دانشمندان معتقدند که نام «عبرانی» را کنعانیان پس از ورود حضرت ابراهیم علیه السلام به سرزمین کنعان به او داده‌اند و این لقب در خاندان وی باقی مانده است. گفتنی است که عظمت حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام به حدی است که وی همواره موجب نزاع یهودیت، مسیحیت و اسلام بوده است و هر یک، آن حضرت را از خود می‌داند.

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴾<sup>۱</sup>؛

ابراهیم، نه یهودی بوده است و نه نصرانی؛ بلکه او بر آیین توحید اسلام بوده و از مشرکان نبوده است.

نکته جالب، اینکه «تورات» کتاب آسمانی یهود، درباره حضرت ابراهیم علیه السلام و نسب و نیای او و نیز همسران و فرزندان او و سفرهای او به سرزمین کنعان و الخلیل، مطالب فراوانی گفته است؛ ولی به دو حادثه مهم در زندگی آن حضرت یعنی جریان بت‌شکنی و پس از آن به آتش افکندن وی به وسیله مشرکان و دیگری داستان بنای کعبه مقدس خانه خدا، اشاره‌ای نکرده است.

یهودیان خود را از نسل حضرت یعقوب، نوه حضرت ابراهیم علیه السلام می‌دانند و افتخار می‌کنند که فرزند جسمانی و روحانی حضرت ابراهیم علیه السلام هستند.

در تورات آمده است که دوازده فرزند حضرت یعقوب علیه السلام در مصر درگذشتند و نسل ایشان یعنی دوازده قبیله بنی اسرائیل به سبب پیشرفت در علوم و فنون، مورد حسادت مصریان قرار گرفتند و از سوی آن‌ها به استضعاف کشیده شدند. طبق بیان تورات، خداوند به موسی علیه السلام وعده داد بنی اسرائیل را از دست مصریان نجات داده، سرزمین کنعان و حدود آن را که اماکن پربرکتی بودند به ایشان عطا کند.<sup>۲</sup>

پس از خروج بنی اسرائیل از مصر، حضرت موسی علیه السلام به امر خدا به کوه طور رفت و الواحی گرفت که فرمان‌های خداوند بر آن‌ها نقش بسته بود. از جمله آن دستورات این بود که: برای خود خدایی جز من نگیرید و به بت سجده نکنید و پدر و مادر را احترام کنید.<sup>۳</sup>

همچنین از کارهایی چون قتل، زنا، دزدی، شهادت دروغ و طمع‌ورزی به اموال و ناموس همسایه نهی کرده بود.

اما طبق نقل تورات به سبب تأخیر موسی علیه السلام در بازگشت از طور، بنی اسرائیل گوساله‌پرستی

۱. سوره آل عمران: ۶۷.

۲. آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۷۹.

۳. سفر تثبیه، باب ۵.



کردند و با این کار، خدا را نافرمانی و رسولش موسی علیه السلام را خشمگین کردند. موسی علیه السلام آن گوساله را سوزاند و خاکسترش را به آب ریخت.

به هر حال موسی علیه السلام در صحرای سینا حکومتی برپا کرد و تا آخر عمر، رهبری دینی و سیاسی قوم خود را برعهده داشت و طبق گفته تورات در ۱۲۰ سالگی در حوالی بحرالمیت درگذشت.<sup>۱</sup>

پس از حضرت موسی علیه السلام، یوشع بن نون علیه السلام به امر خدا، رهبر یهود شد. پس از او مردان بزرگی در بنی اسرائیل رهبری کردند که داوران بنی اسرائیل نامیده می‌شوند و تاریخ ایشان در سفر داوران آمده است. آخرین داور بنی اسرائیل، حضرت سموئیل علیه السلام بود و چون یهود پادشاهی نداشتند از او خواستند رئیسی برایشان تعیین کند که آنها را در برابر هجوم همسایگان مهاجم بسیج کند. او جوانی به نام شاول (طالوت) را برگزید و او را با روغن مسح کرد. این «مسح»، پادشاه را حاکمی الهی می‌ساخت و اطاعت از مسیح (ماشیح) شرعاً بر همه واجب می‌شد.

به هر حال یهود به فرماندهی طالوت با فلسطینیان آن زمان جنگیدند و پیروز شدند و پس از آن حضرت داوود علیه السلام که از جنگاوران بنی اسرائیل بود جانشین طالوت شد (حدود ۱۰۱۵ ق.م) پس از داوود علیه السلام، فرزندش سلیمان علیه السلام به حکومت رسید و باشکوه‌ترین دوران بنی اسرائیل را به وجود آورد.

کتاب مقدس یهود به «تورات» معروف است.<sup>۲</sup> این واژه عبری به معنای قانون و شریعت است. تورات بخشی از «عهد عتیق» است که نزد مسیحیان معتبر است. این کتاب سه بخش دارد:

۱. بخش تاریخی؛ ۲. حکمت، مناجات و شعر؛ ۳. پیشگویی‌های انبیا.

بخش تاریخی شامل هفده کتاب است که پنج کتاب اول آن «تورات» نامیده می‌شود که عبارتند از: سفر پیدایش، سفر خروج، سفر لاویان، سفر اعداد و سفر تثنیه. بخش

۱. جناب هارون نیز که وزیر موسی علیه السلام بود در همین مدت و پیش از حضرت موسی درگذشت.

۲. هنگام ارجاع متن به کتاب مقدس، ابتدا نام کتاب و پس از آن شماره‌باب و سرانجام، شماره‌جمله مورد نظر آورده می‌شود؛ مثلاً می‌نویسند: پیدایش ۱: ۲۷ یعنی سفر پیدایش، باب ۱، فقره ۲۷.

پیش‌گویی‌های انبیا نیز شامل هفده کتاب است؛ مانند کتاب اِشْعِیَا، کتاب اِرمِیَا، کتاب دانیال، کتاب یونس.

علاوه بر تورات، کتاب تلمود نیز نزد یهود مهم است.<sup>۱</sup> البته به علت بدگویی این کتاب از حضرت عیسی علیه السلام، مسیحیان همواره با آن مخالفت کرده‌اند و حتی در دوره‌ای از تاریخ، تلمودسوزی راه انداختند.

یهودیت تبلیغ ندارد؛ زیرا یهودیان، دین خدا را نعمتی الهی می‌دانند که مخصوص نژاد بنی‌اسرائیل است؛ با این حال اگر کسی یهودی شود، او را می‌پذیرند. در تلمود، توصیه شده است که هرگاه کسی خواست یهودی شود، باید ذلت‌های این قوم را به او تفهیم کرد، تا اگر مرد این میدان نیست پا در آن نگذارد.<sup>۲</sup> اغلب یهودیان مردم را به صهیونیسم دعوت می‌کنند.

### منجی در یهود

یهودیان مانند دیگر پیروان ادیان الهی به موعود معتقد هستند و در کتاب‌های مقدس آنان به تکرار از آن، یاد شده است. پیامبران یهود، بارها از آینده‌ای که دوران عظمت یهود است سخن گفته‌اند و محور این آینده روشن، ماشیح (Mashiah) است که از سوی خدا مأمور نجات بنی‌اسرائیل شده است. «ماشیح» واژه‌ای عبری است که به معنای مسیح (مسح شده با روغن) است. از آنجا که کلمه «مسیح» به حضرت عیسی علیه السلام اختصاص یافته است، دانشمندان برای اشاره به موعود یهود، از واژه «مسیحا» استفاده می‌کنند. تعبیر «ماشیح» در «تلمود» به تکرار آمده است؛ ولی در «عهد عتیق» تنها در کتاب دانیال<sup>۳</sup> به کار رفته است.

۱. تلمود که به «تورات شفاهی» معروف است گفته‌های حکیمان دانشمندان یهود است. به عقیده آنان، این گفته‌ها نسل به نسل از زمان موسی علیه السلام برای یهود، باقی مانده و در تلمود جمع‌آوری و زیربنای فکری و اعتقادی بنی‌اسرائیل شده است.

۲. ر.ک: گنجینه‌ای از تلمود، ص ۸۴.

۳. ر.ک: کتاب دانیال، ۹، ۲۵-۲۶.

### خاستگاه منجی باوری در یهود

ارکان اصلی اعتقاد یهود، سه باور «یهوه، قوم برگزیده و سرزمین مقدس» است و عقیده به منجی برخاسته از این اعتقادات یهود است. یهود خود را قوم برگزیده می‌دانند؛ زیرا معتقدند که «یهوه»<sup>۱</sup> با پیامبران یهود پیمان بسته است که سرزمین مقدس را به آنان ببخشد. این سرزمین مقدس، «کنعان» است که بعد اسرائیل نام گرفت. موعود یهودیت همان کسی است که می‌آید و آن عهد خدا و موسی را محقق می‌کند و آنان را به سرزمین مقدس می‌رساند.

### سیر تاریخی منجی باوری در یهود

در دوره‌های اولیه تاریخ یهود و تا قبل از تأسیس نهاد پادشاهی و حکومت حضرت داوود علیه السلام، این خداست که بر اساس عهدی که با موسی علیه السلام بسته است، «منجی بنی اسرائیل» است؛ ولی پس از به قدرت رسیدن داوود علیه السلام به عنوان پادشاه بنی اسرائیل و تأیید او به وسیله «یهوه» جریان منجی در شکل ماشیح که همان مسیح منجی است شکل می‌گیرد و این مسیحاست که با تأیید یهوه، موظف است حاکمیت قوم بنی اسرائیل را بر سرزمین مقدس تداوم بخشد؛ بنابراین، منجی، همان پادشاه حاکم و موجود است، نه کسی که خواهد آمد و نجات خواهد داد؛ ولی پس از پادشاهی سلیمان علیه السلام پسر داوود علیه السلام، پادشاهی متحد یهود به اختلاف گرایید و از آن پس بنی اسرائیل از شوکت و عزت خود به زیر آمد و پیوسته در حسرت آینده‌ای آرمانی که با ظهور شاهی از نسل داوود شکل می‌گیرد، نشست. این دوره حدود دو قرن پیش از میلاد مسیح و ظهور مسیحیت است که بحث منجی موعود آرمانی آشکارا مطرح می‌شود و دانیال نبی علیه السلام به دنبال رنج‌های پی در پی قوم یهود، پایان زجرها و آوارگی‌ها را به قوم یهود نوید می‌دهد و موضوع ظهور «نجات‌بخش قوم خدا» در افکار یهود توسعه می‌یابد.<sup>۲</sup>

از آن زمان، یهودیان همواره در انتظار یک رهبر الهی فاتح بوده‌اند که اقتدار و شکوه قوم خدا را به عصر درخشان داوود و سلیمان علیه السلام برگرداند. شخصیت مورد انتظار یهود، «ماشیح» (مسیح، مسح شده) خوانده می‌شد. ماشیح - چنان که گفتیم - لقب پادشاهان قدیم بنی اسرائیل

۱. نام خاص خداوند در زبان عبری است.

۲. گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص ۱۷۰ تا ۱۸۲.

بود زیرا مرسوم بود که پیامبران در حضور جمع، اندکی روغن بر سر آنان می‌مالیدند و بدین وسیله نوعی قداست برای ایشان پدید می‌آمد. این لقب در زمان‌های بعد به پادشاه آرمانی یهود اطلاق شد.<sup>۱</sup>

### مدعیان مسیحایی

شور و التهاب انتظار موعود همواره در تاریخ پرنشیب و فراز یهود بوده است و یهودیان در سراسر تاریخ محنت‌بار خود هرگونه خواری و شکنجه را به این امید تحمل کرده‌اند که روزی مسیحا (= ماشیح) بیاید و آنان را از گرداب ذلت و درد رهانده، فرمانروای جهان کند.<sup>۲</sup> این انتظار، چنان عمیق و ریشه‌دار بوده است که از روزگار باستان تا عصر حاضر، صدها نفر برخاسته و ادعای مسیحا بودن کرده‌اند و اندک زمانی ساده‌دلان بنی‌اسرائیل را مجذوب خود ساخته و بلاهای سنگینی بر سر آن قوم آورده‌اند؛ برای مثال چند قرن پس از میلاد، یک دلباختهٔ پرشور به نام موسی در جزیره «کرت» به پا خاسته، خود را مسیحا خواند و تمام جوامع یهود آن جزیره را که در آن زمان مرکز یهودی مهمی بود مجذوب خود کرد. او می‌گفت می‌خواهم یک روز شما را از دریای مدیترانه عبور داده، به فلسطین ببرم و در آنجا دولت مسیحایی تشکیل دهم.<sup>۳</sup> یهودیان، کسب و کار خود را رها کرده، به موسای جدید دل بستند، تا آنان را به سرزمین موعود رهبری کند. جالب اینکه آن‌ها چنان به رسالت و قدرت او یقین داشتند که همه اموال خود را به او تقدیم کردند و مرد و زن و بچه، همگی به دنبال او به جانب دریا رفتند. وی بر صخره‌ای که بر دریا مشرف بود ایستاد و به مریدان خود فرمان داد که خویش را به دریا افکنند و مطمئن باشند که دریا برای آنان شکافته خواهد شد؛ ولی نتیجه روشن بود؛ مردم گرفتار امواج سهمگین دریا شدند و گرچه عده‌ای توسط دریانوردان نجات یافتند ولی گروهی دیگر غرق شدند.<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۱۷۲.

۲. آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۲۳.

۳. یعنی مشابه کاری که حضرت موسی علیه السلام کرد و بنی‌اسرائیل را از رود نیل با معجزه عبور داد و آن‌ها را از فرعون و فرعونیان نجات بخشید.

۴. آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۲۴ و ۱۲۳، با اندکی تصرف.

مدعیان مسیحایی در قرن‌های متوالی مشکلات بزرگی برای یهودیان ایجاد کردند و حتی بعضی از آن‌ها فرقه‌هایی پدید آوردند که تا زمان ما، باقی است؛ مانند فرقه «دونمه» در ترکیه که از «شبتای صبی» نامدارترین مسیحای دروغین (۱۶۷۶-۱۶۲۶) باقی‌مانده است. در این میان حضرت عیسی بن مریم علیه السلام ظهور کرد و با داشتن شخصیتی بس والا و روحی الهی، دین بزرگی را بنیاد نهاد و گروه بی‌شماری را به ملکوت آسمان رهنمون شد؛ ولی بیشتر یهودیان او را رد کردند.

### انتظار مسیحا در عصر حاضر

حدود صدسال پیش متفکران یهود گفتند قوم ما در طول قرن‌ها در انتظار مسیحا، خواری‌ها را تحمل کرده است؛ و صبر ما تمام شد. باید خود برای پایان دادن به وضع موجود برخیزیم و برای گرفتن فلسطین (که در گذشته دور، پایگاه یهود بوده) اقدام کنیم. این گروه که بعدها به صهیونیست‌ها معروف شدند با مخالفت عموم یهودیان مواجه شدند؛ زیرا طبق باور دینی یهود، فقط مسیحا می‌تواند به چنین کاری اقدام کند؛ ولی صهیونیست‌ها با صبر و حوصله و تبلیغات فراوان و به این عنوان که ما می‌خواهیم برای قیام مسیحا پایگاهی در فلسطین ایجاد کنیم، گروه‌هایی از یهودیان را قانع کرده، به سرزمین‌های اشغالی کوچ دادند و مکتب صهیونیسم و دولت غاصب اسرائیل را تشکیل دادند. البته هنوز اقلیتی از یهودیان بر اثر دل‌بستگی شدید به امیدهای قدیم، تشکیل دولت صهیونیستی را مخالف آرمان مسیحایی می‌دانند و پیوسته با آن مخالفت می‌کنند و معتقدند که باید به سنت انتظار ادامه داد؛ ولی بیشتر یهود، صهیونیسم را از جان و دل پذیرفته‌اند و آن را رهگشای عصر مسیحا می‌دانند.

گفتنی است که با وجود تشکیل دولت صهیونیستی، همچنان تب و تاب انتظار موعود در میان یهودیان وجود دارد و همه آنان در انتظار مسیحا به سر می‌برند. این انتظار در میان افراطی‌ترین گروه‌های ضد صهیونیست و نیز سرسخت‌ترین گروه‌های طرفدار آن به یک اندازه است. جالب اینکه صهیونیست‌های اشغال‌گر فلسطینی علاوه بر دعاهای مسیحایی که روزانه می‌خوانند در پایان مراسم سالگرد تأسیس رژیم اسرائیل (پنجم ماه ایّار عبری) این‌گونه دعا می‌کنند:

اراده خداوند، خدای ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده‌دم آزادی باشیم  
و نفخ صور مسیحا گوش ما را نوازش دهد.<sup>۱</sup>

۱. اقتباس از: آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۲۵ و ۱۲۴.

### ویژگی‌های منجی یهود

برای آشنایی بیشتر با منجی یهود مناسب است درباره ویژگی‌های شخصی و شخصیتی او بحث کنیم:

#### الف. ویژگی‌های شخصی

منجی یهود که به عنوان «ماشیح» معروف است در متون مقدس یهودی به نام‌های مختلفی مطرح شده؛ ولی مهم این است که یهودیان معتقدند که او یک انسان است که از سوی خدا مأموریت دارد و لقب او «فرزند داوود» است.

#### ب. ویژگی‌های شخصیتی

ماشیح گرچه در آغاز، عنوانی عام و غیر موعودی و غیر فرجام‌شناختی بوده است؛ ولی در سنت یهود، به عنوان موعود نجات‌بخش و مرتبط با فرجام عالم شناخته شده است. موعود یهودی، موعودی شخصی، اما نامعین است؛ یعنی معلوم نیست که در کدام مصداق، تحقق خواهد یافت؛ برخلاف موعود اسلامی که هم شخصی است و هم معین و مصداق آن، مهدی فرزند حسن بن علی عسکری علیه السلام امام یازدهم است. نیز ماشیح یهود اگرچه مسح شده خداوند است و انسانی معمولی نیست، ولی به هر حال انسان است؛ برخلاف موعود مسیحی که پسر خدا و جنبه‌ای از او تلقی می‌شود.

ماشیح منجی یهود، افزون بر قدرت اجرایی، جنبه روحانی نیز دارد؛ زیرا پس از اینکه با روغن مقدس و به دست نبی مسح شد، حاکمیتی الهی می‌یابد و اطاعت از او بر همگان واجب است.<sup>۱</sup>

#### بشارت مسیحی موعود در کتب یهود

مسئله «انتظار مسیحا» که در تاریخ کهن قوم یهود ریشه دارد در کتاب‌های مقدس ایشان به شکل‌های مختلف بیان شده است. مهم‌ترین مژده‌ی مسیحایی در کتاب اِشعیا‌ی نبی آمده است: نهالی از تنه یَسی [پدر داوود] بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد

۱. گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص ۲۱۸.

شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت... خوشی او در ترس [از] خداوند خواهد بود... مسکینان را به عدالت، داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین، به راستی حکم خواهد نمود... گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید... و طفل شیرخواره بر سوراخ مار، بازی خواهد کرد<sup>۱</sup>... و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فسادى نخواهند کرد؛ زیرا که جهان از معرفت خداوند پُر خواهد بود؛ مثل آب‌هایی که دریا را می‌پوشاند.<sup>۲</sup>

در زبور داوود نبی عليه السلام که تحت عنوان «مزامیر» در لابلای عهد عتیق آمده است نیز بشارت‌های صریح و آشکاری درباره منجی موعود آمده و پیروزی صالحان را بر تبهاران عالم نوید داده است که دو نمونه آن، چنین است:

زیرا که شریران<sup>۳</sup> منقطع خواهند شد و اما منتظران خداوند وارث زمین خواهند شد. هان! بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود... و اما حلیمان، وارث زمین خواهند شد؛ زیرا که بازوان شریر شکسته خواهد شد و اما صالحان را خداوند تأیید می‌کند...<sup>۴</sup>

در جایی دیگر تصویر روشنی از موعود منجی و برکات ظهور او را بیان کرده است:

... [منجی] قوم‌ها را به انصاف داوری خواهد کرد. آسمان، شادی کند و زمین، مسرور گردد. دریا و پری آن غُرَش نمایند. صحرا و هرچه در آن است به وَجْد آید. آن‌گاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود به حضور خداوند... زیرا که برای داوری جهان می‌آید...<sup>۵</sup>

۱. بعضی معتقدند که در عصر ظهور، به سبب فراگیر شدن عدالت، این امور نیز واقعاً رخ خواهد داد. برخی دیگر، این تعبیر را کنایه از شدت و فراوانی عدالت در آن زمان می‌دانند و برخی هم گرگ و بره و حیوانات دیگر را اشاره به انسان‌های شرور و نجیب می‌دانند. این سه نوع برداشت در ادیان مختلف، رایج است.

۲. اشعیا ۱۱: ۹-۱۱.

۳. شریر یعنی بسیار شرور و مردم آزار و نیز لقبی برای ابلیس است.

۴. کتاب مزامیر، زمور ۳۷، بندهای ۹ و ۱۷-۱۸.

۵. همان، زمور ۹۶. بندهای ۱۰-۱۳. گفتنی است که نویدهای منجی در زبور، بسیار است و در بیش از ۳۵ بخش از مزامیر ۱۵۰ گانه زبور آمده است.

گفتنی است که قرآن کریم با صراحت از وجود این بشارت‌ها در زبور داوود خبر داده است:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۱</sup>؛

و هر آینه در زبور [داوود] نوشتیم پس از آنکه در ذکر [=تورات] بیان کردیم که: زمین را بندگان صالح ما به ارث خواهند برد.

چنانکه هویداست تعبیر قرآن از حکومت نیکان در آخرالزمان (= وراثت صالحان) همان است که در بشارت‌های زبور عصر حاضر موجود است و این حقیقت روشن، بیان‌گر اصالت موعودباوری در ادیان الهی است.

### آخرالزمان و جهان پیش از ظهور

از دیدگاه کتاب مقدس یهود، جهان پیش از ظهور، جهان ظلم و تباهی است و فساد به شکل‌های مختلف در جامعه بشری رواج می‌یابد؛ چنانکه در متون اسلامی نیز آمده است که مهدی موعود، همان کسی است که زمین را پر از عدالت می‌کند؛ همانگونه که از ظلم و جور، آکنده شده است.

دانشمندان یهود به مردم یادآور می‌شدند که پیش از ظهور ماشیح، آشفتگی و فساد در جهان به نهایت خواهد رسید. برخی از نشانه‌ها در اخلاق انسان‌ها و برخی در طبیعت آشکار خواهد شد؛ مانند اینکه بی‌بندوباری افزایش خواهد یافت و روابط خویشاوندی به سردی خواهد گرایید و بسیاری از مردم، دچار فقر و تنگدستی خواهند شد.<sup>۲</sup>

در تلمود آمده است:

جوانان به پیران بی‌احترامی کرده، آنان را خجالت خواهند داد و پیران در جلوی جوانان به پا خواهند ایستاد. دختر با مادر، و عروس با مادرشوهر مخالفت خواهد کرد و فرزند از پدر خود خجالت نخواهد کشید. محل تحصیل و مطالعه، به اماکن فساد تبدیل شده و دانش‌دبیران، فاسد خواهد شد و کسانی که از خطا کردن بترسند، منفور خواهند بود.<sup>۳</sup>

۱. سوره انبیاء: ۱۰۵.

۲. انتظار مسیحا در آیین یهود، ص ۶۲.

۳. تلمود بابلی، سنهدرین (بخشی از تلمود است) ۹۷ الف.



## پیامدهای موعودباوری در یهود

عقیده نجات و ایمان به منجی موعود در زندگی یهود، نتایج و ثمراتی داشته است که مهم‌ترین آن‌ها حالت امید و نگاه روشن به آینده و در نتیجه تقویت صبر و استقامت در برابر مشکلات فراوانی است که در طول تاریخ برای قوم یهود بوده است؛ زیرا چنان‌که در بخش‌های قبل گفتیم قوم یهود پیوسته در سختی‌ها و مشکلات و آوارگی‌ها به سر برده‌اند و همه این‌ها را به امید روزگار نجات به دست موعود یهود تحمل کرده‌اند و جالب اینکه در کنار این صبر و شکیبایی، التزام یهودیان به شریعت و احکام آن مطرح بوده و بزرگان قوم دست‌کم در گروه‌هایی از یهود - تبلیغ کرده‌اند که شرط آمدن منجی، عمل کردن پیروان این آیین بر اساس دستورات شریعت و التزام عملی ایشان به اوامر خداست.

در سفر پیدایش، دست‌کم سه بار از عهد خداوند با ابراهیم و سپس تکرار این عهد با فرزندانش اسحاق و یعقوب سخن آمده است. بر اساس آن عهدها وعده افزایش شمار قوم یعقوب به تعداد ستارگان و نیز بخشش سرزمین کنعان به قوم یهود داده شده است. وقتی عهد مزبور در صحرای سینا با موسی و قوم اسرائیل تجدید می‌شد، تحقق وعده‌های خداوند، مشروط به گردن نهادن قوم به قانون موسوی شد.<sup>۱</sup>

بنابراین از ثمرات موعودباوری یهود، التزام این قوم به احکام شریعت و تقویت دین‌داری آنان بوده است.

۱. گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص ۱۶۸.

## خلاصه درس

- «یهوه»، «قوم برگزیده» و «سرزمین مقدس» ارکان اصلی باور یهود و «ماشیح» عنوان منجی یهود است که از نسل داوود عليه السلام و دارای حاکمیت الهی خواهد بود. به اعتقاد یهود، ماشیح قوم یهود را در سرزمین مقدس به حاکمیت می‌رساند.
- از دیدگاه کتاب مقدس یهود، جهان پیش از ظهور، پر از ظلم و تباهی و فساد است، روابط خانوادگی از هم می‌پاشد و مردم دچار فقر و تنگدستی می‌شوند.
- صبر در برابر مشکلات، امیدواری به آینده و التزام به شریعت، از پیامدهای موعودباوری یهود است.

### پرسش‌های درس

۱. تاریخچه یهود را توضیح دهید.
۲. خاستگاه منجی باوری یهود و سیر تاریخی پیدایش آن را تبیین کنید.
۳. نمونه‌ای از بشارت‌های موعود را در کتب یهود بیان کنید.
۴. جهان پیش از ظهور موعود در یهود چگونه ترسیم شده است؟

### پرسش‌های پژوهشی

۱. اوصاف و ویژگی‌های منجی را از دیدگاه تلمود بیان کنید.
۲. گونه‌های انتظار را در گرایش‌های مختلف یهود بیان نمایید.
۳. پیدایش دولت غاصب اسرائیل چه تأثیری بر منجی باوری یهود داشته است؟

### منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

۱. گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، جمعی از نویسندگان.
۲. خط امان، محمد امامی کاشانی.
۳. آشنایی با ادیان بزرگ، حسین توفیقی.
۴. انتظار مسیحا در آیین یهود، جولوس کرینستون (ترجمه حسین توفیقی).

## درس چهارم

### منجی در مسیحیت و آئین زردشت

#### اهداف

۱. آشنایی با مسیحیت و آئین زردشت و باورهای آن
۲. شناخت منجی موعود در مسیحیت و آئین زردشت و کارکردهای او

#### فوائد

۱. آشنایی با سیر پیدایش دین مسیحیت و زردشت
۲. شناخت مفهوم نجات در مسیحیت
۳. آشنایی با وجوه مشترک موعود باوری در ادیان
۴. شناخت آثار اجتماعی موعودباوری

#### مطالب آموزشی

- آشنایی با مسیحیت
- عیسی موعود یهود
- بررسی مفهوم نجات و منجی در مسیحیت
- آشنایی با آئین زردشت
- منجی در آئین زردشت
- وجوه مشترک بین ادیان در حوزه موعودباوری
- یک. دخالت خدا در زمین
- دو. چشم‌انداز روشن برای آینده جهان
- آثار و برکات اجتماعی موعودباوری
- ۱. موعود باوری، بستر شکل‌گیری آرمان معنوی
- ۲. امیدواری
- ۳. هویت‌بخشی
- ۴. صبر و پایداری برای حق

### آشنایی با مسیحیت

مسیحیت، یکی از بزرگ‌ترین ادیان جهان و مانند اسلام و یهودیت، از ادیان ابراهیمی است که اصل خود را به ابراهیم خلیل علیه السلام برمی‌گرداند.

مسیحیت با ظهور حضرت عیسی علیه السلام آغاز شد. او در میان بنی‌اسرائیل و در آغاز به عنوان منجی موعود ایشان ظهور کرد؛ ولی در نهایت همین یهودیان بودند که او را انکار کرده و در پی اعدام و کشتن او برآمدند. طبق بیان انجیل (کتاب مقدس مسیحیان) حضرت عیسی علیه السلام به صلیب کشیده شد و روی صلیب مُرد و او را دفن کردند؛ ولی پس از سه روز از میان مردگان برخاست و پس از چهل روز ارتباط با شاگردان خود، به آسمان بالا رفت تا دوباره برای پادشاهی برگردد.<sup>۱</sup>

حضرت عیسی علیه السلام در آغاز دعوت خود، یارانی را برگزید تا پیام او را به همگان برسانند و این‌ها را معمولاً «شاگردان» آن حضرت می‌نامند.

حضرت عیسی علیه السلام دوازده نفر از شاگردان خود را برگزید و آنان را رسول نامید.<sup>۲</sup> رسولان آن حضرت در قرآن، «حواریون» خوانده شده‌اند و نام‌های ایشان در انجیل معروف است؛ مانند شمعون (پطروس)، یوحنا، متی و دیگران.<sup>۳</sup>

۱. البته قرآن در آیه ۱۵۷ سوره نساء، آشکارا این عقیده را رد کرده است. طبق تعالیم اسلامی عیسای مسیح به صلیب کشیده نشده است؛ بلکه عروج کرده و هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام به زمین بازمی‌گردد و امام مهدی علیه السلام را در برنامه الهی‌اش یاری خواهد کرد.

۲. لوقا، ۱۳: ۶.

۳. رک: آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۳۵.

مسیحیان مجموعه‌ای با عنوان «کتاب مقدس» را کتاب آسمانی خود می‌دانند. کتاب مقدس از دو بخش «عهد قدیم» و «عهد جدید» تشکیل شده است. عهد قدیم که همان تورات و ملحقات آن است بخش عمده کتاب مقدس و مشترک بین یهودیان و مسیحیان است و هر دو گروه، آن را مقدس و معتبر می‌دانند؛ اما عهد جدید ویژه مسیحیت و منبع اصلی اعتقادات آن‌ها به شمار می‌رود. عهد جدید شامل ۲۷ کتاب و رساله است و معروف‌ترین بخش‌های آن چهار انجیل منسوب به متی، مرقس، لوقا و یوحنا است؛ پس از آن کتاب «اعمال رسولان» است که به فعالیت‌های ایشان پرداخته و بخشی از نامه‌های آن‌ها را آورده است.

مسیحیان انجیل‌ها و نیز بقیه کتاب‌های موجود در عهد جدید را از عیسی علیه السلام نمی‌دانند؛ بلکه معتقدند پس از صعود عیسی علیه السلام به آسمان به وسیله حواریون (= یاران خاص عیسی علیه السلام) و پیروان او نوشته شده است. البته باید دانست که اعتقاد یهودیان و مسیحیان به عهد جدید، همانند ایمان مسلمین به قرآن کریم است؛ یعنی به کارگیری تعبیراتی مثل کتاب مقدس، کتاب خدا و وحی برای عهد عتیق و جدید نیز معمول است؛ زیرا مسیحیان معتقدند که خداوند، کتاب مقدس را به وسیله الهامات روح القدس پدید آورده و برای این منظور، مؤلفانی از بشر را برای نوشتن آن‌ها برانگیخته است بنابراین همه مسیحیان معتقدند که اناجیل کنونی، زندگینامه و سخنان حضرت عیسی علیه السلام است که «متی، مرقس، لوقا و یوحنا» آن‌ها را نوشته‌اند؛ ولی قرآن کریم آشکارا نزول انجیل بر عیسی علیه السلام را بیان کرده است که آن کتاب، هیچ‌گونه شباهتی با اناجیل موجود ندارد.<sup>۱</sup>

عقاید مسیحیت سه محور اساسی دارد:

۱. بیشتر مسیحیان<sup>۲</sup> در خداپرستی به مفهوم تثلیت (سه خدایی) معتقدند و در همان حال، خود را موحد می‌شمارند و می‌گویند سه حقیقت پدر، پسر و روح القدس یک حقیقت را تشکیل می‌دهند؛ ولی قرآن کریم مسیحیان را به سبب تثلیت، کافر دانسته<sup>۳</sup> و آن‌ها را از این اعتقاد

۱. برگرفته از آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۶۳-۱۶۵.

۲. برخی از فرقه‌های مسیحی، موحد هستند و به الوهیت و ازلیت عیسی مسیح و روح انقدس اعتقادی ندارند.

۳. سوره مائده: ۷۳.

بازداشته است.<sup>۱</sup>

۲. خداوند از روی رحمت بر بندگان، پسر خود عیسی را به کفاره گناهان بشر، قربانی کرده است.<sup>۲</sup>

۳. مسیح علیه السلام پس از مصلوب شدن، دوباره بازگشته، بین مردم داوری خواهد کرد.<sup>۳</sup> مسیحیت، فرقه‌ها و مذاهب فراوانی دارد که سه مذهب «ارتودکس، کاتولیک و پروتستان» مهم‌ترین آن‌ها هستند.

مسیحیان در دین خود آیین‌های مختلفی دارند که از جمله آن‌ها «غسل تعمید» و «آیین توبه» است. نوزادان مسیحی و نیز آن‌ها که به دین مسیحیت وارد می‌شوند به وسیله کشیش (روحانی مسیحی) غسل تعمید داده می‌شوند. به اعتقاد آن‌ها با این غسل، شخص از گناهان گذشته پاک می‌شود؛ در مورد نوزادان نیز معتقدند که آن‌ها از گناه اولیه آدم که از طریق وراثت منتقل شده، پاک می‌گردند.

از آنجا که غسل تعمید تنها یک‌بار در زندگی مسیحیان انجام می‌شود و ممکن است پس از آن هم به گناهی آلوده شوند «آیین توبه» وجود دارد. طبق این آیین، افراد در برابر کشیش با صدای بلند به گناهان خود اعتراف می‌کنند و پس از آن برای جلب رضایت الهی و به عنوان کفاره، انجام عملی مثبت مانند نماز یا روزه یا کمک به فقرا را که از سوی کشیش تعیین می‌شود می‌پذیرند.<sup>۴</sup>

پس از انجام آن عمل، با اعلام عفو و آمرزش از سوی کشیش، آیین توبه پایان یافته، گنهکار از عواقب گناه خود نجات می‌یابد و احساس آرامش می‌کند. پروتستان‌ها این مراسم را قبول ندارند و معتقدند برای توبه باید بدون واسطه به درگاه خدا رفت و از او طلب بخشش

۱. سوره نساء: ۱۷۱.

۲. توضیح این مطلب در ادامه بحث تحت عنوان «بررسی مفهوم نجات و منجی در مسیحیت» خواهد آمد.

۳. توضیح این عقیده در ادامه بحث می‌آید.

۴. گفتنی است که آیین توبه (و سایر آیین‌های مقدس) رایگان انجام می‌شود و شایعاتی که درباره پرداخت پول برای بخشش گناه وجود دارد، بی‌اساس است. ر.ک: *آشنایی با ادیان بزرگ*، ص ۱۸۶.

کرد.<sup>۱</sup>**عیسی علیه السلام موعود یهود**

حضرت عیسی علیه السلام در سرزمینی متولد شد که به تازگی زیرسلطه رومیان قرار گرفته بود و در آن عصر، یهودیان به شکل نامطلوبی زیر یوغ بیگانگان قرار داشتند. نهضت‌های نافرجامی در گوشه و کنار فلسطین انجام شد؛ ولی بی‌رحمانه سرکوب شد. در چنین فضائی نهضت عیسی علیه السلام برای نجات یهود شکل گرفت و بازماندگان نهضت‌های پیشین جذب این آیین شدند؛ زیرا اندکی پیش از قیام عیسی مسیح علیه السلام، حضرت یحیی بن زکریا علیه السلام پیامبر پرآوازه بنی‌اسرائیل در میان یهود قیام کرد و به آنان بشارت داد که: «توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است».<sup>۲</sup>

از دیدگاه بنی‌اسرائیل، ملکوت آسمان گونه‌ای از حکومت الهی بود که آرمان مقدس آنان به شمار می‌رفت و بسیاری از ایمان‌آوردگان به حضرت عیسی علیه السلام یقین داشتند که وی به زودی پادشاه یک آرمان شهر خدایی خواهد شد؛ ولی وقتی دیدند که عیسی علیه السلام آرزوی آنان برای قیام یک مسیح پیروز را برآورده نکرد و در تشکیل حکومت آرمانی بنی‌اسرائیل ناکام ماند و در نهایت به صلیب کشیده شد گفتند این دلیل است بر اینکه او نه مسیحای موعود، بلکه یکی از مدعیان بی‌شمار مسیحایی در تاریخ یهود بوده است؛ ولی یاران او گفتند: اولاً او آمده بود تا قربانی گناهان بشر شود و ثانیاً به زودی برای واپسین داوری، رجعت خواهد کرد و این دو مسئله، زیربنای مسیحیت شد.

بنابراین مهم‌ترین باوری که در دین مسیحیت وجود دارد اعتقاد به رستاخیز و آرمان بازگشت عیسی در آخرالزمان است که زیربنای اندیشه مسیحی و تبلیغ مبلغان مسیحی بوده است. مسیحیان، کریسمس را جشن میلاد خداوند و نجات‌دهنده خود می‌دانند. سال مسیحی در فضایی آکنده از امید و انتظار و دعا برای بازگشت عیسی علیه السلام آغاز می‌شود. به آنان توصیه شده است که:

۱. در اسلام نیز توبه تنها به درگاه خداست و اعتراف به گناه تنها در برابر او و بخشش و مغفرت تنها به دست اوست.

۲. متی ۳:۲؛ مرقس ۱:۴؛ لوقا ۳:۳.



کمرهای خود را بسته، چراغ‌های خود را افروخته‌دارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت می‌کند، تا هر وقت که آید و در را بکوبد، بی‌درنگ برای او باز کنند.<sup>۱</sup>

### بررسی مفهوم نجات و منجی در مسیحیت

می‌توان گفت اندیشه «منجی موعود» در مسیحیت، دارای دو مفهوم است؛ موعودی از بنی‌اسرائیل که ظهور کرد و رفت، و موعود مسیحی که خواهد آمد تا ملکوت خدا را برپا دارد. در مفهوم اول، موعود مسیحیان، مصداق همان مفهوم «ماشیح یهود» است که به جای بازگرداندن سروری ایشان با مرگ فدی‌وار خویش بار گناه نخستین را از دوش مؤمنان به خویش برداشت؛ در حالی که در مفهوم دوم، موعود مسیحی، همان عیسی علیه السلام است که پس از مصلوب شدن و عروج به آسمان، بار دیگر باز خواهد گشت، تا پایان تاریخ را رقم بزند. مطابق آنچه در کتاب مقدس آمده است، عیسی باز خواهد آمد تا در میان امت‌ها داوری کند، و جهانیانی را که به او ایمان می‌آوردند رهایی بخشد، هستی را از فساد رهایی دهد، به جهان برکت دهد و ملکوت الهی را اقامه کند.

این وعده‌ها، مسیحیان را در انتظاری تاریخی نگه داشته است. بر اساس این‌باور، عیسی علیه السلام به صورت ناگهانی و بدون اطلاع قبلی در جلال و هیبت پدر و همراه فرشتگان و با پیروزی و فتح خواهد آمد<sup>۲</sup> و به دنبال این بازگشت پیروزمندانه است که انتظار دیرین یهود را برآورده می‌کند و حکومت موعود را برقرار می‌سازد.

بنابراین چنان که منجی در دو بخش و با دو مفهوم در باور مسیحیان شکل گرفته است، موضوع نجات بشر نیز در دو مرحله انجام پذیرفته و تحقق می‌یابد. مرحله اول، ظهور اولیه عیسی علیه السلام است که پس از اندک زمانی از دعوت خود و پیش از تحقق بخشیدن به آرمان یهود، به صلیب کشیده می‌شود و با این کار، خود را فدای تمام مسیحیان می‌کند که به او ایمان داشته یا خواهند داشت و آن‌ها را از گناه و پستی‌ای که نسل آدمی را گرفته است می‌رهاند؛ زیرا که به اعتقاد این قوم، آدم و حوا با خطای خود، نسل بشر را آلوده کردند و مسیح با فدا شدن خود در این مرحله، سبب نجات بشر از این گناه تاریخی شد.

۱. لوقا ۱۲: ۳۵-۳۶.

۲. گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود، ص ۲۲۷.

مرحله دوم نجات، در رجعت عیسی علیه السلام و پایان تاریخ رخ خواهد داد؛ ولی درباره این مرحله از ظهور عیسی علیه السلام دو برداشت در مسیحیت وجود دارد. برداشت اصلی و اساسی، آن است که رجعت عیسی علیه السلام پایان عمر دنیا و هم‌زمان با قیامت است و مسیح علیه السلام می‌آید تا میان امت‌ها داوری کرده و حکومت خدا را آشکار کند؛ ولی مطابق عقیده گروه‌های دیگر از مسیحیت، بازگشت او در آغاز هزاره پایانی تاریخ دنیاست و مسیح در این دوره طولانی بر عالم، حکومت نموده، و عدالت را در زمین ایجاد خواهد کرد.<sup>۱</sup>

### آشنایی با آئین زردشت

چند قرن پس از ورود آریاییان به ایران، پیامبری مصلح به نام زردشت، ظهور کرد و ایرانیان را به آئین تازه‌ای دعوت نمود و آئین مغان را که قبل از زردشت بود، برانداخت. درباره روزگار او اختلاف است؛ ولی مشهور این است که او در سال ۶۳۰ پیش از میلاد به پیامبری مبعوث شده است. زردشتیان معتقدند که او ایرانی و اهل آذربایجان بوده و در کوهی نزدیک دریاچه ارومیه به پیامبری رسیده است؛ به همین علت آب دریاچه ارومیه برای ایشان مقدس است. زردشتیان به نام‌هایی چون مجوسی، گبر و پارسی نیز خوانده می‌شوند. کلمه «مجوس» فقط یک بار در آیه هفدهم سوره حج آمده و بیشتر علمای اسلام، آنان را از اهل کتاب دانسته‌اند. کتاب آسمانی زردشتیان «اوستا» نام دارد که به معنای اساس و بنیاد و متن است که پنج بخش دارد. معروف‌ترین بخش آن «گاتها» (به معنای سرود) است که شامل دعاها و معارف دینی است و به خود زردشت نسبت داده می‌شود؛ ولی سایر بخش‌های اوستا را به پیشوایان دینی زردشت نسبت می‌دهند.

سه اصل گفتار نیک، پندار نیک و کردار نیک، مهم‌ترین آموزه‌های زردشت است که مانند آن در احادیث اسلامی نیز آمده است:

الإيمان تصديق بالجنان و اقرار باللسان و عمل بالاركان؛<sup>۲</sup>

ایمان، عبارت است از باور قلبی، اقرار زبانی و عمل با اعضا و جوارح.

۱. اقتباس از: گونه‌شناسی اندیشه منجی، ص ۲۴۹. نیز برگرفته از گفت‌وگوی آیت‌الله امامی کاشانی با رهبر ارمانه‌جهان، ذکر شده در: خط‌امان، ج ۲، ص ۷۷.

۲. بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۷۳.

احترام به آتش به عنوان یکی از مظاهر خدای روشنایی و افروخته نگه‌داشتن آن و انجام مراسمی خاص در اطراف آن در معابدی به نام «آتشکده» به رهبری موبدان، مشخص‌ترین ویژگی این آیین است. مراسم چهارشنبه سوری در ایران با تعالیم زردشتی ارتباط دارد.<sup>۱</sup>

### منجی در آیین زردشتی

در هزاره‌گرایی زردشتی، انتظار ظهور سه منجی از نسل زردشت مطرح شده است که ظهور ایشان سبب تقویت این آیین گردیده و بدی‌ها و زشتی‌های اخلاقی را برطرف خواهد ساخت. سه منجی بزرگ زردشتی که در طول سه هزاره پایانی، ظهور می‌کنند، عبارتند از: هوشیدر، هوشیدرماه، و سوشیانس (یعنی سودمند).

آخرین موعود زردشتی، سوشیانس برگزیده‌ای از نسل زردشت است. او مأموریت دارد دین او را به کمال رساند و از پیراهه‌ها و بدعت‌ها پاک کند و ظلم و ستم را از جهان برداشته، کارها را بر مبنای «گاهان» (= گاتها، مقدس‌ترین بخش اوستا) قرار دهد. پس از آن همه مردم، مطیع فرمان‌های دینی و با یک‌دیگر دوست و مهربان خواهند بود. خشکسالی و فقر و بدبختی از میان خواهد رفت و جهان آرمانی شکل خواهد گرفت. بنابراین موعود زردشتی اول‌آفریدی مشخص است که در اوستا به نام، معرفی شده است و ثانیاً با هدف نجات جمعی بشر ظهور خواهد کرد.

البته بشارت‌های آشکار به ظهور سوشیانس به عنوان منجی موعود بشر، نه در «گاتها» بلکه در بخش‌های دیگر موجود است. در جاماسپ‌نامه آمده است:

پیغمبر عرب، آخر پیغمبران باشد که در میان کوه‌های مکه پیدا شود. او با بندگان خود چیز خورد و به روش بندگان نشیند و دین او اشرف ادیان باشد و کتاب او باطل گرداند همه کتاب‌ها را... و از فرزندان دختر آن پیغمبر که خورشید جهان و شاه‌زنان نام دارد، کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشد... و دولت او تا به قیامت متصل باشد... و همه جهان را یک دین کند و دین‌گیری و زردشتی نماند و پیغمبران خدا و

۱. اقتباس از: آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۵۶-۶۰.

حکیمان... و ابرها و بادها و مردان سفید رویان در خدمت او باشند.<sup>۱</sup>

### وجوه مشترک بین ادیان در حوزه موعودباوری

از مطالعه ادیان و تحقیق و بررسی درباره موضوع منجی موعود در آن‌ها، این حقیقت ناب، آشکار می‌شود که موعودباوری، اندیشه‌ای جهانی است؛ به گونه‌ای که علاوه بر ادیان توحیدی بزرگ (یعنی اسلام و مسیحیت و یهود) سایر آیین‌ها - از قبیل زردشت، هندو، بودا، کنفوسیوس و دائو - نیز به ظهور موعودی در آینده جهان معتقدند؛ گرچه جایگاه نظری موعودباوری و نیز گرایش پیروان ادیان مختلف به این عقیده، متفاوت بوده و در یک سطح نیست.

در این بخش می‌خواهیم عناصری را بررسی کنیم که در جریان موعودباوری در میان ادیان و ملل مختلف به عنوان عناصر اصلی و مشترک مطرح است:

#### یک. دخالت خدا در زمین

موعودباوری در همه ادیان - حتی آن‌ها که توحیدی نیستند - بر محور یک نجات‌بخشی غیبی و ماورائی است؛ یعنی نزد همه اقوام و ملل جهان، ثابت است که انسان با تکیه بر خود و بدون پشتیبانی از عالم بالا و جهان غیب نمی‌تواند وضع نابسامان موجود را به وضع مطلوب و آرمانی تغییر دهد و باید دستی از غیب برآید و کاری بکند.

درست به همین دلیل، منجی موعود یهودیت و مسیحیت، باید مسیحا (= مسح‌شده خدا) باشد و منجی اسلام، مصلحی است از خاندان پیامبر ﷺ که از سوی خدا تأیید می‌گردد و به نیرو و امداد غیبی پشتیبانی می‌شود<sup>۲</sup> و به عقیده شیعه، موعود، حجت خاص خدا و آخرین جانشین پیامبر اسلام ﷺ است. در سایر ادیان و مکاتب بشری نیز مسئله موعود به ماورای عالم ماده ارتباط دارد.<sup>۳</sup>

۱. ظهور حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، ص ۳۵۲ و ۳۵۶.

۲. ارشاد، ج ۲، ص ۳۴۰؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ح ۳۸، ص ۱۷۸.

۳. ر.ک: گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص ۴۸۰.

## دو. چشم‌انداز روشن برای آینده جهان

در همه ادیان، موعودباوری به معنای ضرورت تحقق همه آرمان‌های بلند بشر در آینده جهان است. به بیان روشن‌تر به اعتقاد همه ملت‌ها و مذاهب، جریان موعودباوری به حاکمیت همه‌خوبی‌ها خواهد انجامید و ظهور موعود، هرگونه ظلم و ستم و شرّ و بدی را از جهان بشریت پاک خواهد کرد. این بشارت بزرگ و نشاط‌آفرین در کتب مقدّس همه‌ادیان آمده و در ذهن و اندیشه پیروان ادیان نیز حقیقت موعود با مدینه فاضله و آرمان‌شهر انسان‌ها، پیوند خورده است.

## آثار و برکات اجتماعی موعودباوری

مخالفان‌اندیشه اصیل و آسمانی موعودباوری، با استناد به برخی رفتارهای غلط اجتماعی مانند ظهور مدعیان مسیحایی یا مهدویت و پیامدهای ناگوار این پدیده، تلاش می‌کنند که جریان عقیده به موعود را جریانی سراسر منفی و آسیب‌زا برای بشر معرفی کنند؛<sup>۱</sup> در حالی که این جریان آثار و برکات اجتماعی و حتی فردی فراوانی برای بشریت داشته و دارد و سوء برداشت‌ها و سوء استفاده‌ها نمی‌تواند آن برکات و فوائد بزرگ را از میان بردارد. بعضی از مهم‌ترین آثار موعودباوری از این قرارند:

### ۱. شکل‌گیری آرمان معنوی

بدون شک عقیده به ظهور منجی الهی، در نهاد بشر، آرمانی معنوی و بزرگ را فراهم می‌کند که نتیجه آن، تقویت خودباوری و اعتماد به نفس و حرکت در مسیر آرمان مقدّس خواهد بود. به عبارت دیگر، اندیشه منجی موعود در ادیان با طرح الگوی جامعه مطلوب، توقع پیروان خود را برای فراهم‌شدن جامعه‌ای برتر، بالا می‌برد و همگان با توجه به آن قلّه خوبی‌ها، دیگر به وضع موجود قانع نبوده، در پی‌رهایی از آن و رسیدن به جهان بهتر هستند.

### ۲. امیدبخشی

ایمان به آینده روشن در پرتو ظهور موعود آسمانی، نور امید را در دل‌ها می‌تاباند؛ امید به

۱. گفتنی است که هر حقیقتی (حتی «خداپرستی» و نبوت!!) ممکن است مورد سوء استفاده‌شیادان

قرار گیرد؛ ولی هیچ عاقلی آثار و برکات این حقایق را برای بشر مؤمن و معتقد، انکار نمی‌کند.

رفع نگرانی‌ها، ظلم‌ها و حق‌کشی‌ها؛ امید به استقرار عدالت در همه بخش‌ها و ظهور همه فضیلت‌ها و خوبی‌ها. و روشن است که نقش امید به آینده در زندگی امروز بشر بسیار مهم است. و عاملی است که پیروان ادیان را در مسیر دینداری نگه داشته و در برابر شبهات فرهنگی حفظ می‌کند.

به همین دلیل است که جریان موعودباوری، پیوسته در کتب مقدس ادیان در قالب بشارت‌های انبیا و جانشینان آن‌ها و نیز بزرگان روحانی‌شان بیان شده و در اسلام، این بشارت در قرآن کریم و روایات فراوان آمده است.

### ۳. هویت‌بخشی و از بین رفتن بحران معنوی

به دنبال شکل‌گیری آرمان معنوی و تحقق امید واقعی به آینده زیبا که در سایه موعودباوری رخ می‌دهد، افراد و اجتماع موعودباور، برای زندگی و حیات، فلسفه‌ای بزرگ و معنایی روشن و دلگرم‌کننده می‌یابند و از پوچی و بی‌هدفی که اصل و اساس هر انحرافی است، رها می‌شوند. عقیده به ظهور منجی موعود، سبب می‌شود هدفی روشن و بسیار والا برای حیات دینی دینداران فراهم شود که هر یک از مؤمنان می‌تواند در تحقق آن هدف مقدس، سهمی داشته باشد و امکانات و استعداد خود را در مسیر آن موعود و اهداف والای او به کار گیرد. این کارکرد به خودسازی و زمینه‌سازی برای ظهور موعود الهی در فرهنگ اسلام و به ویژه شیعه، می‌انجامد.

### ۴. صبر و پایداری برای حق

کسی که به هدفی بزرگ می‌اندیشد و آینده جهان را آینده حاکمیت همه خوبی‌ها می‌بیند، برای تحقق آن آینده می‌کوشد. او در این راه، از دشمنی دشمنان نمی‌ترسد و در برابر هجوم آن‌ها ایستادگی می‌کند و حتی هویت دینی و موعودی خود را حفظ می‌کند. بر این اساس است که در روایات انتظار در فرهنگ شیعه، مسئله «انتظار و صبر» در کنار هم آمده است.

## خلاصه درس

- مسیحیت یکی از بزرگ‌ترین ادیان ابراهیمی است که با ظهور حضرت عیسی به عنوان موعود بنی‌اسرائیل آغاز شد.
- کتاب مقدس مسیحیان دارای دو بخش عهد قدیم (تورات و ملحقات آن) و عهد جدید است.
- بیشتر مسیحیان معتقد به تثلیث، قربانی شدن عیسی برای کفاره گناهان بشر و بازگشت دوباره او و داوری بین مردم می‌باشند.
- نجات در مسیحیت، دارای دو مفهوم است؛ نجات فدی‌هوار و داوری عیسی ﷺ هنگام بازگشت دوباره در پایان تاریخ.
- سوشیالیسم منجی زردشت است که سه هزار سال پس از زردشت و در پایان تاریخ ظهور می‌کند.
- از مشترکات ادیان در موعودباوری، دخالت خدا در زمین برای ایجاد آینده روشن جهانی است.

## پرسش‌های درس

۱. تاریخچه مسیحیت و زردشت را جداگانه توضیح دهید.
۲. نمونه‌هایی از بشارت‌های دین مسیحیت و آیین زردشتی به موعود را بیان کنید.
۳. مفهوم نجات را در مسیحیت بررسی کنید.
۴. چگونگی هویت‌بخشی اعتقاد به منجی را در ادیان گوناگون تبیین کنید.

## پرسش‌های پژوهشی

۱. عقاید محوری مسیحیت را نقد و بررسی کنید.
۲. چه عواملی سبب شد که حضرت عیسی علیه السلام مورد پذیرش همه بنی‌اسرائیل قرار نگیرد؟
۳. آیا می‌توان گفت موعود همه ادیان یکی است؟ تحلیل کنید.

## منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

۱. آشنایی با ادیان بزرگ، حسین توفیقی.
۲. گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، جمعی از نویسندگان.
۳. خط امان، محمد امامی کاشانی.
۴. ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، هاشمی شهیدی.



## تاریخ عصر غیبت

### اهداف

۱. آشنایی با دوره غیبت صغرا
۲. شناخت زندگی نواب خاص و مسئولیت آنان

### فواید

۱. آشنایی با فضای غیبت صغرا و داستان سرداب
۲. آشنایی با ملاک‌های گزینش نایبان خاص

### مطالب آموزشی

۱. پیش‌زمینه‌های غیبت امام زمان علیه السلام
۲. غیبت صغرا، آغاز و انجام آن  
داستان سرداب
۳. اختلاف فرقه‌ای پس از شهادت امام عسکری علیه السلام
۴. نایبان چهارگانه امام مهدی علیه السلام  
نایب اول؛ عثمان بن سعید عمری  
نایب دوم؛ ابوجعفر محمد بن عثمان عمری  
نایب سوم؛ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی  
نایب چهارم؛ ابوالحسن علی بن محمد سمري
۵. ملاک‌های گزینش نایبان خاص  
الف. تقیه و پنهان‌کاری  
ب. استواری و مقاومت  
ج. زیرکی و درایت  
۶. شیوه ارتباط شیعیان با نایبان خاص  
۷. وظایف و مسئولیت‌های نایبان در غیبت صغرا  
الف. مسئولیت‌ها در ارتباط با امام غایب  
یکم. از بین بردن شک و تردید درباره وجود امام مهدی علیه السلام  
دوم. حفظ جان امام از راه پنهان کردن نام و مکان حضرت  
ب. وظایفی در ارتباط با امت امام  
یکم. سرپرستی و تقویت سازمان و کالت  
دوم. پاسخ‌گویی به شبهات اعتقادی و سؤالات فقهی  
سوم. دریافت وجوهات متعلق به امام

### پیش‌زمینه‌های غیبت امام زمان علیه السلام

در آستانه‌غیبت صغرا حوادثی رخ می‌دهد که شرایط این دوره را روشن‌تر می‌کند. خلفای عباسی که برای حفظ حکومت خود، فعالیت امامان شیعه را محدود می‌کردند از زمان امامت امام رضا علیه السلام روشی جدید را در پیش گرفتند. سیاست مأمون عباسی چنین بود که با نزدیک ساختن امام رضا علیه السلام به دربار و محدود کردن آن امام، حضرتش را تحت نظارت و مراقبت کامل خود قرار دهد و نیز بین آن حضرت و شیعیانش جدایی و فاصله بیندازد. همین شیوه ظالمانه را خلفای بعد در مورد امام هادی و امام عسکری علیه السلام اجرا کردند و این دو بزرگوار به شهر سامراء که در آن دوره، مرکز حکومت عباسیان بود جلب شدند و در تمام مدت زندگی تحت مراقبت و کنترل شدید قرار گرفتند. دسترسی شیعیان به آن دو بزرگوار بسیار سخت و گاهی همراه با خطر جانی برای امام و شیعیانش بود و به همین سبب ارتباط شیعیان با آن دو امام در بیشتر موارد به وسیله وکلای ایشان بود.<sup>۱</sup>

در چنین شرایطی ولادت امام مهدی علیه السلام و سپس غیبت آن حضرت واقع شد.

### غیبت صغرا، آغاز و انجام آن

غیبت امام مهدی علیه السلام شامل دو دوره کوتاه و بلند است. دوره کوتاه غیبت همزمان با شهادت امام عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ ق شروع شد و به هنگام درگذشت «علی بن محمد سمري»

۱. درباره وکلای ائمه علیهم السلام و سازمان وکالت، در ادامه کتاب بحث خواهیم کرد.

آخرین نایب خاص حضرت در سال ۳۲۹ ق پایان یافت.<sup>۱</sup>

### شهادت امام عسکری علیه السلام و نماز بر آن حضرت

سرانجام، در هشتم ربیع الاول سال ۳۶۰ ق امام عسکری علیه السلام به دست معتمد عباسی به شهادت رسید و شیعیان را عزادار کرد. جمعیت بسیاری برای تشییع و خاکسپاری آن حضرت، جمع شدند. عثمان بن سعید عمری کار غسل، کفن و دفن امام را عهده‌دار شد. هنگام نماز گزاردن بر بدن امام، جعفر برادر امام عسکری علیه السلام که مدعی امامت بود، خواست نماز بخواند؛ ولی ناگهان امام مهدی علیه السلام ظاهر شد و فرمود: «تَأَخَّرَ يَا عَمَّ فَإِنَّا أَحَقُّ بِالصَّلَاةِ عَلَى أَبِي؛<sup>۲</sup> ای عمو عقب بایست. من شایسته‌ترم که بر جنازه پدرم نماز بخوانم». پس از پایان نماز، امام مهدی علیه السلام به درون رفت و هر چه مأموران خلیفه‌عباسی در پی او جست‌وجو کردند او را نیافتند و این، آغاز غیبت امام مهدی علیه السلام بود.

### داستان سرداب مقدس

در خانه امام عسکری علیه السلام، سردابی (زیرزمینی) وجود داشته که در روزهای گرم، ساکنان خانه در آن سرداب به سر می‌بردند. نیز این سرداب، محل عبادت سه امام بزرگوار یعنی امام هادی و امام عسکری و امام مهدی علیهم السلام بوده است؛ به همین سبب محل مذکور، پیوسته مورد احترام شیعیان قرار داشته و آن را از مصادیق این آیه می‌شمرده‌اند که:

﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ﴾<sup>۳</sup>

برخی از نویسندگان اهل سنت نوشته‌اند که مهدی در تمام دوره غیبت، بدون آب و غذا در سرداب به سر می‌برد و از آنجا ظهور خواهد کرد و شیعیانش در کنار سرداب چشم به راه ظهور

۱. چنان‌که در درس غیبت گذشت، پنج سال اول زندگی امام مهدی علیه السلام جزء دوره غیبت صغرای آن حضرت نیست؛ زیرا ویژگی دوره غیبت صغرا یکی امامت آن حضرت است و دیگری نیابت نایبان خاص که این دو در دوران پنج سال اول نبوده است.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۵۷.

۳. یعنی: در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود. سوره نور: ۳۶.

اویندا<sup>۱</sup> ولی حقیقت این است که هیچ یک از بزرگان شیعه چنین باوری نداشته و چنین سخنی نگفته و نوشته است.

علامه امینی رحمته الله علیه می نویسد:

... شیعه اعتقاد ندارد که امام در سرداب مقدس پنهان شده و از همان جا ظهور خواهد کرد؛ بلکه با احادیث تأیید شده معتقد است که از کنار کعبه ظهور می کند... آن سرداب، خانه امامان در سامراء بوده است و از آن رو شرافت پیدا کرده که به سه تن از امامان بزرگوار، منسوب شده است.<sup>۲</sup>

بنابراین در جریان غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، سرداب مقدس سامراء جایگاهی ندارد و جالب اینکه گزارشی که درباره سرداب نقل شده است، نه در آغاز غیبت، بلکه نوزده سال پس از شروع غیبت بوده است:

در سال ۲۷۹ ق همزمان با خلافت معتضد عباسی، خلیفه سه نفر را مخفیانه به خانه امام عسکری عجل الله تعالی فرجه فرستاد و فرمان داد که هر کس را در آن خانه یافتند بکشند. آن ها به خانه وارد شدند و اتاقی یافتند که پرده ای زیبا داشت. هنگامی که پرده را بالا زدند، گویی دریایی پر از آب دیدند که در انتهای آن، مردی روی حصیری مشغول نماز بود. وارد آب شدند؛ ولی نزدیک بود غرق شوند و با اضطراب خارج شدند و بازگشتند.<sup>۳</sup>

### اختلافات فرقه ای پس از شهادت امام عسکری عجل الله تعالی فرجه

در روایات فراوان از رسول خدا صلی الله علیه و آله بشارت ظهور آخرین حجت الهی آشکارا مطرح شده بود و عباسیان قیام این موعود الهی را مخالف با جریان حکومت ظالمانه خود می دانستند؛ به همین دلیل کوشیدند به خیال خود از عملی شدن این خبر غیبی جلوگیری کنند. آنان به همین منظور، خانه امام عسکری عجل الله تعالی فرجه را در کنترل شدید قرار دادند، تا اگر فرزندی برای آن حضرت متولد شد، او را شهید کنند.

امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه که در شرایط سخت و سنگینی به سر می برد، امور امامت و رهبری

۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۱۹؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۱، فصل ۲۷، ص ۱۹۹.

۲. الغدیر، ج ۳، ص ۳۰۸ و ۳۰۹.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۵۱ با تلخیص.

شیعه را پنهانی انجام می‌داد. آن حضرت به ویژه امر مهم جانشینی پس از خود و جریان ولادت مهدی علیه السلام را مخفی نگه داشت؛ به همین دلیل بود که در زمان حیات امام عسکری تنها گروه اندکی از شیعیان خاص، از ولادت حضرت مهدی علیه السلام آگاه شدند. جو اختناق و نیز ولادت پنهانی امام دوازدهم از یک سو و ادعای امامت جعفر - برادر امام عسکری - از سوی دیگر، سبب حیرت و سرگردانی گروه‌هایی از شیعیان شد؛ به گونه‌ای که پس از شهادت امام عسکری علیه السلام، چهارده فرقه در میان شیعه به وجود آمد که در اعتقاد به امام دوازدهم به انحراف رفتند؛<sup>۱</sup> ولی مهم این است که با تلاش اصحاب امام عسکری علیه السلام و خواص شیعه و نایبان خاص و علمای شیعه، امر ولادت امام مهدی علیه السلام برای شیعیان روشن و مسلم شد و شیعیان به امامت آن حضرت، گردن نهادند. به همین سبب، آن تفرق و پراکندگی به وحدت و یکپارچگی تبدیل شد و از آن فرقه‌ها و گروه‌ها، تنها نام و تاریخچه‌ای در کتاب‌ها به جای ماند؛ به گونه‌ای که بزرگ پرچمدار شیعه شیخ مفید رحمته الله که در نزدیکی همان دوره می‌زیسته، می‌نویسد: در این سال - یعنی سال ۳۷۳ ق - و در زمان ما، دیگر هیچ اثری از این گروه‌ها باقی نمانده است و همه از بین رفته‌اند.<sup>۲</sup>

بنابراین شبهه افکنی بعضی از مخالفان مبنی بر اختلاف شیعه بر سر امامت دوازدهمین امام و ولادت او، یک جوسازی و داستان‌پردازی دروغین بیش نیست و گواه بر این مطلب، وحدت و یکپارچگی شیعه در جهان امروز بر امامت امام دوازدهم مهدی موعود علیه السلام است.

### نایبان چهارگانه امام مهدی علیه السلام

در دوره غیبت صغرا، رابطه‌ی شیعیان با امام غائب به کلی قطع نشد؛ بلکه آن حضرت، چهار نفر از بزرگان و خواص شیعه را که همگی از عالمان و پارسایان بودند، نایب خاص خود قرار داد.<sup>۳</sup> مناسب است به اختصار درباره زندگی این بزرگواران و ملاک انتخاب ایشان و سمت نیابت و وظایف و مسئولیت‌های آن‌ها در دوران نیابت و نیز کیفیت ارتباط ایشان با شیعیان، بحث کنیم.

۱. بعضی نیز تعداد بیشتری ذکر کرده‌اند که تفصیل آن در تاریخ عصر غیبت نوشته مسعود پورسیدآقائی و دیگران آمده است.

۲. الفصول المختارة، ص ۳۲۱؛ مجله حوزه، ش ۷۱ - ۷۰، ص ۷۰.

۳. این چهار نفر را وکلای خاص. نواب اربعه و نیز سفرای اربعه می‌خوانند.

نایب اول؛ عثمان بن سعید عمری

او نخستین نایب امام مهدی علیه السلام است که به زیّات و سمّان (= روغن فروش) معروف بوده؛ زیرا فعالیت‌های سیاسی - مذهبی خود را در پوشش این کار انجام می‌داد.<sup>۱</sup> عثمان بن سعید از جوانی خدمت‌گذار چند امام بود. وی وکیل امام هادی علیه السلام و در ده سال آخر امامت آن حضرت، رهبر سازمان وکالت<sup>۲</sup> و رئیس وکلای امام عسکری بود. تمام وجوهات پیروان امام عسکری علیه السلام به او تحویل می‌شد.<sup>۳</sup> و سپس وکیل ویژه و نایب خاص امام مهدی علیه السلام شد.

شیخ طوسی در این باره می‌نویسد:

احمد بن اسحاق بن سعد قمی می‌گوید:

روزی به محضر امام هادی علیه السلام رسیدم و گفتم: «من گاهی غایب و گاهی حاضرم [=یعنی گاهی در اینجا هستم و گاهی در نقطه دوردستی هستم] و نمی‌توانم مسایل شرعی خود را از شما بپرسم. وقتی هم که حاضرم، همیشه نمی‌توانم به حضور شما برسم. سخن چه کسی را بپذیرم و از چه کسی فرمان ببرم؟»

امام فرمود: «این ابوعمرو [عثمان بن سعید عمری] فردی موثق و امین است. او مورد اعتماد و اطمینان من است. آنچه به شما می‌گویند، از جانب من می‌گویند و آنچه به شما می‌رساند از طرف من می‌رساند.»

بعد از شهادت امام هادی علیه السلام در یکی از روزها به نزد فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شدم و همان مطلب را از ایشان پرسیدم. آن حضرت همان پاسخ امام هادی علیه السلام را تکرار کرد و فرمود: «این ابوعمرو [عثمان بن سعید عمری] مورد اعتماد و اطمینان امام پیشین و نیز مورد اطمینان من در زندگی و پس از مرگ من است. آنچه به شما بگویند، از جانب من می‌گویند»

۱. غیبت طوسی، ص ۲۱۴؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۴۴.

۲. رجال طوسی، ص ۵۲۶.

۳. تاریخ سیاسی امام دوازدهم علیه السلام، ص ۱۴۹.

و آنچه به شما برساند، از جانب من می‌رساند»<sup>۱</sup>.  
 این سخن در میان شیعیان شایع شد و آن‌ها او را با عظمت یافتند.  
 امام عسکری علیه السلام درباره او فرمود: «گواه باشید که عثمان بن سعید عمری وکیل من است و پسرش محمد نیز وکیل پسر مهدی خواهد بود»<sup>۲</sup>.  
 پس از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام، همین «عثمان بن سعید عمری» بود که مراسم غسل دادن و کفن کردن و خاکسپاری آن حضرت را عهده‌دار شد.<sup>۳</sup> این خود بر مقام والای «عثمان بن سعید» دلالت می‌کند.  
 او بعد از رحلت امام عسکری علیه السلام از سامرا به بغداد رفت و در منطقه کرخ (محل سکونت شیعیان) ساکن شد و در آنجا تا پایان زندگی، امور نیابت را سرپرستی کرد.  
 برخی گفته‌اند: درگذشت او قبل از سال ۲۶۷ ق روی داد.<sup>۴</sup>

#### نایب دوم: ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری

او پس از وفات پدرش، عثمان بن سعید به جای او نشست و به وکالت و نیابت خاص از سوی امام عصر علیه السلام منصوب شد. محمد بن عثمان نیز همانند پدرش، از نظر تقوا و موقعیت اجتماعی مورد قبول و احترام خاص شیعیان بود. در بزرگی شخصیت او همین بس که امام عسکری علیه السلام درباره او و پدرش به احمد بن اسحاق قمی،<sup>۵</sup> چنین فرمود:  
 عمری و پسرش - محمد بن عثمان - هر دو امین و مورد اعتماد من هستند.  
 آنچه به تو برسانند از جانب من می‌رسانند و آنچه به تو بگویند از طرف من می‌گویند. سخنان آنان را بشنو و از آنان پیروی کن؛ زیرا این دو نفر مورد اعتماد و امین من هستند.<sup>۶</sup>

۱. اختیار معرفة الرجال، ص ۲۱۵؛ منتخب الاثر، ص ۳۹۲.

۲. غیبت طوسی، ص ۲۱۶؛ منتخب الاثر، ص ۳۹۴.

۳. تاریخ الغیبة الصغری، ص ۳۹۹.

۴. تاریخ سیاسی امام دوازدهم علیه السلام، ص ۵۶؛ رجال نجاشی، ج ۱، ص ۲۱۸.

۵. او وکیل امام عسکری علیه السلام در میان شیعیان قم و از چهره‌های مشهور و مورد اعتماد شیعه بوده و محضر سه امام بزرگوار (امام هادی و امام عسکری و امام مهدی علیهم السلام) را درک کرده است.

۶. غیبت طوسی، ص ۳۹۵؛ کافی، ج ۱، ص ۲۳۰.

به علاوه امام حسن عسکری علیه السلام پیشاپیش از نیابت او، به شیعیان خبر داده بود، آن گاه که فرمود:  
شاهد باشید که عثمان بن سعید عمری وکیل من است و پسرش محمد وکیل  
فرزندم مهدی علیه السلام است.<sup>۱</sup>

محمد بن عثمان پس از حدود چهل سال نیابت، در سال ۳۰۵ ق در گذشت؛ در حالی که با  
راهنمایی امام مهدی علیه السلام دو ماه پیش از مرگش از زمان وفاتش خبر داده بود.<sup>۲</sup>

نایب سوّم؛ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

او از طایفه بنی نوبخت قم است که در زمان نخستین نائب امام به بغداد مهاجرت کرد.<sup>۳</sup>  
حسین بن روح پیش از درگذشت نایب دوّم از ناحیه مقدسه به نیابت منصوب شد و توسط  
نایب دوّم به خواصّ شیعیان و وکیلان حضرت مهدی علیه السلام معرفی شد. او پس از درگذشت  
محمد بن عثمان در سال ۳۰۵ ق نیابت را به عهده گرفت.

درباره شخصیت او بعضی نوشته‌اند که از اصحاب امام عسکری علیه السلام بوده<sup>۴</sup> و در میان شیعیان  
بغداد موقعیت اجتماعی خوبی داشته است؛ به ویژه که وی در زمان سفیر دوّم، یکی از  
کارگزاران او بوده و در سال‌های آخر سفارتش، به عنوان سر وکیل و واسطه بین او و دیگر  
وکیلان و ناظر بر اموال محمد بن عثمان منصوب شده است.<sup>۵</sup>

ام کلثوم دختر محمد بن عثمان می‌گوید:

حسین بن روح سال‌های طولانی وکیل محمد بن عثمان و ناظر بر املاک او  
بود و اسرار او را به سران شیعه می‌رساند و از نزدیکان خاص وی بود...  
بدین سبب حسین بن روح در قلوب شیعیان، جایگاه والایی یافت... و  
فضل و امانتش همه جا منتشر شده بود... و من یک نفر شیعه را نمی‌شناسم  
که درباره وکالت او شک داشته باشد.<sup>۶</sup>

۱. همان، ۳۵۶.

۲. غیبت طوسی، ص ۳۶۵، ح ۳۳۳.

۳. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، ص ۱۹۲.

۴. مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۲۳.

۵. غیبت طوسی، ص ۳۷۱ و ۳۷۲.

۶. تاریخ عصر غیبت، ص ۲۹۶.



شیخ صدوق از محمد بن علی اسود روایت می‌کند که گفت:

من اموالی از موقوفات را که در اختیار داشتم پیش محمد بن عثمان می‌بردم. در روزهای آخر عمرش، وقتی برای تحویل اموال نزد او رفتم، دستور داد تا آن‌ها را به حسین بن روح تحویل دهم... سپس فرمود: «آنچه به دست حسین بن روح می‌رسد، مانند این است که به دست من می‌رسد».<sup>۱</sup>

در زمان سفارت سفیر سوّم تا حدودی شیعیان آزادی داشتند و حسین بن روح نیز در بین مقامات حکومتی، موقعیت ویژه‌ای داشت؛ بنابراین نایب سوم به دلیل این جایگاه به دستگیری از شیعیان می‌پرداخت و حتی گاهی به سفارش او مشکل بعضی از علویان به وسیله وزیر عباسی حل می‌شد.<sup>۲</sup> سرانجام، نایب سوم پس از ۲۱ سال نیابت در شعبان ۳۲۶ ق درگذشت.

**نایب چهارم؛ ابوالحسن علی بن محمد سمری**

او در سازمان وکالت شیعه به حُسن سابقه مشهور بود و گذشته نیکو و امانت‌داری او سبب شد جایگاه والایی در میان شیعیان و به ویژه وکلای امام عصر علیه السلام یابد و آن‌گاه که او از سوی امام مهدی علیه السلام به نیابت خاصه منصوب شد، مورد قبول و پذیرش همه قرار گرفت.<sup>۳</sup>

نایب چهارم از خانواده‌ای متدین و پیرو اهل بیت علیهم السلام بود؛ به گونه‌ای که بسیاری از خاندان او نیمی از درآمد املاک خود را وقف امام حسن عسکری علیه السلام کردند و آن اموال را به صورت سالانه برای آن حضرت، می‌فرستادند.<sup>۴</sup>

سمری مدت نیابتش کوتاه بود و شرایط زمانش، شرایط خاص سیاسی بود؛ به همین سبب، فعالیت‌های او به آیندگان نرسیده است. مهم‌ترین حادثه در نیابت او، پایان یافتن دوره غیبت صغرا و نیابت خاصه است که با صدور توقیعی از سوی امام انجام گرفت.

شش روز قبل از درگذشت علی بن محمد سمری، توقیعی صادر شد که زمان مرگ وی را پیش‌گویی کرد و خبر داد که دیگر نایبی نیست و با مرگ او دوره غیبت کبرا آغاز خواهد شد.

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ح ۲۹.

۲. تاریخ عصر غیبت، ص ۲۹۶.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۹۸.

۴. همان.

شیخ صدوق به نقل از ابومحمد، حسن بن احمد مکتب می‌نویسد:

ما در سال وفات ابوالحسن، علی بن محمد سمري در مدینه السلام [= بغداد] بودیم و چند روز قبل از درگذشت او به حضورش رسیدیم. او توفیق حضرت را به ما نشان داد و ما از روی آن نوشتیم و از نزدش بیرون شدیم. چون روز موعود فرا رسید، نزد سمري رسیدیم و او را در حالت احتضار مشاهده کردیم. به وی گفتند: «پس از تو چه کسی نایب امام مهدی عج است؟» گفت: «خدا را مشیتی است که خود انجام خواهد داد» [یعنی دوره غیبت صغرا به پایان رسیده است و کسی در دوره غیبت کبرا نایب خاص امام مهدی عج نیست و این خود از مشیت الهی است]. این مطلب را گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد.<sup>۱</sup>

### ملاک‌های گزینش نایبان خاص

امام هادی و امام عسکری علیهما السلام و کلای زیادی در شهرهای مختلف داشتند. این سؤال مطرح است که از میان آن همه وکیل مورد اعتماد، نایبان خاص چه ویژگی‌هایی داشتند که سبب انتخاب آن‌ها از سوی امام به سمت نیابت شد؟

بررسی تاریخ زندگی و ارتباطات و فعالیت‌های نایبان چهارگانه نشان می‌دهد که آن بزرگواران، از علم و ایمان و تقوای بالایی برخوردار بودند و به علاوه ویژگی‌های مهم دیگری داشتند که از این قرار است:

### الف. تقیه و پنهان‌کاری

نایبان امام به سبب شرایط ویژه و تهدیدهایی که برای امام و نیز شیعیان و پیروان آن حضرت وجود داشت به شدت مراقب ارتباطات خود با امام و نیز شیعیان بودند. عثمان بن سعید نایب اول، در مباحث و جدال‌های مذهبی یا سیاسی شرکت نمی‌کرد<sup>۲</sup> تا موقعیت مهم و جایگاه نیابت او مورد توجه حاکمان واقع نشود.

نایب سوم حسین بن روح از روی تقیه در مجلسی از خلفای راشدین به نیکی یاد کرد و

۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۲۹۴، ح ۴۵.

۲. تاریخ عصر غیبت، ص ۳۰۲.

بالا تر، اینکه یکی از خادمان خود را به دلیل لعن کردن معاویه، اخراج نمود.<sup>۱</sup> این گونه رفتارها در جایگاه تقیه و برای حفظ جایگاه نیابت و ارتباطات مربوط به آن انجام می‌گرفت.

### ب. استواری و مقاومت

از آنجا که امام مهدی علیه السلام هدف مهم و اصلی دشمن بود و نایبان بهترین راه دسترسی به آن حضرت بودند، می‌بایست انسان‌هایی استوار و مقاوم باشند تا دشمن نتواند از مسیر آن‌ها به امام، گزند برساند.

در همین راستا برخی از ابوسهل نوبختی پرسیدند: «چگونه به جای تو، حسین بن روح، به نیابت رسید؟» او گفت: «امامان بهتر می‌دانند که چه کسی برای نیابت لیاقت دارد. من با مخالفان مناظره می‌کنم و اگر آنچه را حسین بن روح درباره مهدی علیه السلام می‌داند می‌دانستم، شاید در مقام بحث برای اثبات وجود امام، محل اقامت او را آشکار می‌کردم؛ ولی حسین بن روح چنان است که اگر امام را در زیر عبای خود داشته باشد، او را نشان نخواهد داد؛ گرچه بدنش را با قیچی قطعه قطعه کنند».<sup>۲</sup>

### ج. زیرکی و درایت

چون نیابت امام غائب، موقعیت بسیار مهمی بود که حساسیت دشمن را به دنبال داشت، هر یک از نایبان چهارگانه می‌کوشیدند با مدیریت درست و عمل هوشمندانه، از حساسیت دستگاه حاکم در برابر فعالیت‌ها و ارتباطات نیابت، جلوگیری کنند؛ به همین منظور، عثمان بن سعید و نیز فرزندش محمد بن عثمان به «روغن فروش» معروف بودند و در پوشش یک شغل مرسوم و متداول اجتماعی، کار نیابت را انجام می‌دادند. نایب سوّم حسین بن روح نیز با نفوذ در دستگاه حاکم و به عهده گرفتن پست دولتی از حساس شدن دستگاه درباره خود جلوگیری کرد. آنان هرگز نمی‌پنداشتند که وی با امام غایب در ارتباط باشد.

۱. همان.

۲. غیبت طوسی، ص ۳۹۱، ح ۳۵۸.

### شیوه ارتباط شیعیان با نایبان خاص

چنان که پیش تر بیان شد به دلیل دشمنی حاکم عباسی با امام زمان علیه السلام جریان نیابت آن حضرت، امری آشکار و علنی نبود؛ به ویژه در اوائل غیبت صغرا و نیابت نایب اول، شیعیان از طریق وکلا که نمایندگان نایبان بودند با آنها ارتباط داشتند؛ یعنی مردم، خواسته‌ها یا سوالات خود را با وکیلان مطرح می‌کردند یا وجوهات شرعی خود را به ایشان می‌سپردند و وکیلان، آنها را به سفیر و نایب امام علیه السلام منتقل می‌کردند و پاسخ درخواست‌ها نیز با واسطه به دست مردم می‌رسید. محمد بن عثمان در بغداد، ده وکیل داشت که حسین بن روح از جمله آنها بود. این‌ها به ظاهر وکلای نایب دوم در امور تجاری بودند؛ ولی در واقع برای سازمان وکالت شیعه فعالیت می‌کردند.

گفتنی است در کنار رابطه غیرمستقیم، عده‌ای از افراد مورد اعتماد، امکان ارتباط مستقیم با شخص نایب را نیز پیدا می‌کردند و خواسته‌های خود را بی‌واسطه با او در میان گذاشته، پاسخ را نیز از نایب دریافت می‌کردند که مواردی از آنها را شیخ طوسی رحمته الله علیه بیان کرده است.<sup>۱</sup> این‌گونه ارتباط بیشتر از زمان نیابت دومین نایب امام، به وجود آمد.

### وظایف و مسئولیت‌های نایبان در غیبت صغرا

دوران غیبت، دوران حساسی است؛ به ویژه که در میان امت اسلام و شیعیان اهل بیت علیهم السلام سابقه نداشته است؛ به همین دلیل لازم بود با تدبیری حکیمانه از پیامدها و عوارض احتمالی آن، پیش‌گیری شود و امت امام برای غیبتی طولانی آماده گردند.

نایبان امام کوشیدند تا در دوره غیبت صغرا این رسالت مهم را به خوبی به انجام رسانند. بنابراین آنها دو گونه مسئولیت داشتند که به توضیح آن دو می‌پردازیم:

الف. وظایفی که درباره امام غایب وجود داشت. این وظایف، عبارتند از:

۱. از بین بردن شک و تردید درباره وجود مهدی علیه السلام

با توجه به جو اختناق و ولادت پنهانی امام مهدی علیه السلام، و نیز غیبت آن حضرت، گروه‌هایی از شیعیان درباره وجود فرزندی برای امام عسکری علیه السلام در شک و حیرت به سر می‌بردند و بعضی

۱. تاریخ عصر غیبت، ص ۳۰۴-۳۰۶.

نیز به عقاید باطل کشیده شدند. نایبان خاص امام و به ویژه نایب اول، کوشیدند تا جریان ولادت و امامت آن حضرت را برای شیعیان اثبات کنند. این مهم به خوبی به انجام رسید؛ به گونه‌ای که در مدت کوتاهی، شک و تردیدها از میان رفت و عقیده شیعه به امامت مهدی علیه السلام استوار و مسلم شد.<sup>۱</sup>

۲. حفظ جان امام از راه پنهان کردن نام و مکان حضرت

نایبان خاص امام در همان حال که برای اثبات ولادت و امامت امام برای شیعیان، دلایل و شواهد را بیان می‌کردند، از بردن نام آن حضرت و افشای مکان زندگی او خودداری کرده، شیعیان را نیز از این کار پرهیز می‌دادند؛ زیرا نام بردن سبب حساسیت دشمن و به خطر افتادن جان امام می‌شد.

امام مهدی علیه السلام در نامه‌ای به محمد بن عثمان، او را از بیان نام و نشان خود نهی فرمود.<sup>۲</sup>  
ب. وظایفی که در رابطه با امت امام وجود داشت که عبارتند از:

۱. سرپرستی و تقویت سازمان و کالت

از دوره امامان پیشین، جریان و کالت به وجود آمده بود و امامان علیهم السلام در شهرهای مختلف مانند بغداد و سامرا و قم و کلایلی داشتند که واسطه میان مردم و امام بودند. با شروع غیبت و نیاز بیشتر شیعیان به جریان و کالت، نایبان امام، سازمان و کالت را تقویت کرده، به دستور امام، خود در رأس آن قرار گرفتند، تا ارتباط شیعیان با امام غایب در قالب تشکیلاتی سالم و مطمئن و به دور از نفوذ عناصر خائن، انجام گیرد.

چنان که امام مهدی علیه السلام در نامه‌ای به محمد بن عثمان، بیزاری خود را از یکی از این خائنان، این‌گونه اعلام فرمود:

و ما از ابن هلال و هرکس که از او دوری نکند، بیزاریم. خدا او را نیامرزد!  
تو به اسحاقی و هموطنان او آنچه را گفتیم، اعلام کن.<sup>۳</sup>

۱. پیش از این، سخنی از مرحوم شیخ مفید رحمته الله در همین درس بیان شد.

۲. غیبت طوسی، ص ۳۶۴، ح ۳۳۱.

۳. همان، ص ۳۵۳؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۵۷.

## ۲. پاسخ‌گویی به شبهات اعتقادی و سؤالات فقهی

از وظایف مهم نایبان، دریافت سؤالات مردم و انتقال آن‌ها به محضر امام و نیز رساندن پاسخ کتبی و گاهی شفاهی<sup>۱</sup> آن حضرت به شیعیان بود که مجموعه آن‌ها در ضمن توقیعات امام زمان علیه السلام در کتاب‌های روایی شیعه گرد آمده است.<sup>۲</sup> از معروف‌ترین توقیعات، پاسخ‌های امام به سؤالات اسحاق بن یعقوب است که در ضمن آن، شیوه بهره‌مندی از برکات امام در زمان غیبت با این عبارت آمده است:

وَ أَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ  
السَّحَابُ؛<sup>۳</sup>

و اما چگونگی بهره‌مندی از من در زمان غیبت، مانند بهره‌گیری از خورشید است، زمانی که ابرها آن را از دیدگان نهان کنند.

نیز در همین توقیع است که امام، شیعیان را در مسائل پیش آمده به فقهای شیعه ارجاع می‌دهد.

## ۳. دریافت وجوه شرعی متعلق به امام

پیش از غیبت صفرا و در زمان امامان گذشته، از کارهای مهم و کیلان، دریافت وجوه شرعی شیعیان و تحویل آن به امام هر زمان بود. نایبان خاص امام مهدی علیه السلام نیز در راستای این وظیفه، اموال شیعیان را به امام غایب می‌رساندند یا به دستور آن حضرت در مواردی مصرف می‌کردند.

امام مهدی علیه السلام در جریان سفر هیأتی از شیعیان قمی به سامراء که همزمان با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام و خاکسپاری آن حضرت بود، به ایشان دستور داد که از این پس اموال امام را به نایبان ایشان در بغداد تحویل دهند.<sup>۴</sup>

۱. گاهی نایبان خاص در گفت‌وگوها و مناظره‌ها، محتوای استدلال خود را از امام مهدی علیه السلام گرفته و ابلاغ می‌کردند. غیبت طوسی، ص ۲۹۳.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲؛ غیبت طوسی؛ احتجاج، طبرسی، ج ۲؛ بحار الانوار، ج ۵۳.

۳. غیبت طوسی، ص ۲۹۲.

۴. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۳، ص ۴۷۶، ح ۲۶.

## خلاصه درس

- غیبت صغرا همزمان با شهادت امام عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ ق آغاز شد. ولادت پنهانی و غیبت امام مهدی علیه السلام و ادعای امامت جعفر سبب تحیر برخی از شیعیان و اختلاف فرقه‌ای میان آنان شده؛ ولی با روشن‌گری علما و نواب خاص، این پراکندگی و تحیر به زودی از بین رفت.
- در این دوره رابطه شیعیان با امام از طریق عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمری بود که همگی از عالمان و پارسایان و خواص شیعه بودند. ملاک‌گزینش این چهار نفر برای نیابت، اوصافی مانند تقیه و پنهان‌کاری، صبر و استقامت و درایت و زیرکی در کارها بود.
- تلاش برای از بین بردن تردید در ولادت امام مهدی علیه السلام، سرپرستی سازمان وکالت، پاسخ‌گویی به پرسش‌های شیعیان و دریافت وجوه مربوط به امام، از جمله وظایف نواب خاص بوده است.

### پرسش‌های درس

۱. غیبت صغرا به چه دوره‌ای گفته می‌شود؟ توضیح دهید.
۲. علت حیرت و اختلاف فرقه‌ای پس از شهادت امام عسکری علیه السلام را بیان کنید.
۳. زندگی‌نامه نایبان خاص امام را بیان کنید.
۴. شیوه ارتباط شیعیان با نایبان خاص را توضیح دهید.

### پرسش‌های پژوهشی

۱. میزان ارتباط غیبت امام مهدی علیه السلام با سرداب مقدس را بررسی کنید.
۲. دیدگاه شیخ مفید در شروع غیبت صغرا را بررسی و نقادی کنید.
۳. وظایف نواب خاص در برابر امام مهدی علیه السلام را تبیین کنید.
۴. آیا نایبان خاص، همگی از فقهای معروف شیعه بودند؟ بررسی کنید.

### منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

۱. تاریخ عصر غیبت، پورسید آقایی و دیگران.
۲. تاریخ غیبت صغرا، سید محمد صدر.
۳. اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعه در غیبت صغرا، حسن حسین‌زاده شانه‌چی.
۴. زندگانی نواب خاص امام زمان، علی غفارزاده.
۵. تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت صغرا، غلام حسن محرمی.
۶. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، جاسم حسین.



## سازمان وکالت

### اهداف

۱. آشنایی با سازمان وکالت و علل شکل‌گیری و گستره زمانی و مکانی فعالیت آن
۲. شناخت چگونگی فعالیت وکلا و وظایف آنان
۳. شناخت برخی از ویژگی‌های وکلا

### فوائد

۱. آشنایی با مدیریت غیر مستقیم امام در غیبت صغرا و قبل از آن
۲. شناخت برخی مدعیان دروغین وکالت و زمینه انحراف آنان

### مطالب آموزشی

- وکالت چیست و وکیل کیست؟
- عوامل شکل‌گیری سازمان وکالت و استمرار آن
- الف. ضرورت ارتباط میان رهبری و پیروان
- ب. تعیین تکلیف شیعیان در زمان حبس و حصر امامان
- ج. آماده کردن شیعیان برای ورود به عصر غیبت
- بررسی محدوده زمانی فعالیت سازمان وکالت
- گستره جغرافیایی فعالیت سازمان وکالت
- معرفی مهم‌ترین وکلای امامان علیهم‌السلام و منطقه فعالیت آنها
- وظایف و مسئولیت‌های سازمان وکالت
- الف. دریافت وجوه شرعی و تحویل آنها به امام
- ب. راهنمایی و ارشاد شیعیان و مناظره با مخالفان
- ج. کمک به حل مشکل شیعیان
- ساختار سازمان وکالت
- الف. رهبری سازمان
- ب. وکیل ارشد
- ج. وکلای ثابت و سیار
- ویژگی و شرایط لازم برای وکیلان
- الف. بهره‌مندی از عدالت و پرهیزگاری
- ب. برخورداری از صفت امانتداری
- ج. رازداری و پنهان‌کاری
- مدعیان دروغین وکالت

در بحث تاریخ عصر غیبت، به نهاد وکالت که نقش ارتباطی بین شیعیان و امامان علیهم‌السلام را داشته، اشاره‌ای شد. این مجموعه با تدبیر و رهبری امامان معصوم و برای حفظ جامعه شیعه به وجود آمد و نقش آن به ویژه در طول غیبت صغرا بسیار با اهمیت بود. در این بخش درباره این سازمان مهم دینی سیاسی بحث می‌کنیم.

### وکالت چیست و وکیل کیست؟

«وکالت» به معنای ناتوانی از انجام مستقیم یک کار و اعتماد بر دیگری در آن کار است.<sup>۱</sup> در کتاب‌های فقهی<sup>۲</sup> «وکیل» به کسی گفته می‌شود که از سوی دیگری به انجام کاری یا تصرف در امری مأمور شود. از آنجا که ارتباط مستقیم امامان علیهم‌السلام با شیعیان در نقاط دوردست و حتی نزدیک، امکان نداشت یا با زحمت و خطرهایی همراه بود، امامان شیعه، وکیلانی را برگزیدند که در نواحی مختلف شیعه‌نشین امور مربوط به امامان را عهده‌دار شدند.

### عوامل شکل‌گیری سازمان وکالت و استمرار آن

ممکن است گفته شود که امور امامان علیهم‌السلام با تعیین یک یا چند وکیل در هر دوره‌ای انجام می‌گرفت. با این حال چه نیازی به تشکیل نهادی به نام سازمان وکالت بود؟ و آیا واقعاً مجموعه‌ای وجود داشته که اساسنامه‌ای مشخص داشته و تحت مدیریت واحد و با داشتن برنامه‌ای منسجم برای اهدافی فراتر از انجام امور فردی، فعالیت می‌کرده است؟ برای پاسخ به

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۳۶.

۲. جواهر الکلام، ج ۲۷، ص ۳۴۷؛ تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۹.

این سوال، لازم است عوامل تشکیل سازمان وکالت را بشناسیم:

### ۱. ضرورت ارتباط میان رهبری و پیروان

وجود ارتباط بین رهبری و پیروان در هر نظام دینی، سیاسی اجتناب‌ناپذیر است. به دلیل گستردگی جهان اسلام و پراکندگی جمعیت شیعیان در نقاط مختلف جهان مانند عراق، حجاز، ایران، یمن، مصر و مغرب، امامان معصوم علیهم‌السلام در بعضی از دوره‌ها، وکیلان متعددی را برگزیدند که رابط میان آن‌ها و شیعیان باشند. لزوم وجود وکلا هم به دلیل مشکلات سفر از مناطق دور دست به نقطه سکونت امام علیه‌السلام بود و هم به سبب شرایط سیاسی حاکم بر جامعه اسلامی که به دلیل سلطه عباسیان ایجاد شده و برای امامان و شیعیان آن‌ها محدودیت بسیاری به وجود آورده بود. در چنین شرایطی، سازمان وکالت در روندی رو به رشد، شکل گرفت، تا در فعالیتی منسجم و البته پنهان و در عین حال، گسترده و فراگیر، امور مربوط به امام و امت را انجام دهد؛ چرا که این امور فراتر از پاسخ به چند سؤال شخصی و حکم فردی یا رساندن اموال شرعی به امام بود؛ چنان که در ادامه بحث، بیان خواهد شد.

### ۲. تعیین تکلیف برای شیعیان در زمان حبس و حصر امامان

گرچه اصل ارتباط بین امام و شیعیان، ضرورت وجود وکیلان را توجیه می‌کند ولی آن‌گاه که امامان معصوم علیهم‌السلام در اثر ظلم و ستم حاکمان در حبس قرار می‌گرفتند یا در خانه خود محصور می‌شدند، نیاز به وکیل، بیشتر احساس می‌شد؛ به همین سبب دوره امام کاظم علیه‌السلام - که همراه با حبس و زندانی شدن آن حضرت بود - عصر رشد و گسترش نهاد وکالت بود؛ همچنین بار دیگر در زمان عسکریین علیهم‌السلام - یعنی دوره امامت امام دهم و یازدهم - ضرورت وجود سازمان وکالت، آشکارتر گردید و با رخداد غیبت امام دوازدهم و جریان نیابت نایبان، وکالت در شکلی فراگیرتر و جدی‌تر دنبال شد.

### ۳. آماده کردن شیعیان برای ورود به عصر غیبت

بدون شک، پدیده غیبت امام، رخدادی بی‌سابقه در رهبری شیعه بود؛ دوره‌ای که شیعیان، امکان ارتباط مستقیم با امام خود را نداشتند. پذیرش این شرایط و اعتماد کردن به افرادی که در غیبت امام، مرجع امور شیعیان باشند به تجربه‌ای موفق و کارآمد از وکیلان ائمه علیهم‌السلام نیاز

داشت، تا آینده شیعه در عصر غیبت را روشن نگاه دارد و نگرانی‌های احتمالی را برطرف سازد؛ به همین سبب، امامان شیعه سال‌ها پیش از غیبت با ایجاد شبکه ارتباطی و کالت و توسعه روزافزون آن، این آمادگی را در شیعیان به وجود آوردند.

### بررسی محدوده زمانی فعالیت سازمان و کالت

مسئله و کالت و وجود وکیل یا وکلایی برای امامان علیهم‌السلام سابقه‌ای دیرین داشته است؛ ولی به نظر محققان تا پیش از دوره امام صادق علیه‌السلام نهادی منسجم و تشکیلاتی منظم به نام سازمان و کالت از نظر تاریخی ثابت نشده است. از سوی دیگر با مطالعه وضعیت سیاسی زمان امام صادق علیه‌السلام و گستردگی و پراکندگی جمعیت شیعیان در این دوره و لزوم ارتباط بین امام و شیعیان، زمینه‌های شکل‌گیری چنین سازمانی وجود داشته است؛ به ویژه که در منابع تاریخی، افراد متعددی به عنوان وکلای امام صادق علیه‌السلام نام برده شده‌اند؛ مانند عبدالرحمن بن الحجاج، معلی بن خنیس، نصر بن قابوس لخمی و غیر آن‌ها.<sup>۱</sup>

با توجه به قرائن و شواهد بیان شده می‌توان گفت که سازمان و کالت، از زمان امام صادق علیه‌السلام آغاز به کار کرده و تا پایان غیبت صغرا و مقارن با وفات نایب چهارم (۳۲۹ ق) فعالیت خود را ادامه داده و به پایان رسانده است؛ زیرا با شروع غیبت کبرا امام مهدی علیه‌السلام فرد یا افراد خاصی را بین خود و شیعیان به عنوان وکیل قرار نداده است؛ بلکه امور شیعیان را در یک دستور کلی به فقها و علمای شیعه سپرده است. این، همان جریان نیابت عامه است که با سازمان و کالت به معنایی که تاکنون بیان شد، متفاوت است.

### گستره جغرافیایی فعالیت سازمان و کالت

با توجه به گستردگی جمعیت شیعیان و عدم امکان ارتباط آن‌ها با امامان می‌توان به گستره جغرافیایی سازمان و کالت پی برد؛ زیرا از سویی شیعیان در شهرهای گوناگون عراق مانند کوفه، بغداد، سامرا، مدائن و دورترین نقاط ایران، یعنی خراسان بزرگ، سیستان، همدان، اهواز و نیز در کشورهای یمن و مصر سکونت داشتند و از سوی دیگر در بسیاری از امور، به سؤال و ارتباط با امام خود نیاز داشتند. طبیعی بود که بیشتر آن‌ها امکان ملاقات حضوری با

۱. غیبت طوسی، ص ۳۴۷ و ۳۴۸.

امامان را نمی‌یافتند و وکلای امامان علیهم‌السلام واسطه‌ای بین شیعیان و امامان علیهم‌السلام بودند. گزارش‌های تاریخی نیز وجود وکلای فراوان را برای امامان علیهم‌السلام در دوره‌های مختلف و در مناطق گوناگون تأیید می‌کند.

### معرفی مهم‌ترین وکلای امامان علیهم‌السلام و منطقه فعالیت آن‌ها

نام و شرح حال و منطقه فعالیت بسیاری از وکلای ائمه در کتاب‌های عالمان شیعه آمده است<sup>۱</sup> که نمونه‌هایی را در اینجا بیان می‌کنیم:

۱. با توجه به حضور بیشتر امامان در مدینه النبی، خاستگاه اصلی سازمان وکالت، این شهر مبارک بوده است. یکی از چهره‌های معروف وکلا، مُعلی بن خنیس است. وکیل امام صادق علیه‌السلام در مدینه و اطراف آن بوده و گویی برای ارتباط با شیعیان به مناطق دیگر نیز سفر کرده است. او از وکلایی است که مورد ستایش امام صادق علیه‌السلام واقع شده و افزون بر وکالت، امور شخصی آن حضرت را نیز بر عهده داشته است.

سرانجام معلی بن خنیس به وسیله‌ی حاکمیت عباسی شناسائی و دستگیر شد و به دست داوود بن علی به شهادت رسید. امام صادق علیه‌السلام قاتل را نفرین کرد و او در همان شب به هلاکت رسید.<sup>۲</sup>

۲. کوفه از مهم‌ترین مناطق شیعه‌نشین است که وکلای بسیاری در آن فعالیت داشته‌اند؛ از جمله آن‌ها عبدالرحمن بن حجاج است که وکیل امام صادق علیه‌السلام بوده است. امام صادق علیه‌السلام به او فرمود:

يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ كَلَّمْتُ أَهْلَ الْمَدِينَةِ فَإِنِّي أَحِبُّ أَنْ يُرَى فِي رِجَالِ الشَّيْعَةِ مِثْلُكَ؛<sup>۳</sup>  
ای عبدالرحمن! با اهل مدینه سخن بگو. من دوست دارم که در میان مردان شیعه، همچون تو دیده شود.

این سخن، نشان‌دهنده‌ی مقام علمی او و نزدیکی او به امام علیه‌السلام است. گفتنی است که وی نزد امام کاظم علیه‌السلام نیز منزلتی بزرگ داشته و آن حضرت درباره او

۱. در این باره ر.ک: بحار الانوار، تنقیح المقال، غیبت طوسی، رجال نجاشی و رجال کشی.

۲. تنقیح المقال، ج ۳، رقم ۱۸۲۰.

۳. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۳۶.

فرموده است: «إِنَّهُ لَثَقِيلٌ عَلَى الْفُقَادِ»<sup>۱</sup> او در قلب من دارای مکانت و عظمت است»<sup>۲</sup>.  
 ۳. شهر قم از مراکز مهم شیعه است که سازمان وکالت در آن، حضوری چشم‌گیر داشته است و وکلای متعددی از ائمه در دوره‌های مختلف در این شهر به فعالیت مشغول بوده‌اند؛ از جمله عبدالعزیز بن المهتدی وکیل امام رضا علیه السلام و زکریا بن آدم وکیل امام جواد علیه السلام را می‌توان نام برد.

نیز از چهره‌های معروف وکلای ساکن در قم، احمد بن اسحاق قمی است که وکیل امام حسن عسکری علیه السلام و نیز وکیل امام مهدی علیه السلام در امور اوقاف قم بوده است. جریان ملاقات او با حضرت مهدی علیه السلام در دوران کودکی آن حضرت، مشهور است.<sup>۳</sup>

۴. بغداد در طول فعالیت سازمان وکالت، از کانون‌های مهم این سازمان بوده است؛ به ویژه در عصر امام جواد و امام هادی و امام عسکری علیهم السلام که وکلای ارشد این بزرگواران در این شهر فعال بوده‌اند. این شهر در دوره غیبت صغرا جایگاه مهم‌تری یافت؛ زیرا در تمام این دوره، بغداد مرکز اقامت نمایان چهارگانه امام مهدی علیه السلام و کانون رفت و آمد وکلا و شیعیان بوده است.<sup>۴</sup>

۵. اهواز نیز از مناطق شیعه‌نشین بوده که در طول دوران امامت ائمه علیهم السلام و به ویژه در عصر غیبت امام دوازدهم علیه السلام محل فعالیت وکلای امامان بوده است. از چهره‌های برجسته وکیلان در این شهر، علی بن مهزیار اهوازی است که از سوی سه امام بزرگوار، حضرت علی بن موسی الرضا و حضرت جواد و حضرت هادی علیهم السلام به عنوان وکیل ارشد در منطقه اهواز نصب شده بود؛<sup>۵</sup> چنانکه ابراهیم بن مهزیار (برادر یا پسر عم او) نیز در همین منطقه وکیل بوده است. او شخصیتی والامقام است که از دوره امام هادی علیه السلام تا عصر غیبت صغرا وکیل امامان در اهواز بوده است. پس از او فرزندش محمد بن ابراهیم نیز در غیبت صغرا به جای پدر

۱. رجال کشی، ۴۴۱، ح ۸۲۹ و ح ۸۳۰

۲. این ترجمه از مرحوم آیت الله خوئی رحمته الله است. نک: معجم رجال الحدیث، ج ۹، ص ۳۱۸.

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۳، ص ۴۵۵، ح ۲۱.

۴. در این باره نک: تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم علیه السلام، صص ۱۴۹-۱۵۱ و ۱۷۰-۱۷۲ و ۱۹۵-۲۰۰.

۵. رجال کشی، ص ۵۴۹؛ رجال نجاشی، ص ۱۷۷؛ غیبت طوسی، ص ۳۴۷.

عهده‌دار این مقام شد.<sup>۱</sup>

### وظایف و مسئولیت‌های سازمان وکالت

برخی از محققان<sup>۲</sup> وظیفه اصلی سازمان وکالت را دریافت اموال و وجوه شرعی و تحویل آن‌ها به ائمه علیهم‌السلام دانسته‌اند؛ ولی شواهد تاریخی، گویای این است که این سازمان، کارکردهای گوناگونی داشته است. در این بخش، مهم‌ترین وظایف این مجموعه را بر اساس منابع حدیثی شیعه بیان می‌کنیم:

#### ۱. دریافت وجوه شرعی و تحویل آنها به امام

بدون شک، رسیدگی به امور مالی شیعیان از مهم‌ترین مسئولیت‌های وکیلان بوده است. آن‌ها صدقات، هدایا، نذورات و خمس و زکات شیعیان را دریافت می‌کردند و به صورت مستقیم یا با واسطه، به امام زمان خود تحویل می‌دادند. این اموال زیر نظر امام در راه‌های مختلف از جمله مصالح عمومی شیعیان و نیاز مستمندان شیعه به ویژه بنی‌هاشم و نیز تقویت سازمان وکالت و... هزینه می‌شد. در مواردی بعضی از این امور با اجازه امام و توسط خود وکیلان انجام می‌گرفت.

#### ۲. راهنمایی و ارشاد شیعیان و مناظره با مخالفان

بنابر شواهد فراوان، امامان علیهم‌السلام شیعیان را برای شناخت حق، به وکیلان سرشناس خود ارجاع می‌دادند. وکلا و نمایان چهارگانه عصر غیبت در مسائل اعتقادی، به ارشاد و راهنمایی شیعیان می‌پرداختند و در مواردی سخن آن‌ها به عنوان سخن و بیان ائمه علیهم‌السلام عقیده‌حق را از باطل جدا کرده است؛ برای نمونه، وقتی شیعیان درباره مفوضه<sup>۳</sup> و عقائد آنها از نائب اول سوال کردند او در پاسخ، دیدگاه مفوضه را در نسبت دادن خلق و رزق به امامان علیهم‌السلام رد کرد و آن را

۱. تنقیح المقال، ج ۲، رقم ۱۰۲۲۲؛ ارشاد، ص ۳۵۱؛ غیبت طوسی، ص ۱۷۱.

۲. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۱۳۴.

۳. «تفویض» یعنی خداوند امور عالم را به دیگران واگذار کرده است. مفوضه معتقد بودند که امر خلق و رزق به امامان واگذار شده است؛ در حالی که طبق عقاید شیعه، همه‌امور، تحت اراده و تدبیر الهی است.

به ذات مقدس ربوبی مربوط دانست.<sup>۱</sup> با این موضع‌گیری، شیعیان و پیروان اهل بیت علیهم‌السلام نیز در این موضوع به همین عقیده گرایش یافتند.

### ۳. کمک به حل مشکلات شیعیان

سازمان وکالت در همه دوره‌ها و به ویژه در عصر غیبت صغرا، پناهگاه بسیار خوبی برای شیعیان بوده است. وکیلان می‌کوشیدند تا نیازهای مختلف شیعیان را برآورده کنند و این کار در موارد متعددی به دستور خاص امامان علیهم‌السلام انجام می‌شد؛ از جمله این موارد، حل اختلافات پیش آمده در میان شیعیان بود که گاهی وکلا مأمور می‌شدند تا در این راه، وجوه مالی مربوط به امام را هزینه کنند؛ برای نمونه در اختلاف دو نفر از شیعیان در مورد ارث، یکی از وکلای امام صادق علیه‌السلام به نام مفضل بن عمر، مأمور شد که از سوی امام علیه‌السلام چهارصد درهم بپردازد و اختلاف آن‌ها را برطرف کند.<sup>۲</sup>

جالب است بدانیم که رفع مشکلات شیعیان تا آنجا مهم بوده و هست که یکی از وکلای امام کاظم علیه‌السلام به نام علی بن یقطین با نفوذ در دستگاه خلافت عباسی به این کار اهتمام ورزید و امام هفتم علیه‌السلام رضایت خود را از کارهای او این‌گونه اعلام فرمود:

إِنَّ لِلَّهِ مَعَ كُلِّ طَائِفَةٍ وَزِيرًا مِنْ أَوْلِيَائِهِ يَدْفَعُ بِهِ عَنْهُمْ؛<sup>۳</sup>

خداوند به همراه هر طائفتی، وزیری از اولیای خود دارد که به وسیله او از دوستان خود دفع بلا می‌کند و تو از آنان هستی ای علی!

### ساختار سازمان وکالت

وکالت امامان، رسالتی سنگین در جامعه شیعی بوده که عملکردی منظم و حساب شده و تشکیلاتی را به دنبال داشته است. بررسی فعالیت‌های این سازمان و شیوه عملکرد عناصر گوناگون آن در رده‌ها و مراتب مختلف، گواه این ادعاست؛ چنانکه موفقیت این نهاد شیعی در حفظ مکتب و جمعیت شیعه در اوج خفقان حاکمان ستمگر، شاهد دیگری بر ساختار قوی و مدیریت مستحکم آن است. اکنون به بررسی عناصر گوناگون سازمان وکالت می‌پردازیم:

۱. ر.ک: غیبت طوسی، ص ۲۹۳.

۲. رجال کشی، ص ۴۳۳.

۳. همان، ص ۴۳۴.



## ۱. رهبری سازمان

در سراسر دوران فعالیت نهاد وکالت، مهم‌ترین امور این نهاد زیر نظر امام معصوم علیه السلام انجام می‌گرفته است. اموری مانند تعیین وکلای نواحی و بررسی عملکرد آنان، معرفی وکلا به شیعیان و شناساندن فضایل ایشان، تأمین مالی و کیلان، عزل و برکناری وکلای فاسد و خائن و معرفی جریان‌های دروغین مدعی وکالت و بابت<sup>۱</sup> و برخورد با آنان، همه بر عهده امام به عنوان رهبر جریان وکالت بوده است.

بدیهی است این مدیریت الهی و معصوم، ضامن بقا و تداوم این سازمان و اعتماد و اطمینان شیعیان به آن در همه دوره‌ها، به ویژه در عصر غیبت امام زمان علیه السلام بوده است.

## ۲. وکیل ارشد یا سروکیل

برای انجام بهتر امور وکالت، مناطق مختلف شیعه‌نشین تقسیم‌بندی و برای هر منطقه، وکیل ارشدی نصب می‌شد که وظیفه او رسیدگی و نظارت بر کار وکلای آن منطقه بود؛ چنانکه وکلای جزء وظیفه داشتند به وکیل ارشد مراجعه کرده و در امور وکالت با او هماهنگ باشند. طبق شواهد تاریخی، از نظر سازمان وکالت چهار منطقه اصلی برای شیعیان وجود داشت؛

- منطقه بغداد، مدائن و کوفه؛

- بصره و اهواز؛

- قم، همدان و مناطق جبال؛

- حجاز، یمن و مصر.<sup>۲</sup>

برای مثال در عصر امام صادق و امام کاظم علیه السلام عبدالرحمن بن حجاج وکیل ارشد عراق بود و در عصر غیبت صغرا ابوالحسین اسدی رازی، کار نظارت بر فعالیت وکلای نواحی شرق ایران را بر عهده داشت. حاجز بن یزید و شاء نیز در بغداد، زیر نظر نایب اول و دوم فعالیت

۱. باب یعنی دروازه و در اینجا به معنای ادعا کردن مقامی است که به منزله واسطه و حلقه وصل بین مردم و امام است.

۲. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازهم، ص ۱۳۷.

می‌کرد و خود نیز بر کار برخی از وکلای ایران نظارت داشت.<sup>۱</sup>

### ۳. وکلای ثابت و سیار

در هر منطقه‌ای از مناطق شیعه‌نشین و به تناسب وسعت و گستردگی آن، چندین وکیل به امور امام و شیعیان رسیدگی می‌کردند. بیشتر این وکلا، در منطقه فعالیت خود ساکن بودند؛ ولی شواهدی هست که نمایندگان سیاری هم برای امامان وجود داشته‌اند که به مناطق مختلف اعزام می‌شدند تا ضمن نظارت بر کار وکلای مقیم، وسیله‌ای برای ارتباط آنان با امام علیه السلام باشند.

نقل شده است که احمد بن محمد بن عیسای قمی در مدینه نزد امام جواد علیه السلام بود و قصد داشت درباره زکریا بن آدم از حضرت سؤال کند. امام، خود آغاز به سخن کرده، فرمود: «خدمت او به پدرم و به من جای انکار نیست». سپس فرمود: نامه‌مرا به او [= زکریا] برسان و بگو مال [جمع شده نزد خود] را به نزد من ارسال نماید...».<sup>۲</sup>

### ویژگی‌ها و شرایط لازم برای وکیلان

بدیهی است که وکلا به دلیل شایستگی و لیاقت، به این سمت می‌رسیدند و این شایستگی به دلیل وجود صفاتی بود که آن‌ها را در انجام امور مربوط به وکالت کمک می‌کرد. مهم‌ترین ویژگی‌های لازم برای وکالت، عبارتند از:

#### ۱. بهره‌مندی از عدالت و پرهیزگاری

جایگاه وکالت امام، جایگاهی مهم و حساس است و وکلا افرادی بودند که مورد اعتماد امام و امت بودند. بدیهی است که برای چنین موقعیتی، صفت تقوا و عدالت، ضرورت دارد و وکیل باید انسانی مؤمن، مؤدب به آداب الهی و متخلق به اخلاق اسلامی باشد.

مطالعه شرح حال وکلای امامان علیهم السلام نشان می‌دهد که در میان آن‌ها کسانی که دارای مراتب بالای ایمان و پرهیزگاری باشند، فراوان بوده‌اند و در مواردی به دلیل همین شایستگی،

۱. همان، ص ۱۷۱.

۲. رجال کشی، ص ۵۹۶، ح ۱۱۱۵.

مورد تکریم و تعظیم امامان واقع شده‌اند.

## ۲. برخورداری از صفت امانتداری

از آنجا که وکیل امام نماینده آن حضرت در میان مردم، و واسطه میان ایشان و امام بود، بایستی انسانی امین و درستکار می‌بود؛ زیرا تنها در این صورت بود که مورد اعتماد و اطمینان پیروان امام قرار می‌گرفت. البته این امانتداری و وثاقت (= قابل اطمینان بودن) در همه امور مربوط به وکالت، اهمیت داشت؛ هم در انجام امور مالی و دریافت اموال شیعیان و رساندن آن‌ها به امام معصوم علیه السلام و هم در مواردی که وکلا علاوه بر امور مالی، پناهگاه علمی شیعیان به شمار می‌رفتند و مؤمنان به سخن آن‌ها همچون سخن امام علیه السلام اعتماد می‌کردند. در مورد اخیر، معمولاً امامان علیهم السلام به وثاقت وکیل تصریح نموده، آن را به شیعیان اعلام می‌کردند؛ چنانکه امام عسکری علیه السلام درباره عثمان بن سعید و پسرش محمد بن عثمان فرمود:

العمری و ابنه ثقتان، ما اذیا عنی فعنی یؤدیان؛<sup>۱</sup>

عمری و پسرش، هر دو ثقه [و امین] هستند؛ آنچه را آن دو از من نقل کنند [و به من استناد دهند] از من نقل می‌نمایند.

گفتنی است که وثاقت وکیل، ویژگی بسیار مهمی است که هم در ابتدای گزینش او به سمت وکالت و هم در استمرار این مقام برای او ضرورت دارد و چنانچه وکیلی در ادامه حیات خود، گرفتار لغزش می‌شد و از مسیر امانتداری بیرون می‌رفت، از سازمان وکالت اخراج و به وسیله امام علیه السلام یا وکلای ارشد به شیعیان معرفی می‌شد. این امر، حکایت از نظارت مستمر رهبری بر سازمان وکالت دارد.

یکی از وکلای معروف، احمد بن هلال کرخی است که با وجود سابقه وکالت برای امام رضا و امام جواد و امام هادی علیهم السلام در زمان وکالتش برای امام عسکری علیه السلام گرفتار خیانت مالی شد و آن حضرت در نامه‌ای، او را لعن و نفرین کرد.<sup>۲</sup> احمد بن هلال در عصر غیبت صغرا نیز به معارضة با نایب دوم امام زمان پرداخت و بار دیگر از سوی ناحیه مقدسه امام عصر علیه السلام، توقیعی

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۲۹.

۲. رک: رجال کشی، ص ۵۳۵.

درباره او صادر شد و امام آشکارا از او بیرازی جست.<sup>۱</sup>  
 بنابراین وثاقت، شرط اساسی وکالت امامان علیهم السلام چه در شروع وکالت و چه در ادامه آن بوده  
 است و حتی برخی وکلای باسابقه گرفتار انحراف شده و بدعاقبت گردیدند.<sup>۲</sup>

### ۳. رازداری و پنهان کاری

از آنجا که سازمان وکالت در طول زمان فعالیت، به شدت از سوی حاکمان ستم‌گر تحت  
 تعقیب قرار داشت و کلا بایستی انسان‌هایی رازدار می‌بودند، تا اسرار این سازمان و فعالیت‌های  
 آن از نگاه تیز جاسوسان حکومتی پنهان بماند؛ زیرا افشای فعالیت‌های سازمان می‌توانست  
 برای امام و نیز شیعیان و به ویژه شبکه گسترده وکالت، دردسرهای فراوان ایجاد کند؛ به  
 همین منظور، وکلا به شدت اهل پنهان کاری بودند و ارتباطات سازمانی خود را مخفی نگه  
 می‌داشتند. در غیبت صغرا این شیوه بیشتر دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که نایب اول و دوم در  
 پوشش روغن فروشی با امام و شیعیان ارتباط برقرار می‌کردند.

### مدعیان دروغین وکالت

علاوه بر بعضی از وکیلان که در ادامه کار وکالت، به خیانت روی می‌آوردند و مورد لعن  
 امام علیه السلام قرار می‌گرفتند، گونه‌ای دیگر از انحراف در وکالت پدید آمد و آن، ادعای دروغین  
 وکالت از سوی کسانی بود که هرگز سابقه وکالت نداشتند؛ ولی با انگیزه‌های مختلف، خود را  
 وکیل یا نایب امام خوانده، برای مدتی، برخی را به خود جذب کردند.

جریان انحرافی مدعیان وکالت، هم در عصر حضور امامان و هم در عصر غیبت امام  
 دوازدهم علیه السلام وجود داشته و البته در عصر غیبت، بیشتر و گسترده‌تر بوده است.<sup>۳</sup>  
 وکالت امام معصوم نزد شیعیان، جایگاه والایی داشت و وکیل، مورد احترام ایشان و برخوردار

۱. ر.ک: غیبت طوسی، ص ۳۹۸.

۲. این بدعاقبتی در میان مسلمانان صدر اسلام نیز نمونه‌های متعددی داشته است و این، هشدار است که همگان باید به آن توجه داشته باشند و از آن به خدا پناه ببرند.

۳. البته در زمان نایب اول به دلیل شهرت او در این مقام، کسی جرأت ادعای نیابت را نیافت؛ ولی در زمان نایب دوم، مدعیان زیادی سر برآوردند.

از منزلت اجتماعی بود. به علاوه مهم‌ترین کار وکلا، دریافت وجوه شرعی متعلق به امام بود و این اموال در دسترس وکلا بود. این‌ها و انگیزه‌های دنیایی دیگر مانند حسادت و عقاید باطل، سبب شد که افرادی به دروغ، ادعای وکالت کنند و سبب انحراف بعضی از عوام شیعه شوند. حاکمان عباسی که این جریان‌های انحرافی را در راستای سیاست خود می‌دیدند، تا زمانی که حساسیت عمومی برانگیخته نمی‌شد، از آن حمایت می‌کردند. امامان علیهم‌السلام و نیز وکلای ارشد و نمایان خاص امام دوازدهم علیه‌السلام در برابر مدعیان وکالت واکنش نشان داده، سعی در افشای ماهیت آن‌ها داشتند. در زمان امامت امام جواد علیه‌السلام، احمد بن محمد سیاری، وکالت و باییت آن حضرت را ادعا کرد. امام در واکنش به این ادعای دروغ، ضمن رد این ادعا، شیعیان را از پرداخت هرگونه وجهی به وی نهی کرد و فرمود:

او در مقام و موقعیتی نیست که مدعی آن است و چیزی به وی پرداخت نکنید.<sup>۱</sup>

محمد بن نصیر النمیری در عصر نایب دوم امام مهدی علیه‌السلام مقام نیابت را برای خود ادعا کرد؛ ولی به دلیل سخنان کفرآمیزش رسوا شد. نایب دوم نیز او را لعن کرد و شیعیان به پیروی از او چنین کردند؛ گرچه از سوی وزیر دربار، مورد تأیید و پشتیبانی قرار گرفت.<sup>۲</sup>

۱. رجال کشی، ص ۶۰۶، ح ۱۱۲۸.

۲. غیبت طوسی، ص ۳۹۸.

## خلاصه درس

- سازمان وکالت، نهادی است که نقش ارتباطی بین جامعه شیعی و امامان علیهم السلام را از دوره امام صادق علیه السلام تا پایان غیبت صغری بر عهده داشت.
- اموری مانند: لزوم ارتباط منسجم میان رهبر و پیروان، تعیین تکلیف شیعیان در زمان حبس امام و آماده کردن مردم برای ورود به عصر غیبت، از علل شکل‌گیری این سازمان است.
- کمک به حل مشکلات شیعیان و راهنمایی و ارشاد آنان و دریافت وجوه شرعی و تحویل آن به امام، از وظایف این سازمان بوده است.
- وکلای امامان به اوصافی چون عدالت و تقوا، رازداری و امانتداری آراسته بودند؛ هر چند تعداد اندکی از آنان دچار انحراف و خیانت شدند.

**پرسش‌های درس**

۱. محدوده مکانی و زمانی فعالیت سازمان وکالت را بیان کنید.
۲. ویژگی ساختاری سازمان وکالت و اوصاف اعضای آن را توضیح دهید.
۳. عمده‌ترین وظایف و مسئولیت سازمان وکالت را تبیین کنید.

**پرسش‌های پژوهشی**

۱. نقش سازمان وکالت در زمینه‌سازی برای ورود به عصر غیبت را تبیین کنید.
۲. عوامل انحراف برخی وکلا و پیامدهای آن را بررسی کنید.
۳. چرا فعالیت سازمان وکالت همچنان ادامه نیافت؟

**منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش**

۱. الغیبه، شیخ طوسی.
۲. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، جاسم حسین.
۳. سازمان وکالت، جباری.
۴. تاریخ عصر غیبت، پورسید آقایی و دیگران.

## درس هفتم

### ولایت فقیه

#### اهداف

۱. آشنایی اجمالی با ولایت فقیه و ادله آن
۲. شناخت وظایف و اختیارات ولی فقیه

#### فوائد

۱. آشنایی با وضعیت سرپرستی شیعه در عصر غیبت
۲. شناخت پیدایش نظریه ولایت فقیه و تحول آن

#### مطالب آموزشی

- مفهوم شناسی ولایت فقیه
- پیشینه نظریه ولایت فقیه
- ادله ولایت فقیه
  - دلیل عقلی
  - دلیل روایی
- وظایف و اختیارات ولی فقیه
- ویژگی‌های فقیه جامع الشرایط
  ۱. اجتهاد
  ۲. تقوا و عدالت
  ۳. تدبیر و مدیریت
- ولایت مطلقه فقیه و خطر دیکتاتوری



### سرپرستی شیعیان در عصر غیبت کبری

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین موضوعات در عصر غیبت، موضوع ولایت و سرپرستی امور مسلمین است. روشن است که از آغاز ظهور اسلام، مسئله ولایت و رهبری امت، مطرح بوده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پس از او امامان معصوم علیهم السلام علاوه بر اینکه دین و شریعت اسلام و معارف آن را بیان کرده‌اند، امام و ولی و رهبر امت نیز بوده‌اند؛ یعنی همه مسلمین، مکلف به اطاعت از آن‌ها در همه امور فردی و اجتماعی بوده‌اند و هیچ مسلمان شیعه‌ای در این حقیقت، تردیدی ندارد. سؤال اینجاست که پس از غیبت امام دوازدهم علیه السلام، رهبری و امامت بر امت به عهده چه کسی است؟ آیا فرد یا افرادی بر امت اسلامی و شیعیان مهدی علیه السلام ولایت دارند؟ اگر ولایتی هست، محدوده آن چقدر است؟

در پاسخ این سؤال اساسی، از دیرزمان، بحث «ولایت فقیه» مطرح بوده و قرن‌ها است که در حوزه‌های علمیه، درباره این موضوع، بحث و گفت‌وگو وجود دارد.<sup>۱</sup> در این درس درباره مفهوم ولایت فقیه و نیز ادله آن و سؤالات و شبهاتی که درباره آن بیان شده است بحث می‌کنیم.

### مفهوم‌شناسی ولایت فقیه

«ولایت» از ریشه «ولی» است و در اصل به معنای قرار گرفتن چیزی کنار چیز دیگر<sup>۲</sup> همراه

۱. برای آشنایی بیشتر، ر.ک: سیر تحول اندیشه ولایت فقیه در فقه سیاسی شیعه، حجت الله علی محمدی.

۲. مفردات راغب، ماده «ولی».

با وجود رابطه‌ای میان آنهاست؛ از این رو در معانی دوستی و یاری و پیروی به کار رفته است. از مهم‌ترین معانی آن که موارد کاربردش فراوان است، سرپرستی و تدبیر امور دیگری است. مطابق این معنا «ولی» کسی است که متولی و عهده‌دار کارهای دیگران است و در واقع، آن‌ها را سرپرستی می‌کند. همین معنا در «ولایت فقیه» مراد و مقصود است.

«فقیه» از ریشه «فقه» و به معنای فهم و دانایی است که بیشتر در مورد علم به دین به کار می‌رود<sup>۱</sup> و «فقیه» به کسی می‌گویند که به معارف و احکام اسلامی آگاهی کامل دارد و در آن، صاحب نظر است. یعنی با توجه به دانش وسیعی که در حوزه‌های مختلف علوم به دست آورده، می‌تواند حکم خدا را در مسائل فردی و اجتماعی از قرآن و روایات اسلامی، استخراج کند.

### پیشینه نظریه ولایت فقیه

بعضی تصور می‌کنند که «ولایت فقیه» پدیده تازه‌ای است که هیچ سابقه‌ای در فقه و فقهت اسلامی نداشته و از اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام سرچشمه گرفته است؛ در حالی که این، خطایی بزرگ است که به دلیل بی‌اطلاعی از «فقه» و نیز آثار معصومان علیهم السلام است.

در بخش بعد خواهد آمد که ولایت فقیه ریشه در کلمات معصومان علیهم السلام دارد. آن بزرگواران به دلیل ضرورت‌های دینی و اجتماعی، ولایت و اختیاراتی را برای فقها بیان کرده‌اند و پس از ایشان پیوسته ولایت فقیه در آرای فقیهان بزرگ اسلام مطرح بوده است که نمونه‌هایی را می‌آوریم:

شیخ مفید (م ۴۱۳ق) از بزرگ‌ترین فقهای شیعه می‌گوید:

هنگامی که سلطان عادل<sup>۲</sup> برای ولایت - در آنچه در ابواب فقه ذکر کردم - وجود نداشت، بر فقیهان اهل حق عادل صاحب رأی و عقل و فضل است که ولایت آنچه را بر عهده سلطان عادل است، بر عهده گیرند.<sup>۳</sup>

شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) که به عنوان شیخ الطائفة (بزرگ شیعه) شناخته شده است می‌گوید:

۱. لسان العرب، ج ۱۳، ماده «فقه».

۲. «سلطان عادل» در بیان ایشان همان امام معصوم علیه السلام است.

۳. المتنعه، ص ۶۷۵.

صدور حکم میان مردم، اقامه حدود و قضاوت میان کسانی که با یکدیگر اختلاف پیدا کرده‌اند، جایز نیست، مگر برای کسی که از طرف سلطان حق<sup>۱</sup> اجازه داشته باشد. چنین کارهایی، در زمانی که خودشان [امامان] علیهم‌السلام امکان انجام آن را ندارند، بدون تردید به فقیهان شیعه، واگذار شده است.<sup>۲</sup>

محقق ثانی مشهور به محقق کرکی (م ۹۴۰ ق) می‌گوید:

فقیهان امامیه، اتفاق کرده‌اند بر اینکه فقیه عادل شیعه که جامع شرایط فتوا باشد، و از او در احکام شرعی به «مجتهد» تعبیر می‌شود، در زمان غیبت، نایب امامان هدایت علیهم‌السلام است، در تمام آنچه که قابلیت نیابت را داشته باشد.<sup>۳</sup>

ملا احمد نراقی معروف به فاضل نراقی (م ۱۲۴۴ ق) می‌گوید:

هر آنچه که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علیه‌السلام که حاکمان و حافظان اسلام می‌باشند بر آن ولایت و اختیار دارند، فقیه نیز همان ولایت و اختیار را دارد، مگر جایی که دلیلی برخلاف آن وجود داشته باشد.<sup>۴</sup>

آیت الله گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه از فقهای بزرگ معاصر می‌گوید:

محدوده اختیار فقها، محدوده‌ای عام است... محدوده ولایت فقیه جامع شرایط در امور مربوط به ریاست و اداره اجتماع، مانند محدوده اختیارات ائمه علیهم‌السلام است، مگر در موردی که دلیل، خارج کند.<sup>۵</sup>

این‌ها تنها نمونه‌هایی از کلمات فقهای شیعه در قرون مختلف است. صدها نمونه روشن دیگر نیز وجود دارد که نشان می‌دهد مسئله ولایت فقیه، همیشه در اندیشه و گفتار علمای شیعه مطرح بوده و مورد قبول عموم آن‌ها قرار گرفته است.<sup>۶</sup>

۱. منظور از «سلطان حق»، امام معصوم است.

۲. النهایة و نکتها، ج ۲، ص ۱۷.

۳. رسائل، المحقق الکرکی، ج ۱، ص ۱۴۲.

۴. عوائد الأیام، ص ۱۸۷ و ۱۸۸.

۵. الهدایة الی من له الولاية، ص ۷۹.

۶. ر.ک: فقیهان امامی و عرصه‌های ولایت فقیه، محمدعلی قاسمی و همکاران؛ تحول نظریه دولت در اسلام، احمد جهان بزرگی؛ حکمت حکومت فقیه، آیت‌الله ممدوحی.

فقیه بزرگ زمان و رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی علیه السلام با زمان‌شناسی و درایت کم‌نظیر، این نظریه اسلامی و دینی را آشکارا مطرح نمود و نظام اسلامی را بر اساس آن، پایه‌گذاری کرد؛ یعنی مسئله ولایت فقیه را در عرصه اجتماعی مسلمین، به اجرا درآورد و به عنوان کامل‌ترین شکل حکومت دینی در زمان غیبت معرفی کرد.

### ادله ولایت فقیه

در بحث ولایت فقیه، یکی از مهم‌ترین مباحث، ادله ولایت فقیه است. پیوسته این سؤال مطرح بوده که به چه دلیل در جامعه اسلامی، فقیه بر دیگران مقدم است و اوست که بر همگان ولایت دارد؟

در پاسخ این سؤال می‌گوییم: دلیل بر ولایت فقیه، هم از نظر عقلی قابل تحلیل است و هم از نظر نقلی؛ یعنی هم عقل، یک مسلمان را به اطاعت از فقیه در زمان غیبت دستور می‌دهد و هم روایات اسلامی.

### بررسی و تحلیل دلیل عقلی بر ولایت فقیه

چون انسان به صورت اجتماعی زندگی می‌کند و می‌خواهد با این زندگی به کمال معنوی خود دست یابد، به دو عنصر اساسی نیازمند است:

۱. قانون الهی که به دلیل الهی بودن از هر نقص و خطایی دور باشد، تا هم نظام اجتماعی را سر و سامان دهد و هم عمل به آن ضامن سعادت همگان باشد. این قانون، همان کتاب الهی و سنت است که برنامه کامل و جامع بشر تا قیامت است.

۲. مجری و حاکم عالم و عادل که اجرای کامل آن قانون را عهده‌دار شود. روشن است که بدون این دو و حتی با نبود یکی از آنها، اجتماع بشر، گرفتار هرج و مرج و تباهی و فساد خواهد شد.

نتیجه این برهان عقلی، ضرورت نبوت انبیا و پس از نبی خاتم، ضرورت امامت امامان معصوم علیهم السلام را می‌رساند؛ یعنی بهترین فرد برای اجرای قوانین الهی و تحقق بخشیدن به احکام خدا، معصوم است. معصوم کسی است که نه در فکر و اندیشه و نه در عمل و رفتار، گناه و خطا و نقص ندارد. حال از عقل می‌پرسیم که در صورت عدم دسترسی به معصوم چه باید کرد؟

عقل پاسخ می‌دهد چون ضرورت نظم اجتماعی برای بشر و تلاش برای رسیدن به کمال انسانی و الهی، همچنان باقی است باید نزدیک‌ترین فرد به معصوم و اوصاف و شرایط معصوم را در جایگاه او قرار داد.

توضیح این مطلب، این‌گونه است که علت شایستگی معصوم برای تصدی ولایت و رهبری امت، آگاهی کامل و جامع او به دین و معارف دینی و نیز تقوا و پرهیزگاری و عصمت اوست که نمی‌گذارد مصالح امت فدای منافع شخصی و هواهای نفسانی شود. نیز علت دیگر شایستگی معصوم درک و شناخت او از مسائل اجتماعی و تدبیر و مدیریت آنهاست. حال اگر در زمانی مانند عصر غیبت، دسترسی به معصوم ممکن نباشد، باید به سراغ فردی برویم که این ویژگی‌ها را بیشتر از سایر مردم داشته باشد و این فرد، کسی نیست جز فقیه باتقوایی که کارآمدی لازم را برای تدبیر امور جامعه و مردم دارا باشد. چون غیرفقیه به اسلام و احکام و معارف آن، آگاهی کامل ندارد تا بتواند مجری قانون خدا باشد و انسان آگاه فاقد تقوا و عدالت نیز در معرض هوا و هوس‌های خود و دیگران است و نمی‌توان حکومت بر مسلمین را به غیر امین سپرد، همچنین اگر مدیریت نداشته باشد، قدرت تدبیر امور مردم را نداشته و در موارد ضرورت، نمی‌تواند تصمیم‌های درست و مفید برای جامعه مسلمین بگیرد.

### ولایت فقیه در روایات

از مهم‌ترین ادله ولایت فقیه، روایات است که برخی از آنها را می‌آوریم:

#### ۱. توقیع<sup>۱</sup> امام عصر علیه السلام

عالم بزرگ شیعه جناب شیخ صدوق رحمته الله علیه در کتاب *کمال الدین و تمام النعمه*، نامه اسحاق بن یقوب به امام مهدی علیه السلام را روایت کرده است. در آن نامه، از محضر امام سؤالاتی پرسیده شده است. از جمله امام عصر علیه السلام در پاسخ فرموده است:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا

۱. توقیع اصطلاحی است که بیشتر درباره نامه‌های امام زمان علیه السلام به کار رفته است. در آن نامه‌ها پاسخ سؤالات شیعیان نوشته می‌شده و به وسیله نواب اربعه به دست آنها می‌رسید.

حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ؛<sup>۱</sup>

و اما درباره مسائلی که پیش می‌آمد؛ پس در آنها به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا ایشان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشانم.

در بخش اول توقیع، امام علیه السلام دستور فرموده‌اند که شیعیان در عصر غیبت به روایت‌گران احادیث اهل بیت علیهم السلام رجوع کنند و تکلیف خود را در مسائل اتّفاقیه و پیش آمده از ایشان بپرسند. باید تأمل کرد که مقصود از «رواة حدیثنا» کیانند و معنای «حوادث واقعه» چیست؟ کلمه «حوادث» جمع حادثه است و چون امام فرموده است در حوادثی که رخ می‌دهد به راویان حدیث، رجوع کنید، معلوم می‌شود مراد از حوادث، مسائلی است که به دین و دیانت مسلمین مربوط می‌شود که راویان حدیث باید تکلیف مؤمنان را در آن مسائل، روشن کنند. حال سؤال اینجاست که آیا مراد، مسائل فردی است که در رساله‌های علمیه بیان شده است یا مسائل اجتماعی مانند جهاد با کفار، دفاع در برابر هجوم بیگانگان، ارتباط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با دولت‌های بیگانه و...؟

بسیار بعید است که مقصود امام زمان علیه السلام از حوادث واقعه، مسائل فردی مثل نماز و روزه و زکات و... باشد؛ زیرا رجوع به عالمان دین و پرسش از آنها در این مسائل حتی در زمان امامان علیهم السلام نیز رایج بوده است و شیعیان به دلایلی مانند دوری مسافت یا محدودیت‌هایی که برای امامان علیهم السلام بوده است، به وکلا و نمایان ائمه علیهم السلام مراجعه می‌کردند. اساساً این مسئله، بدیهی بوده که وقتی دسترسی به امام معصوم علیه السلام ممکن نیست - چه آن‌گاه که امام حاضر و ظاهر است یا آن‌گاه که در غیبت به سر می‌برد - باید به علمای دین که به قرآن و سنت، آگاهی دارند مراجعه کرد. بنابراین مقصود از «حوادث واقعه» مسائل اجتماعی مسلمین است و این معنا با ظاهر تعبیر «حوادث» کاملاً تناسب و همخوانی دارد.

راویان حدیث ائمه چه کسانی هستند؟

مطابق توقیع امام عصر علیه السلام شیعیان حضرت، در زمان غیبت آن بزرگوار باید در مسائل پیش آمده به راویان حدیث امامان مراجعه کنند. روشن است که فهمیدن کلمات معصومین علیهم السلام در

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴.

زمینه احکام و وظایف فردی و اجتماعی به تخصص بسیار بالایی در علوم اسلامی و دینی نیاز دارد و به دست آوردن احکام شرعی از احادیث ائمه، کار بسیار پیچیده‌ای است. به همین دلیل از دیر زمان، شیعیان برای این مهم به علما و اسلام‌شناسان حقیقی رجوع می‌کرده‌اند.

بنابراین مقصود از راوی حدیث، تنها روایت کننده حدیث نیست؛ بلکه منظور، کسی است که اولاً با منابع روایی آشنایی کامل دارد و روایت معتبر را از غیرمعتبر می‌شناسد و ثانیاً به همه جوانب کلمات معصومان و چگونگی به دست آوردن حکم شرعی از سخنان ایشان آگاه است و تمام مقدمات و ابزار لازم برای فهم درست سخنان ایشان را فراگرفته است.

به اعتراف همه مسلمین و همه صاحبان عقل و فکر، چنین کسانی تنها فقیهان و مجتهدان دینی هستند که در همه مسائل فردی و اجتماعی احکام الهی را از قرآن عزیز و کلمات معصومان استخراج می‌کنند و حکم همه مسائل را در اختیار شیعیان قرار می‌دهند.

برداشت بالا با ادامه حدیث که فرموده است «فانهم حجتی علیکم» نیز هماهنگ است؛ زیرا حجت بودن راوی، با اموری تناسب دارد که رأی و نظر او در آن امور ملاک و معیار باشد؛ یعنی زمانی این «راوی حدیث» حجت بر دیگران است که استنباط و برداشت او از کلام معصوم برای دیگران حجت باشد، و الا اگر قرار بود به خود کلام معصوم استناد شود، نمی‌فرمود: آن‌ها - خودشان - حجت بر شما هستند.

در این باره، سخن فقیه بزرگ و نامدار شیعه، شیخ انصاری رحمته الله علیه بسیار گویاست که می‌گوید: آنچه از ظاهر عبارت امام به دست می‌آید، این است که مقصود از «حوادث» همه اموری است که به حکم عرف و عقل و شرع، در آن‌ها باید به رئیس [و بزرگ قوم] رجوع کرد و بسیار بعید است که «حوادث» اختصاص به مسائل شرعی داشته باشد.<sup>۱</sup>

۱. مکاسب محرمة، ج ۳، ص ۵۵۴.

۲. مقبوله عمر بن حنظله<sup>۱</sup>

یکی از روایاتی که فقها برای اثبات ولایت فقیه به آن استناد کرده‌اند روایتی است که عمر بن حنظله نقل کرده است.

او می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «وقتی دو نفر از شیعیان در مورد بدهی یا ارث اختلاف داشتند، آیا جایز است که دعوا و نزاع خود را نزد سلطان [نابحق] یا قاضی [منصوب از سوی آن سلطان] ببرند؟»

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس برای داوری به آن‌ها مراجعه کند... جز این نیست که به طاغوت رجوع کرده و او را به عنوان داور پذیرفته است و آنچه را حاکم یا قاضی او به آن حکم کند، حرام است، گرچه حق او باشد؛ زیرا آنچه گرفته است به حکم طاغوت بوده. یعنی همان کسی که خدا امر کرده است که به او کفر بورزند؛ آنجا که می‌فرماید:

﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ﴾<sup>۲</sup>

[بعضی از مردم] می‌خواهند داوری در امور را نزد طاغوت ببرند و حال آنکه امر شده‌اند که به طاغوت کفر بورزند.

عمر بن حنظله می‌گوید: (وقتی دیدم که امام با این شدت مراجعه شیعیان را به حاکم طاغوت و قاضی او محکوم و ممنوع کرد، پرسیدم: «پس شیعیان - در چنین مواردی - چه کنند؟»

امام علیه السلام فرمود:

قَالَ يَنْظُرَانِ إِلَى مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَحَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَرْضَوْا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَخَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رَدٌّ وَ الرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ الشَّرْكِ بِاللَّهِ؛<sup>۳</sup>

۱. عمر بن حنظله از اصحاب امام باقر و امام صادق علیه السلام و نیز از راویان مشهور است که اصحاب بزرگواری مانند زرارة و هشام بن سالم و صفوان بن يحيى و... از او روایت نقل کرده‌اند. و مقصود از «مقبوله» روایتی است که مورد پذیرش و قبول علما قرار گرفته است.

۲. سوره نسا: آیه ۶۰.

۳. کافی، ج ۱، باب اختلاف الحدیث، ح ۱۰، ص ۶۷.



[وقتی دو شیعه در امری اختلاف کردند] بنگرند [و دقت کنند] که از شما شیعیان آن کس که احادیث ما را روایت می‌کند و در حلال و حرام مانظر [و نگاه دقیق] دارد و احکام ما [اهل بیت علیهم‌السلام] را می‌شناسد، چنین کسی را به عنوان داور میان خود بپذیرند؛ زیرا که من او را بر شما «حاکم» قرار دادم و زمانی که [چنین شخصی] به چیزی حکم کند و از او پذیرفته نشود، پس همانا حکم خدا را سبک شمرده و حکم ما را رد کرده است. و هر کس حکم ما را رد کند، حکم خدا را رد کرده است و آن در حدّ شرک و ورزیدن به خداست.

در این روایت شریف چند مطلب مهم و اساسی وجود دارد:

۱. در نزاع‌ها نباید به حاکم طاغوت و قاضی منصوب از سوی او مراجعه نمود؛ چرا که قرآن و سنت آن را حرام کرده‌اند.
۲. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «در چنین مواردی به راوی حدیث، و عارف و آشنای به احکام ما رجوع کنند». روشن است که کسی جز فقیه و مجتهد، آشنایی کامل و فراگیر با احکام ائمه که در احادیث آن‌ها آمده است، ندارد.
۳. در این روایت، مورد سؤال، دعوا و نزاع بین دو طرف بود؛ ولی امام صادق علیه‌السلام در پایان روایت یک قانون کلی و جامع فرمود که: «فانی قد جعلته علیکم حاکماً» حضرت، با این بیان، فقیه را به عنوان «حاکم» در میان شیعیان معرفی کرد و حاکم یعنی کسی که بر دیگران حکومت و حاکمیت دارد و سرپرست ایشان است و امور آن‌ها را مدیریت می‌کند.
۴. امام علیه‌السلام افزود که اگر این حاکم که منصوب از سوی امام است حکمی کند، حتماً باید به آن گردن نهند و بپذیرند و اگر آن را رد کنند، حکم امام را رد کرده‌اند و ردّ حکم امام همانا ردّ حکم خداست. حضرت با این بیان عام، فقیه را در همه احکام - فردی و اجتماعی، قضایی و غیرقضایی - حجت بر مردم قرار داد.

فقیه نامدار شیعه، محمدحسن نجفی معروف به صاحب جواهر<sup>۱</sup> (م ۱۲۶۶ ق) می‌گوید:  
نصب عام فقها در همه امور جاری است؛ به طوری که هر چه برای امام

۱. ایشان یکی از استوانه‌های فقه شیعه است که مجموعه فقهی بزرگ و بی نظیر *جواهر الکلام* را در ۴۳ جلد نوشته است. این کتاب، سال‌هاست که مصدر و مرجع فقهای شیعه در حوزه‌های علمیه است.

هست برای فقیه نیز هست؛ چنانکه مقتضی قول امام علیه السلام (فائی قد جعلته علیکم حاکماً)، این است که فقیه، ولی متصرف در قضاوت و غیر آن از قبیل ولایات و مانند آن است؛ چنانکه در توقیع شریف امام زمان علیه السلام آمده است: «فإنهم حجّتی علیکم». و مراد این است که فقیهان در همه آنچه من حجت هستم، بر شما حجت هستند، مگر آنچه که با دلیل، خارج شود.<sup>۲</sup>

استاد بزرگ فقهای عظام، مرحوم شیخ انصاری (م ۱۲۸۱ ق) می‌گوید:

آنچه از کلمه «حاکم» در مقبوله عمر بن حنظله می‌فهمیم، همان «متسلط مطلق» است؛ یعنی اینکه امام فرمود: «فائی قد جعلته علیکم حاکماً» نظیر گفتار «سلطان و حاکم» است که به اهل شهر بگوید: «من فلان شخص را حاکم بر شما قرار دادم». از این تعبیر برمی‌آید که سلطان، فلان شخص را در همه امور کلی و جزئی شهروندان که به حکومت برمی‌گردد، تسلط کرده است.<sup>۳</sup>

از آنچه گذشت، به روشنی معلوم است که «فقیه» ولایتش را از امام معصوم گرفته است؛ زیرا در توقیع امام زمان علیه السلام و نیز مقبوله عمر بن حنظله، این امام است که فقیه را حجت بر مردم و حاکم بر ایشان قرار می‌دهد؛ بنابراین فقیه با نصب امام و حکم او بر مردم ولایت دارد. آری؛ مقبولیت فقیه در ولایتش و امکان اجرا و عملی کردن این ولایت، به اقبال مردم و پذیرش ولایت فقیه از سوی مردم بستگی دارد.

### وظایف و اختیارات ولی فقیه

با توجه به آنچه در ادله‌ی ولایت فقیه گذشت، معلوم می‌شود که در زمان غیبت، مرجع مردم در مسائل گوناگون فردی و اجتماعی، فقیه جامع‌الشرائط است و امام معصوم علیه السلام، او را حاکم بر مردم قرار داده است. و مطابق فرموده امام معصوم علیه السلام سمت‌های سه‌گانه افتاء، قضاء و حکومت، حق فقیه جامع‌الشرائط و بلکه وظیفه اوست. پس در زمان غیبت، فقیه به نیابت از

۱. پیش از این در همین درس، درباره این حدیث و نحوه استدلال به آن بحث شد.

۲. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۹۶ و ۳۹۷.

۳. قضا و شهادت، شیخ انصاری، ش ۲۲، ص ۸ و ۹.

امام در همه مسائل شرعی فتوا می‌دهد و در نزاع‌ها، بین طرفین قضاوت و داوری می‌کند و همگان موظفند داوری او را بپذیرند و بر اساس آن عمل کنند. همچنین در امر حکومت و تدبیر امور جامعه، سرپرستی مردم به عهده اوست و از سوی امام، جامعه را رهبری می‌کند و در همه امور که به اجتماع و جامعه اسلامی مربوط است، حکم او حکم امام است و باید پذیرفته شود. از ولایت فقیه در این سه حوزه به «ولایت مطلقه» تعبیر می‌شود؛ یعنی محدوده‌ی ولایت فقیه تنها در بخش فتوا دادن و قضاوت کردن نیست، بلکه تمام امور جامعه و حکومت بر مردم را شامل می‌شود.<sup>۱</sup>

### ویژگی‌های فقیه جامع الشرایط

با توجه به اهمیت و بزرگی وظیفه حاکم در جامعه اسلامی، حکومت و رهبری به عهده معصوم است؛ ولی در عصر غیبت، چون مردم دسترسی مستقیم به معصوم ندارند، باید کسی عهده‌دار این مسئولیت مهم شود که نزدیک‌ترین مردم به معصوم و شرایط او باشد. ویژگی‌های فقیه عبارتند از:

#### ۱. اجتهاد و آگاهی کافی از اسلام

اسلام، مجموعه‌ای از قوانین و مقررات الهی است که خداوند به عنوان برنامه زندگی انسان‌ها بیان فرموده است و چون جامعه اسلامی باید بر اساس این قوانین اداره شود، حاکم جامعه باید از این محتوا آگاهی کافی داشته باشد؛ به همین دلیل باید در همه فروع اسلامی و احکام فردی و اجتماعی، صاحب‌نظر باشد؛ یعنی به وسیله علوم مختلف اسلامی توانایی استخراج احکام خدا را از منابع آن که قرآن و سنت معصومان است داشته باشد. به چنین کسی «مجتهد» و «فقیه» می‌گویند.

#### ۲. تقوا و عدالت

اگر مدیر یک مجموعه، اسیر هوا و هوس خود یا دیگران باشد، مصالح عمومی را فدای تمایلات شخصی یا جناحی خود خواهد کرد و این از بزرگ‌ترین آفات مدیریت است؛ به همین

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: حکومت اسلامی، ص ۲۱۴ به بعد.

دلیل در جامعه دینی، حکومت در اصل از آن معصوم است که از همه هوس‌های غیر الهی و نیز هر خطا و اشتباهی مصون و محفوظ است؛ اما در عصر غیبت، باید کسی که در تقوا و پرهیزکاری شبیه‌ترین افراد امت به معصوم است، عهده‌دار حکومت شود و گرنه جامعه به تباهی و فساد کشیده خواهد شد. به روایت نبوی زیر توجه کنید:

لَا تَصْلُحُ الْإِمَامَةُ إِلَّا لِرَجُلٍ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ وَرَعٌ يَخْجُزُهُ عَنْ مَعْاصِي اللَّهِ وَ حِلْمٌ يَمْلِكُ بِهِ غَضَبَهُ وَ حُسْنُ الْوَلَايَةِ عَلَى مَنْ يَلِي حَتَّى يَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ؛<sup>۱</sup>  
 امامت (و رهبری) شایسته نیست جز برای کسی که سه خصلت در او باشد: ورعی که او را از نافرمانی خدا باز دارد، حلمی که با داشتن آن بر خشم و غضب خویش غالب شود، و مدیریت خوب در قلمرو ولایت و سرپرستی خویش، تا جایی که برای مردم همچون پدری مهربان باشد.

بنابراین حاکم بر جامعه اسلامی، هم از نظر علمی و هم از منظر عملی باید در اوج باشد؛ یعنی علاوه بر تسلط بر محتوای دین، لازم است از عدالت و تقوای فوق‌العاده برخوردار باشد. در حدیث دیگری، امام حسین علیه السلام این دو شرط را چنین بیان فرموده است:

مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ الدَّائِنُ بِدِينِ الْحَقِّ الْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ؛<sup>۲</sup>

تنها کسی می‌تواند امام و حاکم مسلمانان باشد که از روی قرآن حکم کند، مجری کامل عدالت باشد، متدین به دین حق بوده و جلو همه هواهای نفس خویش را گرفته باشد.

روشن است که این کلام نورانی، امامت و حاکمیت هر عنصر پلید و هواپرستی را نفی می‌کند و مؤمنان را تا قیامت از قبول هر حاکم ظالم و ستم‌گری - گرچه کمترین درجه ظلم و گناه را دارا باشد - پرهیز می‌دهد.

### ۳. تدبیر و مدیریت

به حکم عقل و منطق صحیح، حاکم جامعه اسلامی باید توانایی مدیریت و رهبری را دارا باشد و

۱. کافی، ج ۱، باب ما يجب من حق الامام...، ح ۸، ص ۴۰۷.

۲. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۹.

در روایات اسلامی نیز به این اصل عقلی تصریح شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ؛<sup>۱</sup>

ای مردم! شایسته‌ترین افراد برای این کار [امامت و حکومت] کسی است که بر آن تواناتر و از حکم خدا درباره آن آگاهتر است.

بنابراین فقیه جامع شرایط باید علاوه بر اجتهاد و عدالت مطلق، اولاً، بینش درست و صحیحی از امور سیاسی و اجتماعی داخل و خارج داشته باشد و ترفندهای دشمنان را به خوبی بشناسد و ثانیاً، از هنر مدیریت و لوازم آن برخوردار باشد؛ به گونه‌ای که بین قوای سه‌گانه و سایر بخش‌های حکومتی، هماهنگی ایجاد کرده، نیز از بازوهای مشورتی قوی در مدیریت کلان جامعه بهره گیرد.

### ولایت مطلقه فقیه و خطر دیکتاتوری

با توجه به ویژگی‌هایی که برای فقیه بیان شد، ولایت فقیه بهترین و صالح‌ترین مرکز تصمیم‌گیری برای جامعه اسلامی است و تمرکز قدرت در او به هیچ‌وجه به دیکتاتوری نمی‌انجامد، زیرا دیکتاتوری نه در چارچوب قوانین الهی که بر اساس برداشت‌ها و سلايق شخصی حکم می‌کند و حرص او به مقام و حکومت، مانع از پرهیزکاری و رعایت مصالح مردم است و نتیجه این دو رفتار، ضعف مدیریت اجتماعی و سیاسی او نیز خواهد بود؛ در حالی که ولی فقیه پس از احراز سه ویژگی مهم و اساسی بر مردم ولایت پیدا کرده است:

ویژگی اول او فقاہت است تا بتواند جامعه اسلامی را بر اساس احکام الهی اداره کند و نه مطابق آراء شخصی یا گروهی. ویژگی دوم او عدالت و پرهیزکاری اوست که سبب می‌گردد تمایلات شخصی و حزبی را در اداره جامعه دخالت ندهد و در پی جاه‌طلبی و دنیاگرایی نباشد و ویژگی سوم او تدبیر درست سیاسی و مدیریت بهتر جامعه است که به وسیله‌ی مشورت با صاحب‌نظران علمی و سیاسی متعهد به آن دست یافته است.

بدیهی است که ولایت فقیه بر جامعه اسلامی تا زمانی است که این شرائط در او موجود باشد و خبرگان امت - که مجموعه‌ای از علمای متعهدند - وجود این شرائط را در او تایید کنند

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳.

و چنانچه یکی از این ویژگی‌های ولی فقیه از بین برود، عزل شدن او را از مقام ولایت، اعلام کرده و نسبت به معرفی ولی فقیه جامع الشرائط، اقدام می‌کنند.

با توجه به آنچه بیان گردید روشن است که ولایت فقیه محدود به زمان خاصی نیست، بلکه تا وقتی که شرائط لازم برای ولایت، در فقیه حاکم، وجود داشته باشد ولایت او بر جامعه اسلامی استمرار دارد و همگان مکلف به اطاعت و پیروی از او هستند.

## خلاصه درس

- ولایت فقیه به معنای سرپرستی اسلام‌شناس جامع شرایط، ریشه در کلمات معصومان علیهم‌السلام دارد.
- علاوه بر روایاتی مانند مقبوله عمر بن حنظله و توقیع امام مهدی علیه‌السلام دلیل عقلی نیز بر آن دلالت می‌کند.
- بنا بر نظریه ولایت مطلقه فقیه، اختیارات فقیه اسلام‌شناس عادل مدبر، شامل فتوا دادن، قضاوت کردن و حکومت و سرپرستی امور جامعه می‌شود.

## پرسش‌های درس

۱. سه واژه «ولی»، «فقیه» و «مطلقه» را تعریف کنید.
۲. یک دلیل عقلی برای ولایت فقیه بیان کنید.
۳. اختیارات ولی فقیه را توضیح دهید.

## پرسش‌های پژوهشی

۱. پیشینه تاریخی نظریه ولایت فقیه را توضیح دهید.
۲. دیدگاه آیت الله نائینی رحمته الله علیه را در ولایت فقیه بیان کنید.
۳. ولایت فقیه انتصابی است یا انتخابی؟ هر یک را نقادی کنید.

## منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

۱. حاکمیت در اسلام، سید محمد مهدی موسوی خلیجی.
۲. حکومت اسلامی، احمد واعظی.
۳. ولایت فقیه، عبدالله جوادی آملی.
۴. مجله «حکومت اسلامی».



---

## جلوه‌های محبت امام مهدی عج

---

### اهداف:

۱. آشنایی با جلوه‌های محبت امام مهدی عج
۲. جلوگیری از افراط و تفریط در معرفی امام زمان عج

### فوائد

۱. شناخت چهره مهر امام مهدی عج و چگونگی محبت او به مردم
۲. آگاهی از توجه همیشگی امام مهدی عج به احوال شیعیان و جامعه

### مطالب آموزشی

- جلوه‌های مهربانی امام زمان عج
- ۱. غم خواری
- ۲. دعا کرن
- ۳. نام بردن
- ۴. سلام دادن
- ۵. هدیه دادن
- ۶. حکمت‌ها
- ۷. تعیین نایب
- ۸. فریاد رسی
- ۹. حضور در حج
- ۱۰. تعلیم<sup>۱</sup>

---

۱. در تدوین این درس از کتاب «میر مهر» تألیف جناب حجت‌الاسلام و المسلمین پورسید آقائی استفاده شده است.

یکی از زوایای ناشناخته امام عصر علیه السلام، مهر و محبت آن بزرگوار به انسان‌ها و به ویژه شیعیان است. متأسفانه از گذشته دور چنین بوده است که امام را تنها با شمشیر و خونریزی و قهر و انتقام معرفی کرده و چهره‌ای خشن از آن حضرت نشان داده‌اند؛ حال آنکه آن حضرت مظهر رحمت بی‌کران الهی و پدر مهربان امت و همدمی دلسوز و همراهی خیرخواه است.

بجاست پیش از هر کلامی، از زبان او و پاکانی که درباره او فرموده‌اند بشنویم:

در حدیث قدسی در پایان ذکر امامان معصوم آمده است:

وَأَكْمَلُ ذَلِكَ بَابِهِ مُحَمَّدٌ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ؛<sup>۱</sup>

و تکمیل می‌کنم [سلسله امامان] را به فرزندش (م ح م د) به عنوان رحمتی برای همه جهانیان.

و در سخنی از خود حضرت آمده است:

أَنَّ رَحْمَةَ رَبِّكُمْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَأَنَا تِلْكَ الرَّحْمَةُ؛<sup>۲</sup>

همانا رحمت پروردگارتان همه چیز را فرا گرفته و من آن رحمت بی‌کران الهی هستم.

و در بیان معصومان علیهم السلام چنین توصیف شده است:

وَأَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ؛<sup>۳</sup>

[امام] دلسوزتر است بر مردم از پدران و مادرانشان.

۱. کافی، ج ۱، ص ۵۲۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۳. همان، ج ۲۵، ص ۱۱۶.

أَوْسَعُكُمْ كَهْفًا وَ أَكْثَرُكُمْ عِلْمًا وَ أَوْصَلُكُمْ رَحِمًا؛<sup>۱</sup>

[حضرت مهدی علیه السلام] از همه شما، مردم را بیشتر پناه می‌دهد و از همه شما علمش افزون‌تر و رحمت و لطفش از همه فراگیرتر است.

آری، امام تجلی رحمت خدا است که در وسعت سینه او، کران تا کران عشق به انسان‌ها موج می‌زند و اگر قهر دارد بر گروهی اندک است که نه انسان، بلکه گرگ‌هایی انسان نمایند که زندگی بشریت را با درنده خوئی خود زشت و سیاه کرده‌اند<sup>۲</sup> و روشن است که قهر با اینان، عین مهر است با مردمان و گرنه او میر مهر است نه امیر قهر.

امام زمان مربی بزرگ و معلم دلسوز انسان و پدر مهربان مردم است و در همه اوقات و لحظات صلاح حال ایشان را رعایت می‌کند و در عین بی‌نیازی از ایشان، بیشترین لطف و عنایت را نثارشان می‌سازد؛ چنانکه خود فرمود:

لَوْ لَّا مَا عِنْدَنَا مِنْ مَّحَبَّةٍ صَلَاحِكُمْ وَ رَحْمَتِكُمْ وَ الْإِشْفَاقِ عَلَيْكُمْ لَكُنَّا عَنْ مُخَاطَبَتِكُمْ فِي شُغْلٍ؛<sup>۳</sup>

اگر این گونه نبود که ما دوستدار اصلاح کار شما هستیم و به شما نظر لطف و رحمت داریم؛ از توجه و التفات به شما [به دلیل کارهای ناپسندتان] احتراز می‌کردیم.

بنابراین امام زمان گرچه غایب است، ولی ابر رحمتی است که پیوسته می‌بارد و کویر تفتیده مردم را حیات و نشاط می‌بخشد و محروم کسی است که از این کانون مهر، مهربانی‌ها را نچشد و محبت‌ها را حس نکند.

اللَّهُمَّ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ وَ دُعَاءَهُ وَ خَيْرَهُ.<sup>۴</sup>

۱. همان، ج ۵۱، ص ۱۱۵.

۲. و تجلی این قهر الهی، در زمان ظهور آن مظهر عدالت است؛ یعنی آن زمان که حقوق مظلومان از ظالمان در طول تاریخ گرفته خواهد شد. بنابراین مقصود از مهر و محبت امام نه آن است که امام، قهر و خشونت ندارد، بلکه او با دشمنان خدا و بشریت با شدت و قهر برخورد خواهد کرد.

۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.

۴. یعنی خدایا مهربانی و رحمت و دعا و نیکی امام را به ما کرامت فرما. (مفاتیح الجنان، دعای ندبه)

### جلوه‌های مهربانی امام زمان علیه السلام

در بحث فوائد امام غایب درباره آثار وجودی آن حضرت بحث کردیم و توضیح دادیم که بقای عالم و تداوم زندگی همه خلق وابسته به وجود آن بزرگوار است<sup>۱</sup> و در این مجال سخن درباره جلوه‌هایی از محبت بی‌کران امام غایب است که در گونه‌های مختلف، تجلی و نمود یافته است تا بر همگان روشن شود که امام خوبی و مهربانی، در عین غیبت و پنهانی، شعاع مهرش در همه جا گسترده و به تناسب ظرف‌ها و ظرفیت‌ها همه را فراگرفته است و لطف و عنایتش همچون چشمه‌ای خروشان، جریانی پیوسته و مداوم است.

#### ۱. غم‌خواری

از مهم‌ترین و برترین صفات مومن، هم‌گرایی و همدردی با برادران دینی است. مومنان در جامعه اسلامی چونان پیکر واحدی هستند که درد و غم هر یک سبب رنج دیگران و آسایش و شادی هر کدام باعث سرور دیگران خواهد بود، زیرا آنها به تصریح قرآن برادرند. در روایات متعدد ائمه معصومین علیهم السلام احساس هم‌دردی و غم‌خواری خود را نسبت به شیعیان بیان کرده‌اند که این حس زیبا سبب آرامش و تسلای دل دوستان ایشان است و قوت قلبی است که آنها را در فراز و نشیب‌های زندگی دلگرمی داده و صبوری و مقاوت آنها را تقویت می‌کند.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

مَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ شِيعَتِنَا يَمْرُضُ إِلَّا مَرَضْنَا لِمَرَضِهِ وَلَا اغْتَمَّ إِلَّا اغْتَمَمْنَا لِغَمِّهِ وَلَا يَفْرَحُ إِلَّا فَرَحْنَا لِفَرَحِهِ؛<sup>۲</sup>

هیچ‌یک از شیعیان، مریض نمی‌شود مگر اینکه ما نیز در بیماری او بیمار می‌شویم و اندوهگین نمی‌شود مگر اینکه ما نیز در غم ایشان محزون می‌شویم و شادمان نمی‌گردد مگر اینکه ما نیز به خاطر شادی او شادمانیم...

۱. رجوع شود به نگین آفرینش، ج ۱، درس هشتم.

۲. بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۶۷.

یکی از شیعیان امام صادق علیه السلام گوید:

بر آن حضرت وارد شدم و عرض کردم: از «عمرو بن اسحاق» حدیثی به من رسیده است. فرمود: آن را عرضه کن. گفتم: وی بر امیرالمؤمنین علی علیه السلام داخل شد، پس آن حضرت آثار زردی بر صورتش دید و فرمود: این زردی چیست؟ پس بیماری خود را توضیح داد. آن حضرت به او فرمود: ما خوشحال می‌شویم به خوشحالی شما و اندوهگین می‌شویم به اندوه شما و بیمار می‌شویم به بیماری شما ... امام صادق علیه السلام فرمود: عمرو راست گفته است.<sup>۱</sup>

بنابراین امام به دلیل شدت رأفت و محبتی که نسبت به پیروانش دارد، بیشترین اتصال و ارتباط را با شیعیان خود دارد و به دلیل همین محبت و دوستی فزاینده است که در غم و رنج آنها شریک است مانند مادری که به دلیل شدت دوستی و ارتباط با فرزندش به هنگام بیماری او، بیمار می‌شود؛ چنان‌که با بهبودی و شادی او نشاط پیدا می‌کند زیرا که فرزند، همچون جان شیرین برایش عزیز و دوست داشتنی است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

وَ اللَّهُ إِنِّي أَرْحَمُ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؛<sup>۲</sup>

به خدا سوگند من نسبت به شما از خود شما مهربانترم.

نتیجه اینکه جنس محبت امام با سایر محبت‌ها متفاوت است. محبتی است خالص و بی‌منت و بی‌نهایت و محبتی است که نه به زبان که در دل و اعماق جان او نهفته است و به همین دلیل با همه وجود و با جسم و جان با شیعیانش پیوند دارد.

یکی از نمونه‌های روشن این محبت الهی در وجود شریف امام زمان اینگونه در بیان حضرت توصیف شده است:

إِنَّهُ أَنْهَىٰ إِلَىٰ أَرْبَابِ جَمَاعَةٍ مِنْكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَا دَخَلَهُمْ مِنَ الشُّكِّ وَ الْحَيْرَةِ فِي  
وَلَاةِ أَمْرِهِمْ فَفَعَّمْنَا ذَلِكَ لَكُمْ لَأَنَّا وَ سَأَوْنَا فِيكُمْ لَا فِينَا لِأَنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَلَمَّا فَاقَةَ بِنَا  
إِلَىٰ غَيْرِهِ؛<sup>۳</sup>

۱. بصائر الدرجات، ص ۲۶۰.

۲. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۷۸.

۳. غیبت طوسی، ص ۲۸۵.

به من رسیده است که گروهی از شما در دین به تردید افتاده و در دل آنها نسبت به اولیای امرشان شک و حیرت راه پیدا کرده است و این امر مایه اندوه ما شد، البته به خاطر خود شما نه برای خودمان و باعث ناراحتی ما نسبت به شما و نه درباره خودمان گردید، زیرا که خداوند با ماست و با بودن او نیازی به دیگری نداریم.

## ۲. دعا کردن

یکی از اسباب خیر و نیکی مؤمنان نسبت به یکدیگر دعا کردن است که گره‌گشای بسیاری از مشکلات و برون‌رفت از بن‌بست‌های فراوان است. و نیز بدون تردید دعا از بهترین وسائل قرب الهی و رسیدن به خواسته‌های دنیوی و اخروی است و البته هرچه دعا کننده از ایمان و اخلاص بیشتر برخوردار باشد دعای او به اجابت نزدیک‌تر خواهد بود. تصور کنید که یک عالم ربانی و مردی سر تا پا خدائی به شما بگوید که شب گذشته در راز و نیازم حالت خوشی دست داد و شما را به ویژه دعا کردم، چه حالتی در شما پیدا می‌شود و چه نشاطی پیدا می‌کنید و چقدر این احسان او را بزرگ می‌شمارید.

راستی اگر شیعه منتظری بداند و بفهمد که نه یک‌بار، بلکه همیشه مشمول دعای خیر امام زمان خویش است چه احساسی پیدا می‌کند؟! در روایت است یکی از یاران امام رضا علیه السلام به آن حضرت عرض کرد:

برای من و خانواده‌ام دعا کنید. امام فرمود: آیا چنین نمی‌کنم؟! ....<sup>۱</sup>

یعنی شیعیان هر امامی مشمول دعا‌های امام زمان خویشند و این به دلیل نهایت لطف و محبتی است که امام امت نسبت به پیروان خود دارد و نیز به دلیل قدردانی امام از احساس و نیکی شیعیان نسبت به امام امت یعنی در پاسخ دعا‌هایی که شیعیان برای فرج و سلامتی امام می‌کنند، امام نیز پیوسته برای حوائج دنیوی و اخروی ایشان دعا می‌کند و البته دعای او کلید هر خیر و خوبی است.

و این نکته نیز گفتنی است که امام زمان علیه السلام هم به صورت گروهی شیعیان را دعا می‌کند و هم به صورت فردی و به طور خاص.

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۱۹.

سید ابن طاووس می‌گوید:

در سامرا بودم، شبی هنگام سحر شنیدم که مولایم مهدی علیه السلام این گونه دعا می‌خواند:

إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَجَاكَ وَ بِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى [بِالْغِنَاءِ] وَ الثَّرْوَةَ وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَ الصِّحَّةِ وَ عَلَيَّ أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَ الْكِرَامِ [الْكَرَامَةِ] وَ عَلَيَّ أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَيَّ غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ؛<sup>۱</sup>

خدایا به حق آنکه با تو مناجات کرد و به حق آنکه در خشکی و دریا تو را خواند، بر فقرای مومنین به غنا و ثروت و بر بیمارانشان به شفا و سلامتی و بر زندگانیشان به لطف و کرم و بر امواتشان به بخشش و رحمت و بر مسافران و غریبانشان به بازگشت به وطن‌هایشان همراه با سلامتی، تفضل فرما.

و در روایات آمده که امامان علیهم السلام و در این زمان وجود مقدس امام عصر علیه السلام اعمال شیعیان را می‌بینند و از آنها آگاهی دارند و به تناسب کارها و کارنامه‌های ایشان هریک از آنها را دعا می‌کنند.<sup>۲</sup>

شیخ طوسی رحمته الله و دیگران روایت کرده‌اند که علی ابن بابویه رحمته الله - از محدثان و علمای بزرگ شیعه - عریضه‌ای به خدمت حضرت صاحب الامر علیه السلام نوشت و به حسین بن روح نوبختی - نائب خاص امام زمان - داد و از آن حضرت خواست که دعا کنند تا خداوند فرزندی به او عطا فرماید. پس از آن از سوی امام علیه السلام توقیعی به این مضمون رسید: برای تو دعا کردیم و خداوند تو را به زودی دو فرزند نیکو کرامت فرماید.<sup>۳</sup>

پس برای علی بن بابویه دو فرزند متولد شد؛ یکی «محمد» که معروف به شیخ صدوق است و کتاب‌های بسیار دارد که از جمله آنها کتاب شریف «من لا یحضره الفقیه» است و

۱. مهج الدعوات، ص ۵۲۳.

۲. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۳۳.

۳. غیبت طوسی، ص ۳۲۰.

فرزند دیگرش، «حسین» بود که از نسل او عالمان و محدثان بسیاری به وجود آمدند. شیخ صدوق رحمته الله مکرر با افتخار می‌گفت: «أَنَا وَلِدْتُ بِدَعْوَةِ صَاحِبِ الْأَمْرِ؛<sup>۱</sup> یعنی من به دعای حضرت مهدی رحمته الله متولد شده‌ام».

### ۳. نام بردن

نام هرکسی، شخصی‌ترین، عاطفی‌ترین و مورد علاقه‌ترین نشانه اوست و تجربه کرده‌ایم که وقتی ما را به نام می‌خوانند احساس زیبایی داریم به ویژه اگر بر زبان شخص ارجمندی جاری شود و البته اگر آن بزرگ، محبوب و محبوب‌ترین باشد، این احساس خوشایند بسیار بیشتر و والاتر است. و اگر به زبان خطاب باشد لذتی از آن برتر نخواهد بود!

خداوند در قرآن از ابراهیم پیامبر یاد می‌کند:

﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمًا أَوَّاهٌ مُنِيبٌ﴾<sup>۲</sup>

و در خطابي شورانگيز او را مخاطب مي‌کند:

﴿وَتَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ﴾<sup>۳</sup>

و یکی از جلوه‌های محبت امام زمان آن است که دوستان خود را به نام یاد می‌کند و یا آنها را مخاطب قرار می‌دهد.

محدث نوری از مرحوم ملازمین العابدین سلماسی نقل کرده است که گفت [در مجلسی خصوصی همراه با مرحوم میرزا ابوالقاسم قمی] در محضر علامه سید مهدی بحرالعلوم رحمته الله بودم که محقق از بحرالعلوم چنین درخواست کرد: چیزی به ما تصدق نمایید؛ از آن نعمت‌های غیرمتناهی که به دست آوردید!

سید بحرالعلوم بدون تأمل فرمود: من شب گذشته یا دو شب قبل [و تردید از راوی است] در مسجد کوفه رفته بودم برای ادای نافله شب... و چون از مسجد بیرون آمدم در دلم شوقی افتاد برای رفتن به مسجد سهله...؛ داخل مسجد سهله شدم دیدم که خالی است از زوآر جز شخصی جلیل که مشغول مناجات با قاضی الحاجات است به کلماتی که قلب را

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۰۶.

۲. سوره هود: ۷۶ (به راستی که ابراهیم رحمته الله بردبار و صاحب آه و ناله و اهل توبه بود).

۳. سوره صافات: ۱۰۴ (و او را صدا زدیم که ای ابراهیم).



منقلب و چشم را گریان می‌کند، حالتی متغیر و اشکم جاری شد... پس ایستادم و گوش فرا دادم و از آنها لذت می‌بردم تا آنکه از مناجات فارغ شد، پس ملتفت شد به من و به زبان فارسی فرمود: «مهدی بیا!» چند گامی پیش رفتم و ایستادم. امر فرمود که پیش روم. اندکی رفتم و توقف نمودم. باز امر فرمود به پیش رفتن و فرمود: «ادب در امتثال است». پیش رفتم تا به آنجا که دست آن جناب به من و دست من به آن جناب می‌رسید و تکلم فرمود به کلمه‌ای!...<sup>۱</sup>

#### ۴. سلام دادن

سلام، تحیت و برکت و رحمت و سلامتی است. سلام نشانه محبت و صفا و اخلاص و یک‌رنگی است. رمز عاشق و معشوق و مرید و مراد است و مهم‌تر اینکه سلام خدا و محبت خدا بر هر کس، مهر تأییدی است بر کارنامه او.

به راستی وقتی خدای عالم که خود «سلام» است به بنده‌ای سلام کند چه لذتی دارد؟! قرآن می‌فرماید: ﴿سَلَامٌ عَلٰی اِبْرَاهِیْمَ﴾.<sup>۲</sup>

در روایتی آمده است: آن‌گاه که فرشتگان الهی، نزد ابراهیم (ع) آمدند و بشارت تولد فرزند برای او آوردند و بر او سلام کردند، لذتی که ابراهیم (ع) از سلام این فرشتگان بُرد، با تمام دنیا برابری نداشت.<sup>۳</sup>

امام مهدی (ع) نیز دوستانش را اینگونه مورد لطف قرار می‌دهد.

آقای ری‌شهری می‌گوید: شنیده بودم که آیت الله بهاء الدینی به زیارت امام عصر (ع) نائل شده‌اند به همراه آیت الله مشکینی (ع) به عیادت ایشان رفتیم تا این موضوع را هم از ایشان بپرسیم. پس از سلام و احوالپرسی پیش از اینکه درباره تشریف ایشان سوالی بکنیم، فرمودند: چند شب قبل آقا امام زمان (ع) از همین در - اشاره کرد به سمت چپ اتاقی که نشسته بودیم - آمدند و سلام پُرمحتوایی کردند؛ سلامی که با این محتوا تاکنون نشینده بودم و از آن در - اشاره به در دیگر اتاق - رفتند و من دیگر چیزی نفهمیدم.

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۳۵.

۲. سوره صافات: ۱۰۹.

۳. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۸۶.

سپس مرحوم آیت الله بهاء الدینی فرمودند: من ۶۰ سال است در انتظار این معنی بودم.<sup>۱</sup>

#### ۵. هدیه دادن

هدیه، نشانه محبت و یاد و توجه است و هرچه هدیه دهنده بزرگتر باشد ارزش هدیه بالاتر و احساس گیرنده هدیه زیباتر خواهد بود. در زندگی معصومین علیهم السلام موارد فراوانی است که به دوستان خود هدایائی داده‌اند و در این میان هدایای امام زمان علیه السلام که در عصر غیبت به شیعیان می‌رسد رنگ و بوی دیگری دارد.

مرحوم ملا محمدتقی مجلسی می‌گوید:

در اوایل بلوغ در پی کسب رضایت الهی بودم و همیشه ناآرام بودم تا آن‌که بین خواب و بیداری حضرت صاحب الزمان علیه السلام را دیدم که در مسجد جامع اصفهان تشریف دارند. به آن حضرت سلام کردم و دست مبارکشان را بوسیدم و مشکلاتی که داشتم از ایشان پرسیدم... آنگاه عرض کردم: مولای من برای من امکان ندارد که همیشه به حضورتان مشرف شوم تقاضا دارم کتابی که همیشه به آن عمل کنم عطا بفرمایید. فرمود: کتابی به تو عطا کردم و آن را به مولا محمد تاج داده‌ام. برو و آن را از او بگیر...<sup>۲</sup>

مرحوم مجلسی در ادامه می‌گوید آن کتاب صحیفه کامله سجادیه بود.

#### ۶. حکمت‌ها

بدون شک، شیعیان امام پیوسته به هدایت‌های آن حضرت نیازمندند، زیرا او جانشین برحق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و هادی بزرگ امت و صراط مستقیم خداست. او همانند پدران بزرگوارش هدایتگر راه سعادت و نجات‌دهنده از انحراف‌ها و گمراهی‌هاست، زیرا که به یقین مصداق عترت پیامبر است که طبق فرموده رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تمسک به ایشان در کنار تمسک به قرآن تنها راه نجات از ضلالت و گمراهی است.<sup>۳</sup>

اما باید توجه داشت که هدایت امام نسبت به امت در شرائط مختلف، یکسان نیست و در

۱. برکات سرزمین وحی، ص ۸۸.

۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۸۳۵، حکایت ۱۵.

۳. اشاره به حدیث مشهور و متواتر ثقلین است.

زمان غیبت امام این هدایت ممکن است به گونه‌ای غیر مستقیم و با واسطه انجام گیرد. آن بزرگوار گرچه غایب است، ولی در عصر غیبت صغری به وسیله نائبان خاص خود، حکمت‌هایی زندگی‌ساز را به دوستان خود ابلاغ فرموده است.<sup>۱</sup>

امام مهدی علیه السلام درباره فرج و گشایش امر امت فرموده‌اند:

وَ أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛<sup>۲</sup>

برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که فرج شما در همان است.

و البته در کنار دعا توجه داده‌اند که آنچه می‌تواند ظهور آن حضرت را نزدیک کند جهاد عملی و خودسازی رفتاری است:

و اگر شیعیان ما - که خداوند توفیق طاعتشان دهد - در راه انجام پیمانی که بر دوش آنهاست همدل می‌شدند، میمنت دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیبشان می‌شد... و ما را از ایشان دور نمی‌سازد مگر کردارهای آنان... که خوشایند ما نیست و از ایشان روا نمی‌داریم.<sup>۳</sup>

و برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی که به وسیله شیادان و یا جاهلان ممکن است دامن‌گیر دوستان حضرت شود هشدار می‌دهند که فرج ایشان به اراده خداست و قابل پیش‌بینی نیست:

أَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ وَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ؛<sup>۴</sup>

اما ظهور فرج پس قطعاً به خدا و اراده او وابسته است و آنها که برای ظهور، وقتی را معین می‌کنند، دروغگویند.

و نیز درباره وظائف شیعیان در رابطه با یکدیگر رهنمود می‌دهند که در پی نیاز هم باشند و در روزگار سخت غیبت و هجران پدر مهربان، برادرانه در اندیشه همدیگر باشند و نسبت به پیامدهای بی‌تفاوتی هشدار دادند:

۱. مراد همان توقیعات امام است که در کتاب‌هایی مانند «کمال‌الدین و تمام‌النعمه» اثر مرحوم شیخ صدوق جمع گردیده است و بخش‌هایی از آن در درس‌های مختلف کتاب بیان شده است.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

۳. احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۸.

۴. کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۴۶۸.

وَمَنْ بَخِلَ مِنْهُمْ بِمَا آعَارَهُ اللَّهُ مِنْ نِعْمَتِهِ عَلَى مَنْ أَمَرَهُ بِصِلَتِهِ فَإِنَّهُ يَكُونُ خَاسِرًا  
بِذَلِكَ لِأَوْلَائِهِ وَآخِرَتِهِ؛<sup>۱</sup>

و آن کس که در دادن نعمت‌هایی که خداوند به او کرامت فرموده به کسانی که فرمان رسیدگی به آنها را داده بخل ورزد، در دنیا و آخرت زیان‌کار خواهد بود.

و درباره نماز به عنوان بهترین عامل شکست شیطان تاکید می‌کنند:

فَمَا أَرْغَمَ أَنْفُ الشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الصَّلَاةِ فَصَلَّاهَا وَ أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ؛<sup>۲</sup>  
هیچ چیز مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد، پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال.

و درباره حقوق مالی خداوند و امامان هشدار می‌دهند:

مَنْ أَكَلَ مِنْ أَمْوَالِنَا شَيْئًا فَإِنَّمَا يَأْكُلُ فِي بَطْنِهِ نَارًا وَ سَيَصْلَى سَعِيرًا؛<sup>۳</sup>  
هر کس [به ناحق] چیزی از اموال ما را تصاحب کند، به راستی درون خویش را از آتش انباشته است و به زودی در آتش سوزان [جهنم] افکنده می‌شود.  
یعنی شیعه حقیقی امام و منتظر راستین او به واجبات الهی اعم از بدنی و مالی، اهتمام دارد و عقیده را با عمل و محبت و دوستی امام را با رفتار مهدی‌پسند با هم و در کنار هم جمع می‌کند. به راستی که در خانه اگر کس است یک حرف بس است! آنها که به دنبال امام و رهنمود سعادت‌آفرین اویند بسم الله!

#### ۷. تعیین نائب

امام زمان علیه السلام در غیبت صغری برای سرپرستی و اداره امور شیعیان نائبان را معین کردند که وسیله ارتباطی امت و امام بوده و نیازهای دینی و دنیوی مردم را پاسخ گویند؛ و در عصر غیبت کبری نیز این جریان را به گونه‌ای دیگر برای شیعیان، مدیریت می‌کنند و وظیفه آنها را به روشنی بیان می‌فرمایند:

وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۲۰.

۳. همان، ص ۵۲۱.

حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛<sup>۱</sup>

و اما در مورد رخدادهای جدید، به راویان حدیث، [= فقهای شیعه] رجوع کنید که ایشان حجت من بر شما و من حجت خدا بر شما هستم.

تاریخ غیبت گواه روشنی است که جریان نیابت و سرپرستی علمای شیعه، جریان سالم و صالح بوده است که همواره شیعیان را در مسیر امامت، حفظ کرده است و ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای دینی و فکری فرهنگی شیعیان، در برابر هجوم دشمنان به عقائد و افکار و مرز و بوم تشیع، همچون سدّ محکم و استواری قرار داشته است. نهضت بزرگ تنباکو به رهبری فقیه بزرگوار شیعه مرحوم میرزای شیرازی و در زمان حاضر انقلاب عظیم اسلامی به رهبری مرجع عالی شیعه حضرت امام خمینی علیه السلام بهترین گواه این حقیقت است.

## ۸ فریاد رسی

یکی از القاب ویژه امام مهدی علیه السلام، «غوث» به معنی فریاد رس است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ... وَالْغُوثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ؛<sup>۲</sup>

سلام بر تو ای پرچم افراشته... و فریاد رس و رحمت بیکران.

آری، او پناه بی‌پناهان و امید ناامیدان و فریاد رس بیچارگان و درماندگان است؛ چنان که در خبر ابوالوفای شیرازی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در عالم خواب به او فرمود:

چون درمانده و گرفتار شدی، پس به حضرت حجت استغاثه کن که او تو را در می‌یابد و حجت برای کسی که از او استغاثه کند پناه و فریاد رس است.<sup>۳</sup>

آن عزیز غایب از نظر به «مُفْرَجِ الْكُرْبِ»<sup>۴</sup> و «مُزِيلِ الْهَمِّ»<sup>۵</sup> و «كَاشِفِ الْبَلْوَى»<sup>۶</sup> و «كَهْفِ»<sup>۷</sup>

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

۲. مفاتیح الجنان، فرازی از زیارت آل یاسین.

۳. نجم الثاقب، ص ۷۸۷ و ۷۳۰؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۳۳۳.

۴. زیارت صاحب الامر، مفاتیح الجنان.

۵. همان.

۶. همان.

۷. زیارت منقول از سید بن طاووس: بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۸۴.

و «عضد»<sup>۱</sup> معرفی شده است؛ یعنی که او گشاینده رنج‌ها و زداینده غم‌ها و برطرف کننده بلاها و پناه و پشتیبان [هر پناهنده و کمک خواه] است.

چه بسیارند بیمارانی که به عنایت او برای همیشه از رنج بیماری‌ها رها شده‌اند و راه گم‌کردگانی که به هدایت او به مقصد و مقصودشان رسیده‌اند و درماندگانی که به مدد او از بن‌بست‌ها نجات یافته‌اند، ولی هیچ‌گاه او را نشناخته‌اند و یا پس از جدائی، او را شناخته‌اند. محدث نوری از عبد صالح سید احمد رشتی موسوی (تاجری از اهالی رشت) چنین نقل کرده است:

در سال ۱۲۸۰ق به قصد حج خانه خدا از رشت به تبریز آمدم، ولی چون قافله‌ای نبود متحیر ماندم تا اینکه سه نفر از تجار تبریز با من همراه شدند و به اتفاق حرکت کردیم. در یکی از منازل حاجی جبار جلودار نزد ما آمد و گفت: این منزل که در پیش داریم ترسناک است، قدری زود بار بردارید که به همراه قافله باشید. (چون در سایر منازل، غالباً از عقب قافله به فاصله می‌رفتیم) پس، تقریباً دو ساعت و نیم یا سه ساعت مانده به صبح به اتفاق حرکت کردیم. حدود نیم فرسخ از منزل خود دور شده بودیم که هوا تاریک شد و برف باریدن گرفت به گونه‌ای که رفاقا هر کدام سر خود را پوشاندند و تند راندند و من هرچه تلاش کردم نتوانستم با آنها بروم و تنها ماندم. پس از اسب پیاده شدم و کنار راه نشستم و خیلی ناراحت و نگران بودم. با خود فکر کردم که در همین جا بمانم تا صبح شود و سپس به منزل سابق برگردم و با همراهی چند نفر نگهبان حرکت کرده خود را به قافله برسانم. در آن حال در برابر خود باغی دیدم و باغبانی که بیلی در دست داشت و بر درختان می‌زد که برف آنها بریزد. جلو آمد و فرمود: تو کیستی؟ گفتم: رفقایم رفتند و من ماندم! راه را نمی‌دانم، گم کرده‌ام! به زبان فارسی گفت: نافله بخوان تا راه را پیدا کنی. مشغول نافله شدم. پس از اتمام دوباره آمد و فرمود: نرفتی؟! گفتم: و الله راه را نمی‌دانم! فرمود: جامعه بخوان! من جامعه را حفظ نداشتم و تاکنون حفظ ندارم [ولی] از جا برخاستم و جامعه را تا آخر از حفظ خواندم. باز آمد و فرمود: نرفتی؟ هستی!؟

بی‌اختیار گریه‌ام گرفت، گفتم: هستم؛ راه را نمی‌دانم!

فرمود: عاشورا بخوان! و عاشورا را نیز حفظ نداشتیم و تاکنون ندارم. پس برخاستم و مشغول زیارت عاشورا شدم و از حفظ با تمام لعن و سلام و دعای علقمه خواندم.

دیدم باز آمد و فرمود: نرفتی؟ هستی؟!

گفتم: نه! هستم تا صبح.

فرمود: من، الان تو را به قافله می‌رسانم. رفت و بر الاغی سوار شد و آمد و فرمود:

به ردیف من سوار شو! سوار شدم و عنان اسب خود را کشیدم، ولی حرکت نکرد.

فرمود: جلو اسب را به من بده! دادم؛ عنان اسب را به دست راست گرفتم و به راه افتادم و

اسب [این بار] در نهایت تمکین، متابعت کرد. پس دست خود را بر زانوی من گذاشت و

فرمود: شما چرا نافله نمی‌خوانید؟! نافله، نافله، نافله! سه مرتبه فرمود.

و باز فرمود: شما چرا عاشورا نمی‌خوانید؟! عاشورا، عاشورا، عاشورا! سه مرتبه.

و بعد فرمود: شما چرا جامعه نمی‌خوانید؟! جامعه، جامعه، جامعه!

... ناگهان فرمود: آن‌ها رفقای شما هستند که در لب نهر آبی فرود آمده‌اند و مشغول وضو به

جهت نماز صبح بودند.

پس من از الاغ پایین آمدم که سوار اسب خود شوم، و نتوانستم. پس آن جناب پیاده شد و

بیل را در برف فرو کرد و مرا سوار کرد و سر اسب را به سمت رفقا برگردانید.

من در آن حال به خیال افتادم که این شخص که بود که به زبان فارسی حرف می‌زند و

حال آنکه زبانی جز ترکی و مذهبی غالباً جز عیسوی در آن حدود نبود! و چگونه به این

سرعت مرا به رفقای خود رسانید؟!

پس در عقب خود نظر کردم هیچ کس را ندیدم و از او آثاری نیافتم. پس به رفقای خود

ملحق شدم.<sup>۱</sup>

و در عصر ما نیز کم نبوده‌اند پاکانی که به آن یار مهربان توسل جسته و پاسخ گرفته‌اند.

#### ۹. حضور در مراسم حج

حج، اجتماعی بزرگ و همایش مذهبی مسلمین است و آن گونه که نائب خاص امام، جناب

۱. نجم الثاقب، ص ۶۰۱، حکایت ۷۰.

محمد بن عثمان عمری نقل کرده است امام مهدی علیه السلام هر سال در مراسم حج حضور می‌یابد و این حضور گرچه به صورت ناشناس است، ولی آثار و برکات فراوانی برای مسلمین و به ویژه حج‌گزاران دارد که از جمله آنها تقویت حس معنوی و روحانی در زائران خانه خدا و دستیابی بیشتر آنها به مقاصد حج است و البته کم نبوده‌اند کسانی که مانند ابن مهزیار اهوازی در جریان این سفر به شرف دیدار آن عزیز و هم‌نشینی و انس با آن بزرگوار نائل گردیده‌اند و یا در سایه حضور او، با آرامش و اطمینان اعمال و مناسک را به جای آورده‌اند و از این رهگذر بهره معنوی بسیاری برده‌اند.

مرحوم آیت الله العظمی اراکی رحمته الله درباره تشرّف دخترشان به خانه خدا چنین نقل می‌کنند: دخترم به احکام شرعی و دستورات دینی کاملاً آشنا و نسبت به اعمال شرعی پایبند است. من از دوران کودکی او تاکنون، مواظب حالش بودم، تا این که چندی پیش می‌خواست عازم مکه شود ولی شوهرش نمی‌توانست همراه او برود و پسرش هم راضی نشد همراهی‌اش کند. سرانجام بنابراین شد که همراه آیت الله آقای حاج آقا موسی زنجانی و خانواده ایشان مشرف شود. موقع خداحافظی، از تنهایی اظهار نگرانی می‌کرد و می‌گفت: با این وضع چگونه اعمال حج را به جا آورم؟

به او گفتم که ذکر «یا حفیظ یا علیم» را زیاد بگویند. ایشان خداحافظی کرد و به حج رفت. روزی که از سفر حج بازگشت خاطره‌ای برای من نقل کرد و گفت: هنگام طواف خانه خدا معطل ماندم، دیدم با ازحادم جمعیت نمی‌توانم طواف کنم، لذا در کناری به انتظار ایستادم. ناگهان صدایی شنیدم که می‌گفت:

ایشان امام زمان است، متصل به امام زمان شده، پشت‌سر او طواف کن! دیدم آقای در میان جمعیت و پیشاپیش آنان در حرکت است و مردمی دور او حلقه زده‌اند؛ به طوری که هیچ کس نمی‌توانست وارد آن حلقه شود. من وارد شدم و دستم را به عبایش گرفتم و مکرر می‌گفتم: قربان شما بروم و هفت بار دور خانه خدا را بدون هیچ ناراحتی طواف کردم.»

آیت الله اراکی رحمته الله در پایان فرمودند: من به صدق و راستی این دختر قطع و یقین دارم و او این داستان را برای کسی حتی آقای حاج آقا موسی زنجانی هم نگفته بود.<sup>۱</sup>

۱. برکات سرزمین وحی، ص ۸۹-۸۹.



## ۱۰. تعلیم

بدون شک دوران غیبت، دوران فراقِ جانکاه محبوب عالم و دوره دلتنگی‌ها و حسرت‌هاست و هر عاشقی در این حال به دنبال خلوتی است که راز دل با دلدار بگوید و از فراق و دوری او بسراید و ناله کند و البته در این مجال عبارات و کلمات گاهی نارسا و شاید ناروا باشد. از جلوه‌های روشن محبت امام زمان علیه السلام این است که دعاها و زیارات متعددی را به برخی از دوستان خود تعلیم داده است<sup>۱</sup> که بهترین سرمایه برای انس و ارتباط با آن عزیز سفر کرده است و البته عالی‌ترین مضامین برای مناجات با خدا و قرب به اوست.

به علاوه امام علیه السلام در مواردی پرسش‌های علمی برخی از عالمان را پاسخ داده<sup>۲</sup> و یا بدون پرسش، آنها را به نکته‌ای ناب رهنمون شده‌اند.

ابن قولویه به سند خود از ابی عبدالله بن صالح روایت کرده که آن حضرت را در مسجد الحرام در برابر «حجر الاسود» دیده است؛ زمانی که مردم برای بوسیدن آن کشمکش می‌کردند و آن حضرت می‌فرمایند: به این کار مأمور نشده‌اند.<sup>۳</sup>

و جالب اینکه این مطلب در روایات امامان علیهم السلام به صراحت بیان گردیده است. از امام رضا علیه السلام درباره حجر الاسود پرسیدند که آیا اگر مردم بسیار بودند برای لمس کردن آن باید با آنان ستیزه کرد؟

حضرت فرمود: هرگاه چنین [ازدحام جمعیت] بود پس با دستت به آن اشاره کن.<sup>۴</sup>

۱. در درس ادعیه در همین کتاب به تفصیل به این دعاها پرداخته‌ایم.

۲. تشریف مرحوم مقدس اردبیلی در مسجد کوفه و سؤال ایشان از امام علیه السلام مشهور است.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۶۰.

۴. کافی، ج ۴، ص ۴۰۵.

## خلاصه

- امام مهدی عج مظهر رحمت بی کران الهی بر جهانیان است او در عین بی‌نیازی از مردم بیشترین لطف و توجه را به مردم دارد.
- قهر او تنها متوجه گرگ‌صفتانی است که دشمنان بشریت می‌باشد.
- برخی از جلوه‌های محبت آن حضرت عبارت است از: غم‌خواری، دعا کردن، سلام دادن، هدیه دادن، فریادرسی، راهنمایی و تعلیم مردمی و تعیین نمایان و ارجاع مردم به آنان.

### پرسش‌های درس

۱. شش مورد از جلوه‌های محبت امام مهدی علیه السلام را نام ببرید.
۲. دو نمونه از توقیعات امام مهدی علیه السلام که بیانگر چهره مهر آن حضرت است را ذکر کنید و توضیح دهید.
۳. چگونگی مهر امام از طریق نیابت را تبیین کنید.

### پرسش‌های پژوهشی

۱. جلوه‌های فردی و اجتماعی محبت امام مهدی علیه السلام را از هم جدا و دسته‌بندی کنید.
۲. چه کسانی از مهر امام بهره‌مند می‌شوند و چه افرادی دچار قهر وی می‌گردند؛ توضیح دهید.
۳. چهره قهر و مهر امام در دوران غیبت و ظهور را بررسی تطبیقی کنید.

### منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

۱. میر مهر، مسعود پورسیدآقایی.
۲. مهر بی‌کران، محمد حسن شاه‌آبادی.
۳. مهر محبوب، سید حسین حسینی.
۴. عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علما و طلاب، محمد رضا باقی اصفهانی.

## مهدی ستیزان

### (گونه‌شناسی دشمنان مهدویت)

#### اهداف

۱. آشنایی با ریشه‌های دشمنی با فرهنگ مهدویت
۲. شناخت هدف ستیزگران در مبارزه با فرهنگ مهدویت و انتظار
۳. شناخت برخی گروه‌های مهدی‌ستیز

#### فوائد

۱. آشنایی با فعالیت برخی دشمنان مهدویت
۲. آگاهی از ریشه‌های دشمنی با جبهه حق در طول تاریخ

#### مطالب آموزشی

۱. اهداف مهدی ستیزان
۲. گونه‌شناسی مهدی ستیزان
  - یک. صهیونیسم مسیحی
  - دو. فرقه‌های انحرافی
  - سه. دگر اندیشان
  - چهار. مستشرقان
  - پنج. مدعیان دروغین
۳. ریشه‌های مهدی ستیزان
  - الف. جهل و نادانی
  - ب. دنیا خواهی
  - ج. تعصب باطل
  - د. خود محوری

از ابتدای آفرینش آدم، تقابل حق و باطل و نبرد خیر و شر وجود داشته است. شیطان به عنوان مظهر کامل بدی و شر، پیوسته با سعادت و کمال آدم، مخالفت کرده، برای سقوط نسل بشر تمام تلاش خود را به کار بسته است. سلسله نورانی انبیا و اولیای خدا پیوسته در برابر خود، با صفوفی از شیاطین روبرو بوده‌اند که در راه اهداف الهی سنگ اندازی و مانع‌تراشی کرده‌اند. این جنگ و ستیز در دوره غیبت امام عصر علیه السلام نیز با قوت بیشتر و البته با طرح‌ها و روش‌های پیچیده‌تری ادامه یافته است و تا روزگار ظهور در قالب دجال‌ها و سفیانی خواهد بود.

رگ رگ است این آب شیرین آب شور در خلایق می‌رود تا نفخ صور

مهدی ستیزی جریان شیطانی مبارزه با فرهنگ ناب مهدویت و انتظار، با به کارگیری انواع ابزارها در پی نابود کردن حقیقت مهدویت یا ضربه زدن و مخدوش کردن آن است. این جریان در ادامه نبرد حق و باطل و در هر دوره‌ای به گونه‌ای بروز و ظهور داشته است. البته همواره این بشارت قرآنی وجود داشته است که برخلاف تلاش دشمن برای خاموشی نور خدا، نور الهی فراگیر خواهد شد:

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾<sup>۱</sup>

امروز از وظایف بسیار مهم مهدی یاوران، شناخت طرح‌ها و شیوه‌های مهدی ستیزان در این مبارزه است، تا اهداف زیر تأمین شود:

الف. حفظ و حراست از گوهر ناب مهدویت و فرهنگ صحیح انتظار و آرمان موعود و

۱. سوره صف: ۸. آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند؛ ولی خدا نور خود را تمام می‌کند؛ هرچند کافران خوش نداشته باشند.

جلوگیری از تخریب و تحریف آن.

ب. شناسایی و عملیاتی کردن راه‌های مقابله با مهدی ستیزان و طرح‌های خائنانه آن‌ها.

ج. مراقبت از ایمان و باور دوستان و منتظران مهدی علیه السلام تا ناخواسته و ندانسته در زمره مهدی ستیزان قرار نگیرند.

### اهداف مهدی ستیزان

دشمنان مهدویت در عرصه ستیز با این حقیقت قرآنی به دنبال سه هدف عمده هستند:

۱. انکار مهدی یا دست‌کم سست کردن عقیده به مهدی علیه السلام و امامت او؛  
مهدی ستیزان تلاش می‌کنند تا با ابزار مختلف، مهدویت را یک خیال و خرافه معرفی کنند که هیچ دلیل و مدرکی برای اثبات آن نیست، و اگر از این هدف ناتوان ماندند، حداقل سیمای مهدی و مهدویت را مخدوش کرده، مسئله انتظار و قیام و اهداف آن را به نفع خود، تحریف می‌کنند و برداشت‌های نادرست را به نسل جوان و مؤمن، تزریق می‌نمایند.
۲. نفی آرمان مدینه فاضله مهدوی و حکومت جهانی توحیدی؛  
مهدی ستیزان می‌کوشند آرمان بزرگ مسلمین و به ویژه شیعیان را که امید به ظهور نزدیک حجت خدا و تحقق حکومت عدل الهی بر سراسر زمین است، از بین ببرند و به جای آن، ناامیدی و انفعال در برابر سلطه مستکبران و تسلیم در مقابل زیاده‌خواهی آنان را ترویج کنند. بدیهی است وقتی امید به آینده از مؤمنان و منتظران سلب شود، شوق و رغبت و تلاش و فعالیت برای ایجاد زمینه‌های ظهور از بین رفته یا کم‌رنگ خواهد شد.
۳. تغییر و تبدیل هنجارها و ارزش‌های مکتبی؛

هدف دیگر دشمنی با مهدویت، از بین بردن هویت دینی و مکتبی اهل ایمان و تغییر ساختار رفتاری ایشان است. دشمنان می‌کوشند با نفی مهدویت یا تحریف جریان مهدی باوری و انتظار، تعهد و پایبندی منتظران به مذهب و آموزه‌های مذهبی را از بین برده یا سست کنند.

### گونه‌شناسی مهدی ستیزان

مهدویت آرمان بزرگ مؤمنان در طول تاریخ است که همه‌اهداف انبیا و اولیا را در جامعه بشری اجرا خواهد کرد. دشمنان این آرمان الهی و انسانی با انگیزه‌ها و اهداف مختلف و

طرح‌ها و شیوه‌های گوناگون به مقابله با آن برخاسته‌اند. شناخت گونه‌های دشمنی و انواع دشمنان جریان مهدوی از مهم‌ترین وظایف مهدی باوران است تا از رهگذر این شناخت و به دنبال آن، مقابله صحیح و به موقع با دشمنان مهدی ستیز، جبهه مؤمنان و معتقدان به امامت تثبیت و تقویت گردد و شوق ظهور و انتظار موعود اسلام در دل‌های منتظران، روزافزون شود.

### ۱. صهیونیسم مسیحی

این گروه به بخشی از مسیحیان پروتستان گفته می‌شود که معتقدند یکی از شرایط مهم ظهور مسیح به عنوان موعود جهانی، تشکیل دولت اسرائیل است. آنان در راستای حمایت کامل از دولت جعلی اسرائیل، پروژه «آرماگدون» را مطرح کرده‌اند. آرماگدون نام منطقه‌ای در نزدیکی حیفا فلسطین است که در واژه‌نامه‌های آمریکایی به معنای نبرد نهایی حق و باطل در آخرالزمان است. بنابر گمان صهیونیست‌های مسیحی و تفسیر آن‌ها از عهد جدید، این جنگ بزرگ در آنجا رخ می‌دهد که در آن، مهدی علیه السلام به عنوان اصلی‌ترین شخصیت ضد مسیح با تکیه بر یاران مسلمانش به جنگ با مسیح موعود و یارانش می‌رود. این دروغ بزرگ در فیلم معروف «مردی که فردا را دید» به تصویر کشیده شده است. در این فیلم که ساخته سال ۱۹۸۱م است، «نوستر آداموس» ضمن پیش‌گویی‌هایی، حضرت مهدی علیه السلام را «پادشاه وحشت» معرفی می‌کند که در جنگی بی‌سابقه و خانمان‌سوز جهان را به آتش می‌کشد؛ ولی نیروهای مؤمن به مسیح در مقابل او می‌ایستند و در نهایت، مسیحیان پیروز شده، مسیح علیه السلام با دست گرفتن رهبری جهان، صلح جهانی را برقرار خواهد کرد.

این گروه معتقدند که جنگ پایانی با محوریت حضرت مهدی علیه السلام رخ خواهد داد و آن حضرت برای نابودی اسرائیل و صهیونیسم بین‌الملل با بمب اتم می‌کوشد؛ لذا این گروه در رسانه‌های مکتوب و تصویری خود کوشیده‌اند قضیه دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای و ضدیت جمهوری اسلامی با اسرائیل را با موعودباوری شیعی، در یک راستا تحلیل نمایند و نبرد غرب را با عنوان مبارزه با جنگ طلبی شیعیان و تروریسم مهدوی معرفی کنند.

برای نمونه شبکه CBS در یکی از برنامه‌های خود پس از گفت‌وگو با کشیشان صهیونیست مسیحی، اعلام می‌کند که نبرد میان مسلمانان از یک طرف و یهودیان و مسیحیان از طرف دیگر، در کتاب مقدس پیش‌بینی شده است و برای تسریع در ظهور عیسی باید با مسلمانان

جنگید و در فلسطین، دولتی صهیونیستی را حاکم کرد در این برنامه به معرفی کتاب Left behind (بازمانده) می‌پردازد که محتوای آن، ترسیمی از جنگ آرماگدون می‌باشد. همچنین در شبکه اینترنتی CBN<sup>۱</sup> به مقالات و تحلیل‌هایی در مورد حضرت مهدی علیه السلام بر می‌خوریم که بر مبنای تروریست نمایش دادن مسلمانان به رهبری امام مهدی علیه السلام است؛ برای نمونه مقاله‌ای با عنوان «یک ویدئوی ایرانی می‌گوید: ظهور مهدی نزدیک است» را در سایت خود بارگذاری کرده و به تحلیل مستند انحرافی «ظهور بسیار نزدیک است» می‌پردازد. روشن است که مهدی ستیزان در این طرح‌خائانه می‌خواهند مهدویت را که بشارت قرآن به صلح جهانی و استقرار ارزش‌های الهی و انسانی در زمین است به جریان ضد صلح و امنیت و آرمان عدالت معرفی کنند و امام مهدی علیه السلام را که حجت الهی و تحقق بخش اهداف انبیا و کتب آسمانی است، دشمن جریان نبوت و مسیح معرفی کنند تا مهدویت به عنوان جریان مخالف مسیح علیه السلام - به عنوان منجی اهل کتاب - شناخته شود و بدین وسیله گروه‌های مؤمن در همه دنیا و حتی مسلمانان در مقابل جریان مهدوی قرار گیرند.

## ۲. فرقه‌های انحرافی

برداشت‌های نادرست از آموزه‌های یک مکتب الهی، گاه به تشکیل یک جریان فکری منحرف می‌انجامد. فرقه‌های خوارج<sup>۲</sup> و اسماعیله<sup>۳</sup> در گذشته دور و بهائیت<sup>۴</sup> و وهابیت<sup>۵</sup> در قرون اخیر از این نمونه‌اند. فرقه‌های انحرافی با گرایش به عقیده‌های باطل به مقابله با عقاید صحیح مکتب اسلام پرداخته‌اند. در این مسیر، استکبار جهانی و دشمنان بیرونی اسلام، با حمایت گسترده از فرقه‌هایی مانند بهائیت و وهابیت، آن‌ها را در راستای اهداف شومشان یاری

۱. این شبکه، متعلق به پت رابرتسون یکی از رهبران ایوانجلستها در آمریکا است.

۲. گروهی از سپاهیان امیرالمؤمنین علیه السلام بودند که پس از جنگ صفین، از آن حضرت جدا شده، با ایشان به مقابله پرداختند و جنگ نهروان را بر حضرت تحمیل کردند. ابن‌ملجم مرادی قاتل حضرت علی علیه السلام از این گروه بود.

۳. اینان معتقد بودند اسماعیل، فرزند امام صادق علیه السلام نمرده و همان مهدی موعود است.

۴. در درس فرقه‌های انحرافی، عقاید این گروه، بررسی خواهد شد.

۵. پیروان محمد بن عبدالوهاب از اهل سنت که با عقایدی خاص درباره توحید و شرک، در کشور عربستان در حدود سال ۱۱۰۰ق به وجود آمدند.



کرده‌اند.

بهائیت، فرقه‌ای است که راه خود را از شیعه دوازده‌امامی جدا کرده، با انکار مهدی موعود به عنوان آخرین امام از سلسله امامان شیعه که در آینده ظهور خواهد نمود، مدعی دین و کتاب و پیامبر جدید شده و خاتمیت پیامبر اسلام ﷺ را نیز نفی نموده است. فرقه گمراه وهابیت نیز با وسائل گوناگون تبلیغاتی، به مخالفت با مهدی شیعه پرداخته و می‌کوشد تا این حقیقت را به یک وجود خیالی و موهوم تبدیل کرده یا دست‌کم چهره‌ای خونریز و مخالف اسلام و پیامبر ﷺ و سنت نبوی از او نشان دهد. از برنامه‌های این فرقه، توزیع وسیع کتاب به زبان‌های مختلف به ویژه فارسی (و در ضدیت با شیعه و مهدویت شیعی) در بین زئران خانه خدا است.

### ۳. دگراندیشان

اصول و مبانی دینی و احکام اسلام و قرآن، مبتنی بر وحی و نشأت گرفته از کلام خدا و پیامبر ﷺ است. بدیهی است تفسیر و تبیین این معارف، به دانشی وسیع و آشنایی عمیق با مبانی قرآنی و حدیثی نیاز دارد. با کمال تأسف باید اعتراف کنیم که در طول تاریخ اسلام، پیوسته تفسیرهای نادرستی از تعالیم دینی در جامعه اسلامی وجود داشته است. به ویژه در تاریخ معاصر، جریان‌های به اصطلاح روشن‌فکر با انگیزه هماهنگ‌سازی آموزه‌های اسلامی و قرآنی با ایده‌های دنیای جدید، به این راه گمراه کننده روی آورده‌اند که محصول آن، نفی و انکار بعضی از اصول اسلام مانند وحی و نبوت و یا دست‌کم تحریف بعضی از حقایق شده است، تا آنجا که بعضی از روشن‌فکران و دگراندیشان ایرانی، اصل مهدویت را انکار کرده‌اند.<sup>۱</sup> این جریان باطل فرهنگی خواسته و ناخواسته به یک جریان آشکار مهدی ستیز تبدیل شده و با إلقاء شبهات به مقابله با حقیقت مهدویت پرداخته است.

### ۴. مستشرقان

اندیشوران غربی را که درباره ادیان و مکاتب شرقی به ویژه اسلام تحقیق می‌کنند می‌توان

۱. ر.ک: علی، عطایی کورانی، راز و رمز پنهانی، ص ۱۷۶، به نقل از: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، بازتاب اندیشه در مطبوعات روز ایران، ش ۶۳، ص ۵۸-۵۰.

به دو دسته تقسیم کرد؛ گروهی مانند هانری کربن فرانسوی<sup>۱</sup> به سبب دغدغه علمی و آگاهی از حقایق دین اسلام درباره این مکتب، پژوهش می‌کنند؛ اما گروه دوم مانند گلدتسیهر<sup>۲</sup>، جمیز دارمستتر<sup>۳</sup> و فان فلوتن<sup>۴</sup> در جهت اهداف شوم امپریالیسم فرهنگی<sup>۵</sup> به مطالعه و تحقیق درباره اسلام می‌پردازند و به دنبال تضعیف مبانی اسلام و سست نشان دادن معارف اسلامی هستند، تا به خیال خود مبانی فرهنگی لیبرالیسم غربی<sup>۶</sup> را محکم کنند. این گروه، آن‌گاه که در حوزه مهدویت، گفت‌وگو می‌کنند با استناد به سخنان بی‌پایه و شواهد غیرواقعی، مهدویت اسلام را امری بی‌اساس و وام‌گرفته از سایر ادیان و مکاتب معرفی می‌کنند.

### ۵. مدعیان دروغین

در طول تاریخ اسلام و به ویژه در سده اخیر، کسانی ادعای مهدویت داشته‌اند و با این ادعا گروه‌هایی از مردم را به سوی خود دعوت نموده و آن‌ها را از مسیر صحیح مهدویت اسلام منحرف کرده‌اند. نیز در موارد زیادی، مدعی نیابت و بابیت یا مدعی ارتباط با امام زمان علیه السلام در

۱. (Henry corbin) وی یکی از برجسته‌ترین اسلام‌شناسان غربی است که سال‌های زیادی را نیز در ایران سپری کرد. او چند مقاله درباره امام مهدی علیه السلام دارد و بر این باور است که مهدویت می‌تواند به یک نظریه جامع در عرفان اسلامی تبدیل شود.

۲. (Ignaz Goldziher) اهل مجارستان و یهودی الاصل است. بعضی او را بنیان‌گذار اسلام‌شناسی در اروپا می‌دانند. وی در کتابش به نام *العقیده و الشریعة فی الإسلام* به مهدویت پرداخته است.

۳. (James Darmesteter) اهل فرانسه بوده و در عرصه فرهنگ شرق به ویژه ایران باستان تخصص داشته است. از وی به عنوان یکی از ایران‌شناسان برجسته یاد می‌شود. از جمله آثار او کتابی با عنوان *مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم* است.

۴. (Gerole Van Vloten) اهل هلند است که چندین کتاب پیرامون فرهنگ اسلامی دارد. او در کتابش که به عربی به نام *السیادة العربیة و الشیعة و الاسرائیلیات فی عهد بنی امیة* ترجمه شده در مورد امام مهدی سخن گفته است.

۵. امپریالیسم فرهنگی، عبارت است از استفاده از قدرت سیاسی و اقتصادی برای تحمیل ارزش‌های فرهنگی قدرت استعمارگر در بین مردم و جامعه هدف که به نابودی فرهنگ آن جامعه و جایگزینی فرهنگ وارداتی و تحمیلی به جای آن منجر می‌شود؛ مانند ترویج فرهنگ آمریکایی در بین سایر جوامع.

۶. لیبرالیسم به مکتب سرمایه‌داری اطلاق می‌شود.

جامعه شیعی پدیدار شده و سبب گرایش مردم به مسیرهای انحرافی و بروز رفتارهای ناهنجار در حوزه عقاید و اخلاق گردیده است؛ برای مثال عده‌ای با ادعای رابطه با امام زمان علیه السلام و حامل پیام بودن از سوی آن حضرت، مردم را از مراجعه به فقیهان و گرفتن احکام از ایشان باز داشته‌اند و ایمان مردم را دستخوش هوا و هوس خود و وسیله‌ای برای کسب نام و نان قرار داده‌اند. این گروه‌ها نیز با علم و آگاهی به ستیز با مهدویت پرداخته‌اند و خود بستری برای انحرافات بیشتر و عمیق‌تر در حوزه دین و دیانت مردم شده‌اند.

البته گروه‌هایی نیز هستند که نه با قصد مهدی ستیزی، بلکه به دلیل جهل و نادانی و گرایش به افکار غلط و ارتجاعی، مانع پویایی مکتب شیعه و حرکت شیعیان در مسیر زمینه‌سازی ظهور می‌شوند. این‌ها با برداشته‌های نادرست از روایات، هر حرکت انقلابی پیش از قیام امام زمان علیه السلام را باطل دانسته، با همین تفکر انحرافی با انقلاب اسلامی و نهضت‌امام خمینی رحمه الله مخالفت کردند. بعضی از این افراد معتقدند که ما در برابر ظلم و فساد موجود، وظیفه‌ای نداریم؛ بلکه فساد روزافزون جامعه را زمینه‌ای برای سرعت بخشیدن به ظهور امام غایب، قلمداد می‌کنند؛ این در حالی است که نهی از منکر، از اصول اساسی اسلام و قرآن بوده و در سطح کلان به معنای نفی طاغوت‌ها و فسادهای حکومتی و حکومت‌های فاسد است. متأسفانه این گروه‌ها نیز ناخواسته به دشمنان مهدویت، کمک کرده، سبب انحراف در سلوک منتظران و غفلت ایشان از وظایف اساسی زمان غیبت و حتی در مواردی موجب انحراف عقیدتی شیعیان شده‌اند.

### ریشه‌های مهدی ستیزی

نفی مهدویت و ستیز با این آرمان بزرگ الهی و انسانی، عوامل و ریشه‌های گوناگونی دارد که شناخت آن‌ها می‌تواند شیعیان را در برابر خطر تأثیرپذیری از شبهات دشمن، ایمن سازد و مهدی باوران را برای مقابله با این هجوم فرهنگی سیاسی، آماده‌تر کند. برخی ریشه‌ها و زمینه‌های مهدی ستیزی عبارتند از:

#### ۱. جهل و نادانی

در اسلام، ریشه‌بسیاری از مخالفت‌های مردم با پیامبران، نادانی آن‌ها دانسته شده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا؛<sup>۱</sup> مردم با آنچه نمی‌دانند، دشمن هستند».

تاریخ اسلام موارد فراوانی را از برخورد جاهلانه مردم غیر مسلمان و مسلمان با اسلام و اولیای آن، ثبت کرده است که از نمونه‌های روشن آن، برخورد خوارج با امیرالمؤمنین علیه السلام است.

در مبحث مهدویت نیز گاهی نادانی و ناآگاهی از مقام امامت و صفات امام و اهداف و آرمان‌های موعود منتظر، سبب دشمنی و ستیز با فرهنگ مهدویت و انتظار شده است. وقتی کسی از امام مهربانی، چهره خشن و خونریزی را در ذهن خود ترسیم کرده، ظهور او را آغاز جنگ و وحشت و ناامنی می‌داند، در جبهه مقابل امام قرار می‌گیرد.

## ۲. دنیاخواهی و منفعت‌طلبی

مهدویت جریان زمینه‌ساز عبودیت و بندگی خداست و امام مهدی علیه السلام آن موعود الهی است که به همه ستم‌ها، حق‌کشی‌ها و هوس‌های حرام، پایان داده، به جای بی‌عدالتی‌ها، دادگری و عدالت را رواج خواهد داد.

بدیهی است آن‌ها که برای انسان و جهان، هدفی جز خور و خواب و شهوت نمی‌بینند با هر حقیقتی که با هدف دنیایی آن‌ها منافات داشته باشد، مخالفت و دشمنی می‌کنند.

امروز، دنیای استکبار که غرق در مادیت و شهوات‌رانی است می‌کوشد که همگان را با همین لذات پست، از سعادت و آخرت غافل کند، تا هر چه بیشتر بر منابع مادی زمینی مسلط شود. و روشن است که با این دیدگاه نمی‌تواند جریان حاکمیت ارزش‌های معنوی را که ره‌آورد حکومت مهدی علیه السلام است، بپذیرد و با انواع وسائل به ستیز با فرهنگ مهدویت و انتظار می‌پردازد. به ویژه که دشمنان می‌دانند که مهدویت، جریانی است که انسان‌ها را به نفی هرگونه سلطه و ظلم فرا می‌خواند و در همین روزگار غیبت نیز منتظران را به سوی اهداف حکومت جهانی مهدی علیه السلام که عدالت‌محوری و حق‌طلبی است دعوت می‌کند.

جریان‌های مدعی مهدویت و باییت و ارتباط با امام زمان نیز بیشتر برای کسب شهرت و

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۱۷۲.

جلب منفعت به میدان ستیز با امام مهدی علیه السلام پا می‌گذارند.

### ۳. تعصب باطل

اسلام پیوسته انسان را به تفکر و اندیشه دعوت کرده است. قرآن نیز ارزش آدمی را به تعقل و خردورزی او دانسته است<sup>۱</sup> و افرادی را که به دلیل تعصب باطل بر راه غلط نیاکانشان، پافشاری می‌کنند نکوهش کرده است.<sup>۲</sup>

بخشی از دشمنی‌ها با جریان مهدویت، ریشه در همین خصلت زشت دارد. وهابیت که خود را به اسلام نسبت داده است با نفی سایر مذاهب اسلامی هر عقیده‌ای جز عقاید خود را باطل می‌شمارد. وهابیت با این تعصب کور و باطل به عقاید شیعه حمله کرده، به ویژه مهدویت شیعی را تخریب و تحریف می‌نماید و در یک ستیز دامنه‌دار و آشکار در رسانه‌های گوناگون به دشمنی با این حقیقت قرآنی می‌پردازد.

### ۴. خودمحوری و استکبار

مستکبران عالم که به دنبال سلطه بر مستضعفان و سرنوشت‌آنها هستند با جریان مهدویت که جریان مبارزه با ظالمان و ستم‌گران است دشمنی می‌کنند و این دشمنی به دلیل خوی استکباری و روحیه ستمکاری آنهاست.

مقام معظم رهبری - مد ظله العالی - در این باره فرموده است:

قدرت‌های استکباری، خواهان غفلت و خواب آلوده بودن و نیز عدم تحرک ملت‌ها هستند و چنین وضعی را بهشت خود می‌دانند؛ اما انتظار فرج، موجب می‌شود که انسان به وضع موجود قانع نباشد و بخواهد به وضعی بهتر دست پیدا کند.<sup>۳</sup>

۱. سوره بقره: ۱۶۴؛ سوره یوسف: ۲؛ سوره آل عمران: ۱۹۱.

۲. سوره بقره: ۱۷۰؛ سوره مائده: ۱۰۴؛ سوره انبیاء: ۵۳.

۳. فصلنامه علمی - ترویجی انتظار موعود، ش ۲، ص ۳۸.

### خلاصه درس

- مهدی‌ستیزی، تلاش برای نابود کردن اعتقاد به مهدویت، ضربه زدن به آن و مخدوش کردن فرهنگ انتظار است.
- هدف اصلی ستیزگران، انکار اصل مهدویت، نفی آرمان‌های آن و تغییر ارزش‌های مهدوی است.
- صهیونیسم مسیحی، فرقه‌های انحرافی، دگراندیشان، مدعیان دروغین و برخی مستشرقان هر کدام به گونه‌ای در این ستیز، نقش‌آفرینی می‌کنند.
- بسیاری از این دشمنی‌ها ریشه در جهل، دنیاخواهی، خودمحوری و تعصبات باطل دشمنان مهدویت دارد.

### پرسش‌های درس

۱. هدف اصلی دشمنان از دشمنی با مهدویت چیست؟ توضیح دهید.
۲. گونه‌های مختلف مهدی ستیزان را نام برده، توضیح دهید.
۳. ریشه‌های اصلی مهدی ستیزی را تبیین کنید.

### پرسش‌های پژوهشی

۱. نبرد همیشگی حق و باطل را از دیدگاه قرآن بررسی کنید.
۲. جریان شکل‌گیری صهیونیسم مسیحی، دیدگاه‌های آنان و چگونگی فعالیتشان در عرصه آخرالزمان را تشریح کنید.
۳. نقش استکبار در ستیز با مهدویت را ترسیم کنید.

### منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

۱. شرق‌شناسی و مهدویت، سیدرضی موسوی گیلانی.
۲. ذهنیت مستشرقین، عبدالحسین فخاری.
۳. هالیوود و فرجام جهانی، سید ابوالحسین علوی طباطبایی.
۴. پیشگویان و آخرالزمان، جمعی از نویسندگان.
۵. غرب و آخرالزمان، اسماعیل شفیعی سروستانی.

## مهدی ستیزان

### (شیوه‌های مقابله با مهدویت)

#### اهداف

۱. آشنایی با شیوه‌های دشمن در مبارزه با مهدویت
۲. شناخت راه‌های مقابله با فعالیت‌های مهدی ستیزی

#### فوائد

۱. آگاهی از ابزارهای ستیز با مهدویت
۲. شناخت اجمالی تلاش‌های همه جانبه دشمن در مبارزه با مهدویت

#### مطالب آموزشی

- ابزارهای ستیز
- شیوه‌های مهدی ستیزی
- یک. انکار
- دو. تخریب
- سه. تحریف
- چهار. جایگزین‌سازی
- راه‌های مقابله با مهدی ستیزان
- الف. معرفت‌افزایی و جهل‌زدایی
- ب. افشاگری نسبت به مهدی ستیزان
- ج. تقویت هویت مکتبی و شیعی



### ابزارهای ستیز

در جنگ فرهنگ‌ها، راهبرد اصلی مهدی ستیزان برای نابود کردن فرهنگ مهدویت و انتظار، القای اطلاعات و آگاهی‌های خاصی است که از رهگذر آن، عقاید و نیز رفتار را تحت تأثیر قرار داده، آن‌ها را به نفع خود تغییر دهند. برای انتقال اطلاعات از سه شیوه اصلی استفاده می‌شود؛ گفتار، نوشتار و تصویر. و مهدی‌ستیزان از همه شیوه‌ها استفاده می‌کنند. برگزاری همایش‌ها و سخنرانی‌ها، از ابزارهای مهم مهدی ستیزان برای شبهه‌افکنی و وارونه جلوه دادن حقایق است. سخن پراکنی کشیشان بنیادگرای هزاره‌گرا،<sup>۱</sup> مانند هال لیندسی<sup>۲</sup> و پت رابرتسون<sup>۳</sup> در داخل و خارج کلیسا و سخنرانی‌ها و برنامه‌های تلویزیونی علمای وهابی از همین قسم می‌باشد.

۱. واژه لاتینی «Millennialism» در لغت به معنای یک دوره هزار ساله است. سنت هزاره بر ادبیات مکاشفه‌ای یهود و کتاب مکاشفه یوحنا استوار است. هزاره‌گرایی در یهودیت بسیار اوج گرفت و در سال ۱۹۹۹م با نزدیک شدن پایان هزاره دوم میلادی و آغاز هزاره سوم، در جهان مسیحیت، رونقی دوباره یافت. طبق متن کتاب مقدس، مسیح دوباره آشکار شده، با غلبه بر ابلیس، ملکوت خدا را پدید خواهد آورد و به مدت ۱۰۰۰ سال حکم خواهد راند. این، قیامت اول است. سپس شیطان با خلاصی از زندان و گمراهی امت‌هایی از چهار زاویه جهان، لشکرگاه مقدسین و شهر محبوب را محاصره می‌کند. پس آتشی از آسمان فرو ریخته، این‌ها را می‌بلعد و شیطان برای همیشه در آتش گرفتار می‌شود (پیش‌گویی‌ها و آخرالزمان، جمعی از نویسندگان ص ۱۱۱).

۲. Hallindsey

۳. Pat robertson

برای نمونه می‌توان به برنامه‌های کلپ ۷۰۰ که تحت نظر پت رابرتسون اجرا می‌شود، توجه نمود یا اینکه برنامه‌های تلویزیونی هال لیندسی را محور بحث قرار داد. پت رابرتسون در شبکه خود به تحلیل سخنان دولت‌مردان ایران و قصه نابودی اسرائیل با محوریت امام مهدی علیه السلام می‌پردازد و در برنامه خود در کلپ ۷۰۰ سعی می‌کند نقش امام زمان را در آشوب‌ها و هرج و مرج‌های خاورمیانه برای بینندگان این شبکه تبیین کند.

در بخش نوشتاری، استفاده گسترده از کتب و نشریات و نیز اینترنت با هدف تخریب چهره اسلام و احکام اسلامی و نیز ضد مسیح نشان دادن امام مهدی علیه السلام و سوء استفاده از پیشگویی‌های آخرالزمانی، بخش دیگری از تلاش مهدی ستیزان است.<sup>۱</sup>

در بخش تصویر، دشمنان بیشترین فعالیت را دارند؛ زیرا این بخش، اثرگذاری بیشتر و ماندگارتری دارد. در این‌گونه از دشمنی، بازی‌های رایانه‌ای به سبب مهیج بودن و حضور فعال بازی‌گر در آن، جایگاه مهمی دارند. از نمونه‌های معروف آن، بازی رایانه‌ای «جهنم خلیج فارس» است که در همه‌جا حتی کشور آمریکا به نام بازی «یا مهدی» شناخته می‌شود. در این بازی، پیروزی بازی‌گر در هر مرحله، مشروط به کشتن افرادی است که فریاد «الله اکبر» و «یا مهدی» سر می‌دهند و به این صورت بذر دشمنی با جریان مهدویت در فکر و روان نوجوانان و جوانان، کاشته می‌شود.

در این بخش، فیلم و سینما بیشترین فعالیت‌دشمنان را تشکیل می‌دهد. صهیونیست‌ها با تأسیس «هالیوود» آنجا را به پایتخت سینمای جهان تبدیل کردند؛ به گونه‌ای که هشتاد درصد فیلم‌های به نمایش درآمده در سینما و تلویزیون جهان، ساخت این شرکت است. در میان فیلم‌های برتر جهان که در جشنواره‌های ساختگی مطرح می‌شوند، فیلم‌هایی با مضامین آخرالزمانی، بیشترین تعداد را دارند که پیام اصلی این فیلم‌ها، القای جو ناامنی و هراس و سپس احساس نیاز جدی به یک منجی از نوع آمریکایی است که با تکیه بر فناوری برتر می‌تواند با دشمنان بشریت بجنگد و آن‌ها را از میان بردارد. این فیلم‌ها، هم وجود سلاح‌های

۱. جالب است بدانید کسی که در دایره‌المعارف معروف در اینترنت درباره امام مهدی علیه السلام مطلب نوشته است یک پزشک بهایی به نام مؤمن است.

پیشرفته و ویران گر را برای مستکبران و به ویژه آمریکا و صهیونیست‌ها توجیه می‌کند و هم مهدویت اسلام را به عنوان جریان نجات‌بخش، نفی می‌نماید.

### شیوه‌های مهدی ستیزی

دشمنان اسلام و مهدویت برای مقابله با این حقیقت از شیوه‌های گوناگون استفاده می‌کنند که همه این راه‌ها در تاریخ گذشته سابقه دارد و مخالفان انبیای الهی نیز همین شیوه‌ها را به کار بسته‌اند.

مقام معظم رهبری - مدظله العالی - در سخنی جامع در این باره فرموده‌است:

دشمن، هر امر صحیح و مفیدی را تا آنجا که مقدور باشد، انکار می‌کند و اگر نتوانست، به تحریف و تخریب آن پرداخته و یا در مقابل آن، اقدام به جایگزینی می‌نماید.<sup>۱</sup>

ما در این بخش بر اساس همین سخن حکیمانه، شیوه‌های ستیز دشمن در موضوع مهدویت را بررسی می‌کنیم:

#### ۱. انکار

یکی از اقدامات دشمنان، انکار مهدویت است. آنان می‌کوشند که جریان مهدویت و موعود اسلامی را جریانی خرافی و پوچ قلمداد کنند. در این راستا گاهی تبلیغ می‌کنند که مهدویت یک جریان وارداتی است که از سایر ادیان مانند زرتشت به اسلام راه یافته است. گلدتسیهر که از مستشرقان معروف است می‌گوید:

اعتقاد به مسئله مهدویت در ریشه خود به عناصر یهودی و مسیحی برمی‌گردد و در آن، پاره‌ای از ویژگی‌های مبحث سوشیالیسم که مورد اعتقاد زرتشتیان است، یافت می‌شود.<sup>۲</sup>

و گاهی ادعا می‌کنند که این موضوع برای درمان شکست‌های پی‌درپی و ناکامی‌های پیوسته علویان و شیعیان بوده است تا به آینده‌ای خیالی دلخوش باشند و گرفتار دلسردی و

۱. فصلنامه علمی - ترویجی انتظار موعود، ش ۲، ص ۳۲.

۲. شرق‌شناسی و مهدویت، دفتر اول، ص ۱۳۵ و صص ۱۱۱ و ۱۱۰.

سرخوردگی نشوند.<sup>۱</sup>

شیوه انکار، تنها به مرحله بالا محدود نمی‌شود؛ بلکه گاهی در سطحی پایین‌تر دنبال می‌شود و آن، عبارت است از انکار ولادت مهدی علیه السلام. در این مرحله دشمن با قبول اصل مهدویت به عنوان جریان نجات‌بخش اسلامی، ادعا می‌کند که امام مهدی علیه السلام متولد نشده است و هیچ دلیلی بر ولادت آن حضرت وجود ندارد.

این در حالی است که مهدویت یک جریان اصیل اسلامی است که در آیات متعدد قرآن کریم و روایات فراوان در کتب شیعه و سنی به اثبات رسیده است و نیز ولادت امام مهدی علیه السلام با مدارک تاریخی و روایی بسیاری ثبت شده است.<sup>۲</sup>

گفتنی است که روش انکار حقیقت، درباره انبیای الهی و کتب آسمانی به ویژه نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و قرآن کریم نیز به کار گرفته شد. مخالفان پیامبر اسلام نیز کوشیده‌اند که نبوت پیامبر را انکار کرده، کتاب آسمانی او را بافته‌های ذهنی‌اش معرفی نمایند.<sup>۳</sup>

## ۲. تخریب

اقدام دیگر دشمن، تخریب مهدویت و زشت جلوه‌دادن ظهور مهدی علیه السلام و مخدوش کردن چهره زیبای آن بزرگوار است.

وقتی دشمنان از انکار مهدویت و امام مهدی علیه السلام ناتوان می‌شوند، می‌کوشند با حمله به موضوعات مربوط به این حقیقت، و القای مطالب نادرست و جعلی، مهدی باوران را در عقیده خود سست کنند. نمونه روشن آن، معرفی امام مهدی علیه السلام به عنوان پادشاه وحشت و عامل خون‌ریزی گسترده در عالم و ویران کننده مساجد و معابد است؛ در حالی که مطابق روایات صحیح، آن حضرت، امام مهربانی و صلح و امنیت جهانی است که همه مردم را به حق و عدالت فراخوانده، آروزی بزرگ آن‌ها را در رسیدن به یک زندگی مطلوب و آرمانی، عملی خواهد کرد. آری؛ او در مسیر برپایی عدالت جهانی و بازگرداندن حقوق غارت شده مستضعفان

۱. همان، ص ۱۹۳.

۲. ما در جلد اول این کتاب در درس چهارم به این بحث پرداخته‌ایم؛ نیز رک به: کتاب «میلاد»، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام.

۳. سوره مدثر: ۲۴ و ۲۵؛ سوره انعام: ۲۵.

جهان با ظلم و ظالمان مبارزه خواهد کرد و ستم‌گران را از جایگاه‌های قدرت به زیر خواهد کشید.

نمونه دیگر تلاش دشمن در این بخش، تحقیر و تمسخر است. مخالفان مهدویت شیعی، ادعا می‌کنند که مهدی شیعه، قرن‌هاست در سرداب سامراء بدون آب و غذا به سر می‌برد و شیعیان در هر صبح جمعه در کنار سرداب، در انتظار بالا آمدن و ظهور اویند. این در حالی است که در تمام کتاب‌های شیعه هیچ اثری از این دروغ بزرگ نیست.<sup>۱</sup> شایان یادآوری است که روش تخریب، پیش از این نیز وجود داشته است و مخالفان حق در مقابله با همه پیامبران و به ویژه پیامبر اسلام ﷺ از تهمت‌ها و تمسخرها و تحقیرها استفاده کرده‌اند و پیامبر رحمت را با عباراتی چون شاعر، ساحر و مجنون خطاب کرده‌اند،<sup>۲</sup> تا به این وسیله، مردم را از ایمان به او باز دارند. در عصر ما پروژه اسلام‌هراسی و معرفی مسلمانان به تروریست<sup>۳</sup> نیز با همین هدف، راه‌اندازی و دنبال می‌شود.

### ۳. تحریف

قرآن کریم یکی از راه‌های دشمنی دشمنان را تحریف و اقیعات بیان کرده است و می‌فرماید:

﴿مِنُ الدِّينِ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَرَاعِنَا لِيَّا بِالْأَسِنَّتِهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ...﴾<sup>۴</sup>

بعضی از یهود، سخنان را از محل خود تحریف می‌کنند، و (به جای اینکه بگویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم») می‌گویند: «شنیدم و مخالفت کردیم! و (نیز می‌گویند: بشنو! که هرگز نشنوی!) و (از روی تمسخر می‌گویند: راعنا [ما را تحمیق کن! اما را تحمیق کن!] تا به زبان خود، حقایق را بگردانند و در آیین خدا طعنه بزنند....

تحریف به معنای وارونه کردن و تغییر و تبدیل حقیقت است<sup>۵</sup> که از شگردهای دشمنان خدا

۱. ر.ک: تاریخ عصر غیبت، ص ۲۶۴.

۲. سوره یونس: ۲؛ سوره قلم: ۵۱؛ سوره صافات: ۳۶.

۳. مانند مستند فتنه؛ فیلم دورغ‌های حقیقی؛ مستند ایران، خطرناک‌ترین ملت؛ مستند ایرانیوم.

۴. سوره نساء: ۴۶.

۵. لسان العرب، ج ۹، ص ۴۱.

و پیامبران و پیروان آنها بوده است. مخالفان اسلام نیز از این روش، در موارد بسیاری استفاده کرده‌اند. مقام معظم رهبری - مدظله - فرموده‌است:

همه عقاید سازنده، مورد تهاجم دشمن قرار گرفته است. دشمنان سراغ مجموعه احکام و مقررات اسلام رفتند و هر عقیده و توصیه‌ای از شرع مقدس که در زندگی و سرنوشت آینده فرد و جماعت و امت اسلامی تأثیر مثبت بارزی داشته است به نحوی با آن کلنجار رفتند، تا اگر بتوانند آن را از بین ببرند و اگر نتوانند، روی محتوایش کار کنند.<sup>۱</sup>

بنابراین دشمنان وقتی از تخریب مهدویت، عاجز شوند، به تحریف آن روی می‌آورند، تا از این رهگذر، آثار و برکات این عقیده مهم اسلامی را به آفات و آسیب‌ها تبدیل کنند. تفسیر غلط از انتظار و روایات مربوط به قیام‌های قبل از ظهور و حسنی دانستن مهدی علیه السلام از نمونه‌های تحریف مهدی ستیزان است.

حتی امروزه شرکت‌های غربی، مسلمانان خوب را به گونه‌ای ترسیم می‌کنند که هیچ‌گونه انگیزه ظلم ستیزی و جهاد با دشمنان در او یافت نمی‌شود و به تعبیر امام خمینی ره اسلامی کاملاً آمریکایی درون آنها پدید آمده است؛ مسلمانی که آمریکا را قدرتی بلامنازع و تمدنی شکوهمند تصور می‌کند و در نظر او کشورهای اسلامی باید الگوی زندگی آمریکایی را سرلوحه قوانین خود قرار دهند.

این نگاه در قالب همایش‌ها، نوشتارها و رسانه‌های صوتی و تصویری، آشکار می‌شود. ابتدا در فیلم‌هایی مانند اسکندر، بدون دخترم هرگز، پرسپولیس، نجات‌بخش و... مسلمانان، افرادی به دور از تمدن نشان داده می‌شوند و در نهایت در فیلم‌هایی مانند «طلای سیاه» حتی منجی مسلمانان با استفاده از تکنولوژی و تمدن غربی‌هاست که می‌تواند مسلمانان را به سعادت رهنمون کند و توخس و عقب‌ماندگی‌شان را به تمدن و سعادت تبدیل نماید!

#### ۴. جایگزین‌سازی

یکی دیگر از روش‌های دشمنان، جایگزین‌سازی است. آنها می‌کوشند در مقابل هر

۱. فصلنامه علمی - ترویجی انتظار موعود، ش ۲، ص ۳۰۲.

۲. امام مهدی در احادیث شیعه و سنی، ص ۹۲.

حقیقتی، یک مدل دروغین به عنوان جایگزین معرفی کنند و مردم را به آن مشغول کرده، به این وسیله از حقیقت، منحرف سازند. در آغاز اسلام وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسجد قبا را برای اجتماع و عبادت مؤمنان بنا کرد، منافقان در مقابل، مسجد ضرار را ساختند<sup>۱</sup> و امروز دشمنان در برابر عرفان ناب اسلامی، عرفان‌های کاذب<sup>۲</sup> را مطرح می‌کنند.

در موضوع مهدویت نیز مهدی ستیزان تلاش می‌کنند در برابر جریان مهدویت اسلام به عنوان جریان نجات‌بخش اصیل و الهی، مسئله نجات‌بخشی را به غرب و به ویژه آمریکا ارتباط داده و به جای موعود الهی، مستکبران عالم را در چهره منجی انسانیت معرفی کنند<sup>۳</sup> یا در میان مسلمین و حتی شیعیان، مدعیان دروغین را که ادعای مهدویت یا نیابت دارند، مورد حمایت خود قرار دهند.<sup>۴</sup>

نکته مهم پایانی، این است که دشمنان برای مقابله با اسلام و مکتب شیعه و به ویژه فرهنگ بالنده مهدویت و انتظار، علاوه بر شیوه‌های یادشده می‌کوشند تا از سویی با ترویج دنیاگرایی و تبلیغ انواع کالاها و محصولات غربی، و از سوی دیگر و در نقطه مقابل، با اعمال فشارها و تحریم‌های اقتصادی، پیروان اهل بیت و به ویژه جمعیت منتظران مهدی علیه السلام را از امام موعود و اهداف او دور کنند. آنان برای این هدف از ترویج فساد و ابتذال فرهنگی نیز به گونه‌ای گسترده بهره‌می‌گیرند، تا همه توان و امکانات و استعداد مهدی باوران را در مسیرهای انحرافی نابود کنند؛ ولی در برابر همه این ترفندهای خائنانه، این اراده الهی است که غلبه خواهد کرد:

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿۱۰۷﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿۱۰۸﴾

آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند؛ ولی خدا نور خود را کامل می‌کند هر چند کافران خوش نداشته باشند. او کسی است که رسول

۱. سوره توبه: ۱۰۷-۱۰۸.

۲. مانند دالایی لاما، اوشو، پائولو کوئلیو.

۳. مانند فیلم آرماگدون، روز استقلال.

۴. ر.ک: درس فرقه‌های انحرافی در همین کتاب.

۵. سوره صف: ۹۸.

خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز سازد، هرچند مشرکان کراهت داشته باشند.

البته شرط لازم برای تحقق این وعده‌بزرگ الهی و نزدیک‌سازی ظهور آن منجی قرآنی و آسمانی، هوشیاری مهدی باوران در برابر مهدی ستیزان است.

### راه‌های مقابله با مهدی ستیزان

بدیهی است که در جبهه مقابل جریان ستیز، باید تلاشی هدفمند و منسجم برای دفع هجوم و دشمنی، انجام گیرد و از مهم‌ترین وظایف عالمان در حوزه و دانشگاه، این است که از مرزهای اعتقادی و فرهنگ ناب اسلامی و مهدوی، به طور عالمانه و منطقی و مستدل دفاع کنند، تا از آثار شوم هجوم فرهنگی دشمن بکاهند. البته در این عرصه علاوه بر علماء، دولت اسلامی نیز باید تمام توان خود را به کار گرفته، امکانات خود را به ویژه در عرصه فرهنگی بسیج کند. با این وجود، در کنار حوزه و دانشگاه و دولت اسلامی، یک یک مؤمنان باید به مسئولیت اسلامی خود عمل کنند و به ویژه خانواده‌ها در مراقبت از عقاید و افکار دینی فرزندان خود حساس و نگران باشند. مهم‌ترین اقدامات برای مقابله با مهدی ستیزان عبارتند از:

#### ۱. معرفت‌افزایی و جهل‌زدایی

مهم‌ترین راه مقابله با ستیز دشمن با جریان مهدویت، آگاهی بخشی به مؤمنان در سطوح مختلف جامعه است. علماء و اندیشمندان با پشتیبانی نظام اسلامی باید از تمام توان و همه امکانات استفاده کنند، تا معرفت به امام عصر علیه السلام و مسائل گوناگون مهدوی از قبیل ولادت حضرت، غیبت، انتظار و آثار وجودی امام غایب و شرایط قیام و حکومت امام علیه السلام و... تقویت گردد و در همه این موضوعات، شبهات و سؤالات مردم و به ویژه نسل جوان به درستی پاسخ داده شود. تأسیس مراکز علمی و تربیت نیروهای متخصص در موضوع امام زمان علیه السلام راه‌اندازی پایگاه‌های اینترنتی قوی و فعال و عرضه بهترین آثار قلمی از جمله کارهایی است

---

۱. حوزه‌ی علمیه قم به عنوان اصلی‌ترین مرکز علمی و دینی در راستای ترویج فرهنگ مهدویت، مرکز تخصصی امامت و مهدویت را در سال ۱۳۷۹ تأسیس نموده و تاکنون صدها نیروی متخصص در موضوع مهدویت، تربیت کرده‌است.



که باید به صورت مستمر دنبال شود تا جوانان در سطوح مختلف تحصیلی، متناسب با نیازهای خود در این عرصه، آگاهی دینی و اسلامی بیابند.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) می‌فرماید:

[ در بحث تهاجم فرهنگی ] مسئله دیگر، مبارزه با خرافات است. در کنار ترویج و تبلیغ معارف اصیل دینی و اسلام ناب، باید با خرافات مبارزه کرد. کسانی دارند روز به روز خرافات جدیدی را وارد جامعه ما می‌کنند... آنچه با یکی از اصول دینی معارضه دارد و مدرک معتبری ندارد، ردش کنید. این می‌شود خرافه، و معیار خرافه این است. امروز شما ببینید مدعیان ارتباط با امام زمان و ارتباط با غیب، با شکل‌های مختلف در جامعه دارند کار می‌کنند... در مقابله با خرافات و آن چیزهایی که از دین نیست، شجاع باشید و بگویید.<sup>۱</sup>

## ۲. افشاگری درباره مهدی ستیزان

برای خنثی کردن تلاش ناجوانمردانه دشمن در تخریب و تحریف آموزه مهدویت، لازم است حرکت ضد الهی و انسانی آن‌ها برای توده مردم و جوانان تبیین گردیده، اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت آن‌ها بیان شود، تا همگان در برابر هر حرکت دشمن حساس و مراقب باشند و ندانسته به دام آن‌ها گرفتار نشوند. علما و اندیشوران حوزه و دانشگاه و رسانه‌های ارتباطی باید با قلم و بیان عالمانه و به دور از تعصب مذهبی و قومی، نقشه خائنانه مهدی ستیزان را افشا کرده، به گونه‌ای مستمر، سخنان و نوشته‌های آنان را نقد نمایند و جهت‌گیری و هدف دشمنان را از این گونه اقدامات، آشکار کنند.

## ۳. تقویت هویت مکتبی و شیعی

دشمن می‌کوشد تا شیعیان را نسبت به عقاید خود بی‌اعتماد و بی‌تفاوت کند و فرهنگ ناب شیعی را ناکارآمد و ناتوان نشان دهد و در مقابل، نسخه‌های جعلی و دروغین غیر اسلامی و غیر شیعی را طرح‌های مطلوب و ایده‌آل برای سعادت و بهروزی دنیا و آخرت انسان معرفی کند. روشن است که در مقابل این خیانت آشکار و دروغ بزرگ، لازم است هویت شیعی جوانان

۱. بیانات معظم له در جمع روحانیون استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۷.

با بیان استدلالی مبانی مذهب شیعه تقویت شود؛ به ویژه در موضوع مهدویت، زیرساخت‌های اعتقاد به امامت آن بزرگوار و ضرورت وجود آن بزرگوار و اهداف قیام حکومت آن عزیز، محکم شود. در این صورت، جوان شیعه، مذهب و عقیده خود را بهترین انتخاب دانسته، با ایمان به حقانیت راه خود، در برابر القائنات مهدی ستیزان مقاومت می‌کند و از صراط مستقیم اهل بیت علیهم‌السلام و فرهنگ ناب مهدویت، منحرف نمی‌شود.

## خلاصه درس

- دشمنان مهدویت می‌کوشند با انتقال اطلاعات نادرست به مردم از طریق گفتار، نوشتار و تصویر، عقاید، ارزش‌ها و رفتارهای منتظران را متزلزل کنند.
- انکار، تحریف و جایگزین‌سازی، از شیوه‌های اصلی دشمنان در برخورد با فرهنگ مهدوی است.
- برای دفاع از حریم مهدویت باید از سویی به جهل‌زدایی، معرفت‌افزایی مردم و تقویت هویت منتظران همت گماشت و از سوی دیگر به افشای چهره ستیزگران و برخورد قاطع با فعالیت‌های سازمان یافته آنان اقدام کرد.

### پرسش‌های درس

۱. دشمنان در مبارزه با مهدویت، از چه ابزارهایی استفاده می‌کنند؟
۲. شیوه‌های مبارزه با مهدویت را به ترتیب تشریح کنید.
۳. چگونه می‌توان به مقابله با تلاش دشمنان پیرامون مهدویت پرداخت؟

### پرسش‌های پژوهشی

۱. جدیدترین تلاش هنری دشمنان در عرصه مهدویت را معرفی و نقد کنید.
۲. عملکرد هالیوود را در عرصه آخرالزمانی بررسی و نقد کنید.
۳. بهترین راه جلوگیری از فعالیت‌های دشمنان مهدوی را در چه می‌دانید؟
۴. روش‌های مبارزه غیر مستقیم دشمنان پیرامون مهدویت را تبیین کنید.

### منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

۱. موج فتنه، احمد حسین شریفی.
۲. جنگ نرم، حسین عبدی.
۳. هالیوود و فرجام جهان، سید ابوالحسن علوی طباطبایی.
۴. تهاجم یا تفاوت فرهنگی، حسن بلخاری.
۵. «فصل‌نامه عملیات روانی»، سایت تبیان، قسمت جنگ نرم.

## فرقه‌های انحرافی (۱)

### اهداف

۱. شناخت عوامل پیدایش فرقه‌های انحرافی و راه‌های مبارزه با آن
۲. آشنایی با شیخیه و دیدگاه‌های آنان درباره امام زمان علیه السلام

### فوائد

۱. آشنایی با نقش استعمار در پیدایش و گسترش فرق انحرافی
۲. شناخت مبانی فکری شیخیه
۳. آگاهی از انشعابات پدید آمده در شیخیه

### مطالب آموزشی

- مفهوم‌شناسی فرق انحرافی و ضرورت شناخت آنها  
علل پیدایش و رشد فرقه‌های انحرافی
۱. جهل و نادانی
  ۲. بی‌تقوایی و سست ایمانی
  ۳. دنیاگرایی و منفعت‌جویی
  ۴. مشکلات اجتماعی
  ۵. دخالت بیگانگان
- مقابله با فرق انحرافی  
آشنایی با فرقه‌های انحرافی  
فرقه شیخیه  
شیخ احمد احسائی  
انشعابات شیخیه  
مبانی فکری عقاید احسائی  
عقاید شیخیه  
دیدگاه شیخیه درباره امام غایب  
اعتقاد به رکن رابع

ادیان الهی و به ویژه دین مبین اسلام، پیوسته مورد دشمنی بدخواهان قرار گرفته و این دشمنی‌ها به گونه‌های مختلف بروز یافته است. یکی از مهم‌ترین آن‌ها راه‌اندازی فرقه‌های انحرافی است. بانیان مذاهب گمراه کننده کوشیده‌اند که راه انحرافی و باطل خود را مذهبی الهی و آسمانی معرفی کنند که همانند اسلام دارای اصول و فروع و نظام اجتماعی و تکالیف شرعی است، تا بدین وسیله، اهل ایمان را به دام بی‌دینی و بی‌ایمانی بیفکنند و به اسم خدا و آخرت و کتاب آسمانی، مردم را از مسیر سعادت به گرداب هلاکت منحرف کنند.

با وجود تلاش گسترده امامان معصوم علیهم‌السلام و اصحاب و شاگردان ایشان، در همان دوره حضور امامان، فرقه‌هایی گمراه‌پدید آمدند و در مسیر عقیده امامت شیعه، انحراف‌های بزرگی ایجاد کردند. چنان‌که جریان‌های منحرف به اسم مهدویت در گوشه و کنار سرزمین‌های اسلامی سر برآورده، عده‌ای را گرد خود جمع کردند. شکل‌گیری فرقه‌های انحرافی، پیامدهای بسیار ناگواری برای اسلام و مسلمانان داشته است؛ از سویی سبب سست شدن عقاید مردم به ویژه عقیده مهدویت و انتظار، و به دنبال آن، ظهور ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری در جامعه اسلامی گردیده، و از سوی دیگر، سبب آشوب‌ها و جنگ‌های مذهبی در میان مسلمین شده است. همچنین وحدت و یکپارچگی امت اسلام را به خطر انداخته و در نهایت، زمینه را برای سلطه دشمنان اسلام بر کشورهای اسلامی فراهم ساخته است.

به دلیل اهمیت شناخت فرقه‌های انحرافی و مقابله با آسیب‌های آن‌ها لازم است زوایای گوناگون این موضوع را بررسی کنیم.

### مفهوم‌شناسی فرق انحرافی و ضرورت شناخت آنها

«فرق» جمع «فرقه» به معنای گروهی از مردم است و در اینجا به معنای گروه جدا شده از جمع امت است<sup>۱</sup> و مقصود ما فرقه‌های منحرفی هستند که در موضوع مهدویت از امت اسلام جدا شده و دیگران را نیز به راه منحرف خود فرا می‌خوانند.

بدون شک از وظایف مهم عالمان و اندیشوران، مرزبانی عقاید مسلمین و به ویژه شیعیان و پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است؛ بدین سبب لازم است فرقه‌های انحرافی و انحرافات آنها به مردم و به ویژه نسل جوان معرفی شود و ماهیت واقعی و روند شکل‌گیری و رفتار فریبکارانه آنها معلوم شده و دیدگاه‌های باطل آنها نقد گردد.

این شناخت، دو فایده مهم را در پی خواهد داشت؛

- ماهیت باطل و بی‌اساس فرقه‌های انحرافی را نشان خواهد داد؛

- راه‌های درست‌مقابله با فرقه‌های انحرافی و رشد آنها را در جامعه، معرفی خواهد کرد.

### علل پیدایش و رشد فرقه‌های انحرافی

از مهم‌ترین ابعاد بحث فرقه‌های انحرافی، بررسی عواملی است که سبب ایجاد آنها شده و نیز زمینه‌ها و بسترهایی است که این راه‌های انحرافی را به عنوان یک مذهب و دین در جامعه گسترش داده است.

خاستگاه اصلی فرقه‌های انحرافی در موارد زیر خلاصه می‌شود:

#### ۱. جهل و نادانی

نادانی، ریشه بسیاری از گمراهی‌ها و انحرافات است؛ چنانکه علم و دانایی، اصل و اساس هدایت و نجات است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید:

الْعِلْمُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ وَالْجَهْلُ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ<sup>۲</sup>

علم و دانایی، ریشه هر خیر، و جهل و نادانی، ریشه هر بدی است.

در موضوع فرقه‌های انحرافی، جهل و نادانی، هم در تأسیس فرقه و تشکیل هسته‌اولیه آن

۱. تاریخ فرق اسلامی، ج ۱، ص ۹۸.

۲. غرر الحکم و درر الکلم، ح ۸۶۸ و ۸۶۹.

بیشترین تأثیر را دارد و هم در گرایش مردم به مذهب انحرافی و تقویت و توسعه آن. بنیان و مروجان فرقه‌های انحرافی در بستر جهل و ناآگاهی مردم از ابزارهای زیر استفاده می‌کنند:

الف. برداشت نادرست از آیات و روایات

مدعیان دروغین حتی در لباس عالم دین و مروج شریعت، از ساده‌لوحی و نادانی عوام استفاده کرده، با برداشت‌های نادرست از آیات قرآن و روایات، مذهب باطل خود را جریان الهی و دین‌مدار نشان می‌دهند. آنان به اسم شریعت، خداپرستی و آخرت‌جویی و به نام مهدویت، مردم را به سوی خود دعوت می‌کنند؛ چنانکه بهائیت با استناد به قرآن! خاتمیت پیامبر اسلام ﷺ را نفی نموده، نبوت «بهاء» را مطرح می‌کند!

ب. سوء استفاده از علاقه مردم به امام زمان علیه السلام

در بستر جهل و نادانی، مدعیان مهدویت از ابزار عشق و علاقه مردم به مهدی موعود نیز بهره‌گیری می‌کنند. محبت فراوان شیعیان به امام زمان علیه السلام و اشتیاق آن‌ها به ظهور آن حضرت، آن‌گاه که با عدم اطلاع و ناآگاهی از موضوع مهدویت و انتظار همراه می‌شود، زمینه‌ای مناسب برای گرایش آنان به مدعیان بابیت و مهدویت می‌گردد و آن‌ها را در تشخیص مصداق درست مهدی و نائبان او دچار خطا می‌کند.

یکی از عالمان معاصر در تحلیل گرایش مردم به فرقه‌های انحرافی می‌نویسد:

بابیان فداکار و جان‌فشان اولیه که در قیام‌های خونین زمان باب شرکت داشتند و خود را به آب و آتش می‌زدند، بابی و بهایی - به معنای رایج آن - نبودند!! بلکه شیعیانی ساده‌لوح و ره‌گم کرده بودند که در تشخیص مصداق به خطا رفته و به عشق هواداری از صاحب الزمان علیه السلام و قائم موعود، اسیر مشتکی بازیگران سیاسی شده بودند.<sup>۱</sup>

به همین دلیل است که عده‌ای از مریدان علی محمد باب - مؤسس فرقه‌گمراه بابیت - که حتی در جنگ‌ها و شورش‌ها به طرفداری از او قیام کرده بودند پس از اطلاع از ادعای مهدویت و نبوت از سوی او، از اطرافش پراکنده شدند.<sup>۲</sup>

۱. اندیشه و میانی مبارزات روحانیت شیعه، ص ۷۲.

۲. ظهور الحق، ج ۳، ص ۱۷۳-۱۷۴.



## ج. نیرنگ‌بازی و عوام‌فریبی

میدان‌داران بازی فرقه‌سازی و حقیقت‌سوزی، در بستر جهل و نادانی توده‌ها، می‌کوشند با ابزار عوام‌فریبی و ظاهری مردم فریب و دین‌مدار، آنان را گمراه سازند. آن‌ها با زهدفروشی و ظاهر ساده و بی‌تشریفات، مدعی آخرت‌جویی و حق‌طلبی می‌شوند و افکار عمومی را تحت تأثیر دعوت باطل خود قرار می‌دهند؛ بدون اینکه برای سخن خود دلیل روشن و سند مستندی بیاورند. البته گاهی با نیرنگ‌بازی در قالبی عالمانه و پوششی از کلمات موزون و مشابه آیات و روایات، سخنان بی‌پایه و اساس و بافته شده را به عنوان کتاب آسمانی به خورد توده‌ناآگاه می‌دهند. نمونه‌روشن آن، سخنان سراسر باطل و پوچ باب شیرازی است.<sup>۱</sup>

## ۲. بی‌تقوایی و ضعف ایمانی

همان‌طور که تقوا و پرهیزکاری و ایمان به عقاید اسلامی، سبب استواری در جاده حقیقت و وفاداری به مذهب حق می‌شود، سست ایمانی و بی‌تقوایی از عوامل مهم گرایش به راه‌های انحرافی و مذاهب باطل است.

افراد سست ایمان، احکام و تکالیف دینی را مانند غل و زنجیری بر دست و پای خود می‌دانند و همواره در پی آنند که خود را از قید و بند تکلیف و الزام شرعی برهانند. حال اگر این رهایی از چارچوب وظایف شرعی در قالب تن دادن به یک مذهب و آیین جدید باشد، احساس بهتری دارند و دلخوشند که به اسم دین تازه از تنگناهای دین گذشته، آزاد شده‌اند.

بدون شک یکی از علل گرایش برخی از جوانان به مسلک بابیت و بهائیت همین آسان‌گیری و بی‌پروایی اخلاقی بوده است. رهبران این فرقه‌ها به نام دین و تمدن دینی، حریم‌های شرعی بین زن و مرد را به سخره گرفته، بلکه برای تبلیغ مرام باطل خود و جذب جوانان به آن، از زنان استفاده می‌کردند. نمونه آشکار آن در بابیت قرّة‌العین است. این زن در محفل باب‌ها، بی‌حجاب ظاهر شد و در سخنرانی خود خطاب به پیروان باب گفت: «امروز

۱. یکی از بافته‌های باطل او این عبارت است: بسم الله الفرد ذی الافراد، بسم الله الفرد ذی الافراد، بسم الله الفرد ذی الفرد، بسم الله ذی الفوارد. بسم الله ذی الفرادین، بسم الله ذی المتفارد، بسم الله ذی الفرداء، بسم الله ذی الفرداء، ایضا ذی الفردات، ذی الفردود، قل اللهم انک فراد السموات و الارض و ما بینهما، لیؤتین الفردیه من یشاء و لیزعن الفردیه عن یشاء... (بهایی چه می‌گوید، ج ۱، ص ۲۴، به نقل از دلایل السبقه).

تکالیف شرعیه، یکبارہ ساقط است و این صوم و صلاة کاری بیهوده است»<sup>۱</sup>.

### ۳. دنیاگرایی و منفعت‌جویی

دوستی دنیا و مظاهر مادی آن، از مهم‌ترین عوامل انحراف است. بدون شک از اصلی‌ترین عوامل شکل‌گیری فرقه‌های انحرافی، دلبستگی بانیان این فرقه‌ها به دنیا و مادیات است. تاریخ اسلام نمونه‌های بسیاری را سراغ دارد که از این رهگذر به انحراف کشیده شده و عامل گمراهی دیگران شده‌اند.

بسیاری از فرقه‌های انحرافی مهدویت نیز به دلیل دنیاگرایی پدید آمده و ادامه یافته‌اند. شمار زیادی از مدعیان مهدویت و بابیت برای کسب نام و نان، فرقه‌ای تأسیس نموده و از عقاید عوام، سوء استفاده کرده‌اند. فرقه منحرف واقفیه - که در امامت امام هفتم علیه السلام توقف کردند و او را همان مهدی موعود دانستند که باز خواهد گشت - نمونه‌ای روشن از فرقه‌گرایی به دلیل دنیاخواهی و سودجویی مادی است؛<sup>۲</sup> چنان‌که محمد بن علی بن بلال نیز در زمان نایب دوم امام زمان علیه السلام با همین انگیزه، مدعی نیابت خاصه شد و گروهی را گرد خود جمع کرد.<sup>۳</sup>

### ۴. مشکلات اجتماعی

نابسامانی‌های اجتماعی، زمینه بسیار مناسبی برای رشد و توسعه فرقه‌های انحرافی و گرایش مردم به این فرقه‌هاست. افراد فرصت‌طلب، از مشکلات معیشتی مردم مسلمان، سوء استفاده نموده، به بهانه رفع نیازهای ایشان، آنان را به فرقه‌های باطل جذب می‌کنند. سال‌هاست که مبلغان وهابی با تکیه بر منابع مالی مسلمین، از همین شیوه برای ترویج و تبلیغ وهابیت، استفاده کرده‌اند.

۱. تلخیص تاریخ نبیل، ص ۲۷۱-۲۷۳.

۲. یونس بن عبدالرحمن از وکلای امام هفتم می‌گوید: در زمان شهادت امام کاظم علیه السلام نزد نمایندگان آن حضرت، اموال زیادی بود که طمع در آنها باعث شد در آن امام توقف کنند و فاتش را انکار کنند (تا اموال را به امام بعدی نپردازند و برای خود بردارند) غیبت طوسی، ص ۶۴.

۳. غیبت طوسی، ص ۴۰۰.

در مواردی نیز مشکل اجتماعی مردم به دلیل نظام سیاسی نالایقی است که بر جامعه حاکم است. این انحطاط سیاسی به رشد تفکرات باطل و انحرافی کمک می‌کند و دست‌ان‌ها را در اقدامات ضددینی باز می‌گذارد. در عصر امامان علیهم‌السلام به دلیل بی‌کفایتی خلفای اموی و عباسی، فرقه‌های انحرافی زیادی در میان مسلمین شکل گرفت.

نمونه دیگر مشکل اجتماعی مردم، کوتاهی خواص و نخبگان و عدم موضع‌گیری مناسب آن‌ها در برابر فرقه‌های انحرافی است. روشن است که اگر عناصر تأثیرگذار و اندیشوران جوامع اسلامی در برابر ظهور فرقه‌های باطل و بدعت‌های آن‌ها در دین، اقدام لازم و به موقع را ترک کنند، بستر مناسب برای رشد و توسعه فرقه‌های انحرافی پدید خواهد آمد. نمونه روشن آن این نابسامانی اجتماعی در عصر امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و در جنگ صفین بود که به علت کوتاهی خواص به شکل‌گیری فرقه انحرافی خوارج انجامید.

#### ۵. دخالت‌های بیگانگان

مستکبران عالم، همیشه به دنبال سلطه بر مسلمانان بوده‌اند؛ ولی اسلام و تعالیم متعالی آن، مانع زیاده‌خواهی و استثمارگری آن‌ها بوده است. استعمارگران برای شکستن این سد آهنین و برداشتن این مانع بزرگ، هر دسیسه‌ای را طراحی می‌کنند. از جمله می‌کوشند با راه انداختن فرقه‌های انحرافی، مردم مؤمن، ولی ناآگاه را به اسم دین و دینداری، گمراه کنند؛ همان‌طور که در مواردی، فرقه‌های منحرف موجود را پشتیبانی می‌کنند. تاریخ و سرگذشت بسیاری از فرق انحرافی، گواه‌روشنی بر نقش بیگانگان در شکل‌گیری یا تقویت آن فرقه‌هاست.<sup>۱</sup>

#### مقابله با فرق انحرافی

فرقه‌های انحرافی به دلیل انکار حق و گرایش به باطل و نیز دعوت‌دیگران به مذهب انحرافی، مصداق این آیه شریف هستند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا﴾<sup>۲</sup>

کسانی که کافر شدند؛ و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، در گمراهی دوری گرفتار شده‌اند.

۱. در ادامه همین بحث، شواهد آن بیان خواهد شد.

۲. سوره نساء: ۱۶۷.

بنابراین، آن‌ها هم خود به انحراف رفته‌اند و هم عامل گمراهی و هلاکت دیگران شده‌اند. بدون شک باید با چنین عناصر خطرناکی، مقابله کرده و از گسترش فساد و تباهی آن‌ها در جامعه اسلامی جلوگیری نمود.

مهم‌ترین راه‌های مقابله با فرقه‌های انحرافی عبارتند از:

الف. افزایش سطح آگاهی و شناخت مردم

شناخت عمیق به عقاید اسلامی و به ویژه اعتقاد به وجود امام غایب با تکیه بر دلایل قرآنی و عقلی و پرهیز از سطحی‌نگری و استناد به مطالب ضعیف و بی‌اساس، یکی از ضرورت‌ها و اولویت‌هاست.

بی‌تردید معرفت عمیق به امام عصر علیه السلام و تشخیص وظیفه در زمان غیبت آن حضرت - که همانا رجوع به عالمان و فقیهان است - سدی محکم در برابر گرایش به فرقه‌های انحرافی خواهد بود.

ب. افشاگری نسبت به ماهیت اصلی فرقه‌های انحرافی

پیش از این گفتیم که فرقه‌های انحرافی با ظاهری مقدس و با رنگ و لعاب دین و کتاب آسمانی، ظهور می‌کنند؛ اما واقعیت و ماهیت اصلی آن‌ها انکار آیات و احکام الهی و دشمنی با اولیای خدا و جایگاه الهی آن‌هاست. گواه روشن این حقیقت، سخنان بی‌پایه و اساس و تعالیم و آموزه‌های ضد عقل و مخالف اسلام و قرآن،<sup>۱</sup> از جانب رهبران فرقه‌های انحرافی است که با کمال بی‌شرمی، به اسم دین به پیروان خود دیکته می‌کنند.

آری؛ افشای ماهیت حقیقی این مارهای سمی ولی خوش خط و خال که در پشت پرده با استعمارگران و دشمنان دیرین اسلام و مسلمین رابطه دارند و از حمایت مادی و معنوی آنها برخوردار می‌شوند می‌تواند از گرایش انسان‌های ساده‌لوح و ظاهرین به این راه‌های انحرافی جلوگیری کرده و نیز فریب‌خوردگان و راه‌گم‌کردگان را به دامن حق و اسلام اصیل بازگرداند.

ج. سامان‌دهی اوضاع اجتماعی

دولت اسلامی و نخبگان جامعه در برابر مشکلات اجتماعی وظیفه دارند. سامان‌دهی وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم و رشد فرهنگی و علمی اقشار مختلف جامعه می‌تواند زمینه‌های ظهور و رشد مدعیان دروغین و فرقه انحرافی را از بین ببرد. نیز مدیریت سالم و قدرتمند سیاسی با

۱. مانند دستور سوزاندن کتب و نفی حجاب که از جمله احکام باب است.

برخورد قاطع و به دور از ملاحظات و مصلحت‌اندیشی‌های حزبی و گروهی، عرصه را بر فرصت‌طلبان و بنیان‌مذاهب باطل، تنگ می‌کند؛ همان‌طور که در جریان ظهور علی محمد باب، اقدام شجاعانه‌امیر کبیر در اعدام باب، به آشوب بایبان پایان داد.

### آشنایی با فرقه‌های انحرافی

فرقه‌های انحرافی‌ای که در اسلام به وجود آمده‌اند، بسیارند؛ ولی در میان فرق انحرافی که به موضوع مهدویت ارتباط دارند، سه فرقه در ایران شهرت دارند که عبارتند از شیخیه، بابیت و بهائیت. البته بابیت و بهائیت دو فرقه شناخته شده‌اند که کسی در انحراف آن‌ها از اسلام، تردیدی ندارد و پیروان این دو فرقه، دیدگاه‌های مخالف با اسلام و قرآن را آشکارا بیان می‌کنند؛ و شیخیه با انحراف در بعضی از امور اعتقادی زمینه‌ساز ظهور بابیت و بهائیت شد و مؤسسان این دو فرقه، بر اساس بعضی از عقاید غلط شیخیه به ادعاهای باطل روی آوردند. علی محمد باب شیرازی خود از پیروان و شاگردان سید کاظم رشتی بود و میرزا حسین علی نوری، بزرگان شیخیه را مبشران ظهور خود می‌دانست.<sup>۱</sup>

### فرقه شیخیه

شیخیه مکتبی است که در اوایل قرن سیزدهم بر اساس تفکرات شیخ احمد احسائی پایه‌گذاری شد و پس از او به وسیله شاگردانش ادامه یافت و به تدریج در برخی از عقاید، از تشیع فاصله گرفت.

### شیخ احمد احسائی

احمد بن زین‌الدین (م ۱۱۶۶ق) معروف به شیخ احمد احسائی که در شیخیه به «شیخ جلیل» معروف است، در روستای «مطیرفی» از استان «احساء» در عربستان به دنیا آمد. او، قرآن و علوم متداول را نزد پدرش فرا گرفت و برای ادامه تحصیل به کربلا و نجف هجرت کرد و در درس عالمان بزرگ آنجا شرکت نمود. او علاوه بر فقه و اصول در علوم مختلف مانند طب و نجوم و علم حروف و اعداد مطالعاتی داشت.

۱. میرزا حسین علی نوری (بهاء الله) از شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی با لقب «نورین‌ترین» یاد کرده و آنها را مبشران ظهور خود و باب می‌خواند. (ایقان، ص ۳ و ۴)

شیخ احمد پس از مدتی راهی ایران و خراسان شد و پس از زیارت امام رضا علیه السلام به دلیل استقبال مردم یزد از وی، مدتی آن شهر را مسکن خود قرار داد و شهرت بسیاری کسب کرد. چندی بعد فتحعلی شاه قاجار او را به تهران دعوت کرد. شاه در حق او نهایت احترام را به جای آورد و از شیخ خواست تا در تهران بماند؛ ولی او نپذیرفت و به یزد بازگشت. در سال ۱۲۲۹ ق در مسیر زیارت عتبات، با استقبال مردم و حاکم کرمانشاه در آن شهر اقامت کرد و در سال ۱۲۳۷ ق در مسیر مشهد، مدتی را در قزوین ماند. در همین زمان بود که به دلیل برخی دیدگاه‌های انحرافی و غلوآمیز با مخالفت بعضی از علما روبرو شد، تا آنجا که از سوی ملامحمد تقی برغانی (م ۱۲۶۴ ق) معروف به شهید ثالث از علمای با نفوذ قزوین، تکفیر شد. انتشار این خبر، سبب تضعیف پایگاه مردمی شیخ احمد و نیز صدور فتاوایی مشابه از سوی علمای کربلا و نجف شد.<sup>۱</sup> در نهایت عرصه بر شیخ احمد تنگ شد و پس از سفر به کربلا عازم وطن خود گردید؛ ولی در نزدیکی مدینه و در سال ۱۲۴۱ ق درگذشت و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.<sup>۲</sup>

پس از وفات احسائی، پیروان او، سید کاظم رشتی را پیشوای خویش دانستند. سید کاظم از جوانی در مجلس درس احسائی شرکت می‌کرد و بسیار مورد احترام استاد بود. او شانزده سال، طایفه شیخیه را رهبری کرد و با بیان و قلم، افکار شیخ و نظریات خود را نشر داد. بسیاری از آرای باطل شیخیه به سید کاظم رشتی نسبت داده شده و ربطی به شیخ احمد احسائی ندارد؛ به همین سبب علمای بزرگ معاصر سید رشتی، در انحراف اعتقادی او تردیدی نداشتند.

#### انشعابات شیخیه

سید کاظم رشتی بدون اینکه جانشینی برای خود تعیین کند از دنیا رفت؛ زیرا ظهور امام غایب را بسیار نزدیک می‌دانست. پس از او در میان شیخیه، بسیاری ادعای جانشینی کردند که البته در عقاید و افکار، اختلافاتی داشتند. مدعیان جانشینی سید کاظم، عبارت بودند از:

۱. علی محمد شیرازی که در ادامه درباره ادعاهای او توضیح داده می‌شود.

۱. عالمانی مانند آخوند ملا آقا دربندی، مرحوم شریف العلماء، شیخ محمدحسین صاحب فصول و شیخ محمدحسن نجفی (صاحب جواهر) نیز به تکفیر احسائی حکم کردند (بهائیان، ص ۴۹).

۲. قصص العلماء، تنکابنی، ص ۱۹-۲۰.

۲. یکی از شاگردان رشتی به نام حاج محمد کریم خان کرمانی (م ۱۲۸۸ق) که با توجه به موقعیت ویژه نزد استاد و نیز نزدیکی به دربار قاجار، توانست رهبری اکثریت شیخیه را برعهده گیرد؛ ولی پس از مرگ وی، بر سر جانشینی او نیز اختلاف شد و انشعابات جدیدی رخ داد. طرفداران کرمانی را «شیخیه کرمانیه و کریمخانیه» می‌گویند؛ پیش‌تر مرکز آن‌ها کرمان بوده سپس به بصره عراق منتقل شدند.<sup>۱</sup>

۳. عده‌ای از شاگردان شیخ احمد احسائی در آذربایجان ایران به تبلیغ آرای شیخ پرداختند که مهم‌ترین آن‌ها میرزا محمد مامقانی معروف به حجة الاسلام<sup>۲</sup> (م ۱۲۶۹ق) و میرزا شفیع تبریزی معروف به ثقة الاسلام و میرزا محمد باقر اسکویی (م ۱۳۰۱ق) بزرگ خاندان احقاقی است.<sup>۳</sup>

#### مبنای فکری عقاید احسائی

بدیهی است که در مذهب شیعه، منابع اصلی معارف و عقاید اسلامی، قرآن، سنت پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد. نیز راه‌دستیابی به سنت و سیره معصومان علیهم‌السلام منحصر در روایاتی است که در کتب روایی معتبر، بیان شده و عالمان شیعه با دقت نظر و ریزبینی و بر پایه استدلال از این مجموعه گران‌سنگ، معارف فراوانی را استخراج کرده‌اند. این، مسیر روشنی است که عقل و عقلا و نیز سیره‌علما آن را تأیید می‌کند. شیخ احمد احسائی گرچه عنایت ویژه‌ای به روایات معصومان علیهم‌السلام داشت؛ ولی درباره دست‌یابی به کلام معصوم علیهم‌السلام شیوه جدیدی را ابداع کرد. او مدعی شد که از راه مکاشفه و ارتباط با ائمه علیهم‌السلام در عالم خواب، حقایقی را بی‌واسطه از ایشان می‌گیرد. وی از رؤیایی در دوران تحصیل خود یاد کرده که ضمن آن، شخصی دو آیه قرآن را برای او تفسیر می‌کند و سرآغاز تحولی شگرف در زندگی او می‌شود. پس از آن، او از یک سلسله از رؤیاهای به فرزندش خبر داده که در ضمن آن‌ها پاسخ مسائل خود را از ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌گرفته و در بیداری به درستی و مطابقت آن‌ها با احادیث پی می‌برده است.

۱. ر.ک: فرهنگ فرق اسلامی، ص ۲۶۶ - ۲۶۸؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۱۰، ص ۱۹۱.

۲. او همان کسی است که حکم تکفیر و اعدام علی محمد شیرازی را در تبریز صادر کرد و برائت شیخیه آذربایجان را از بدعت باب اعلام نمود. ر.ک: بهائیان، ص ۲۴۷.

۳. فرهنگ فرق اسلامی، ص ۳۵.

احسائی با این دیدگاه، پای استدلال را در مطالب علمی بست و بدون اقامه دلیل، ادعاهای خود را نشر داد. وقتی در مباحث علمی به آرای وی ایرادی وارد می‌شد می‌گفت: «در طریق من مکاشفه و شهود است، نه برهان و استدلال».<sup>۱</sup> بدیهی است که چنین شیوه‌ای در مباحثات علمی، جایگاهی ندارد و از نظر عقل و نقل مردود و موجب انحراف و سقوط است و چه بسا سر از شرک و کفر در آورد!!

#### عقائد شیخیه

شیخ احمد احسائی و شاگردان او درباره معاد جسمانی و معراج پیامبر ﷺ و مقامات ائمه علیهم السلام و نیز حیات امام زمان علیهم السلام و چگونگی ارتباط با آن حضرت، نظرات خاصی دارند که با عقاید اسلامی، تفاوت دارد.

از آنجا که طرح همه دیدگاه‌های ایشان، از موضوع کتاب بیرون است، در این بخش تنها دیدگاه‌های شیخیه را درباره امام غایب بررسی می‌کنیم.

#### دیدگاه شیخیه درباره امام غایب

شیخ احمد احسائی و پیروانش بر این باورند که امام غایب در عالم دیگری به نام هورقلیا<sup>۲</sup> زندگی می‌کند و راز عمر طولانی او در همین است که با بدنی هورقلیایی و غیرمادی در آن عالم به سر می‌برد و هرگاه بخواهد به این دنیای مادی پا گذارد، صورتی از صورت‌های اهل زمین را می‌پوشد و کسی او را نمی‌شناسد.<sup>۳</sup>

۱. بهائی چه می‌گوید؟، ج ۱، ص ۱۰۹؛ العلامة الجلیل احمد بن زین الدین الاحسایی فی دائرة الضوء، ص ۱۶-۳۳؛ شیخی گری بابی گری، ص ۱۵؛ فصلنامه علمی - ترویجی انتظار موعود، مهدویت و فرقه‌های انحرافی، ش ۲.

۲. هورقلیا از نظر شیخ احمد به معنای عالمی غیر از عالم دنیا (عالم ماده) و بالاتر از آن است. به عبارت روشن‌تر، هورقلیا حد وسط بین عالم دنیا و عالم ملکوت و از جنس عالم مثال است. این ملک محله‌های متعددی دارد که تنها در دو مجله جابرسا و جابلقا میلیون‌ها امت با زبان‌های متفاوت و با بدن مثالی و جسم لطیف به سر می‌برند. جسم لطیف، همان سرشت آدمی است که از آن آفریده شده و همان بدنی است که در قیامت مردگان با آن زنده خواهند شد. (فرهنگ فرق اسلامی، ص ۲۷۰ با تلخیص و تصرف)

۳. جوامع الکلم، ج ۲، قسمت دوم، ص ۱۰۳.



این نظریه، مخالف با اعتقاد شیعه بوده و به دلایل زیر مردود می‌باشد:

۱. ادعای احسانی مبنی بر زندگی امام علیه السلام با بدن هورقلیایی و در عالم هورقلیا بدون پشتوانه عقلی و نقلی است و عمر طولانی امام زمان با بدن مادی و در همین دنیا نیز قابل توجیه است.
۲. بازگشت سخن شیخ احمد احسانی به انکار حیات مادی امام زمان علیه السلام است و در این صورت بین امام حی و امامان گذشته تفاوتی نخواهد بود؛<sup>۱</sup> چون هیچ‌یک بدن مادی ندارند و با جسم لطیف زندگی می‌کنند.
۳. طبق نظریه شیخ، امام زمان بر روی زمین زندگی نمی‌کند و حال آنکه ظاهر آیات و روایات برخلاف این عقیده است، مانند روایاتی که ضرورت وجود حجت الهی را بر زمین در همه زمان‌ها اثبات می‌کند و بقای زمین را بدون ایشان، غیرممکن می‌داند.<sup>۲</sup>

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ بِحُجَّةٍ ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ أَوْ بَاطِنٍ مَغْمُورٍ لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ؛<sup>۳</sup>

آری، این چنین است زمین از قیام کننده به حجت الهی خالی نمی‌ماند که او ظاهر و مشهور است و یا غائب و پنهان؛ تا حجت‌های الهی و بینات او باطل نشود.

#### اعتقاد به رکن رابع

اصول دین در نزد عموم شیعیان پنج اصل توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت است؛ ولی شیخیه کرمانیه معتقدند که اصول دین، ایمان به چهار اصل است: توحید، نبوت، امامت و پس از آن، رکن چهارم ایمان، یعنی شناخت شیعه کامل است که در زمان غیبت، واسطه فیض میان امام غایب و مردم است. او احکام را بی‌واسطه از امام علیه السلام می‌گیرد و به دیگران می‌رساند.<sup>۴</sup> به اعتقاد اینان پیشوایان شیخیه یعنی احسانی و جانشیان او، مصداق شیعه کامل و رکن رابع هستند و تنها کسانی هستند که می‌توانند احکام فقهی را برای دیگران بیان کنند. به همین

۱. زیرا طبق عقیده احسانی، امامان گذشته در عالم برزخ با همین بدن هورقلیایی حیات دارند.

۲. اشاره است به روایاتی که در کتاب الحجة از اصول کافی آمده است.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۲۶، ح ۲، ص ۵۴۵.

۴. فرهنگ فرق اسلامی، ص ۲۶۹.

دلیل، این گروه از شیخیه به اجتهاد و تقلید عقیده‌ای ندارند.<sup>۱</sup>  
 این عقیده باطل، علاوه بر انحراف در رفتار دینی بعضی از شیخیه، بستری مناسب برای ادعای علی محمد شیرازی پدید آورد تا اینکه مدعی باییت و نیابت خاصه امام شد و پس از آن ادعا کرد که همان امام غایب است که وعده ظهورش داده شده است.<sup>۲</sup>  
 ولی از مسلمات مذهب شیعه این است که در زمان غیبت کبرا، باب نیابت خاصه و ارتباط با امام غایب، بسته است<sup>۳</sup> و راه رسیدن به احکام الهی همانا رجوع به عالمان و فقیهان است و آنان بر اساس قرآن و سنت، استنباط کرده، احکام را برای مردم بیان می‌کنند؛ چنانکه در توقیع شریف آمده است:

وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ؛<sup>۴</sup>

و اما در مسائلی که پیش می‌آید، به راویان حدیث ما [= فقها] رجوع کنید که آنان حجت من بر شما هستند و من نیز حجت خدا بر آنهایم.

۱. ر.ک: احقاق الحق، ص ۳۵۶ (صص ۲۸۳-۳۶۳) و بهائیان، صص ۱۱۰-۱۵۲.

۲. در ادامه این گفتار، درباره‌ی علی محمد شیرازی بحث خواهیم کرد.

۳. در آخرین توقیع از امام زمان علیه السلام آمده است: و سیأتی من شیعتی من یدعی المشاهدة، ألا فمن ادعی المشاهدة قبل خروج السفیانی و الصیحة فهو کذاب مفتر. (غیبت طوسی، ص ۳۹۵، ش ۳۶۵). و به زودی می‌آید از شیعیان من کسی که ادعای مشاهده [= نیابت خاصه] دارد. هرآینه هر کس ادعای مشاهده کند قبل از خروج سفیانی و ندای آسمانی، پس او دروغگو و افترا زننده است.

۴. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴، ص ۴۸۵.

## خلاصه درس

- جهل و نادانی مردم، سوء استفاده از علاقه آنان به امام زمان علیه السلام، تحلیل نادرست روایات، دنیاگرایی و تکلیف‌گریزی، نقش مهمی در پیدایش فرقه‌های انحرافی در مهدویت دارد.
- مشکلات و اوضاع نابسامان اجتماعی و دخالت بیگانگان و اباحی‌گری، از جمله عوامل رشد و گسترش فرقه‌ها بوده است.
- تقویت باورهای اسلامی، سامان‌دهی اوضاع جامعه و افشاگری درباره جریان‌های انحرافی و برخورد قاطع با بانیان فرقه‌ها، از بهترین راه‌های مقابله با فرق انحرافی در مهدویت است.
- پیروان شیخ احمد احسائی را شیخیه می‌خوانند. آنان بر این باورند که امام مهدی علیه السلام در عالم هورقلیاست و با جسم هورقلیایی زندگی می‌کند. برخی از آنان، شیعه کاملی را به عنوان «رکن رابع» واسطه امام زمان علیه السلام و مردم می‌دانند. این تفکر نادرست، بستر پیدایش بابیت شد.

### پرسش‌های درس

۱. علل پیدایش فرق انحرافی را توضیح دهید.
۲. راه‌های مقابله با فرقه‌های انحرافی را بیان کنید.
۳. دیدگاه شیخیه درباره امام غایب را بیان و نقد کنید.
۴. رکن رابع چیست؟

### پرسش‌های پژوهشی

۱. فرقه چیست و چه تفاوتی با مذهب دارد؟ تبیین کنید.
۲. نقش تفسیر به رأی در پیدایش فرقه را بررسی کنید.
۳. موضع‌گیری علما درباره شیخ احمد احسائی را بیان نمایید.
۴. دیدگاه شیخیه درباره معاد را بیان کنید.

### منابع بیشتر برای مطالعه و پژوهش

۱. تحقیق در تاریخ و عقاید شیخی‌گری، بابی‌گری و بهایی‌گری، یوسف فضایی.
۲. آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، رضا برنجکار.
۳. بهائیان، سیدمحمد باقر نجفی.
۴. فرهنگ فرق اسلامی، محمد جواد مشکور.
۵. فصلنامه علمی - ترویجی انتظارموعود، شماره های ۱-۶.

## فرقه‌های انحرافی (۲)

### اهداف

۱. آشنایی اجمالی با تاریخچه بابیت و بهائیت
۲. آگاهی از چگونگی پیدایش این فرقه‌ها و نقش استعمار در این زمینه
۳. شناخت دیدگاه کلی بابیت و بهائیت در مهدویت

### فوائد

۱. آگاهی از تعامل فرق انحرافی با استعمار و دولت‌های وابسته به آن
۲. آشنایی با برخی تعالیم و احکام بابیت و بهائیت
۳. شناخت برخی انشعابات این فرقه‌ها و تلاش استعمار در متمرکز کردن آنان

### مطالب آموزشی

- پیدایش بابیت
- علی محمد شیرازی
- ۱. ادعای بابیت
- ۲. ادعای مهدویت
- ۳. ادعای نبوت
- واکنش علما و توبه باب
- أشوب و فتنه بابیان
- واقعه بدشت
- اعدام باب
- احکام باب
- سیر پیدایش و شکل‌گیری بهائیت
- میرزا حسین علی نوری
- ادعاهای میرزا حسین علی نوری
- جانشینان بهاء
- استعمار و فرقه‌های انحرافی
- ۱. روسیه
- ۲. انگلیس
- ۳. آمریکا
- ۴. اسرائیل و یهود
- ۵. رژیم پهلوی و بهائیت
- انقلاب اسلامی و بهائیت
- چرا بهائیت دین نیست؟

### پیدایش باییت

پس از درگذشت سید کاظم رشتی - از بزرگان شیخیه - یکی از شاگردان او به نام علی محمد شیرازی، مدعی جانشینی او شد که با حمایت جمعی از شاگردان رشتی از او، مرحله‌ای جدید و حساس در شکل‌گیری فرقه‌های انحرافی پدید آمد. سرانجام فرقه‌ای به نام «باییت» شکل گرفت که خود بستری آماده برای انحرافی بزرگ‌تر به نام «بهائیت» شد.

### علی محمد شیرازی

علی محمد شیرازی (۱۲۳۵-۱۲۶۶ق) معروف به «باب» که پیروانش او را «حضرت اعلی» و «نقطه اولی» می‌گفتند، فرزند سید محمد رضا بزّاز است. او تحصیلات ابتدایی اش را در زادگاه خود شیراز آغاز کرد و در کودکی نزد «شیخ محمد» معروف به «شیخ عابد» که یکی از شاگردان شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی بود<sup>۱</sup> به تحصیل ادبیات فارسی و عربی و آموزه‌های مکتب شیخیه پرداخت.

وی در بوشهر، علاوه بر تجارت به ریاضت نیز می‌پرداخت. گاهی در هوای گرم تابستان، از ظهر تا عصر، بر بام خانه رو به خورشید، وردهایی می‌خواند.<sup>۲</sup> این گونه ریاضت‌های غیر شرعی، تأثیر زیادی در روحیه او گذاشت و زمینه انحراف اعتقادی او را فراهم ساخت. علی محمد، پس از توقف پنج ساله در بوشهر، به کربلا رفت و در مدت توقف خود در

۱. تلخیص تاریخ نبیل زرندی، ص ۶۳ - ۶۴.

۲. همان، ص ۶۷.

کربلا در زمره شاگردان و مریدان سید کاظم رشتی در آمد و به تفسیر و تأویل آیات قرآن و احادیث و مسائل فقهی به روش شیخیه و نیز آرای شیخ احمد احسائی آگاهی یافت<sup>۱</sup> و مورد توجه و عنایت استادش قرار گرفت. علی محمد شیرازی در سه مرحله، ابتدا مدعی بابت و پس از آن مهدویت، و در نهایت مدعی نبوت و رسالت شد.

### ادعای بابت

پس از انتشار خبر جانشینی علی محمد شیرازی، وی فرصت را غنیمت شمرده، پای را از جانشینی استادش فراتر نهاد و در ابتدای کار، ادعای ذکریت<sup>۲</sup> کرد، سپس با ادعای بابت، خود را «باب» امام دوازدهم شیعیان (یعنی واسطه میان مردم و امام زمان) معرفی نمود. او بر این اعتقاد اصرار داشت که برای پی بردن به اسرار و حقایق بزرگ و مقدس، باید مردم به ناچار از «در» بگذرند و به حقیقت برسند؛ لذا می‌گفت: «مردم، باید به من ایمان آورند، تا به کمک من - که واقف به اسرار هستم - بر آن اسرار دست یابند». او غالباً، حدیث مشهور «أنا مدينة العلم و علی بابها» را می‌خواند و مقصودش این بود که همان گونه که رسیدن به شهر علم پیامبر ممکن نیست، جز به واسطه علی علیه السلام که باب علم پیامبر است، در این زمان نیز تنها راه دستیابی به حقایق، رجوع به اوست که باب امام غایب است.<sup>۳</sup>

او آشکارا می‌گفت: «یا عبادالله! اسمعوا نداء الحجة من حول الباب...؛ ای بندگان خدا! صدای حجت خدا و امام زمان را از طرف «باب» بشنوید».

نقل شده است که علی محمد به یکی از مریدانش گفت که در اذان نماز جمعه شیراز پس از شهادت‌های سه‌گانه چنین بگوید: «أشهد أن علیاً قبل نبیل باب بقیة الله»<sup>۴</sup> که اعتراض و

۱. اسرار الآثار خصوصی، ج ۱، ص ۱۹۲ - ۱۹۳.

۲. به معنای مفسر قرآن بودن است. او بخش‌هایی از قرآن کریم را با روشی که از مکتب شیخیه آموخته بود تأویل کرده، مدعی شد که امام دوازدهم شیعیان، او را مأمور کرده است تا جهانیان را ارشاد کند و همزمان خود را «ذکر» نامید. تلخیص تاریخ نبیل، ص ۱۲۷.

۳. دائرة المعارف الشیعیه العامه، ج ۶، ص ۲۰.

۴. احسن القصص، ذیل آیه ۵۵ سوره یوسف.

۵. یعنی گواهی می‌دهم که «علی قبل از نبیل» باب امام زمان است. (علی قبل از نبیل یعنی «علی محمد» که به حساب ابجد با «علی نبیل» برابر است).

خشم مسلمانان را به دنبال داشت.<sup>۱</sup>

### حروف حی

علی محمد شیرازی توانست در مدت پنج ماه، هجده نفر را که بیشتر آنها از شاگردان سید کاظم رشتی و شیخی مذهب بودند، با خود همراه کند. هر یک از افراد این گروه، در نقطه‌ای به تبلیغ مسلک بابی‌گری پرداخته، جمعی را به آیین‌وی درآوردند. شیرازی به منظور قدردانی، آنان را «حروف حی»<sup>۲</sup> نامید.

### ادعای مهدویت

علی محمد شیرازی، پیش از رفتن به مکه، خود را باب امام می‌خواند و دعوت خود را هم پنهانی انجام می‌داد؛ ولی پس از آنکه از مکه به شیراز بازگشت، هم عنوان خود را عوض کرد و خود را مهدی موعود و همان امام غایب خواند و هم دعوتش را علنی کرد. او آشکارا می‌گفت که من همان مهدی موعودم که هزار سال است در انتظار ظهور او بوده‌اید. مریدان او و به ویژه شاگردان سید کاظم رشتی این ادعای باطل او را نیز تأیید کرده، به او ایمان آوردند؛ چرا که تحت تأثیر سخنان استاد خود، سید کاظم رشتی بودند که پیش از وفات خود بشارت داده بود: «زود است که پس از من، امام غایب، آشکار شود و شاید امام غایب در میان شما باشد». او به پیروانش تأکید می‌کرد که بر یک یک شما لازم است که در شهرها بگردید و ندای امام غایب را اجابت کنید.<sup>۳</sup>

همزمان با ادعای جدید باب، شاگردان سید رشتی در شهرهای مختلف به تبلیغ او پرداخته، مردم را به ظهور امام غایب بشارت می‌دادند. گروهی نیز ندیده و نشناخته مهدویت شیرازی را پذیرفتند و به او ایمان آوردند؛ به ویژه که اوضاع سیاسی اجتماعی زمان قاجار و نابسامانی فراوان در آن زمان، زمینه را برای پذیرش چنین ادعایی مهیا کرده بود.<sup>۴</sup>

۱. تلخیص تاریخ نبیل، ص ۱۲۷.

۲. «حی» به حساب ابجد معادل عدد ۱۸ است.

۳. شیخی‌گری، بابی‌گری، ص ۷۹.

۴. همان، ص ۸۰-۹۰ با تلخیص و تصرف.



## ادعای نبوت

علی محمد شیرازی، به ادعای «باییت» و «مهدویت» اکتفا نکرد و انحراف و گمراهی را به حدی رساند که مدعی نزول کتاب و دین جدید شد و به گمان خود، احکام جاودانه اسلام را با نوشتن کتاب «بیان» نسخ کرد.

وی، در ابتدای کتاب «بیان»، خود را برتر از همه انبیای الهی و مظهر نفس پروردگار معرفی کرد و عقیده داشت که با ظهورش آیین اسلام، منسوخ و قیامت موعود در قرآن، به پا شده است.<sup>۱</sup> بدین ترتیب، علی محمد شیرازی، هر از چند گاهی، ادعاهای خود را به ادعای مقامات بالاتری تغییر می‌داد و سخنان پیشین خود را برای یاران خود تأویل و توجیه می‌کرد.

## واکنش علما و توبه باب

از همان ابتدا که علی محمد شیرازی ادعای باییت کرد، علمای شیعه در برابر انحراف آشکار او موضع محکمی گرفتند که سبب دستگیری او در بوشهر و فرستادنش به شیراز گردید. وی در آنجا تنبیه شد و در برابر امام جمعه شهر، اظهار پشیمانی و توبه کرد. او در مسجد وکیل شیراز بر فراز منبر و در حضور مردم گفت: «لعنت خدا بر کسی که مرا وکیل امام غایب بداند. لعنت خدا بر کسی که مرا باب امام بداند».<sup>۲</sup>

پس از این پشیمانی و توبه، مدتی در شیراز و اصفهان تحت نظر بود و پس از آن برای محدود کردن فعالیت‌های او و طرفدارانش به قلعه‌ماکو و سپس قلعه چهریق تبعید شد؛ ولی در تبعیدگاه، کتاب «بیان» را نوشت و ادعا کرد که به او وحی شده است.

او پس از ناتوانی در اثبات ادعای خود، از سخنان خود اظهار پشیمانی کرد و توبه نامه ای تنظیم نموده، آن را به قصد طلب بخشش، برای شاه ارسال کرد.

در توبه نامه «باب» که نسخه اصلی آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران، نگهداری می‌گردد، خطاب به شاه قاجار نوشته شده است:

اگر کلماتی که خلاف رضای او [یعنی خدا] بود، از قلم [من] جاری شده،  
غرضم عصیان نبوده و در هر حال، مستغفر و تائبم حضرت او را. و این بنده

۱. تلخیص تاریخ نیل، صص ۱۳۰-۱۷۰.

۲. همان، ص ۱۴۱.

را مطلق علمی نیست که منوط به ادعایی باشد و «أستغفرالله ربی وأتوب الیه من أن ینسب إلیّ أمرٌ» [= و طلب بخشش می‌کنم از پروردگام و به سوی او توبه می‌کنم از اینکه امری به من نسبت داده شود].  
و بعضی مناجات و کلمات که از لسان جاری شده، دلیل بر هیچ امری نیست و مدّعی نیابت خاصّه حضرت حجّه‌الله علیه السلام را محض ادعا مبطل<sup>۱</sup> [می‌دانم] و این بنده را چنین ادعایی نبوده و نه ادعای دیگر.<sup>۲</sup>

### آشوب و فتنه بایان

پس از دستگیری باب در اواخر سلطنت محمد شاه قاجار، طرفداران وی اقدام به یک سری آشوب، در کشور از جمله در شهرهای مازندران، نیریز و زنجان کردند که در برخی از این حوادث عده‌ای کشته شده، اموالشان غارت گشت.  
شگفت آن که مریدان علی محمد، در جنگ‌های قلعه طبرسی و زنجان، از مسلمانی دم می‌زدند و نماز می‌گزاردند و از «باییت» علی محمد جانب داری می‌کردند.<sup>۳</sup> گویی، در آن هنگام، هنوز ادعای مهدویت و نبوت وی به آنان نرسیده بود.

### واقعه بدشت

عده‌ای از بایان مجلسی را در بدشت برپا کردند تا راه‌های رهانیدن باب را از قلعه ماکو بررسی کنند که حاشیه‌های پررنگی را به دنبال داشت. قرّة العین<sup>۴</sup> با دسیسه حسین علی نوری با آرایش و بدون حجاب، وارد مجلس شد و نسخ اسلام را اعلام کرد. وی به حاضران گفت:

۱. این آشفتگی عبارات در کلمات باب، امری رایج و شایع بوده است.

۲. کشف الغطاء، ص ۲۰۴-۲۰۵.

۳. تلخیص تاریخ نبیل، ص ۱۶۳ و ۱۹۵.

۴. نام اصلی او زرین تاج و برادرزاده ملا محمد تقی برغانی معروف به شهید ثالث بود. وی دارای حسن و جمال و آشنا به ادبیات و برخی علوم اسلامی و از مریدان سرسخت باب بود. او عده‌ای را مأمور کرد تا عموی خود ملا محمد تقی برغانی را که مخالف با شیخیه و بابی‌ها بود کشتند. وی سرانجام بعد از سوء قصد بایان به ناصرالدین شاه در سال ۱۲۶۸ قمری دستگیر و کشته شد. شیخی‌گری، بابی‌گری و بهائی‌گری، ص ۱۰۸-۱۰۵.

«امروز روزی است که قیود تقالید سابق شکسته شد».<sup>۱</sup> این واقعه سبب جدایی برخی بایبان فریب خورده شده، و حکومت را در برخورد با آنها جدی‌تر کرد.

### اعدام باب

به دلیل بالا گرفتن فتنه بابیه، امیرکبیر مسامحه در کار علی محمد را روا ندید و پس از گرفتن فتوای برخی از علما برای قتل باب، وی را در ملا عام به همراه یکی از پیروانش در شعبان ۱۲۶۶ق در تبریز اعدام کرد و آتش شورش‌ها را فرو نشاند.<sup>۲</sup>

### احکام باب

باب با ادعای پیامبری و دین جدید، احکام و تکالیف تازه‌ای را برای بایبان آورد. مروری کوتاه بر برخی از این تکالیف، مخالفت آشکار این آیین ساختگی را با اسلام و تعالیم آن ثابت می‌کند؛ در حالی که «باب»، خود را موعود اسلام و دینش را در ادامه دین اسلام می‌دانسته است؛ ضمن اینکه با اندک تأملی می‌توان تضاد این احکام را با حکم عقل و عقلا به دست آورد. در این قسمت چند نمونه از آن احکام را می‌آوریم:

۱. درس خواندن و درس دادن در هر رشته و هر علمی حرام است، مگر آنچه خود «باب» نوشته یا در امر ترویج بابیت بنویسند (بیان فارسی، ص ۱۳۰).
۲. به دستور باب باید همه کتاب‌های علمی جهان در هر رشته به کلی از بین برده شود، جز کتاب‌هایی که در ترویج امر او بنویسند (بیان فارسی، ص ۱۹۸).
۳. به دستور باب هر شخص بابی حق ندارد بیش از نوزده جلد<sup>۳</sup> کتاب داشته باشد و اگر

۱. همان، ص ۲۷۱-۲۷۳.

۲. دانشنامه جهان اسلام، ج ۱، ص ۱۸-۱۹.

۳. یکی از ویژگی‌های باب و بایبان این است که به حروف و حساب ابجد اهمیت فراوانی می‌دادند. در این میان عدد ۱۹ نزد آنان مقدس شمرده می‌شود زیرا گروه اولیه‌ای که به علی محمد باب ایمان آورده و دین او را تبلیغ می‌کردند ۱۸ نفر بوده که با باب عدد ۱۹ را تشکیل می‌دادند. آنان برای توجیه این نگاه خود، گفتند آیه «بسم الله الرحمن الرحیم» ۱۹ حرف دارد، تعداد حرف‌اسم‌های پنج تن (محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین)، ۱۹ عدد است، تعداد ملائکه موکل

- تخلف ورزید، باید نوزده مثقال طلا جریمه بدهد (بیان عربی، ص ۴۲).
۴. باب دستور می‌دهد اموال و هرچه را که منسوب به غیر مؤمنان به اوست در هر جا قدرت دارند مصادره کنند (بیان عربی، ص ۱۸).
۵. باب دستور می‌دهد که از مدفوع حیوانات پرهیز نکنند (بیان عربی، ص ۲۸).
۶. باب دستور می‌دهد از سگ و غیر آن پرهیز نکنند (بیان عربی، ص ۴۴).
۷. اگر زن و شوهر نتوانند بچه‌دار شوند، با اذن دیگری می‌توانند با زن یا مرد دیگر ارتباط برقرار کنند تا بچه‌دار شوند (بیان فارسی، ص ۲۹۸).

### سیر پیدایش و شکل‌گیری بهائیت

انحراف بزرگی که علی محمد شیرازی ایجاد کرد، با مرگ او پایان نگرفت؛ بلکه در قالبی دیگر ادامه یافت. برخی از مبلغان بابی‌گری، پس از باب، ادعای جانشینی او را کرده، هریک مردم را به خود می‌خواندند، تا در نهایت، این نزاع و آشفتگی به یک آیین انحرافی جدید به نام بهائیت انجامید. مهم‌ترین بخش اختلاف بر سر جانشینی باب، نزاع دو برادر یعنی میرزا یحیی نوری و میرزا حسین‌علی نوری بود.

### میرزا حسین‌علی نوری کیست؟

میرزا حسین‌علی، ملقب به «بهاء الله» فرزند میرزا عباس نوری مازندرانی بود که در سال ۱۲۳۳ق در تهران متولد شد. اگر چه حسین‌علی در نامه‌اش به ناصرالدین شاه نوشته است: «من تحصیل علم نکرده‌ام و در مدارس وارد نشده‌ام»<sup>۱</sup> ولی به گفته‌ی خواهرش عزیزه خانم نوری، او از ابتدای بلوغ به درس و مشق اهتمام داشته و پس از تحصیل مقدمات ادبیات فارسی و عربی به علم حکمت و مطالب عرفان گرایش یافته است.<sup>۲</sup>

پس از آنکه آوازه دعوت علی محمد باب انتشار یافت، میرزا حسین‌علی در ۲۷ سالگی به او

بر جهنم ۱۹ ملک است، و کلمه «واحد» نیز طبق حساب ابجد ۱۹ می‌باشد. (شمیخی‌گری،

بابی‌گری، بهائی‌گری، ص ۱۳۲)

۱. اقدس، ص ۲۹.

۲. تنبیه الناعمین، ص ۴.

پیوست و به تبلیغ و ترویج بابیت پرداخت. او با تلاش برای رهایی قرّة‌العین<sup>۱</sup> (تنها بانوی عضو حروف حی) از زندان و نیز تأمین مخارج اجتماع بدّشت،<sup>۲</sup> جایگاه بالاتری نزد بابیان یافت. پس از اعدام باب، عموم بابیان به جانشینی «میرزا یحیی نوری» معروف به «صبح ازل» معتقد شدند و برادر بزرگترش حسین علی نوری حدود هجده سال از دستورات میرزا یحیی در ظاهر اطاعت می‌کرد؛ اما در تمام این مدت با زیرکی و سیاست به تحکیم جایگاه خود و تضعیف موقعیت میرزا یحیی همت گماشت. او حتی بسیاری از مخالفان خود را مخفیانه از میان برداشت و این همه در حالی بود که بابی‌ها به دلیل توطئه بر ضد ناصرالدین شاه قاجار به بغداد تبعید شده، در آشفتگی و آوارگی به سر می‌بردند.<sup>۳</sup>

اختلاف جدی میان دو برادر وقتی بود که حسین علی خود را «من یظهره الله» یعنی همان موعودی خواند که باب به ظهور او بشارت داده است. او برخلاف تذکرهاى برادرش بر ادعای خود پافشاری کرد و بعضی از سران بابیه را پیرو خود گردانید. بدین سان بابیان دو دسته شدند؛ بیشتر آن‌ها از صبح ازل پیروی کرده، به ازلیه معروف شدند و گروه کمتری پیرو حسین علی شده و به بهائی معروف گردیدند.

اختلاف بین ازلی‌ها و بهائی‌ها دولت عثمانی را بر آن داشت که آن‌ها را به ادرنه (یکی از شهرهای ترکیه) تبعید کند؛ ولی با بالا گرفتن اختلاف و قتل و کشتار در میان ایشان، دو برادر و پیروانشان را از هم جدا کرد؛ بهاء‌الله و طرفدارانش را به شهر عکا واقع در شمال غربی فلسطین و صبح ازل و پیروانش را به جزیره قبرس فرستاد.

صبح ازل که رفته رفته از پیروانش کاسته می‌شدند با همان اقلیت پیروان تا آخر عمر در قبرس ماند و در سال ۱۳۳۰ در آنجا وفات کرد و ازلیه پس از او رو به ضعف و انقراض نهادند؛ ولی از آن سو، بهاء‌الله به وسیله مکاتبه با ایران، بابیان دیگر را نیز پیرو خود گردانید و به دور از مزاحمت برادر، آیین بهائی را در عکا، استوار کرد.

سرانجام حسین علی نوری در سال ۱۳۰۹ ق در ۷۵ سالگی در اثر بیماری اسهال خونی در

۱. قرّة‌العین به اتهام قتل عمدی مرحوم ملا محمدتقی برغانی قزوینی - که از مخالفان باب بود - به زندان افتاده بود.

۲. پیش‌تر درباره‌ی واقعه بدّشت سخن گفتیم.

۳. تنبیه‌النّائمین، ص ۱۶ و ۱۵.

عکاً درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد که امروز قبله بهائیان است.<sup>۱</sup>

### ادعاهای میرزا حسین علی نوری

باب، در چند جای کتاب بیان، ظهور شخص بزرگی در آینده بسیار دور را پیش‌گویی کرده، با عبارت «من يُظهِرُ الله» یعنی کسی که خدا او را آشکار خواهد ساخت از او خبر داده و بایبان را به اطاعت از او دعوت کرده بود. با اینکه این بشارت در بیان باب به حدود ۲۰۰۰ سال پس از آیین باب مربوط می‌شد، حسین علی نوری پس از حدود ۱۸ سال مدعی مقام «من يُظهِرُ الله» شد و کتاب «اقدس»<sup>۲</sup> را نگاشت.

بهاء الله مدعی شد که پیامبری است که پس از ظهور باب و دین او، بار دیگر آیین جدیدی به نام بهائیت آورده و دین بیان را نسخ کرده است. ولی او به ادعای پیامبری اکتفا نکرد و ادعا کرد که خدا در او تجسم یافته است. او شهر عکاً را زندان و خود را خدای زندانی شمرده و نوشته است: «لا اله الا أنا المسجون الفريد»<sup>۳</sup> یعنی هیچ خدایی جز من که [در عکاً] زندانی شده و یگانه هستم وجود ندارد! او درباره عظمت و بزرگی مقامش نوشته است:

این مقام [یعنی مقام بهاء الله]... همه کارهایش صواب است که خطا در آن نباشد. روی این اصل، اگر او آب را شراب بنامد، به آسمان، زمین بگوید، به نور آتش گوید، حق است و در آن شکی نیست. کسی حق ندارد بر او اعتراض کند... هر که به او اعتراض کند، از کسانی شمرده خواهد شد که به گفتار خدا اعتراض کرده باشد. او هرچه کند - از خوب و بد - سؤال نمی‌شود؛ اما همه شما از همه کردارتان پرسیده خواهید شد... اگر کار صواب را ناصواب شمرده، کفر را ایمان بگیرد، حق با اوست... اگر به سوی راست، چپ اطلاق کند؛ اگر گوید سوی جنوب، شمال است؛ حق با اوست و نباید در گفتار و کردار او شک کرد؛ چون او و کردارش پسندیده و دستورات او مطاع است.<sup>۴</sup>

۱. ماجرای باب و بهاء، ص ۱۲۶-۲۴۰ با تلخیص.

۲. این کتاب شامل احکام و تعالیم اصلی بهائیان است.

۳. کتاب مبین، ص ۳۹۶.

۴. شیخی‌گری، بابی‌گری، بهائی‌گری، ص ۱۸۹.

## جانشینان بهاء

طبق منابع بهائی،<sup>۱</sup> حسین علی نوری پیش از مرگ به جانشینی فرزند بزرگ‌ترش عباس افندی وصیت کرد و فرزند دیگرش محمد علی افندی را به عنوان جانشین عباس افندی قرار داد؛ ولی بلافاصله پس از مرگ بهاء، بین دو برادر اختلاف شد<sup>۲</sup> و این اختلاف به جمعیت بهائی هم کشیده شد. سرانجام عباس افندی بر برادر کوچک‌تر غلبه کرد و رسماً رئیس بهائیان شد.

عباس افندی معروف به عبدالبهاء در سال ۱۲۶۰ق در تهران به دنیا آمد و از سن نه سالگی در تبعیدهای بهاء الله همراه او بود و تجربه‌های لازم را از پدر آموخت. عبدالبهاء در سال ۱۳۲۸ق به مدت سه سال به اروپا و آمریکا رفت که این سفرها بر نگرش و عقاید او تأثیر زیادی داشت و سبب شد تا او مکتب بهاء را با آنچه در غرب تحت عناوین روشنفکری و مدرنیسم و اومانیزم رایج بود، تطبیق دهد. او تعالیمی را به عنوان تعالیم اصلی بهاء مطرح کرد که به تعالیم دوازده‌گانه معروف است.<sup>۳</sup>

پس از عباس افندی، «شوقی افندی» معروف به شوقی ربانی ریاست بهائیان را به عهده گرفت. او نوه دختری عبدالبهاء و ملقب به «ولی امر» بود که مدتی در دانشگاه آکسفورد انگلستان تحصیل می‌کرد؛ ولی در پی مرگ عبدالبهاء، تحصیل او ناتمام ماند.<sup>۴</sup> او با شعار برابری زن و مرد، دستور برداشتن حجاب را صادر کرد و به بهائیان دستور داد تا بی‌حجابی را قبل از هر جای دیگر در ایران ترویج کنند. با توجه به اینکه او به ردائیل اخلاقی آلوده بود،<sup>۵</sup> انتخاب او به رهبری بهائیان موجب اختلاف و انشعاب‌های تازه‌ای در بهائیت شد.<sup>۶</sup>

طبق وصیت عبدالبهاء باید رهبری بهائیت در خاندان شوقی افندی به صورت موروثی باقی می‌ماند؛ اما برخلاف پیش‌بینی بهاء الله و عبدالبهاء، شوقی افندی صاحب فرزند نشد و به

۱. کتاب عهدی، مجموعه الواح بهاء‌الله، ص ۳۹۹.

۲. ر.ک: مکاتیب، ج ۱، ص ۴۴۲ و ۴۴۳.

۳. جامعه بهائی عشق آباد، ص ۱۸۵.

۴. کشف الحیل، ص ۲۱۲.

۵. خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بابی‌گری و بهائی‌گری، ص ۶۱.

۶. انشعاب در بهائیت، ص ۱۵۵.

همین سبب برای اداره جامعه بهائی، تشکیلاتی به نام «بیت العدل» را ایجاد کرد؛ ولی پس از مرگ شوقی به سال ۱۳۷۷ ق بار دیگر اختلاف در رهبری بالا گرفت و با اینکه شوقی، «چارلز میسن ریمی» - فرزند یکی از روحانیون کلیسای ارتدوکس - را به جانشینی خود برگزیده بود، همسر کانادایی شوقی «روحیه ماکسول» به میدان آمد و سبب انشعاب در بهائیت شد. در حال حاضر بهائیت زیر نظر «بیت العدل» که در اسرائیل و در شهر حیفا قرار دارد، اداره می‌شود و هرچند سال یکبار، اعضای آن به وسیله انتخابات تغییر می‌کنند.

### استعمار و فرقه‌های انحرافی

پیدایش فرقه‌ها در هر دوره تاریخی معلول شرایط و عوامل گوناگونی است؛ ولی دلایل سیاسی بیش از عوامل دیگر در شکل‌گیری فرقه‌ها مؤثر بوده است. فرقه‌هایی مانند بابیت و بهائیت نمونه‌های روشنی است که با دخالت مستقیم استعمار تولد و پرورش یافته است. در قرن نوزده میلادی که هر سه امپراتور استعماری انگلیس، روسیه و فرانسه به دنبال سلطه بر کشورهای اسلامی بودند، با هدف شکستن وحدت اسلامی و مقاومت مسلمین و در نهایت، تسلط بر فرهنگ و اقتصاد آنان، به فرقه‌تراشی و مذهب‌سازی روی آوردند. آن‌ها در حجاز، مذهب «وهابیت» و در هند و پاکستان، «قادیانیه» و در ایران، بابیت و بهائیت را ایجاد نموده و حمایت کردند.

امام خمینی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

اسلام و مذهب مقدس جعفری سدی است در مقابل اجانب و عمال دست‌نشانده آن‌ها... و روحانیت که حافظ آن است، سدی است که با وجود آن اجانب نمی‌توانند به نحوی که دلخواه آن‌هاست با کشورهای اسلامی و خصوصاً با کشور ایران رفتار کنند؛ لهذا قرن‌هاست که با نیرنگ مختلف برای شکستن این سد، نقشه می‌کشند؛ گاهی از راه مسلط کردن عمال خبیث خود بر کشورهای اسلامی و گاهی از راه ایجاد مذاهب باطله و ترویج بابیت و بهائیت و وهابیت.<sup>۱</sup>

۱. صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۲۹.



## استعمار و بهائیت

درباره وابستگی جریان انحرافی بهائیت به استعمار روس، انگلیس، صهیونیسم و سپس حمایت‌های آمریکا و نقش آنان در شکل‌گیری، تقویت و تداوم این فرقه، شواهد و اسناد تاریخی متعددی وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

## ۱. روسیه

پس از اعدام باب و شورش‌های بابیان، جریان سوء قصد نافرجام به ناصرالدین شاه قاجار اتفاق افتاد. حسین علی نوری - مؤسس بهائیت - جزء متهمان اصلی این جریان بود که طبق نقل منابع بهائی به سفارت روس پناهنده شد.<sup>۱</sup> وقتی شاه ایران مأموری فرستاد تا بهاء الله را از سفارت روس تحویل بگیرد، سفیر روس از تسلیم او به مأمور شاه، خودداری کرد و بهاء الله را به منزل صدر اعظم فرستاد و به او نوشت که باید بهاء الله را از طرف من پذیرایی کنی و در حفظ این امانت بسیار کوشش نمایی و اگر آسیبی به او برسد و حادثه‌ای رخ دهد، تو مسئول سفارت روس خواهی بود.<sup>۲</sup>

حسین علی نوری نیز این وابستگی را پنهان نکرد و به پاس خدمات روس‌ها، لوح ویژه‌ای درباره امپراتور روسیه صادر می‌کند و می‌نویسد:

ای پادشاه روس! ندای خداوند ملک قدوس<sup>۳</sup> را بشنو و به سوی بهشت بشتاب!... و به تحقیق یکی از سفیرانت مرا یاری کرد؛ هنگامی که در زندان اسیر غل و زنجیر بودم. برای این کار خداوند برای تو مقامی را نوشته است که علم هیچ‌کس بدان احاطه ندارد؛ مبدا این مقام را از دست دهی.<sup>۴</sup>

گفتنی است که دولت روسیه اولین کشوری بود که مرزهای خود را بر روی بهائیان گشود و اولین معبد بهائیان - مشرق‌الاذکار - در شهر عشق‌آباد ایجاد شد.

۱. تلخیص تاریخ نبیل، ص ۶۳۰.

۲. انشعاب در بهائیت، ص ۱۰۳.

۳. منظور حسینعلی بهاء است.

۴. انشعاب در بهائیت، ص ۱۱۵.

## ۲. انگلستان

پس از سقوط روسیه، بهائیت به طور کامل تحت سیطره و بهره‌برداری استعمار انگلیس در آمد. در آن زمان که حسینعلی بهاء - مؤسس بهائیت - در شهر عکا در فلسطین به سر می‌برد با برخورداری از حمایت‌های دولت انگلستان توانست بابی‌ها را سازماندهی کند. پس از او عباس افندی با مسافرت به اروپا به جای روسیه، با انگلستان رابطه ویژه‌ای برقرار کرد و توانست بابی‌ها را سازماندهی کند. در جریان جنگ جهانی اول وقتی نظامیان انگلیسی در شهر حيفا با کمبود شدید آذوقه مواجه شدند، عبدالبهاء در انبارهای آذوقه خود را به روی انگلیسی‌ها باز کرد و راه را برای تسلط ارتش انگلیس و مقدمات تشکیل یک دولت یهودی در فلسطین هموار کرد. در مقابل این خدمت - و خیانت به جهان اسلام - طی مراسمی لقب «سیر» و نشان «نایت هود» که بزرگ‌ترین نشان خدمت‌گزاری به انگلیس است به وی داده شد.<sup>۱</sup> عبدالبهاء این سرسپردگی به بیگانگان را چنین بیان کرده است:

خدایا!... حمد و ثنا می‌کنم به تو برای وجود این سلطنت عادلانه... بار الها!  
امپراطور اعظم جرج پنجم انگلیس را با توفیقات رحمانیه خود تایید کن و  
سایه‌اش را بر این سرزمین فلسطین همیشگی و جاودانه دار...<sup>۲</sup>

پس از عبدالبهاء، شوقی افندی نیز در جهت اهداف سیاسی انگلیس راه سلطه آن‌ها را بر آفریقا باز کرد و در برابر، مشرق‌الاذکاری در پایتخت اوگاندا برای بهائیان برپا شد.<sup>۳</sup>

## ۳. آمریکا

سومین دولت استعماری که بهائیت در طول تاریخ خود، پیوندی عمیق با آن داشته و دارد، ایالات متحده آمریکاست. علاقه و دلدادگی رهبران اصلی این فرقه به این کشور یکی از شواهد وابستگی آن‌ها به این دولت استعماری و ضد اسلامی است.

در سفری که عبدالبهاء در اواخر عمر خود به آمریکا داشت خطاب به سران آمریکائی

می‌گوید:

۱. بهائیان، ص ۶۴۶ و مزدوران استعمار در لباس مذهب، ص ۱۶۵.

۲. مکاتیب، ج ۳، ص ۳۴۷.

۳. همان، ص ۴۸.

امشب من نهایت سرور را دارم که در چنین مجمع و محفلی وارد شدم. من شرقی هستم، الحمد در مجلس غرب حاضر شدم و جمعی را می‌بینم که در روی آنان، نور انسانیت در نهایت جلوه و ظهور است... ممکن است ملت شرق و غرب متحد شوند و ارتباط تام میان آمریکا و ایران حاصل گردد.<sup>۱</sup>

عباس افندی، به این تعریف و تمجیدها اکتفا نکرده، آمریکائیان را به سرمایه‌گذاری در ایران دعوت می‌نماید و مسیر را برای نفوذ و سلطه‌آنها هموار می‌کند:

از برای تجارت و منفعت ملت آمریکا، مملکتی بهتر از ایران نه! چه این که مملکت ایران، مواد ثروتش در زیر خاک پنهان است؛ امیدوارم ملت آمریکا سبب شوند آن ثروت ظاهر شود.<sup>۲</sup>

این بیانات به ظاهر زیبا و فریبنده، نشان از خیانت بزرگ سران بهائی به ایران و ایرانی است که استعداد و توانایی ملتی بزرگ و مؤمن در مسیر شکوفایی اقتصادی را انکار کرد، و آشکارا بیگانگان را به غارت و چپاول منافع آنها فرا می‌خواند؛ چنان که در همان زمان، نبیل الدوله منشی عباس افندی و یکی از رؤسای بهائیت در آمریکا نقش مهمی در اعزام «شوستر» مستشار آمریکایی به ایران داشت و به این شکل، پای کمپانی‌های آمریکائی را به ایران باز کرد.<sup>۳</sup>

آمریکا نیز در برابر، عناصر بهائی را در دوره پهلوی به منصب‌های عالی نظیر نخست وزیر و وزارت‌های گوناگون رساند و با رابطه نزدیکی که با بهائیت ایجاد کرد، سلطه استعماری خود را بر ایران گسترش داد.<sup>۴</sup> ایالات متحده پس از انقلاب اسلامی نیز پیوسته از بهائیان حمایت کرده و می‌کند و با کمک سایر غربی‌ها و فشار بر ایران، خواستار به رسمیت شناختن این فرقه انحرافی به عنوان یک دین الهی از سوی جمهوری اسلامی ایران است.<sup>۵</sup>

#### ۴. اسرائیل غاصب و یهود

حمایت‌های یهودیان از بهائیت، چنان است که باید گفت از عوامل مهم شکل‌گیری و

۱. خطابات عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۳.

۲. همان، ص ۳۲-۳۳.

۳. بررسی مناسبات ایران و آمریکا، ص ۱۵۵.

۴. ر.ک به: ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۳۷۶.

۵. ر.ک: بهائیت در ایران، ص ۱۵۰.

گسترش باییت و بهائیت، یهود و صهیونیسم است. در بررسی‌های تاریخی نمونه‌های فراوانی از گرایش یهودیان تازه مسلمان به فرقه باییت مشاهده می‌شود که به مروّجان اولیه بابی‌گری و عناصر مؤثر در رشد و گسترش آن تبدیل شدند.<sup>۱</sup>

یکی از محققان در حوزه بهائیت معتقد است:

بیشتر بهائیان ایران یهودیان و زردشتیان هستند و مسلمانانی که به این فرقه گرویده‌اند در اقلیت می‌باشند. اکنون سال‌هاست که کمتر شده مسلمانانی به آن‌ها پیوسته باشد.<sup>۲</sup>

گفتنی است که پیوند بیشتر و آشکارتر بهائیان و یهود به سال ۱۸۶۸م برمی‌گردد که حسینعلی نوری (بهاء) - مؤسس بهائیت - و همراهانش به بندر عکا در فلسطین منتقل شدند و زمینه مناسبی برای نزدیکی و همکاری بیشتر بهائیان و کانون‌های صهیونیستی فراهم شد و در دوره عبدالبهاء به مشارکت جدی بهائیان در تأسیس دولت غاصب اسرائیل منتهی شد.<sup>۳</sup>

عباس افندی به یکی از خاندان‌های یهودی که بهائی شدند چنین بشارت می‌دهد:

اینجا فلسطین است، اراضی مقدسه است؛ عن قریب [= به همین زودی] قوم یهود به این اراضی بازگشت خواهند نمود، سلطنت داودی و حشمت سلیمانی خواهند یافت.<sup>۴</sup>

شوقی افندی نیز در ۹ ژانویه ۱۹۵۱ طی تلگرافی از به وجود آمدن اسرائیل استقبال کرد<sup>۵</sup> و در پیام تبریک نوروز به بهائیان نوشت:

مصدق وعده‌الهی به فرزندان خلیل و وارثان موسی کلیم، دولت اسرائیل در ارض قدس، مستقر شده است.<sup>۶</sup>

بهائیان در جریان جنگ اعراب و اسرائیل و نیز پس از آن تا امروز همواره از اسرائیل حمایت

۱. جریان‌شناسی بهائیت، ص ۵۴.

۲. ر.ک: انشعاب در بهائیت، ص ۳۰.

۳. فصلنامه تاریخ معاصر، ش ۷؛ جستارهای از تاریخ بهائی‌گری در ایران، ص ۲۸.

۴. خاطرات حبیب، ص ۲۰.

۵. انشعاب در بهائیت، ص ۱۶۹.

۶. بهائیان، ص ۶۶۸.

مادی و معنوی کرده‌اند<sup>۱</sup> و اسرائیل هم برای قدردانی از بهائیان و نیز بهره‌برداری بیشتر از آن‌ها در جهت منافع خود، بهائیت را به عنوان مذهبی الهی به رسمیت شناخت و املاک و اموال پیروان این فرقه را از مالیات‌ها و عوارض معاف کرده است. گفتنی است که اماکن به اصطلاح زیارتی بهائیت در فلسطین اشغالی و به خصوص شهرهای عکا و حیفا واقع شده و مرکز فرقه بهائیت (بیت العدل اعظم) نیز در همان جا بر پا است.

#### ۵. رژیم پهلوی و بهائیت

از جمله خیانت‌های بزرگ پهلوی اول و دوم، روابط نزدیک و همه جانبه با مذهب انحرافی بهائیت است. براساس اسناد تاریخی، این بهائیت بود که رضا خان را برای کودتای انگلیس سال ۱۲۹۹ شناسایی و معرفی کرد و در مقابل رضاخان نیز به انگلیسی‌ها تعهد داد که دست بهائیان را در ایران بازگذارد.<sup>۲</sup> بدین‌سان بهائیان سازمان‌هایی مانند ارتش، راه‌آهن، اداره دخیانیات و آموزش و پرورش و بسیاری از منصب‌های مهم را در دست داشتند.

این روند در دوره حکومت پهلوی دوم به اوج خود رسید و با روی کار آمدن «حسنعلی منصور» برای نخستین بار پای بهائیان به کابینه وزیران ایران باز شد. پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بالأخره در دو دهه آخر سلطنت محمدرضا پهلوی، بهائیان بالاترین مقامات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ایران را اشغال کردند؛ به طوری که عباس هویدا به مدت چهارده سال نخست وزیر ایران شد و در کابینه، نه وزیر بهائی حضور داشتند.<sup>۳</sup> همچنین عبدالکریم ایادی، عنصر مشهور بهائی، در مقام پزشک مخصوص شاه و رئیس بهداری ارتش، نفوذی کامل در دربار پهلوی یافت و به تنهایی بیش از هشتاد شغل مهم برای خود فراهم کرده بود. فردوست درباره نفوذ ایادی می‌گوید:

نمی‌دانم در این دوران آیا ایادی بهائی بر ایران سلطنت می‌کرد یا محمدرضا پهلوی؟ تمام ایرانیان رده بالا - چه در ایران باشند و چه در خارج - خواهند

۱. رک: تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، ج ۱، ص ۳۲۲؛ مقاله «علمای شیعه، جنبش صهبونیسیم و اسرائیل»، مجله الکترونیکی تاریخ معاصر ایران، ش ۴، تیرماه ۱۳۸۵.  
 ۲. رک به: فصلنامه تاریخ معاصر، ص ۷، مقاله «جستارهایی از تاریخ بهائی‌گری در ایران»، ص ۲۸؛ بهائیت و رژیم پهلوی، ویژه‌نامه ایام، ش ۲۹.  
 ۳. نقش هویدا در تحولات سیاسی اجتماعی ایران، ص ۱۶۴.

پذیرفت که سلطان واقعی ایران، ایادی بود.<sup>۱</sup>

یکی از گروه‌های بهائی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل اطلاع از عمق فجایع عناصر بهائی دربار شاه از تشکیلات بهائیت جدا شدند و از زبان اسدالله مبشری وزیر دادگستری وقت در نشریه خود، چنین فاش کردند:

تیمسار ایادی، پزشک خصوصی شاه، برای سازمان سیا جاسوسی می‌کرده است و ماموریت داشته که اگر شاه قدمی برخلاف منافع آمریکا بردارد، او را به قتل برساند.<sup>۲</sup>

آری؛ حمایت‌های پهلوی از بهائیت، زمینه‌های لازم را برای ترویج این فرقه انحرافی فراهم ساخت و تنها کشور شیعی جهان را به مهم‌ترین پایگاه بهائیان تبدیل نمود. در مقابل، بهائیت نیز به رغم ادعای غیرسیاسی بودن، همیشه و همه‌جا با سیاست‌های ضد مذهبی و ضد ملی رژیم همچون تأیید انقلاب سفید شاه و همکاری با ساواک و عضویت در حزب رستاخیر، هماهنگ بود.<sup>۳</sup>

### انقلاب اسلامی و بهائیت

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بزرگ‌ترین ضربه به بهائیت و حامیان داخلی و خارجی آن بود؛ زیرا با توجه به افشای اسناد خیانت، جاسوسی و توطئه‌های شوم آنان بر ضد اسلام و ایران، نه تنها نظام اسلامی برای بهائیت هیچ‌گونه رسمیتی قائل نشد، بلکه هرگونه فعالیت تشکیلاتی آن را ممنوع کرد و عناصر بهائی را از منصب‌های دولتی برکنار نمود. تا راه نفوذ بیگانگان و عوامل ایشان را ببندد.

مطابق اسناد به دست آمده از لانه جاسوسی آمریکا، با سقوط رژیم پهلوی، بهائیت با شدیدترین بحران حیات خود روبرو شد و به قول سخن‌گوی بهائیان به حال مرگ افتاد.<sup>۴</sup> و به دلیل اثبات خیانت عده‌ای از سران بهائی به نفع نظام شاهنشاهی و حامیان بیگانه‌اش، تعدادی

۱. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۲۰۲.

۲. بهائیت در ایران، ص ۲۷۴.

۳. تاریخ قیام پانزدهم خرداد به روایت اسناد، ج ۱، ص ۳۲۶.

۴. ر.ک: اسناد لانه جاسوسی، شماره ۷۳، ص ۲۰۱.

از آن‌ها پس از محاکمه، به حبس و اعدام محکوم شدند. بسیاری از بهائیان هم در سال‌های آغاز انقلاب به صورت غیرقانونی از ایران اسلامی گریختند و به انگلیس، آمریکا، فرانسه و... پناهنده شدند.<sup>۱</sup>

البته عناصری از بهائیت هم مخفیانه به فعالیت خود ادامه می‌دهند و با توجه به وابستگی آن‌ها به بیگانگان، مورد حمایت‌های گسترده سیاسی و تبلیغاتی و اقتصادی آنان هستند. گفتنی است که به برکت انقلاب اسلامی، بسیاری از بهائیان که از اقشار محروم و بی‌اطلاع از ماهیت حقیقی بهائیت بودند، متوجه فریب‌کاری سران این فرقه شده، دست از بهائیت کشیدند و به اسلام بازگشتند. عده‌ای از آنان نیز با عنوان جنبش آزادی‌بخش بهائیان ایران (جابا) به مخالفت علنی با بهائیت پرداخته، از خیانت‌عناصر بهائی در دوران ستم‌شاهی انتقاد کردند.<sup>۲</sup>

#### چرا بهائیت، دین نیست؟

ممکن است گفته شود همان‌طور که تا زمان اسلام و در مقاطع مختلف حیات بشری، دین‌های متعددی به وسیله پیامبران خدا معرفی و تبلیغ شده است، بهائیت هم می‌تواند دینی دیگر از سلسله ادیان باشد که پس از اسلام، ظهور کرده است. در پاسخ می‌گوئیم: دین الهی و پیامبر آسمانی تنها با ادعا ثابت نمی‌شود؛ بلکه معیارها و ملاک‌هایی برای حقانیت یک دین و پیامبر آن وجود دارد که مطابق آن ملاک‌ها، بهائیت نه تنها یک دین جدید نیست، بلکه حتی به عنوان یک فرقه مذهبی که از دین اسلام، منشعب شده باشد نیز شناخته نمی‌شود.

مهم‌ترین معیار حقانیت دین، آن است که بنیادی الهی و آسمانی داشته باشد، نه اینکه زمینی و بشری و ساخته افکار انسانی باشد. الهی بودن دین نیز با نظام اعتقادی و عبادی و هماهنگی و انسجام تعالیم آن و نیز پیوند روشن با ادیان گذشته و معجزه آشکار پیامبر آن، ثابت می‌شود. در یک بررسی ابتدایی و مطالعه سطحی در آیین بهائیت، معلوم می‌شود که بهائیت، دین نیست بلکه یک آیین جعلی و ساختگی است که برای نابودی اسلام و مسلمین و فراهم آوردن

۱. «احتضار بهائیت»، روزنامه کیهان ۱۶/۱۰/۱۳۸۶.

۲. بهائیت در ایران، ص ۲۷۴.

زمینه سلطه استعمار، پدید آمده است.

بسیاری از احکام و تعالیم بهائیت مانند نفی حجاب از زنان و ازدواج با محارم در تضاد با اسلام و نیز عقل سلیم و سرشت آدمی است. مهم‌تر اینکه نظام اعتقادی آن براساس شرک و نفی توحید و صفات توحیدی است و نه تنها از ادیان گذشته الهی مؤیدی ندارد که در نقطه مقابل خاتمیت اسلام و پیامبر مکرم صلی الله علیه و آله و قرآن کریم است<sup>۱</sup> و این بهترین دلیل بر جعلی بودن بهائیت و باطل بودن این فرقه استعماری است.

اضافه کنید بر این‌ها، ادعاهای متناقض رهبران باب و بهاء را که در این بخش خواندید که از ادعای بایبیت امام زمان شروع شده و به ادعای مهدویت و رسالت و الوهیت می‌انجامد. البته در تمام این مراحل و به ویژه در رتبه پیامبری و خدایی، به ارتباط آشکار و پنهان با دشمنان خدا و دین خدا و اسلام و مسلمین یعنی کشورهای استعمارگر شرق و غرب، می‌انجامد و باب و بهاء را رسوای عالم و آدم می‌سازد.

۱. خاتمیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در آیه ۴۰ از سوره احزاب و نیز روایات متواتر مانند «حدیث منزلت» تصریح شده و در کتاب‌های اعتقادی در بخش نبوت، به روشنی تبیین گردیده است.



## خلاصه درس

- علی محمد شیرازی بنیان‌گذار فرقه بابیت است. او ابتدا ادعای «باب» بودن امام زمان عجل الله فرجه را کرد، سپس مدعی مهدویت شد. وی در اثر واکنش علما توبه کرد؛ ولی پس از مدتی با ادعای نبوت، توبه خود را شکست و مدعی آوردن کتاب و احکام جدید شد.
- پس از حدود هیجده سال از اعدام باب، میرزا حسین علی نوری ملقب به بهاء الله با ادعای «من یظهره الله» بودن و سپس نبوت، آیین جدید بهائیت را بنیان گذاشت. پس از وی فرزندش، عبدالبهاء و سپس شوقی افندی و اکنون بیت العدل، رهبری بهائیان را به عهده دارند.
- استعمار روس، انگلیس و آمریکا و رژیم اشغال‌گر قدس، نقش اساسی در پیدایش و گسترش بهائیت داشتند.
- رژیم پهلوی همکاری فراوانی با بهائیان داشت و با پیروزی انقلاب اسلامی بهائیت با شدیدترین بحران در حیات خود روبرو شد.
- از آنجا که بهائیت آیینی ساخته بشر و فاقد بنیادی الهی است، از انسجام درونی بی‌بهره بوده، پیوندی با سایر ادیان الهی ندارد و دین و مذهب الهی به شمار نمی‌آید.

### پرسش‌های درس

۱. ادعاهای علی محمد شیرازی را توضیح دهید.
۲. چند مورد از احکام و تعالیم باب را ذکر کرده و تضاد آن را با اسلام بیان کنید.
۳. نقش عبدالبهاء را در گسترش بهائیت ترسیم کنید.
۴. چگونگی فعالیت بهائیان در ایران قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را توضیح دهید.

### پرسش‌های پژوهشی

۱. چرا بابیت و بهائیت دین و یا فرقه اسلامی نیست؟ توضیح دهید.
۲. دیدگاه پیروان بابیت و بهائیت درباره ادعاهای متفاوت باب و بهاء را بیان و نقد کنید.
۳. دیدگاه بابیان و بهائیان درباره عصمت پیامبران و ختم نبوت را بررسی و نقد نمایید.
۴. نقش علما و حاکمان درباره فرقه بابیت را تشریح کنید.
۵. شگردها و ابزار جذب مخاطب توسط فرقه‌های بابیت و بهائیت را تبیین کنید.

### منابع بیشتر برای جهت مطالعه و پژوهش

۱. کشف الغطاء، ابوالفضل گلپایگانی.
۲. کشف الحیل، عبدالحسین آیتی.
۳. بهائیان، سید محمد باقر نجفی.
۴. تلخیص تاریخ نیل زرنندی، اشراق خاوری.
۵. شیخی‌گری، بابی‌گری و بهائی‌گری، یوسف فضایی.
۶. تاریخ جامع بهائیت، بهرام افراسیابی.
۷. بهائیت در ایران، سید سعید زاهد زاهدانی.
۸. انشعاب در بهائیت، اسماعیل رائین.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. عهدین، کتاب مقدس یهود و مسیحیت
۴. آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، تهران، بی تا.
۵. آیتی، عبدالحسین، کشف الحیل، تهران، ۱۳۲۶ش.
۶. ابن خلدون، عبدالرحمن، تاریخ ابن خلدون، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم، بی تا.
۷. ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل ابی طالب، قم، انتشارات علامه، ۱۳۷۹ش.
۸. ابن طاووس، علی بن موسی، جمال الاسبوع، قم، انتشارات رضی، بی تا.
۹. ———، مهج الدعوات و منهج العنايات، انتشارات آفاق، بی تا.
۱۰. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۹ش.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق.
۱۲. احسانی، شیخ احمد، جوامع الکلم، تبریز، ۱۲۷۳ق.
۱۳. اختریان، محمد، نقش هویدا در تحولات سیاسی اجتماعی ایران، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۵ش.
۱۴. امام خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم، انتشارات دار العلم، چاپ نهم، ۱۳۸۰ش.
۱۵. ———، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۵ش.
۱۶. امامی کاشانی، محمد، خط امان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۱۷. امینی، عبدالحسین، الغدیر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، سال ۱۳۶۶ش.

۱۸. انصاری، فرشته، *فتنه باب در زنجان*، تهران، نشر نیکان، سال ۱۳۸۲ش.
۱۹. باب، علی محمد، *دلائل سبعه*، نسخه خطی.
۲۰. برنجکار، رضا، *آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی*، قم، نشر کتاب طه، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۹ش.
۲۱. پورسید آقایی، سید مسعود، و دیگران، *تاریخ عصر غیبت*، قم، انتشارات حضور، سال ۱۳۷۹ش.
۲۲. تنکابنی، میرزا محمد، *قصص العلماء*، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة، سال ۱۳۶۴ش.
۲۳. توفیقی، حسین، *آشنایی با ادیان بزرگ*، تهران، سمت، سال ۱۳۷۴ش.
۲۴. تهرانی، جواد، *بهایبی چه می گوید*، مشهد، چاپخانه خراسان، چاپ دوم، ۱۳۴۱ش.
۲۵. جاسم حسین، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم*، تهران، امیرکبیر، سال ۱۳۷۷ش.
۲۶. جمعی از نویسندگان، *امام مهدی در احادیث شیعه و سنی*، قم، نشر بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، چاپ سوم ۱۳۸۷ش.
۲۷. جمعی از نویسندگان، *پیش‌گوئی‌ها و آخرالزمان*، تهران، نشر موعود عصر، سال ۱۳۸۵ش.
۲۸. جمعی از نویسندگان، *دائرة المعارف تشیع*، تهران، انتشارات حکمت، سال ۱۳۹۰ش.
۲۹. جمعی از نویسندگان، *زیر نظر غلامعلی حداد عادل، دانش‌نامه جهان اسلام*، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۳۰. جمعی از نویسندگان، *گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۸ش.
۳۱. جهان بزرگی، احمد، *تحول نظریه دولت در اسلام*، قم، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، بی تا.
۳۲. حایری اسکویی، میرزا موسی، *احقاق الحق در رد اتهام و رفع ابهام*، تهران، انتشاران روشن ضمیر، ۱۳۸۵ش.
۳۳. حسینی طباطبایی، مصطفی، *ماجرای باب و بهاء*، تهران، انتشارات روزنه، سال ۱۳۷۹ش.
۳۴. حقیقت‌جو، علی، *بہائیت و رژیم پهلوی*، ویژه‌نامه ایام.
۳۵. خاوری، اشراق، *تلخیص تاریخ نبیل زرنندی*، تهران، ۱۳۲۸ش.
۳۶. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۹۹۸م.
۳۷. راثین، اسماعیل، *انشعاب در بہائیت*، مؤسسه تحقیقی راثین.
۳۸. راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۳۹. رجبی، محمدحسن، *علمای شیعه جنبش صهیونیسم و اسرائیل*، مجله الکترونیکی تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۵ش.

۴۰. روحانی، سید ضیاءالدین، *مزدوران استعمار در لباس مذهب*، قم، انتشارات نسل جوان، چاپ سوم ۱۳۴۵ق.
۴۱. روزبهانی بروجردی، علی رضا، *در جستجوی حقیقت*، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۳۸۸ش.
۴۲. زاهد زاهدانی، سعید، *با همکاری سلامی، محمدعلی، بهائیت در ایران*، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۸ش.
۴۳. شهبازی، عبدالله، *جستارهایی از تاریخ بهائی گری در ایران*، فصلنامه تاریخ معاصر.
۴۴. شیخ انصاری، مرتضی، *قضا، و شهادت*، قم، کنگره شیخ اعظم انصاری، ۱۳۷۴ش.
۴۵. \_\_\_\_\_ *مکاسب محرمة*، قم، لجنة تحقیق تراث الشیخ الاعظم، ۱۴۲۰ق.
۴۶. شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمة*، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۴۷. \_\_\_\_\_ *معانی الاخیار*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ش.
۴۸. \_\_\_\_\_ *من لا یحضره الفقیه*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۴۹. \_\_\_\_\_ *ابو جعفر محمد بن علی، امالی*، تهران، کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ق.
۵۰. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، *اختیار معرفة الرجال*، قم، بعثت، ۱۴۰۴ق.
۵۱. \_\_\_\_\_ *کتاب الفیئة*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ دوم ۱۴۱۷ق.
۵۲. \_\_\_\_\_ *النهاية و نکتها*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۲ق.
۵۳. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الفصول المختاره*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۵۴. \_\_\_\_\_ *المقنعة*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۵۵. صابری همدانی، احمد، *الهدایة الی من له الولاية*، قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
۵۶. صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر*، قم، مؤسسه حضرت معصومه، ۱۴۱۹ق.
۵۷. صدر، سید محمد، *تاریخ غیبت صغری*، قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۲۷ق.
۵۸. صفار قمی، محمد بن حسن بن فروخ، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، منشورات مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۵۹. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی، *الاحتجاج*، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۶۰. عباس افندی، عبدالبهاء، *خطابات*، مصر، مؤسسه ملی نشر آثار امری، ۱۹۲۱ق.
۶۱. عباس افندی، عبدالبهاء، *مکاتیب*، مصر، ۱۳۴۰ق.
۶۲. عبداللهی، عبدالکریم، *اندیشه و مبانی مبارزات روحانیت شیعه*، تهران، نشر نیک، ۱۳۷۱ق.
۶۳. عطایی کوزانی، علی، *راز و رمز پنهانی*، قم، نشر مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۱ق.
۶۴. علی محمدی، حجت الله، *سیر تحول اندیشه ولایت ققیه در اندیشه شیعه*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۶۵. فاضل مازندرانی، اسد الله، *ظهور الحق*، تهران، چاپخانه آزرندگان، ۱۳۲۲ش.
۶۶. \_\_\_\_\_ *اسرار الآثار*، تهران، مؤسسه ملی مطبوعات امری.
۶۷. فردوست، حسین، *ظهور و سقوط دولت پهلوی*، تهران، انتشارات اطلاعات.
۶۸. *فصلنامه علمی - ترویجی انتظار موعود*، مرکز تخصصی مهدویت.
۶۹. فضایی، یوسف، *شیخی گری، بابی گری، بهائی گری*، تهران، آشیانه کتاب، ۱۳۸۱ش.
۷۰. قاسمی، محمدعلی، *فقیهان امامی و عرصه های ولایت فقیه*، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۷۱. کشی، محمد بن عمر، *رجال*، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
۷۲. کفعمی، ابراهیم بن علی، *البلد الامین*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۵ق.
۷۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.
۷۴. گلپایگانی، سید محمدرضا، *الهدایة الی من له الولاية*، قم، دار القرآن، سال ۱۳۸۳ش.
۷۵. گلپایگانی، میرزا ابوالفضل، *کشف الغطاء*.
۷۶. مؤید، حبیب، *خاطرات حبیب*، مؤسسه ملی مطبوعات امری.
۷۷. مامقانی، عبدالله، *تنقیح المقال*، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۳۱ق.
۷۸. مجتهدی، مرتضی، *صحیفه مهدیه*، قم، دارالثقلین، ۱۳۷۹ش.
۷۹. مجلسی، محمدتقی، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۸۰. مجله حوزة، ش ۷۱.
۸۱. محدث قمی، شیخ عباس، *منتهی الآمال*، قم، مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۸ش.
۸۲. محدث نوری، حاج میرزا حسین، *نجم الثاقب*، قم - انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۷۸ش.
۸۳. محقق کرکی، *الرسائل*، قم، نشر مکتبه آیت الله نجفی مرعشی، ۱۴۰۹ق.
۸۴. محمدعلی اسبر، *العلامة الجلیل احمد بن زین الدین الاحسانی فی دائرة الضوء*، بیروت، دار الاصاله، ۱۴۱۳ق.
۸۵. محمدی ری شهری، محمد، *برکات سرزمین وحی*، انتشارات مشعر، ۱۳۸۰ش.
۸۶. محمودی، علی رضا، *جریان شناسی بهائیت (پرسش و پاسخ دانشجویی)*، قم، نشر معارف، ۱۳۸۹ش.
۸۷. مدرسی، مرتضی، *شیخی گری بابی گری*، تهران، فروغی، چاپ دوم، ۱۳۵۱ش.
۸۸. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، *تاریخ قیام پانزدهم خرداد*.
۸۹. مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، *بازتاب اندیشه در مطبوعات در ایران*، ش ۶۳.
۹۰. مشکور، محمد جواد، *فرهنگ فرق اسلامی*، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ ششم، ۱۳۸۷ش.
۹۱. مکارم، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.

۹۲. ممدوحی، حسن، حکمت حکومت فقیه، قم، بوستان کتاب.
۹۳. موچانی، سید علی، بررسی مناسبات ایران و آمریکا، تهران، تهران وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵ش.
۹۴. موزان مؤمن، جامعه بهائی عشق آباد.
۹۵. موسوی اصفهانی، محمدتقی، مکمال المکارم، ترجمه سید مهدی حایری قزوینی، قم، نشر ایران نگین، ۱۳۸۱ش.
۹۶. موسوی، سیدرضی، شرق شناسی و مهدویت، دفتر اول، قم، نشر بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۹ش.
۹۷. مهدی، فضل الله، خاطرات زندگی صبحی و تاریخ بایگری و بهائیگری، به کوشش سید هادی خسروشاهی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶ش.
۹۸. نجاشی، احمد بن علی، رجال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
۹۹. نجفی، سید محمدباقر، بهائیان، تهران، نشر مشعر، سال ۱۳۸۳ش.
۱۰۰. نجفی، محمد، تاریخ فرق اسلامی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ش.
۱۰۱. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۸ق.
۱۰۲. نراقی، ملا احمد، عوائد الایام، مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه.
۱۰۳. نوری، حسینعلی (بهاء الله)، ایقان، نسخه الکترونیک.
۱۰۴. نوری، عزیزه، تنبیه النائمین، تهران، ازلیان.
۱۰۵. واعظی، احمد، حکومت اسلامی: درسنامه اندیشه سیاسی اسلام، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳ش.